

ویژه نامه

اول ماه مه ۲۰۲۱

یازدهم (۱۱) اردیبهشت ۱۴۰۰

روز همبستگی بین المللی طبقه کارگر!



این روز بر زنان و مردان کارگر - معلمان - بازنشستگان و

تشکلات مستقل طبقاتی فرخنده و پیروز باد!

یادداشت :

در کارخانه
تنها به رای توست که می‌گردد این جهان
در کارخانه
بوی عرق
بوی حضور روشن فرداست.
در کارخانه
هر قطره خون
سیلاب خشم انفجار رهایی است.
در کارخانه
کودک
غنچه‌ی خونینی است
که از برای برگ بال‌های کبودش
گوهر می‌ریزد
در کارخانه
مرد
رنجابه‌های جان و تنش را
به قیمت ارزانی
حراج می‌کند
و زن
- کبود و سرطانی -
در چادر سیاه چرخ‌های ستم
پیر می‌شود
در کارخانه بودن و نبودن حضور دائم دارند
در کارخانه
- اما -
همواره
بوی طلوع آفتاب رهایی می‌آید.
ای کارخانه‌های جهان بشتابید!

اول مه (یازدهم اردیبهشت) روز ماست!
هم اکنون به وضوح نمی‌توانیم شادی کنیم
و نمی‌توانیم در آرامش به سوی هدف‌های نجیب خویش گام برداریم
با این همه، ما خداوند سرنوشت خویشیم، بهاریم، جوانی هستیم، سپیده دمیم!
و نخستین روز مه، روز ماست، از آن ماست!

در هفته‌ها و روزهای اخیر فراخوان‌ها، بیانیه‌ها، اطلاعیه و آفیش‌ها و عکس‌هایی به اعتبار اول ماه مه از پیشینه‌ی مبارزه‌ی کارگری، از جای جای ایران و خارج از کشور، چه به شکل جمعی یا مستقل به دستم رسید؛ بر آن شدم، برای داشتن یک آرشیو از این مجموعه که توازن نیرو و کشاکش اردوی کار و سرمایه‌ی درون کشور ما را در آستانه‌ی اول ماه مه یازدهم (۱۱) اردیبهشت ۱۴۰۰ نشان دهد، آن‌ها را در این ویژه نامه تدوین کنم و یکجا در دسترس عموم قرار دهم.

آنچه پیش روی شماست، مجموعه‌ای از بیانیه، اطلاعیه و قطع‌نامه‌هایی است که به مناسب روز جهانی کارگر ۱۴۰۰ از سوی گروه‌ها و تشکل‌های کارگری، احزاب، سازمان‌ها و دسته‌جات سیاسی و حامیان طبقه‌ی کارگر ایران منتشر شده است.

امیر جواهری لنگرودی
<http://karegari.com>

کارگرانی که با نثار جان خود در راه بهروزی طبقه‌ی کارگر، سنگ بنای جنبش عظیم اول ماه مه را در شیکاگو بنا نهادند!



آگوست اسپایسر، الیوت پارسن، ساموئل فیلمدن، آدولف فیشر، لوئیس کینگ، مایکل شوارتز، جورج انجل و اسکار نیپ.

هشت رهبر کارگری که به خاطر سازماندهی تظاهرات چهارم مه ۱۸۸۶ شیکاگو دستگیر و در دادگاهی نمایشی محاکمه شدند. پنج کارگر مهاجر آلمانی، یک آلمانی تبعه آمریکا و دو آمریکایی. خواسته آنان: کاهش ساعت کار از چهارده ساعت به هشت ساعت کار در روز بود! از این میان پنج نفر به اعدام، دو نفر حبس ابد و یک نفر به پانزده سال زندان محکوم شدند.

بزرگداشت روز اول مه چگونه آغاز شد؟*

رُزَا لُوکزامبورگ: فکر ارزشمند پیشنهاد روزی برای بزرگداشت کارگران، با هدف رسیدن به هشت ساعت کار در روز، نخستین بار در استرالیا مطرح شد. کارگران استرالیا در سال ۱۸۵۶ تصمیم گرفتند که روزی را با هدف تقلیل زمان کار به رسیدن به هشت ساعت در روز سازماندهی کنند، در این روز محل کار خود را ترک و به گردهم آیی و جشن بپردازند. تصمیم گرفته شد که روز ۲۱ آوریل چنین روزی باشد. در آغاز کارگران استرالیایی قصد اختصاص چنین روزی را فقط برای یک سال داشتند. اما همان بزرگداشت نخستین چنان تاثیر عمیقی بر توده‌های کارگر استرالیا گذاشت و پیامدهای مشوقانه و تبلیغاتی فراوانی داشت که تصمیم گرفته شد چنین بزرگداشتی در سال‌های بعد نیز تکرار شود. به راستی چه چیزی می‌توانست مانند دست‌کشیدن داوطلبانه از کار، شجاعت بیشتر و ایمان قویتری را در میان توده‌های طبقه کارگر به وجود آورد؟ چه چیزی می‌توانست به این بردگان دائمی کارخانه و کارگاه، اشتیاق بیشتری را برای همراهی و اتحاد ایجاد کند؟ به همین دلیل به‌زودی اندیشه یک روز برای بزرگداشت کارگران پذیرفته شد، از استرالیا به کشورهای دیگر رفت و سراسر کارگران دنیا را دربرگرفت. اولین کارگرانی که شیوه کارگران استرالیا را اجرا کردند کارگران ایالات متحده آمریکا بودند. در سال ۱۸۸۶ روز اول ماه مه به‌عنوان روز تعطیل کاری اعلام شد. در آن روز ۲۰۰ هزار کارگر دست از کار کشیده و با شرکت در تظاهرات خواستار اعلام هشت ساعت کار در هر روز شدند. پس از آن روز نیز سرکوب حکومت^۱ مانع از آن شد که کارگران بتوانند بار دیگر چنین مراسمی را برگزار نمایند. اما در سال ۱۸۸۸ کارگران مصمم بار دیگر اعلام کردند که در روز اول ماه مه سال بعد چنین بزرگداشتی را برگزار می‌کنند.

در خلال این مدت جنبش کارگری اروپا نیز تکامل یافته و پویاتر شده بود. این جنبش توانسته بود در کنگره بین‌المللی کارگری سال ۱۸۸۹ به نقطه اوج خود برسد. در این کنگره که ۴۰۰ نماینده کارگران را گردهم آورده بود، هشت ساعت کاری در هر روز در اولویت تصمیمات قرار گرفت. لائون، یکی از نمایندگان سندیکای کارگری فرانسه از شهر بوردو، پیشنهاد کرد که برای تحقق این خواسته، روزی به‌عنوان روز تعطیل عمومی کارگران اعلام شود. در پی این پیشنهاد، نمایندگان کارگران ایالات متحده آمریکا گفتند رفقای آنان تصمیم گرفته‌اند که روز اول ماه مه را به‌عنوان چنین روزی اعلام کنند، کنگره نیز تصمیم گرفت که این روز را به‌عنوان روز تعطیل عمومی کارگری اعلام نماید. در واقع این بار نیز، مانند ۳۰ سال پیش از آن در استرالیا، خواست کارگران عملاً مختص به یک دوره بود. تصمیم کنگره آن بود که کارگران تمامی جهان روز اول ماه مه ۱۸۹۰ برای مطالبه هشت ساعت کار روزانه، دست از کار کشیده و تظاهرات کنند و بنا نبود که این عمل در سال‌های بعد نیز تکرار گردد. پیش‌بینی نمی‌شد که این پیشنهاد چه‌قدر موفق خواهد شد و بین کارگران جهان مقبولیت می‌یابد؛ اما کافی بود که بزرگداشت روز اول ماه مه یک بار در سال ۱۸۹۰ برگزار شود تا همه به این جمع‌بندی برسند که این بزرگداشت باید سالانه و همیشگی باشد. روز اول ماه مه نخست به دلیل مطالبه هشت ساعت کار روزانه بود؛ اما کارگران پس از دستیابی به این خواسته نیز دست از بزرگداشت این روز نخواستند کشید. تا زمانی که مبارزه کارگران علیه سرمایه‌داری و دولت‌های نماینده آن ادامه دارد، تا زمانی که خواسته‌هایی از کارگران باقی است که باید به تحقق درآیند، بزرگداشت این روز در هر سال، مطالبه این خواسته‌ها خواهد بود. اما حتی زمانی که دوران بهتری فرارسد و طبقه کارگر در تمامی جهان به آزادی خود دست یافته باشد، حتی در آن زمان هم بدون شک بشریت به یاد مبارزات و جانبازی‌های گذشته، به بزرگداشت روز اول ماه مه خواهد پرداخت.

یادداشت‌ها:

* این مقاله برای اولین بار در نشریه لهستانی زبان اسپراوا رابورت نیژا (زمینه کار) در فوریه ۱۸۹۴ در پاریس منتشر شد. (۱) اعتصابات برای دستیابی به هشت ساعت کار در روز، حتی پس از اول ماه مه ۱۸۸۸، ادامه داشت. در برخی از شهرها - به خصوص در شیکاگو - نیروهای پلیس با کارگران درگیر شدند. روز چهارم ماه مه کارگران شیکاگو تظاهراتی اعتراضی را سازمان دادند. در خلال این تظاهرات اخلاگران بمبی را به طرف یک گشتی پلیس پرتاب کردند. که در نتیجه با ایجاد درگیری ۷ پلیس و دستکم ۴ کارگر کشته شدند. اندکی بعد به بهانه پرتاب آن بمب، رهبران جنبش کارگری دستگیر و چهار تن از آنان به نام‌های آگوست اسپایس (August Spies)، آدولف فیشر (Adolph Fischer)، آلبرت پارسون (Albert Parsons) و جورج اینگل (George Engel) بدون هیچ مدرکی نقش آن‌ها در پرتاب بمب و ایجاد درگیری، به مرگ محکوم شده و در ۱۱ نوامبر ۱۸۸۷ به دار کشیده شدند. هفت سال پس از اعدام آنها مقامات دولتی ایالات متحده آمریکا اعلام داشتند که در این زمینه خطایی حقوقی صورت گرفته است!

بیانیه مشترک پانزده تشکل شامل: سندیکاها و دیگر تشکلات مستقل کارگری، کانون های صنفی معلمان، تشکلات مستقل بازنشستگان و تشکلات مدافع حقوق زنان به مناسبت اول ماه مه (یازده اردیبهشت)، روز جهانی کارگر



گرامی باد "اول ماه مه" (یازده اردیبهشت)، روز همبستگی بین المللی کارگران جهان!

امسال هم در حالی به استقبال "اول ماه مه" روز همبستگی بین المللی طبقه ی کارگر می رویم که بحران جهانی سلامت، زندگی کارگران را تحت الشعاع قرار داده است.

واگیری جهانی کرونا (کوید-۱۹) همراه با بحران اقتصادی، کارگران و مزدبگیران و کسبه خرد را در تنگنا قرار داده است. در ایران بر اثر بی قابلیت و ناکارآمدی حاکمیت و دولت، این وضعیت وخیم تر از گذشته و هر جای دیگری شده است.

فقدان سیاست های کارآمد بهداشتی و عدم اعمال قرنطینه های لازم، همراه با تامین هزینه های زندگی مردم، از سوی دولت، بحران معیشتی فرودستان را دامن زده است. با وجود آن که کارگران و زحمت کشان به درستی خواست اجرای واکسیناسیون فوری، رایگان و عمومی را فریاد می زنند و بر آن اصرار می ورزند، فرادستان و قدرت مداران در تامین واکسن کوتاهی آگاهانه و عامدانه ای دارند و می کوشند با بحران آفرینی ها، منافع گروه های خاصی از بدنه حاکمیت را تامین کنند. اصرار بر ساخت واکسن داخلی و واگذاری تامین واکسن به بخش خصوصی در این راستاست.

این مسئله به نوبه خود، بخش های وسیعی از جمعیت، به ویژه اقشار متوسط جامعه را در فقر روز افزونی گرفتار کرده و تعداد هر دم فزاینده ای از آنان را حاشیه نشین کرده است. در این میان وضع زنان کارگر و زحمت کش، از همه اسفبارتر است. بنا بر آمارهای موجود، در ادامه ی موج افزایش بیکاری ها و اخراج ها، به

بهانه پاندمی کرونا، ۷۰ درصد زنان کارگر اخراج و از کار بیکار شده‌اند. در بحث معیشت نیز، این بی‌ثباتی و روند فقیرسازی سیستماتیک مزدبگیران، با تبعیض حداکثری، بیش از همه، خود را در وضعیت معیشتی زنان نمایان کرده است که حق اشتغال پایین، قرار گرفتن در صف نخست اخراج و بیکارسازی و منزوی شدن زنان کارگر، از تبعات آن بوده، که به نوبه خود، زخم بزرگ دیگری را بر پیکر طبقه‌ی کارگر ایران وارد کرده است. در این میان وضع زنان کارگر خانگی که ممر درآمد خود را از دست داده‌اند از همه بدتر می‌باشد. هم تبعیض جنسیتی و هم بیکاری و ورشکستگی، فشار مضاعفی را بر این بخش از نیروی کار ایران وارد کرده است.

با اینهمه کارگران ایران و متحدانش در سال گذشته، مبارزه‌ی خستگی‌ناپذیر و پیگیری را در شرایطی که توازن قوا حاکم به نفع‌شان نبوده و فعالین کارگری و دیگر جنبش‌های اجتماعی زیر سرکوب چند لایه و نظام‌مندی قرار داشتند، به پیش برده‌اند. کارگران و حقوق‌بگیران در بخش‌های مختلف اقتصاد از صنعت بزرگ همچون پتروشیمی، هپکو، آذراب، نیشکر هفت‌تپه، شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، فولاد خوزستان و ... تا معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و زنان به اشکال و طرق مختلف مبارزات خود را به پیش برده و مخالفت خود را با سیاست‌های خشن و نئولیبرالی دولت و حاکمیت نشان داده‌اند که در این میان می‌توان بطور ویژه از مبارزات خستگی‌ناپذیر کارگران هفت‌تپه یاد کرد که مسائل مهم و پایه‌ای چون خصوصی‌سازی، اختلاس‌های بزرگ سهامداران و صاحبان اصلی هفت‌تپه را در سطح جامعه مطرح کرده و در مقابل، از نقش کارگر در تصمیم‌گیری‌ها و اداره شورائی سخن گفته‌اند. مبارزاتی که از جانب هم طبقه‌ای‌های آنان در اقصا نقاط جهان مورد حمایت قرار گرفته است. تا آن جا که بارها شاهد بیانیه‌ها و کمپین‌های حمایتی از جانب کارگران، سندیکاها و اتحادیه‌های بزرگ کارگری در نقاط دور و نزدیک جهان بوده‌ایم.

در برابر این همبستگی‌های ملی و بین‌المللی، گرایش‌های طرفدار سرمایه‌داری، انواع و اقسام طرح‌ها و آلترناتیوهای خروج از بحران را یکی بعد از دیگری پیشنهاد کرده و می‌کنند. هر روز ترفندی تازه ارائه می‌شود. اما کارگران ایران به تجربه دریافته‌اند که:

- راه چاره‌ی این مشکلات و رهایی از این وضعیت نمی‌تواند از جانب کسانی که خود در ایجاد آن‌ها نقش اصلی را تحت این یا آن نام ایفا کرده و می‌کنند مطرح شود. کارگران دیگر فریب دروغ‌ها و از جمله وعده و وعیده‌های انتخاباتی را که هر چند سال یک‌بار تکرار می‌شود نمی‌خورند.

- راه چاره، همچنین از دل بستن به قدرت‌های بزرگ جهانی (از هر رنگ و قماش‌ی که باشند) و سیاست‌بازی میان آن‌ها نیز به دست نمی‌آید. چنین دلبستگی‌هایی به قدرت‌هایی در جغرافیای سیاسی - چه جهانی و چه منطقه‌ای - در واقع گروگذاری و بخشیدن پیشاپیش دسترنج توده‌های زحمتکش و جاده صاف‌کنی برای سلطه‌گران جهت بهره‌برداری از منابع کشور و همین‌طور نفوذ تعیین‌کننده بیگانگان در تصمیم‌گیری‌های کلان اقتصادی، سیاسی و سوق‌الجیشی است.

مسئله‌ی قدرت‌های سلطه‌گر جهانی، هیچگاه، حفاظت از منافع طبقه‌ی کارگر و توده‌های زحمت‌کش در هیچ نقطه از جهان نبوده و نیست. راه چاره در ایران، مانند مبارزه‌ی طبقاتی در دیگر نقاط جهان، تنها از اتحاد و همبستگی طبقاتی میان خود کارگران و پیوند و همکاری مبارزاتی آن‌ها با دیگر زحمت‌کشان شهر و روستا حاصل می‌شود. کارگران و حقوق‌بگیران ایران بایستی با تشکیل و حفظ صفوف مستقل خود، اجازه سوءاستفاده به نیروهای غیرکارگری و طرح‌های فریبکارانه و پرطمطراق آن‌ها، در دفاع از سرمایه‌داری - که هیچ نشانی از عدالت اجتماعی و پذیرش نقش کارگران در مدیریت جامعه ندارند را - ندهند.

واقعیت این است که ما کارگران در شرایط کنونی با مشکل پراکندگی مواجه هستیم و این مسئله خود هشدار است که علی‌رغم ادامه کاری و از خودگذشتگی در مبارزه و علی‌رغم اعلام همبستگی و همدلی آشکار و واقعی میان فعالان جنبش‌های اجتماعی، بدون یک همکاری جدی و سازمان‌یافته و سراسری در

میان تمامی کارگران و زحمت‌کشان، قادر به مقابله با سیاست‌های ضدکارگری و تغییر شرایط موجود نخواهیم بود.

بارها تجربه کرده‌ایم که چگونه در نبود سازمان‌ها و نمایندگان مستقل کارگری باز هم مسئله تعیین حقوق حداقل به مضحک‌های تکراری و ملال‌آور تبدیل شده است. در شرایطی که خط فقر برای یک خانوار ایرانی ساکن شهرهای بزرگ، باید حداقل ۱۲ میلیون تومان باشد و حتی تشکیلات وابسته و حکومتی چون خانه کارگر از ۸ تا ۹ میلیون سخن می‌گویند، از پذیرش هزینه‌ی سبد خانوار برآورد شده‌ی هشت میلیون و دویست هزار تومانی سر باز زد و حتی به ناله‌ها و ضجه‌های نمایندگان تشکل‌های مورد قبول و وابسته هم توجهی نکرد.

اکنون فقدان تشکیلات درون واحدهای کار و تشکیلات منطقه‌ای و سراسری کارگران با شدتی بیش‌تر از پیش، خود را نمایان ساخته و مبارزه‌ی خستگی‌ناپذیری را برای ایجاد آن‌ها را می‌طلبد.

بدون چنین تشکیلات منسجم و سراسری، تاثیرات حضور و مبارزه‌ی کارگران خیلی چشم‌گیر نبوده و نتایج کار، حداقلی، بی‌پشتوانه و شکننده خواهد بود.

در شرایط موجود، ایجاد یک شورای همکاری میان بخش‌های مختلف کارگران، کارمندان و مزدبگیران، معلمان، بازنشستگان، زنان، دانشجویان و بیکاران، بیش از پیش ضرورت دارد. این امر نه وظیفه‌ای در میان وظائف دیگر، بلکه حلقه اصلی کار سازمان‌دهی در جامعه و در بین کارگران و زحمت‌کشان است. بدون هماهنگی و رفتن به سوی ایجاد نهادهای همکاری و سراسری برای هدایت مشترک جنبش‌های مطالباتی، قدرت این حرکات شجاعانه و پیگیر اعتراضی - مطالباتی به هدر می‌رود و راه برای سرکوب آن‌ها هموارتر می‌شود. تلاش برای همگرایی میان مبارزات پراکنده و گسترش همبستگی این مبارزات در سال پیش‌رو، ضرورتی فوری و حیاتی خواهد بود.

اعتصاب، ایجاد تشکل‌های آزاد و مستقل کارگری، حق مسلم کارگران ایران است!

رهائی کارگران تنها به دست خود کارگران ممکن خواهد شد!

۶ اردیبهشت ۱۴۰۰

۱- سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۲- سندیکای کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه

۳- کانون صنفی فرهنگیان اسلامشهر

۴- کانون صنفی فرهنگیان گیلان

۵- انجمن صنفی معلمان مریوان-کردستان

۶- کانون صنفی فرهنگیان الیگودرز

۷- انجمن صنفی معلمان کردستان / سقز و زیویه

۸- گروه فعالان زنان "بیدارزنی"

۹- اتحاد بازنشستگان

۱۰- شورای بازنشستگان ایران

۱۱- اتحاد سراسری بازنشستگان ایران

۱۲- گروه اتحاد بازنشستگان

۱۳- کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

۱۴- کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های کارگری

۱۵- کانون گفتگوی بازنشستگان تامین اجتماعی

=====

قطعنامه ی تجمع اعتراضی تشکل‌های مستقل کارگران، بازنشستگان، معلمان، برای افزایش مزد حداقل ۱۴۰۰

گسترش و ادامه مبارزه برای افزایش مزد سال ۱۴۰۰ ضرورت پافشاری بر خواست فوری و مبرمی است که حق حیات کارگران، بازنشستگان، معلمان، پرستاران و همه زحمتکشان شاغل و بیکار به آن وابسته است. ما در هر فرصتی در طول سال نارضایتی عمیق خود را از حداقل مزد مصوب اعلام کرده و می‌کنیم.

دهها سال است که شورای عالی کار به عنوان مرجع رسمی تعیین حداقل دستمزد، در آخرین روزهای پایانی هر سال، حداقل مزدی را تصویب می‌کند که معنای دیگری جز ارائه شاخص واقعی فقر و خالی‌تر شدن سفره‌ی خانوارهای کارگری ندارد. از نظر ما شورای عالی کار بنا به ساختار نابرابر و غیر دموکراتیک آن و به عنوان نهاد دست ساز دولتی، مرجع ظالمانه‌ای برای محاسبه و تعیین مزد حداقل طبقه کارگر ایران است.

در آستانه تعیین مزد سال ۱۴۰۰ ما کارگران شاغل و امضا کنندگان بیانیه مشترک مورخ ۲۶ بهمن ماه ۱۳۹۹ بار دیگر اعلام می‌کنیم: به علت تورم افسار گسیخته حاکم و عقب ماندگی مزمن چند ده ساله مزدها و افزایش شکاف بین مزد و هزینه زندگی، حداقل مزد در سال آینده نمی‌تواند از ۱۲ میلیون و پانصد هزار تومان در ماه کمتر باشد.

ما به کالایی شدن بهداشت و درمان و آموزش که در نتیجه‌ی خصوصی‌سازی آموزش و بهداشت، که موجبات افزایش ناامنی شغلی، تشدید بهره‌کشی و مزد ظالمانه را نیز برای پرستاران و معلمان به ارمغان آورده است، معترضیم. ما اعلام می‌کنیم که به تهاجم مستمر به سطح معیشت و حق زندگی مان، به برقراری به رژیم گرسنگی تحمیلی ناشی از سرکوب مزدها و تعمیق آن با توجه به رشد تورم فزاینده در طول سال و کاهش هرچه بیشتر قدرت خرید کارگران که به معادله نان در ازای جان برای زحمتکشان می‌انجامد اعتراض داریم.

ما براین باوریم که با اتحاد و همبستگی طبقاتی و اعمال اراده جمعی خود از راه ایجاد و گسترش سازمان‌های مستقل کارگری می‌توانیم بر نظام ظالمانه مزدی پایان دهیم. همان‌گونه که کارفرمایان و دولت سرمایه داری جز به منافع خود در تعیین دستمزدها نمی‌اندیشند، کارگران نیز باید به نیروی همبسته و اراده‌ی سازمان یافته و تنها قدرت طبقاتی خود متکی باشند!

ما از همه کارگران، بازنشستگان و همه نیروهای مدافع طبقه کارگر و همه زحمتکشان دعوت می‌کنیم:
۱- به خواست‌های بحق خود، از جمله مزد حداقل سال آینده، به صورت جمعی و متشکل، پیگیرانه پافشاری کنند.

- ۲- با ایجاد تشکل‌های کارگری و انتخاب نمایندگان واقعی به مذاکرات یکجانبه دولتی در چارچوب سازوکار شورای عالی کار و کمیته مزد ذیل آن پایان دهند.
- ۳- هرگونه شیوه تعیین مزد از جمله مزد منطقه‌ای، توافقی و یا هر ترفند سرکوب مزدی دیگر از اساس باطل و ضد کارگری است و انزجار خود را از این شیوه‌های سرکوب مزدی اعلام دارند.
- ۴- برای مزد مساوی برای کار مساوی، برای الغای هرگونه تبعیض و دیرکرد در پرداخت مزد و برچیدن شرکت‌های پیمانی تامین نیروی انسانی و انواع قراردادهای ظالمانه و تبعیض آمیزی که امکان بیشتر سرکوب مزدی را فراهم می‌سازد متحدانه مبارزه کنند.
- ۵- تامین حداقل معیشت مناسب برای بیکاران و افراد جویای کار و اشتغال‌زایی از وظایف دولت‌هاست. برای کسب این حقوق انسانی مبارزه کنند.
- ۶- به اعتراض و مقاومت جمعی در مقابل سرکوب‌ها و حق‌کشی‌ها و تعقیب و آزار کارگران و فعالان کارگری، دانشجویان و بازنشستگان و برای توقف کامل تعقیب‌های قضائی و تهدیدها و تضيیقات مختلف علیه این فعالان که هدفی جز تلاش برای بهبود سطح زندگی کارگران و زحمتکشان ندارند، ادامه دهند.
- ۷- برای پایان دادن به خصوصی‌سازی‌ها که به زیان همگانی مردم است و نتیجه‌ای جز از بین رفتن منابع عمومی و فسادپروری و اختلاس بیار نیاورده است، اعتراض کنند.
- ۸- حق اعتراض از راه اعتصاب، تجمع، راهپیمایی و حق ایجاد تشکل‌های مستقل جزء حقوق مسلم همه نیروهای اجتماعی بویژه کارگران است. دستیابی به خواست افزایش مزد و مطالبات فوری و دراز مدت، در گروی برخورداری از همین حقوق است، از این حقوق برای بهبود شرایط کار و زندگی خویش استفاده کنند.

۱۷ اسفند ۱۳۹۹

- ۱- سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
- ۲- سندیکای کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه
- ۳- کانون صنفی معلمان اسلامشهر
- ۴- گروه اتحاد بازنشستگان
- ۵- کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری
- ۶- اتحاد بازنشستگان
- ۷- شورای بازنشستگان ایران
- ۸- اتحاد سراسری بازنشستگان ایران
- ۹- کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های کارگری
- ۱۰- کانون گفتگوی بازنشستگان تامین اجتماعی

روز جهانی کارگر

گرامی باد "اول ماه مه" (یازده اردیبهشت)، روز همبستگی بین‌المللی کارگران جهان!
 زنده باد اتحاد، زنده باد اعتصاب سراسری کارگران
 #اتحاد_اعتصاب

#نان_کار_آزادی_شادی_رفاه_آبادی #نابود_باد_استثمار_و_کار_مزدی

زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران بر علیه ستم و استثمار

[@Sandika7tapeh](http://Sandika7tapeh)



قطعنامه تشکل های مستقل کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، زنان و مراکز کارگری به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر - سال ۱۴۰۰

امسال ما کارگران و معلمان و بازنشستگان و همه حقوق بگیران زحمتکش در حالی به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر، کیفر خواست خود را در برابر ستمگران قرار میدهیم که مرگ و وحشت ناشی از ویروس کرونا و مصائب بی شمار و لاینحل اقتصادی و معیشتی و نبود کوچترین روزنه ای برای بهبود شرایط موجود و بی تفاوتی حکومتگران در برابر این وضعیت جهنمی، چنان سایه خود را بر بالای سر هست و نیست میلیونها انسان در سراسر کشور گسترانیده است که برای ما کارگران و معلمان و بازنشستگان و دیگر توده های زحمتکش و رنج دیده مردم ایران چاره ای جز در هم شکستن این وضعیت به نیروی متحد و سراسری اعتراضات مان باقی نگذاشته است .



در این بین آن چیزی که ما شاهد و ناظر آن هستیم نه تنها بی تفاوتی حکومتگران در برابر شرایط موجود، بلکه تلاش مستیدانه آنان برای حفظ و بقایشان بر سریر قدرت و رقابت بر سر آن، و بند و بست با قدرتهای بزرگ جهانی و رقیب، به هر قیمتی است.

در یک کلام، آن چیزی که امروز بر ما مردم ایران و پس از گذشت نزدیک به ۴۳ سال پس از انقلاب ۵۷ تحمیل شده است چیزی جز خیانت و تبدیل جامعه ای بزرگ با دارا بودن خیره کننده ترین ثروتهای زیرزمینی و منابع انسانی به زمینی سوخته از سوی اقلیتی ستمگر نیست.

به همین دلیل هم است که برای ما، اول ماه مه روز جهانی کارگر و روز معلم و دیگر روزهای تاریخی دیگر نمیتواند صرفا گرامیداشت چنین ایام ستودنی و یا اعلام کیفرخواست مان در برابر ستمگران باشد.

ما برده نیستیم و تن به تداوم این وضعیت نخواهیم داد .

حکومتگرانی که از طریق سرکوب و ساز و کارهای حاکمیتی بر بالای سر مردم به غارت و چپاول ثروتهای اجتماعی و استثمار گسترده کارگران و حقوق بگیران بر بستر مناسبات کار مزدی مشغول هستند باید بدانند که نیروی متحد کارگران و دیگر مزدبگیران زحمتکش در مقابل شرایط موجود با قدرت خواهد ایستاد.

از اینرو، ما کارگران و تشکلهای صنفی و مدنی امضا کننده این قطعنامه با هشدار به حکومتگران برای پایان دادن به شرایط موجود که بطور غیر قابل انکاری در تمامی ارکان زندگی اقتصادی و سیاسی اجتماعی کشور به کلافی سر در گم و بن بستنی لاعلاج بدل شده و جامعه ای هشتاد میلیونی را در فرایند فروپاشی و اضمحلال قرار داده است ضمن تاکید بر سازماندهی عاجلانه اعتراضات سراسری و متحدانه، خواستههای حداقلی خود را برای شکل دهی به جامعه ای نوین و مبتنی بر تضمین پایه ای ترین حقوق انسانی به شرح زیر اعلام میداریم:

۱- افزایش فوری حداقل حقوق کارگران، معلمان و دیگر مزدبگیران شاغل و بازنشسته به بالای ۱۲ میلیون تومان در ماه و پرداخت بیمه بیکاری به کارگران و جوانان آماده به کار به میزان حداقل مزد، دستمزد

کارگران و دیگر مزدبگیران زحمتکش باید توسط خود آنان تعیین و نهاد دولتی - کارفرمایی "شورای عالی کار" باید منحل گردد.

۲ - واکسیناسیون کرونا باید فوراً و به صورت رایگان و همگانی انجام گیرد. مراکز کاری از جمله کارخانه ها و کارگاه ها، ادارات و سایر محیط ها در دوره های افزایش شیوع بیماری تعطیل شده و حقوق این ایام و بیمه بیکاری به تمام کارگران و کارمندان پرداخت گردد. همچنین تمامی زندانیان می بایست تا پایان دوران بحران کرونا یا آزاد گردند و یا به مرخصی فرستاده شوند.

۳ - پایان دادن به امنیتی کردن اعتراضات سیاسی، صنفی و مدنی، لغو مجازات اعدام و شلاق، لغو کلیه احکام صادره علیه فعالان کارگری، معلمان و دیگر جنبش های آزادی خواه و برابری طلب و آزادی بی قید و شرط همه کارگران، معلمان و فعالان سیاسی و اجتماعی در بند.

۴ - آزادی بی قید و شرط ایجاد تشکل های مستقل، اعتصاب، اعتراض، راهپیمائی، تجمع، اندیشه و بیان، احزاب و مطبوعات.

۵ - پرداخت فوری مطالبات معوق کارگران، بازنشستگان، معلمان و کارمندان بخش خصوصی و دولتی همراه با خسارت دیر کرد و تصویب قانونی برای جرم انگاری عدم پرداخت حقوق و مزایا.

۶ - تامین امنیت شغلی و توقف اخراج سازی ها، پایان دادن به هر نوع استخدام غیر مستقیم و غیر رسمی، برچیده شدن قراردادهای موقت و شرکت های تامین نیروی انسانی و پیمانکاری، لغو قوانین مناطق آزاد تجاری و ویژه اقتصادی و عدم افزایش مبلغ بیمه کارگران ساختمانی.

۷ - قطع دست دولت از صندوق های بازنشستگی، سپردن اختیار صندوق سازمان تامین اجتماعی و دیگر صندوق های بازنشستگی به هیات امنایی از نماینده های منتخب اعضا، محاکمه غارتگران صندوق های بازنشستگی و جبران خسارت های وارده به اعضا، الغای فروش سهام شرکتهای تابعه تامین اجتماعی (شستا).

۸ - غارت و چپاول منابع عمومی و تخریب محیط زیست توسط باندهای مافیایی وابسته به مراکز قدرت باید فوراً متوقف شود. به کلیه طرح های ضد محیط زیستی از جمله تخریب جنگل ها، کوه خواری، تجاوز به حریم دریا توسط ارگان های نظامی و دولتی و هرگونه طرح غیر کارشناسی انتقال آب به فلات مرکزی که به بهانه تامین آب شرب اما برای تامین آب مصرفی مورد نیاز کارخانجات فولادی متعلق به نهادهای قدرت و مافیایی فولاد است باید فوراً پایان داده شود.

۹ - ممنوعیت کار کودکان و فراهم کردن امکانات زندگی و تحصیل رایگان با بالاترین استانداردهای آموزشی برای همه آنان فارغ از تعلق خانوادگی، جنسیت، قومیت و مذهب.

۱۰ - استخدام های غیر رسمی و پیمانی از قبیل حق التدریس در آموزش و پرورش و آموزش عالی کشور باید ممنوع و به استخدام رسمی تبدیل گردد، دانشگاهها و مدارس خصوصی و غیرانتفاعی برچیده شوند و آموزش و پرورش و آموزش عالی کشور مطابق با بالاترین استانداردهای جهانی تجهیز و سازماندهی گردند و تحصیل تا بالاترین مدارج آن رایگان باشد.

۱۱ - قانون مشاغل سخت و زیان آور باید پرستاران را نیز در بر بگیرد و تمامی محیط های کار با بالاترین استانداردهای ایمنی تجهیز گردند.

۱۲ - برچیده شدن حجاب اجباری و تمامی قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان، برابری کامل و بی قید و شرط حقوق زنان و مردان در تمامی عرصه های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی.

۱۳- به رسمیت شناخته شدن حق شهروندی برای مهاجرین افغانستانی و دیگر مهاجران و منع هرگونه اعمال تبعیض آمیز علیه آنان.

۱۴- اول ماه مه روز جهانی کارگر باید تعطیل رسمی اعلام و هر گونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم این روز ملغی شود.

امضا کنندگان به ترتیب حروف الفبا:

اتحادیه آزاد کارگران ایران

انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه

انجمن صنفی معلمان کردستان - مریوان

تشکل مستقل دانشجویان پیشرو دانشگاه اصفهان

سندیکای نقاشان استان البرز

شورای کارگری بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی (بستا)

کارگران غیر رسمی نفت

کارگران مستقل گروه ملی صنعتی فولاد ایران (اهواز)

کانون انجمن های صنفی کارگران ساختمانی استان کردستان

کانون صنفی فرهنگیان الیگودرز

کانون صنفی فرهنگیان گیلان

کانون مدافعان حقوق کارگر

ندای زنان ایران

=====

به مناسبت اول ماه مه (روز کارگر) - از روز جهانی زن تا روز معلم. زنان آرزو

درچنان اوضاع آشفته و ویرانی به پیشواز روز کارگرو معلم می‌رویم که هر روز جان های عزیزبیشماری، قربانی به ظاهر ویروسی وحشی ودرواقع قربانی بی‌تدبیری مسئولانی می‌شوند که سودایی جز قدرت و ثروت ندارند.

مروری کوتاه بر آنچه که از روز زن (هشت مارس) تا روز کارگر (اول ماه مه) و روز معلم (۱۲ اردیبهشت) بر مردم این دیار رفته، نشان از بی‌پناهی فرودستانی دارد که فقط در تلاش برای زنده ماندن‌اند. تعیین حداقل حقوقی چندین برابر زیر خط فقر در میانه‌ی توری به عنان گسیختگی ویروس کرونا، زندگی را بیش از پیش برای مردم دشوار کرده، عدم تهیه‌ی واکسن، اعلام پولی شدن و واگذاری ورود واکسن به سه شرکت بخش خصوصی بی‌نام و نشان، انجام ندادن اقدامات پیشگیرانه جدی و موثر برای جلوگیری از اوج مجدد همه گیری ... همه و همه حکایت از کیسه‌های گشادی دارد که قرار است از قبل این فاجعه‌ی انسانی پر شوند و بهای آن را نیروی کار زحمتکش بخش درمان (پرستاران، بهیاران، کمک بهیاران، پزشکان، کارگران خدماتی بیمارستان‌ها) و سایر زحمتکشانی بپردازند که با مایه گذاشتن از جان خود، با دستمزدهای بسیار کم

که گاه تا ماه‌ها به تعویق می‌افتد، مشغول کارند. البته اگر جزو آن بخشی باشند که به اصطلاح «خوش‌شانساند» و کاری دارند! چه زمانه‌ای که استثمار شدن رویای بسیاری شده است!

این فاجعه‌ی انسانی، بیکاری گسترده و نداشتن امنیت شغلی و معاشی درخور، برای طیف وسیعی از کارگران از جمله کارگران بخش غیررسمی و واحدهای کوچک خدماتی و تولیدی ابعاد پنهان و آشکار دیگری نیز دارد:

- ترک تحصیل اجباری هزاران کودکی که قرار است تحصیل برایشان اجباری باشد، به خاطر فقر مطلق حاکم در نواحی دور افتاده، روستاها و شهرهای کوچک و حتا بزرگ، نبود امکانات کافی برای حضور در کلاس‌های آن‌لاین، بی‌کیفیت و بی‌خاصیت بودن اپلیکیشن‌های مورد تایید آموزش و پرورش که حتا با تلاش مضاعف معلمان دلسوزشان نیز قابل استفاده نیست و تنها فشار کاری بسیاری بر معلمان تحمیل می‌کند.

- افزایش میزان خودکشی‌های ناشی از استیصال و ناتوانی، که نمونه‌ای از آن ثبت بیش از هشتاد مورد خودکشی در یک روز در تهران، خودکشی نوجوانان و کودکان و... است.

- افزایش خشونت و فشار کار بر زنان خانه‌دار، زنانی که بازتولید نیروی کار را به رایگان انجام می‌دهند، آنان که مجبورند با اندک دستمزد نامنظم همسرانشان، چرخ زندگی را بچرخانند، بخشی از بار آموزش مجازی فرزندانشان را بر عهده بگیرند و تیماردار همسرانی خسته و عصبی باشند که تمامی خشم خود از زمانه را با مشت حواله بدن نحیف آنان می‌کنند.

- رواج کودک همسری بیش از پیش. هزاران دختر بچه و نوجوان که پدرانشان کاری ندارند که دستمزدی داشته باشند تا ابتدایی‌ترین نیازهای آنان را برآورده کنند، لباس و غذای مناسب، گوشی و لوازم التحریر و... برای کم کردن یک نان‌خور و احیانا گرفتن پولی و شیربهای و یا از آن بدتر برای گرفتن وام ازدواج تا به زخمی از زخم‌های زندگی‌شان بزنند، دختران خود را در واقع می‌فروشند.

- افزایش دزدی، قاچاق، اعتیاد، تن‌فروشی و... در بین زنان و مردان در تمامی رده‌های سنی، که یکی از نتایج فاجعه‌بار فقر، بیکاری و زندگی‌های بی‌چشم‌انداز است.

- و....

بدیهی است حاکمانی که خود عامل تمامی این مشکلاتند، نه خواست و نه اراده‌ی پاسخگویی به مشکلات و مسائل مردم و مملکت را دارند و تمام تلاششان تحمیق و فریب مردم و یا سرکوب آنان، در جهت حفظ خود باشد: روزی با بستن قراردادهای بی‌درو پیکر و بی‌سرانجام با ابرسرمایه‌داران شرق، روزی با تلاش برای بازگرداندن تباری برجام با ابرسرمایه‌داران غرب، تلاش مداوم برای فریب مردم از طریق کشاندن آنان به پای صندوق‌های رای، ایجاد تشکل‌ها و سازمان‌های موازی و ضدمردمی برای منحرف کردن مبارزات مردم... و «راه حل» نهایی: تدارک برای فراهم آوردن امکانات سرکوب و بگیر و ببند. روانه کردن هر روزه‌ی خیل گسترده‌ای از نیروهای انتظامی برای سرکوب بازنشستگان، کارگران، معلمان، پرستاران، کشاورزان، زنان، دانشجویان، فعالین محیط زیست، دادخواهان، اقلیت‌ها و ملیت‌ها، تا غارت شدگان بورس و خودرو و کسانی که برای عزیزان خود در بدر به دنبال دارو هستند؛ اقشار و طبقاتی که چشم اندازی جز گرسنگی، استیصال، ستم و تبعیض روزافزون ندارند و در بلند کردن فریاد حق‌خواهی خود، خطر ابتلای به کرونا را به جان می‌خرند و هر روز جان برکف در خیابان‌ها دست به اعتراض می‌زنند. آن‌هم در مقابله با نظامی که برای «حل» مشکلات آن‌ها به جز تحمیق و فریب، دستگیری، احضار، به بند کشیدن، شکنجه و شلاق و اعدام «راه حلی» ندارد، «راه‌حلی‌هایی» که تمامی این سال‌ها در مقابل خواست‌های مردم به کار برده است. اما و به‌رغم فریبکاری و سرکوب گسترده و شدید اعتراضات، نه تنها هیچ صدا و فریادی فروکش نکرده که فریادها روز به روز بلندتر و فراگیرتر می‌شود. در وحشت همین فریادهای گسترده و

روزافزون است که چه حاکمیت داخلی و چه جناح‌های وابسته به سرمایه‌ی جهانی در ترس از دست رفتن نظام حاکم و منافعشان، برای حفظ آن به تکاپو افتاده‌اند.

این سه روز (روز جهانی زن، روز کارگر و روز معلم) که نماد مبارزه‌ی بی‌امانِ ستم دیدگان و بی‌چیزشدگان برای زندگی بهتر است، به ما یادآوری می‌کند که اگر همچنان استوار بایستیم، بی‌هراس از سرکوب و بگیر و ببند، سیلی خواهیم شد که نه فقط قدرت جابه‌جا کردن وزیر و وکیل را خواهیم داشت* که بنیان هر چه ظلم است درهم خواهیم پیچید.

*اشاره به اعتراضات معلمان در سال ۱۳۴۰ است که به تعویض وزیر آموزش و پرورش منجر شد.

(زنان آرزو (آورد رهایی زنان و مردان

اردیبهشت ۱۴۰۰

[@bidarzani](https://www.instagram.com/bidarzani)

=====

گرامی باد یک مه روز جهانی کارگر، فعال کارگری سندیکای، علی نجاتی

رفقای کارگر، اول ماه مه، روز جهانی ما کارگران، روز همبستگی و اتحاد طبقاتی ما است.

ضمن تبریک روز جهانی کارگر به همه کارگران ایران و جهان، این روز برای طبقه ی ما، روز اعتراض و اعلام خواسته کارگران و مزد بگیران برای رهایی از این شرایط اسفناک، تبعیض آمیز و استثمارگرانه در کل جامعه است.



ما در روز جهانی کارگر با صدای رسا اعلام می‌کنیم که تنها طبقه کارگر است که میتواند در مقابل تمامی سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی که ضد انسان و انسانیت است مقابله کند و آلترناتیو طبقه کارگر، تنها آلترناتیو ی است که می‌تواند نوید دهنده رهایی از تبعیض، نابرابری و استثمار انسان از انسان باشد.

در این روز طبقه ما، طبقه کارگر در سراسر جهان قدرت عظیم خود را در مقابل دولتمردان، صاحبان سرمایه و خریداران نیروی کار که از کار و تولید ما سودهای کلان را به جیب می‌زنند و اموال عمومی را برای منافع شخصی، به مالکیت خصوصی در آورده‌اند، گرد هم می‌آییم تا بر علیه ستم و استثمار، تبعیض و نابرابری، فقر و بی‌خانمانی، بیکاری و تمامی مناسبات ظالمانه اعلام کنیم که این دنیای وارونه باید زیر و رو شود و روی پاهای خود بایستند تا زندگی شایسته‌ای را برای تمامی افراد جامعه فارغ از رنگ و نژاد، مذهب و ملیت و جنسیت، رقم بزنند.

طبقه سرمایه دار حاکم در قدرت، شرایطی را ایجاد کرده است که هم طبقه هایمان با معظلات و مشقات فراوانی برای زنده ماندن مجبور به هر کاری شده‌اند.

گذشته از تحمیل حقوق‌های چندین برابر زیر خط فقر بر کارگران و مزدبگیران، بخشی وسیعی از کارگران و زحمتکشان و فرودستان، ناچاراً برای زنده ماندن و تامین معیشت و داشتن لقمه‌ای نان، مجبور به کولبری،

سوختبری و دستفروشی و حتی تن فروشی، و زباله گری شده اند تا برای زنده ماندن لقمه ای نان به دست آورند .

این جامعه ای است (جامعه وارونه) که ستمگران، غارتگران اختلاص گران و چپاول گران سرمایه دار در این کشور رقم زده اند.

طبقه حاکم (سرمایه داران و مفت خوران و کاسه ليسان این سیستم) برای داشتن سود هر چه بیشتر تلاش کرده و تلاش خواهند کرد که نفاق و چند دستگی را در میان کارگران ایجاد کنند تا طبقه کارگر در صف واحد متشکل و منسجم نشود.

هر درجه از ایجاد تفرقه و تشتت و پراکندگی بین کارگران، مساوی است با ادامه و تشدید استثمار، فقر و فلاکت و نداری و ... ادامه حاکمیت ظالمانه سود پرستان .

طبقه سرمایه دارد با ایجاد تفرقه بین کارگران شاغل و کارگران بیکار، زن و مرد ، پیرو جوان ، تفرقه بین ملیت های مختلف، برجسته کردن یک ملیت و زبان خاصی نسبت به دیگر ملیت ها و دیگر زبان های مادری، بر جسته کردن یک فرهنگ در تقابل با دیگر فرهنگ ها، ایجاد رقابتهای و رویکرد های فردگرائی، به وسیله تمام دستگاه های رسانه ای و تبلیغاتی موجود خود، تلاش کرده و تلاش خواهد کرد که در اشکال مختلف از اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران با دیگر مزد بگیران و فرودستان و مدافعین طبقه کارگر جلو گیری کند تا زمینه های همکاری و اتحاد برای همبستگی و همیاری در راستای رسیدن به آزادی، برابری و رهایی را مانع ایجاد کند .

بیماری کوید ۱۹، جان انسانهای بیشماری را گرفته و میگیرد.

باعث و بانی این مرگ و میرها، سیاستهای ضد انسانی سرمایه داران و سودپرستان در قدرت است که تمامی امکانات اجتماعی و درمانی را که پولی (کالایی) کرده اند.

در صورتیکه دسترسی به امکانات درمانی و پزشکی در جامعه کاملاً باید رایگان و در اختیار تمامی مردم باشد نه محلی برای کسب سود و انباشتن سود سرمایه داران.

اقدام برای واکسینه کردن رایگان و فوری تمام آحاد جامعه باید در دستور مراکز بهداشتی و درمانی قرار گیرد تا جلوگیری شود از کشتار عامدانه کارگران و فرودستان جامعه، توسط سود پرستان سرمایه دار. سال گذشته نیز سال سختی برای کارگران، بازنشستگان، زحمتکشان و اکثریت مردم در ایران بود، اما در همین شرایط سخت، کارگران و زحمتکشان جسورانه دست به اعتصاب و اعتراض و گردهمایی زده اند.

گرچه کماکان دستگیری، زندان و شکنجه، شلاق و بیکاری و اذیت و آزار توسط حضرات در قدرت، با کمک نیروهای نظامی و قضایی! تعطیل ناپذیر عایدمان شده، اما موفق شدیم اعتصابات را به خیابانها بکشانیم و صدای اعتراض و خواستههای خود را به گوش هر چه بیشتر مردم رسانده و همبستگی و همراهی آنها را جلب کنیم.

سندیکاهای کارگری، سندیکای هفت تپه، سندیکای شرکت واحد و دیگر کمیته های کارگری و فعالین کارگری ، کانونها و نهادهای بازنشستگان و معلمان و زنان و دانشجویان نزدیکتر و همسوتر شده است. البته نکته مهم در چنین شرایطی مبارزه فقط با سرمایه داران حاکم و کنونی نیست، بلکه در مقابل تمامی اترناتیوهای سرمایه داری خارج از قدرت هوشیار بود و با آنها هم باید مبارزه کنیم .

خواست ما در روز اول ماه مه امسال نیز تامین معیشت همگان و تضمین یک زندگی درخور انسانی است، همه مردم باید از امکانات درمانی و آموزشی رایگان برخوردار باشند، زندان و شکنجه باید برچیده شود،



تبعیض و نابرابری زنان و خشونت علیه آنان متوقف و ممنوع شود. تمامی ملیت‌ها مختلف ساکن ایران و همچنین مهاجرین باید از حقوق برابر در تمامی شئون زندگی برخوردار باشند. عزیزان و رفقای کارگر و زحمتکش، برای رسیدن به یک جامعه انسانی و تضمین زندگی همراه با رفاه، آزادی و شادی، لازم است که تشکل‌ها کارگری و دیگر نهادهای اجتماعی خود را ایجاد کنیم و در اقدام به ایجاد تشکل مستقل و سراسری بکوشیم.

کارگران و مردم زحمتکش؛

منافع مشترک ما فراوان است برای بدست آوردن آنها، باید توازون قوا را تغییر دهیم. ما می‌توانیم این شرایط را عوض کنیم.

مبارزه ما تنها به یک روز، آنهم روز جهانی کارگر _اول ماه مه_ خلاصه نمی‌شود، بلکه مبارزه ما روزانه و به طور مداوم باید در راستای کسب منافع طبقاتی، بی‌وقفه در جریان باشد. .
آلترناتیو ما کارگران در ایران، یک آلترناتیو ی است که منافع تمامی کارگران و زحمتکشان و مزد بگیران و فرودستان جامعه را فراهم کند، حاکمیتی که خود در آن نقش داشته باشیم، مشورت و تبادل نظر کنیم و خود در اجرایی کردن آن دخالت گر باشیم.

حاکمیتی که هیچ کسی در حاشیه آن نیست، بلکه تمامی احاد افراد جامعه از تمام طبقات و اقشار جامعه، با هر اندیشه و عقیده ای، خارج از ملیت، نژاد و جنسیت، مذهب و هر زبانی، در اداره کشور و سرنوشت آن دخالتگر، تصمیم گیرنده و اجرا کننده می‌توانند باشند.

جامعه ای که هیچ کس در حاشیه نیست، و تمام امتیازات ویژه ای که مبنای تبعیض آمیز را دارند را بی معنی خواهد کرد.

در آلترناتیو کارگران، تمامی احاد افراد جامعه با برخورداری از تمامی امکانات در راستای تسهیل شرکت و دخالتگری در تعیین سرنوشت و نیازهای جامعه و با حضور جمعی، اداره و مدیریت شورایی را امکان پذیر می‌کند.

در هر کجا که هستیم باید متشکل شویم، سازماندهی کنیم و متحدانه، آترناتیو خود را پی ریزی کنیم و به کل جامعه نشان دهیم که آترناتیو ما برای حاکمیت آتی، داشتن جامعه ای سالم و شایسته است که داشتن نان، کار آزادی، رفاه شادی و آبادی، تنها بخش کوچکی از آن چیزی است که به دست خودمان ساخته میشود .

رمز پیروزی ما در گروسازمانیابی و تشکل یابی و اتحاد ماست .

اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران را به همه کارگران و زحمتکشان بار دیگر تبریک میگوییم. کارگران جهان متحد شویم.

پنجشنبه ۸ اردیبهشت ۱۴۰۰

http://t.me/syndica_7tape

=====

برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در سندج!

امروز چهارشنبه ۸ اردیبهشت ۱۴۰۰ جمعی از فعالین کارگری سندج در مراسمی روز جهانی کارگر را گرمی داشتند.

پیش به سوی برگزاری تجمعات باشکوه روز جهانی کارگر کارگر زندانی معلم زندانی آزاد باید گردد.



[@ettehad](https://www.instagram.com/ettehad)

=====

شعار اول ماه مه ۱۴۰۰: کارگر زندانی، معلم زندانی آزاد باید گردد!



پیش به سوی برگزاری تجمعات باشکوه روز جهانی کارگر

کارگر زندانی معلم زندانی آزاد باید گردد

#شاپور_احسانی_راد #اسماعیل_عبدی
#اسماعیل_گرامی #مهران_رئوف #علی_اسحاق
#ناهد_فتحعلیان #سجاد_شکری #آرش_جوهری
#حیدر_قربانی #ناهید_خداجو #پروین_محمدی
#نسرین_جوادی #کامران_ساختمانگر
#هاله_صفرزاده #جوانمیر_مرادی #علی_نجاتی
#مازیار_سیدنژاد #علیرضا_تقفی

[@ettehad](https://www.instagram.com/ettehad)

=====

کارگر زندانی، معلم زندانی آزاد باید گردد!

کارگر زندانی معلم زندانی آزاد باید گردد
گرامی باد اول ماه مه روز جهانی کارگر



گرامی باد اول ماه مه روز جهانی کارگر

#کارگر_زندانی_معلم_زندانی_آزاد_باید_گردد

#اسماعیل_عبدی #شاپور_احسانی_راد #اسماعیل_گرامی
#مهران_رئوف

#گرامی_باد_اول_ماه_مه_روز_جهانی_کارگر

@ettehad

طبقه ی کارگر و آرایش طبقاتی در ایران امروز – روز اول ماه مه با پرویز صداقت

اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران
طبقه ی کارگر و آرایش طبقاتی در ایران امروز
جلسه ویناری با پرویز صداقت

https://us02web.zoom.us/j/86736845757
https://www.facebook.com/iranaufstand

شرکت در این وبینار برای همه علاقمندان آزاد است
چنانچه مایل به دریافت لینک این وبینار در صفحات مجازی هستید، با ما تماس بگیرید
iranufstand@riseup.net

شنبه یازدهم اردیبهشت، اول ماه مه
ساعت ۲۱ به وقت تهران، ۱۸:۳۰ به وقت اروپای مرکزی

دستمزد عادلانه حق مسلم ماست
زندگی شادسته حق مسلم ماست

روز جهانی کارگر با پرویز صداقت

شنبه اول ماه مه ۲۰۲۱، ساعت ۱۸:۳۰ به وقت اروپای مرکزی ساعت ۲۱ به وقت ایران

زوم:

<https://us02web.zoom.us/j/86736845757>

فیسبوک:

<https://www.facebook.com/iranaufstand>

تهدید جانی عملی رضا شهبابی و خانواده‌اش!

بنابر اطلاع از صفحه اینستاگرام آقای رضا شهبابی عضو محترم سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، آقای شهبابی و خانواده‌اش تهدید جانی عملی شده‌اند. سندیکا نگرانی عمیق خود را از تهدید جانی رضا شهبابی و خانواده‌اش اعلام می‌دارد و خواهان رسیدگی سریع و موثر مسئولان قضایی در مورد تهدید جانی این کارگر شریف می‌باشد. در زیر نامه سرگشاده ایشان به مسئولان قضایی آمده است.

نامه‌ی سرگشاده به مسئولان قضایی

سلام

اینجانب رضا شهبابی کارگر اخراجی شرکت واحد اتوبوسرانی تهران که برابر با حقوق شناخته شده در قوانین کشور، از سال ۱۳۸۴ به عنوان عضو سندیکای کارگران شرکت واحد از حقوق خود و همکارانم دفاع کرده‌ام و بابت این رفتار کاملاً قانونی و مدنی بارها با احکام ناروا به مدت طولانی زندانی بوده‌ام، از سال ۱۳۸۹ در پی بازداشت در محل کار و در پشت فرمان اتوبوس از کار اخراج شده‌ام و همچنان با بازگشت‌بکار اینجانب مخالفت می‌شود.

با کمال تعجب و تاسف به تازگی خود و خانواده و حتی فامیلم مورد تهدید جانی قرار گرفته‌ایم. به این صورت که مدتی است فردی ناشناس با دو شماره متفاوت به خودم و همسرم از طریق واتس‌آپ و پیامک، پیام‌های تهدید آمیز داده است. ابتدا با این تصور که ممکن است از مزاحمت‌های معمول باشد، اهمیت ندادم تا این که دو روز پیش با ارسال چند پیام به همسرم، ایشان، من و پسر و دخترم را تهدید به قتل کرده بود. پس از این تهدیدات تلفنی، دیروز عصر در خیابان جیحون دو نفر موتور سوار به خواهر زاده‌ام هجوم برده و وی را به شدت مرعوب کرده و در حالیکه خواهر زاده‌ام دچار شوک عصبی شده است، او را با تهدید از محل برخورد، به چند کوچه بالاتر می‌برند و با پیچاندن دست و وخشونت فیزیکی به او می‌گویند که: "به دایات گفته بودیم تاوان سختی خواهد داد حالا باهات کاری نداریم ولی برو به دایات بگو حواسش باشد و دست از کارهایش بردارد، در غیر اینصورت هم پسرش و هم دخترش را می‌گیریم و خودش را طوری می‌زنیم که کسی او را نشناسد.

از آنجا که خانواده‌ی اینجانب به شدت نگران هستند و بنده نیز هیچ یک از این عوامل را نمی‌شناسم تا بخواهم بطور رسمی شکایت علیه تهدید و آزار و خشونت را دنبال کنم و هر لحظه بیم آن می‌رود که جان خود و اعضای خانواده‌ام با عملی شدن این تهدیدات با مخاطره جدی و جبران ناپذیری مواجه گردد؛ با توجه به تهدیدات مکرر خودم و خانواده‌ام توسط این فرد ناشناس، نگرانی جدی در عدم امنیت جانی ما وجود دارد. به عنوان یک کارگر و یک شهروند از مسئولان قضایی و نهادهای امنیتی و انتظامی انتظار دارم به جدیت برای رفع تهدید جانی جدی پیش آمده اقدامات مقتضی را انجام دهند.

t.me/vahedsyndica

تهدید جانی رضا شهبابی کارگر اخراجی را محکوم می‌کنیم.

باخبر شدیم که جناب آقای رضا شهبابی کارگر اخراجی شرکت اتوبوسرانی تهران و عزیزان و بستگان وی، به خاطر پیگیری حقوق پایمال شده‌ی خود و همکارانش مستقیماً تهدید شده‌اند.

بی گمان این تهدید در پی صدور بیانیه ای بوده است که از طرف ۱۵ تشکل صنفی در راستای اعاده ی حقوق ازدست رفته ی خود صادر کرده اند.

صدور این بیانیه تنها، فریادی بوده است برای دادخواهی به پیشگاه مردم ایران ، ستمدیدگان و انسانهای آزاده.

اما هیچ فریادی بی پاسخ نخواهد ماند.

* بی گمان این تهدید ها از سوی کسانی انجام می شود، که نان و نام و بهشت دنیوی آنان در پس سرکوب ستمدیدگان فراهم است.

همگان می دانند، که صفوف ستمگران آغشته به خون بوده و بسیار ناپایدار است، آنان برای ادامه زندگی اشرافی خود از هیچ جنایتی فروگذار نیستند.

* ما ستمدیدگان باید بدانیم ، هیچ قدرتی برتر از قدرت ما نیست ، اما این قدرت، پراکنده و بی سروسامان است.

سامان دادن به این قدرت سیل آسا تنها در سایه ی تمرکز بر دردهای مشترک فراهم خواهد شد. ما ستمدیدگان هیچکس را نباید تنها بگذاریم.

رضا شهابی این مرد مهربان، دلسوز و توانمند هرگز تنها نیست.

ما امضا کنندگان این نامه پس از محکوم کردن رفتارهای هدفمند و سازماندهی شده و اهریمنی ، اعلام می کنیم ، آقای رضا شهابی هرگز تنها نیست.

۱- کانون صنفی فرهنگیان اسلامشهر

۲- کانون صنفی فرهنگیان الیگودرز

۳- اتحاد بازنشستگان

۴- اتحاد سراسری بازنشستگان

کانال اخبار اسماعیل عبدی:
[@free_email_abdi](https://www.instagram.com/free_email_abdi)

=====

"بیانیه گروه تلگرامی ۱۹ اسفند به مناسبت روز جهانی کارگر"
پیشنهاد جنبش کارگری ، #اداره_شورایی ، اَلترناتیو کارآمد

گرامی باد #اول_ماه_می ، روز همبستگی جهانی کارگران

امسال درشرایطی به استقبال گرامیداشت روز جهانی کارگر می رویم که علاوه بر مناسبت های سودمحور حافظان سرمایه که همواره دراندیشه استثمار نیروی جان کارگران در ازای پایین ترین نرخ دستمزد بوده اند ، باهمه گیری اپیدمی ویروس کرونا، رنج ها و دردها بر پیکره زحمتکشان دوچندان گشته و ازاین طریق هم کارگران بیشتر در معرض خطر ابتلاء به ویروس کرونا قرار گرفته اند ، از بیکاری کارگران تا اخراج از کار به بهانه وجود اپیدمی کرونا به ویژه زنان کارگر که درصوبالایی از این اخراجها را شامل می شود ، بهره کشی حافظان نظام سرمایه درجهت افزایش تولید وافزودن سرمایه های کلان تحت هرشرایطی حتی به قیمت جان کندن زحمتکشان همواره در اولویت بوده است .

اما کارگران در همه جای جهان هیچ گاه از تلاش برای ایجاد برابری و جلوگیری از تبعیض دست برنداشته و باتکیه بر قدرت، اتحاد، یکپارچگی و هم سرنوشتی تا تحقق کامل خواسته های انسانی هم طبقه ای هایشان در جنبش عظیم طبقه کارگر به مبارزه علیه برچیده شدن نظام های سرمایه محور، رفع نابرابری و ایجاد عدالت اجتماعی در تلاش هستند.

کارگران جهان در هر شرایطی برای به دست آوردن مطالباتشان تلاش می کنند، سرکوب کارگران معترض به شرایط موجود، وجود همه گیری ویروس کرونا، تهدید، ارباب و وحشت ذره ای از عزم واراده زحمتکشانشان در جهت رسیدن به برابری کم نخواهد کرد.

مبارزات کارگران ایران در سالهای اخیر وارد فاز جدیدی شده است، زحمتکشانشان متحدتر از پیش و با عزمی قاطع در جهت برچیده شدن ظلم آشکار طبقاتی و نابرابری های اجتماعی به اشکال مختلف صدای اعتراض خود را به گوش فرادستان رسانده اند.

در این راستا مبارزات کارگران شرکت نیشکر هفت تپه، آذرب، پتروشیمی، فولاد، هپکو و شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و... با وجود سرکوب های نظام حاکم همچنان مخالفت و اعتراض های خود را علیه خصوصی سازی، رانت و فساد سیستماتیک به بهترین شکل سازماندهی کردند، همچنین اعتصاب های موفق کارگران در سال گذشته علیه سیاست های نئولیبرالی دولتمردان و مجموعه حاکمیت برگ دیگری از افتخارات را به تاریخ مبارزات جنبش کارگری ایران افزود، در این راستا معلمان شاغل و بازنشسته، پرستاران، دانشجویان، بازاریان، مالباختگان، دهقانان و کشاورزان ضمن برگزاری تجمعات اعتراضی نسبت به معیشت و دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر در یک اقدام عملی برای ایجاد همگرایی بیشتر حمایت های خود را بیشتر از پیش از مبارزات و مطالبات کارگران از خود نشان دادند، کارگران آگاه در بخشهای مختلف محیط کار از کارگاهها تا کارخانه ها با ایجاد پیوند مشترک و اتحاد برضد مناسبات موجود، به درستی تنها راه برون رفت از وضع اسفناکی که اقشار و توده های مردمی بخصوص کارگران را تحت الشعاع خود قرار داده است # اداره شورایی دانسته و بعنوان آلترناتیوی کارآمد سرلوحه شعارهای مبارزاتی خود قرار داده اند.

بنابراین تشکلهای مستقل کارگری و کنشگران همواره در راه رسیدن به آرمانهای انسانی هم طبقه ای هایشان با صرف هزینه های سنگین و طاقت فرسا تا پایان دادن به بهره کشی و استثمار کارگران و خلق آینده ای بهتر همچنان به مبارزه ادامه می دهند.

ما جمعی از کارگران و معلمان شاغل و بازنشسته پیشاپیش ضمن شادباش #اول_ماه_می_روز_همبستگی_جهانی_کارگر، حمایت قاطعانه خود را از خواست های کارگران ستم دیده ایران و جهان اعلام می نماییم، کارگران جهان متحد شوید.

جمعی از کنشگران گروه ۱۹ اسفند

کانال نوزده اسفند

[@Shbazneshasteganir](https://www.instagram.com/Shbazneshasteganir)

فراخوان تجمع به مناسبت روز کارگر

روز ۱۱ اردیبهشت، روز دیدار تمامی کسانی که درد تورم و گرانی و تبعیض دارند. بر سر سفره خالی کارگران شاغل و بازنشسته جمع می‌شویم.

تا یک بار دیگر این سوالات را با صدای بلند مطرح کنیم: چرا وعده‌های داده شده محقق نشده؟

چرا به تخلف‌های سازمان در صدور احکام رسیدگی نمی‌شود؟

با این حقوق‌های پایین تر از خط فقر ما چگونه زندگی کنیم؟



ما حق داریم که از درمان رایگان، حق مشارکت و فراهم‌سازی امکانات رفاهی مکفی مانند مسئولین سازمان تأمین برخوردار باشیم.

ما حق داریم تا رسیدن به مطالبات خود در خیابان باقی بمانیم و تنها کف خیابون بدست میاد حقمون

زمان تجمع: شنبه یازده اردیبهشت ساعت ۱۰:۳۰ صبح

مکان: تهران: مقابل ساختمان وزارت کار

مراکز استان: مقابل استانداری

شهرستانها: مقابل فرمانداری

بازنشستگان، مستمری بگيران، از کارافتادگان و کارگران عزیز منتظر حضور پرشور شما با خانواده محترمتان هستیم.

پیامبر صلی الله علیه و آله: **ظَلُمُ الْأَجِيرِ أَجْرَهُ مِنْ الْكِبَائِرِ**

پیامبر صلی الله علیه و آله: **ظلم در پرداخت مزد کارگر، از گناهان بزرگ است.**

فراخوان تجمع در شوش:

دو شعار فردا در تجمع بازنشستگان در شوش مسئولین دروغگو
وعده‌های شما کو / فقط کف خیابان بدست میاد حقان
وعده ما فردا صبح محل تامین اجتماعی یازده اردیبهشت ۱۴۰۰
#روز_جهانی_کارگر_۱۴۰۰ #تحداد_اعتصاب
#نان_کار_آزادی #شادی_رفاه_آبادی
#نابود_باد_استثمار_و_کار_مزدی

http://t.me/syndica_7tape

فراخوان بزرگداشت روز کارگر
شنبه یازده اردیبهشت
ساعت ۱۰:۳۰ صبح
تهران: مقابل وزارت کار
شهر ستانها:
مقابل اداره کل تامین اجتماعی
همراه با خانواده بر سر سفره خالی بازنشستگان
با زدن دو ماسک و رعایت مسائل بهداشتی

به استقبال اول ماه مه روز جهانی کارگر برویم!



سندیکای کارگران شرکت واحد
پیام اول ماه می حدود صد سال پیش در ایران نیز
منعکس شد و کارگران ایران سال‌ها این روز را جشن
گرفته و این روز به سنت مبارزه برای خواست‌های برحق
کارگران، معلمان، دانشجویان، روشنفکران، بازنشستگان،
زنان و تمامی مزدبگیران زحمتکش، تبدیل گشته است.
نظام سرمایه‌داری در ایران بر مبنای ضرورت و تابعیت از
مناسبات جهانی و تحت تأثیر بحران اقتصادی و عقب‌ماندگی مناسبات سرمایه‌داری داخلی، همواره به
خشن‌ترین شیوه‌های سیاسی و اقتصادی در مقابل کارگران و زحمت‌کشان ایران و مطالبات انبوه و پایمال
شده آنان، توسل جسته است. این استثمار و خشونت نه تنها بر کارگران صنعت، معدن و کشاورزی بلکه بر
سطح معیشت و شرایط اسفبار زندگی کارکنان رشته‌های مختلف خدمات و از جمله معلمان، پرستاران،
بازنشستگان و ... نیز وارد گشته و صف بندی مشترک و مبارزه پیگیر در جهت کسب مطالبات را متمرکزتر
ساخته است.

لینک کانال:

t.me/vahedsyndica

بیانیه کارگران گروه ملی صنعتی فولاد
به مناسبت اول می روز جهانی کارگر



روز جهانی کارگر گرامی باد

به استقبال روز جهانی کارگر می‌رویم .

روز یازدهم اردیبهشت برابر با یک می که از زمان اعتصاب سراسری کارگران آمریکا برای تصویب هشت ساعت کار روزانه نامگذاری شده و یادآور تمام دستاوردهائی است که با مبارزات کارگری در سطح جهان به بار نشسته است .

به همین جهت در وهله اول این روز را به طبقه جهانی کارگر از زحمتکشان فرانسه تا مزدبگیران چین، به اتحادیه‌های مستقل کارگری از برزیل تا مصر و از صدها میلیون اعتصاب کننده در هند گرفته تا کارگران همیشه مبارز ایران در هفت‌تپه و هپکو و آذرآب و... تبریک می‌گوئیم .

همچنین به مناسبت این روز، یاد کشته‌شدگان قیام‌های کارگری از گُموناردهای پاریس تا انقلابیون سن پترزبورگ، از شورشیان شیکاگو تا اعتصابیون نساجی و نفت و راه آهن را گرامی می‌داریم و به پاس مقاومت جانانه کارگران در معادن سن خوزه و ژوهانسبورگ و شلاق‌هایی که بر گرده همکاران آق‌دره و پارس خودرو و شرکت واحد نقش بسته، روز جهانی کارگر را نماد مبارزات طبقه خود می‌دانیم.

کارگران، هم سرنوشتان و مبارزان آزادی و برابری

هر روز خبرهای تلخی از بیماری شهروندان، بیکاری جوانان، سرکوب معترضان، خودکشی نوجوانان و... می‌شنویم و از دیدن فقر، استثمار، گرانی، کودکان کار و زباله‌گرد و بازمانده از تحصیل، حاشیه‌نشینان و معتادان و گدایان، نزاع‌های مذهبی و قومی و از دیدن این همه رنجی که به مردم تحمیل شده به درد می‌آییم. تجربه و مشاهده این موقعیت ما را به این نتیجه می‌رساند که عامل اصلی و هدایت کننده وضع موجود چیزی نیست جز سیستم حاکم که غرق در ظلم و فساد و جنایت گشته و جامعه را به ورطه نابودی کشانده است.

وقتی دولت سرمایه‌داری در ایران سال جدید را با اخراج‌های گسترده در مراکز کارگری و خدماتی آغاز می‌کند و با دستبند و گاز اشک آور به مصاف بازنشستگان می‌رود، این هشدار است به تمام کارگران و کارمندان مبنی بر اینکه اکنون زمان بیداری و مطالبه‌گری است .

هر نفر که از صفوف ما ضربه بخورد، ترکش آن به زندگی همه ما خواهد رسید و هر حکم به اخراج از سوی کارفرما، بدون شک چماقی است بر سر تمامیت جنبش کارگری.

نظام سرمایه‌داری در ایران، اهداف شوم و ضدانسانی خود را از طریق قراردادهای موقت و بیکارسازی دنبال می‌کند و در برابر وام‌ها و فیش‌های نجومی ژن‌های خوب که آنان را برای رفاه بیشتر راهی پیشرفته‌ترین کشورها کرده است، به طور میانگین هر کارگر ایرانی برای یک ماه کار، دستمزدی معادل تنها دو روز کارگر ساده اروپایی دریافت می‌کند! با این حال با هر صدای حق‌طلبانه‌ای به عنوان نیرویی علیه امنیت ملی برخورد می‌شود و دستگاه امنیتی-قضائی زندان‌ها را مملو از فعالان ارزشمند جنبش‌های کارگری و معلمان و زنان و محیط زیست... کرده است .

واضح است که حاکمیت کمر به نابودی طبقه کارگر بسته و تمام برنامه‌های اقتصادی را بر پایه ارزان سازی نیروی کار و غارت سرمایه‌ها تنظیم کرده است .

در چنین شرایطی برخی از مزدبگیران به خاطر ترس از بیکاری به حقوقی ناچیز تن داده‌اند و کارگران به دلیل فقدان تشکل‌های مستقل قادر نیستند برای چیزی فراتر از خط فقر مبارزه کنند .

از طرفی دیگر، شدت ناکارآمدی در مدیریت کشور به حدی است که با وجود توزیع واکسن در دنیا، تمام تریبون‌های حکومتی از ستاد کرونا و صداوسیما گرفته تا هیئت دولت و نهادهای قدرت با وقاحت تمام شیوع این ویروس را به گردن مردم می‌اندازند و از بی‌لیاقتی خود در زمینه درمان و معیشت شانه خالی می‌کنند .

کشتار گسترده مردم بر اثر کرونا را سپر بالای بی‌تدبیری و خیانت خود کرده‌اند تا توده‌های مردم به جای حق‌خواهی و سازماندهی اعتراضات، در فلاکت روزمره گرفتار شوند؛ ولی برای خانواده‌های سرداران و روحانیون و آفازده‌ها و مزدورانشان واکسن و انواع امکانات فراهم می‌شود و همزمان واکسیناسیون رایگان و عمومی مردم که وظیفه قانونی دولت است و هزینه‌ای برابر با قطره‌ای از دریای اختلاس‌ها و دزدی‌های مسئولان دارد را به بخش خصوصی فاسد واگذار می‌کنند!

جغرافیای ما را کرونا سیاه نکرده است چون سیه روزی مردم کشورمان به دست همین آقایان و شبکه‌های مافیایی و نظامی‌شان رقم خورده است در صورتی که بحران‌هایی مثل تحریم و کرونا برای طبقه کوچک سرمایه‌داران به فرصتی طلایی و نعمتی بی‌پایان تبدیل شده است .

هر ریالی که به قیمت نان و ارز و سوخت اضافه می‌شود، سود بانکی مالکان و شاخص بورس دلان نیز چندین پله بالاتر می‌رود ولی از میان ما ده‌ها نفر به جمعیت گرسنگان و بی‌خانمان‌ها اضافه می‌گردد.

چه باید کرد؟

مجموع این موارد نشان می‌دهد که جامعه ما نیاز به دگرگونی‌های گسترده و زیربنایی دارد و طبقه کارگر تنها نیرویی است که در صورت متشکل شدن، توان مقاومت در برابر هر شکلی از نظام استثمار و استبداد را خواهد داشت .

اتحاد طبقاتی ما و متحدانمان می‌تواند پیام آور جامعه‌ای عادلانه و آزاد باشد و این کشتی طوفان زده را به ساحل بنشاند .

برای اینکه قدمی در راه حصول مطالبات مشترک‌مان برداریم نیازمندیم تا تشکیلات کارگری را در همبستگی با هم برپا کنیم و دستاوردهای عظیم جنبش کارگری جهان را نقطه آغاز قرار دهیم .

در طول این تاریخ پرغرور برای مطالباتی نظیر کاهش ساعات کاری یا بیمه و حقوق شناخته شده‌ای مثل حق تشکل یا حق برگزاری مجمع عمومی، خون‌های زیادی ریخته شده و اجازه نمی‌دهیم که این دستاوردها به فراموشی سپرده شوند .

این تاریخ ثابت کرده است تنها نیرویی که میتواند پرچم دار عدالت اجتماعی در جامعه باشد، طبقه کارگر متحدی است که کمیته‌ها و شوراهای سرتاسری اش به همین منظور قد علم می‌کنند.

ما کارگران گروه ملی صنعتی فولاد ایران (اهواز) با این چشم انداز علیه ظلم و بیداد می‌جنگیم و برای سقف مطالبات کارگری اعم از مسکن و رفاه همگانی، بیمه بیکاری و درمانی مکفی، اعتراضات و اجتماعات آزاد، آموزش رایگان و امنیت شغلی هم پیمان می‌شویم و در کوره‌های ذوب آهن بر مشتهای فولادین خود حک می‌کنیم تا در مسیر لغو استثمار انسان از انسان دست از سازماندهی و مبارزه طبقاتی بر نداریم.

ما کارگران آهنیم؛ ریشه ظلم رو می‌کنیم

روز جهانی کارگر گرمی باد

سی و یک فروردین هزار و چهارصد

بیانیه‌ی کارگران غیررسمی نفت به مناسبت روز جهانی کارگر

ما کارگران غیر رسمی نفت روز جهانی کارگر را به همگان شادباش می‌گوییم. ما قبلا اعلام کرده بودیم که بدلیل عدم اجرایی شدن وعده‌های داده شده، راهی جز اعتراض گسترده در مقابل ما قرار ندارد.



روز جهانی کارگر یک روز اعتراض سراسری است و بهترین فرصت است که با صدایی بلندتر و همصدا با هم طبقه‌ای‌هایمان خواسته‌هایمان را اعلام کنیم.

ما برده نیستیم و اجازه نمی‌دهیم که از بالای سر ما زندگی و معیشت مان رقم زده شود.

آلترناتیو ما همانطور که کارگران هفت تپه اعلام کرده‌اند، اداره شورایی است.

در عین حال ما به کل این بساط تبعیض، نابرابری، اختلاس‌ها و دزدی‌ها و استثمار بدون حد و مرز حاکم بر جامعه اعتراض داریم.

ما جامعه‌ای می‌خواهیم که در آن شکاف طبقاتی نباشد. استثمار نباشد. جامعه‌ای که در آن رفاه و عدالت و شادی و برابری حاکم باشد.

ما همچنین بر خواسته‌های فوری همین امروزمان تاکید کرده و بار دیگر اعلام می‌کنیم که خط فقر را قبول نمی‌کنیم و مزد هیچ کارگری نباید کمتر از ۱۲ میلیون باشد. ما برده نیستیم و قوانین ویژه اقتصادی باید لغو شوند و دست پیمانکاران باید از سر ما کارگران کوتاه شود.

ما خواستار آزادی بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی هستیم.

در یک کلام ما همبستگی خود را با بیانیه‌ها و قطعنامه‌های اول مه که همچون هر سال انتشار می‌یابد اعلام می‌کنیم.

از همین رو علاوه بر تاکیداتی که داشتیم بر خواسته‌های سراسری دیگر چون برابری زن و مرد در تمام عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و لغو هرگونه تبعیض جنسیتی علیه زن با خواست، رفاه و

شادی برای همه کودکان لغو کار کودک، حق تشکل، تجمع، آزادی بیان و وسیع‌ترین آزادی‌ها، آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و لغو مجازات اعدام و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات، پایان دادن به سودجویی‌های سرمایه‌داران و تخریب محیط زیست، پایان دادن به اختلاس‌ها و دزدها و برچیده شدن حقوق‌های نجومی تاکید می‌کنیم .

اول ماه مه روز اتحاد مبارزاتی ما ۹۹ درصدی‌های جامعه برای رهایی از توحش و بربریت سرمایه‌داری و برای داشتن جامعه‌ای شایسته انسان است .

با برافراشتن پرچم اول مه این روز همبستگی جهانی کارگری را گرامی می‌داریم.

کارگران غیر رسمی نفت

۳۱ فروردین ماه ۱۴۰۰

(بیانیه دانشجویان به مناسبت روز جهانی کارگر)

روز جهانی کارگر ۱۴۰۰، روز نه سراسری به وضعیت ضدانسانی موجود و حاکمیت مسبب این شرایط

اول ماه مه، روز جهانی کارگر نماد همبستگی، اتحاد و مبارزه بشریت علیه نظام سرمایه‌داری است یعنی نظامی که مناسباتی خارج از شان انسان و آکنده از تبعیض، نابرابری، استثمار و بیحقوقی را به جوامع موجود در سراسر دنیا تحمیل کرده است. این واقعه مهم که خود نتیجه تاریخی دهه‌ها جدال برای دفاع از حقوق انسانی شهروندان و ساکنین جوامع در برابر حاکمیت سرمایه است، نه فقط روزی برای کارگران؛ بلکه برای تمام جامعه است که با همراهی و همیاری طبقه کارگر به تمام خواسته‌ها و آرمان‌های خود از یک زندگی آزاد، مرفه و برابر دست یابند. با این وجود، در جامعه ایران مختصات اقتصادی-سیاسی-اجتماعی این روز، بسیار متفاوت از سایر نقاط جهان است. ما در ایران شاهد یکی از خشن‌ترین و بی‌رحمانه‌ترین حملات یک نظام سرمایه‌داری به تمامی ابعاد و ارکان زندگی مان هستیم که کمتر نمونه آن را میتوان در طول تاریخ دید؛ و دقیقاً از همین جهت است که روز جهانی کارگر در ایران نقشی حیاتی‌تر از سایر نقاط جهان دارد .

اما روز جهانی کارگر امسال در ایران، در شرایطی فرا می‌رسد که جامعه سراسر آماده خروش علیه وضعیت موجود است؛ در گوشه گوشه کشور اعتراضات، اعتصابات و تجمعات متعددی جاری است که در ماه‌های اخیر بر تراکم آنها افزوده شده؛ فضای جامعه حول هر مسئله اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، خیلی سریع به میدان مبارزه علیه حاکمیت و تعرض صدها هزار نفره به آن بدل می‌شود و فریاد نارضایتی جامعه به کف خیابان کشیده می‌شود. از سوی دیگر، حاکمیت دست به گریبان با بحران‌های عمیق اقتصادی و سیاسی در داخل و خارج از کشور و نتیجتاً درمانده و مستاصل از ارائه هرگونه پاسخ حداقلی برای بهبود این بحران‌ها، توسل به سرکوب بیشتر را چراغ راه خود قرار داده است. حربه‌ای که هر بار تشدید آن، نه فقط اعتراضات را فرو نشانده بلکه بر شعله خشم مردم افزوده است.

کارگران، زنان، بازنشستگان، معلمان، پرستاران، دانشجویان و در یک کلام اکثریت ما مردم؛ به دلیل دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر و همین بگیر و ببندهای حکومت در پاسخ به مطالبات و خواسته‌های برحقمان، نه تنها از این وضع خسته شده‌ایم و به آن معترض هستیم، بلکه همانطور که گفته شد، تنها راهکار موجود در برابر خود را تغییر ریشه‌ای تمامی این مناسبات می‌دانیم.

در این بین نقشی که روز جهانی کارگر و به خصوص جنبش کارگری دارد، اینکه ظرفیت بالقوه این روز به عنوان یک روز اجتماعی و سراسری که امکان اتحاد و همبستگی تمام ستمدیدگان در آن فراهم است،

غنیمت شمرده شود و این روز به نماد مبارزه و اعتراض علیه ساختار ضدانسانی تحمیل شده بر جامعه، بدل گردد. اما همانطور که پیشتر اشاراتی شد، حکومت نهایت تلاش خود را میکند تا هر نوای برابری‌طلبی و آزادی‌خواهی را مورد حمله قرار داده و فعالین و مبارزین عرصه‌های مختلف را زیر تیغ زندان و شکنجه و اعدام ببرد. علی‌رغم آنکه این تلاش تاکنون نتوانسته مانع پیشروی جنبش‌های اعتراضی مختلف شود، اما لازم است به عنوان گام اول و در راستای حمایت از تمام مبارزین و فعالین سیاسی، قویا اعلام کنیم؛ یکی از اساسی‌ترین خواسته‌های امروز ما این است که تمام زندانیان سیاسی از بند آزاد شوند و احکام ظالمانه بریده شده برای فعالین و معترضین نسبت به وضع موجود سریعاً بی‌اعتبار اعلام شوند.

در همین راستا و برای ادامه مبارزه علیه آنان که در پیشبرد مبارزات‌مان برای تحقق جامعه‌ای با قوانین، حکومت و شرایطی انسانی، برابر، آزاد، سکولار و مرفه برای همگان، گره در کار انداخته‌اند و عامل دزدی، استثمار، چپاول، غارتگری، استبداد و زورگویی می‌باشند؛ صراحتاً می‌گوییم این گره به دست تمام جنبش‌های اجتماعی مترقی با جلوداری جنبش کارگری باز خواهد شد. از این رو بنیادی‌ترین و فوری‌ترین نیاز امروز را سازماندهی هرچه بیشتر جمع‌ها، گروه‌ها و تشکلهای و به هم پیوستن آنها در قالب صفوف مبارزات سراسری کل جامعه علیه حاکمیت دزد، استثمارگر و سرکوبگر کنونی می‌دانیم.

ما دانشجویان به عنوان بخشی از نیروی محرکه این اعتراضات و مبارزات مردمی، روز جهانی کارگر را به عنوان یک فرصت واقعی برای پیشبرد امور اعتراضی خودمان می‌دانیم؛ از این رو با طرح خواسته‌ها و مطالبات زیر، این همبستگی و حمایت قاطعانه از جنبش کارگری را اعلام می‌کنیم و تا احقاق تمام این مطالبات دست از اعتراض و مبارزه نخواهیم کشید:

- آزادی بی قید و شرط ایجاد تشکلهای مستقل (شوراهای کارگری و مردمی)، اعتصاب، اعتراض، تجمع، احزاب و مطبوعات

- آزادی فوری و بی قید و شرط تمام فعالین و زندانیان سیاسی و لغو احکام صادره برای آنها

- لغای کلیه احکام ضد انسانی نظیر اعدام و شلاق؛ ممنوعیت اکید هرگونه شکنجه روانی و فیزیکی و محاکمه مسببین این اقدامات

- تعیین حداقل حقوق ۱۲ میلیون برای تمام مزدبگیران؛ برخورداری از بیمه اجتماعی برای کارگران بیکار و تمام افراد جویای کار

- واکنش‌های فوری، رایگان، سراسری و با کیفیت با اولویت افراد آسیب پذیر از شیوع کرونا

- تحصیل و درمان رایگان برای همه، حق داشتن مسکن به صورت همگانی؛ فارغ از جنسیت، قومیت، ملیت، جهانبینی و عقیده

- تمام قوانین تبعیض آمیز جنسیتی باید از بین بروند؛ زنان، مردان و رنگین‌کمانی‌ها باید در تمام عرصه‌ها حقوق برابر داشته باشند. در برابر باید قوانین جنسیتی مبتنی بر برابری برای تمام جنسیت‌ها و گرایش‌های جنسی وضع گردد.

- هرگونه تبعیض متکی بر ملیت، قومیت و عقیده باید ملغی شود و مهاجرین سایر کشورها حق برابر با شهروندان ایران داشته باشند.

-روز جهانی کارگر، باید به‌عنوان تعطیلی رسمی شناخته شود و هیچگونه محدودیتی در برگزاری مراسم این روز وجود نداشته باشد.

-کار کودکان باید ملغی شود و کودکان آسیب‌دیده در این حوزه باید تحت حمایت‌های مناسب قرار بگیرند و حقوق برابر با سایر شهروندان جامعه داشته باشند.

۱- تشکل دانشجویان پیشرو دانشگاه اصفهان

۲- دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

۳- جمعی از دانشجویان و فعالین دانشگاه‌های هنر تهران

۴- جمعی از دانشجویان و فعالین دانشگاه آزاد نجف آباد

۵- جمعی از فعالین و دانشجویان دانشگاه آزاد رودهن

۶- جمعی از دانشجویان مستقل دانشگاه تهران

۷- جمعی از دانشجویان و فعالین دانشگاه تربیت مدرس تهران

۸- جمعی از دانشجویان و فعالین دانشگاه نوشیروانی بابل

۹- جمعی از دانشجویان و فعالین دانشگاه مازندران

۱۰- جمعی از دانشجویان و فعالین دانشگاه علامه تهران

۱۱- جمعی از دانشجویان و فعالین دانشگاه الزهرا تهران

=====

روز جهانی کارگر، روز ماست!

اول مه، روز جهانی کارگر، روز اعتراض به تمام مصائبی که حاکمان سرمایه برای بشریت ساخته اند. دنیایی دون شان انسان که همگان را به تنفر و خشم فرو برده است.

دنیایی پر از فقر، تجاوز، تبعیض و استثمار که از تاب تحمل، خارج شده است.

روز کیفرخواست صف زندگی علیه نابودی سرمایه است .

حق انتخاب را از زنان سلب کردند. زنان از حرمت انسانی برخوردار نیستند حتی پوشش اختیاری ندارند و حاصل تبلیغات و نگاه متجاوزگرانه از بلندگوهای رسمی علیه زنان، شده



جنایت و خشونت هر روزه ای که حتی به کودک 17 ماه هم رحمی نیست.

زندگی را برای مان جهنم کرده اند و جواب اعتراض و مطالبه ، تنها احکام سنگین و زندان و شکنجه و حتی به خون کشیدن آسمان و زمین و خیابان است و از زندگی کودکان در پرواز " کفش قرمزی " جنایت به جا می ماند .

میلیونها انسان را در میان پاندومی کرونا محروم از دارو ، درمان و واکسیناسیون استاندارد و همگانی رها کردند.

زندگی را در میان سونامی تورم و گرانی و بدون تامین ابتدائی ترین امکانات برای رفاه و مسکن ، از همگان سلب کردند.

هیچ اختیاری برای تعیین مزد کار هم برایمان باقی نگذاشته اند . انسانها را تنها به بردگان مزد بدل کرده اند که تحت شنیع ترین استثمار قرار دارند به طوری که معیشت و منزلت معلم ، پرستار و بازنشسته را به یغما برده اند.

اجازه نمی دهیم زندگی فرزندانمان را هم مثل چندین دهه با اعدام و زندان و فقر و بی حقوقی رقم زنید ! ما همه انسانیم و حق زندگی برابر در تمام عرصه های شخصی و اجتماعی داریم.

ما ستم دیدگان آپارتاید جنسی حاکم همراه با دیگر هم سرنوشتانمان امسال فریاد میزنیم:

منزلت معیشت و دستمزد متناسب با تورم و بالای ۱۲ میلیون تومان حق ماست.

واکسیناسیون رایگان و استاندارد و همگانی فوراً اجرا شود.

همه احکام زندان و تبعید و اعدام فوراً لغو شده و همه زندانیان سیاسی آزاد شوند .

سلامتی جان و رفاه هزاران زندانی که به دلیل فقر و بی تامینی بنا به جرایم عمومی در زندان هستند ، باید تضمین شود.

همچنین ما کسانی که درد تازیانه تبعیض جنسیتی و دیگر نابرابری های اقتصادی و اجتماعی را با پوست و گوشت خود لمس کرده ایم از کارگران هفت تپه، پایتخت اعتصابات جهان و مبارزات پرشور فولاد اهواز و دیگر کارگران آموختیم که تنها راه برون رفت از منجلابی که سرمایه داری حاکم برای همه مردم ساخته است اداره شورایی است و تحقق خواسته های به حق ما تنها در سایه اتحاد سراسری و با برپایی شوراهای مردمی مان محقق خواهد شد.

ما زندگی و اختیار سلب شده مان را باز پس می گیریم.

دیگر نمی خواهیم برای جان و زندگیمان یک درصد مفت خور سرمایه تصمیم بگیرند .

اول ماه مه امسال نه فقط دادخواه زندگی به تاراج رفته مان هستیم، بلکه بر پرچم اول مه امسال طنین "اداره شورایی" نقش بسته است.

[#زنده_یاد_اول_ماه_مه](#)

ندای زنان ایران

اردیبهشت ۱۴۰۰

قطعنامه به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر (۱۴۰۰)

۱ عثمان اسماعیلی ۲- علی حسینی ۳- کاوه حکیمی ۴- نجیبه صالحزاده ۵- محمود صالحی ۶- فردین میرکی ۷- یدالله صمدی ۸- ریوار عبدالهیی ۹- عمر شبانی

اول ماه مه (11 اردیبهشت) روز جهانی کارگر گرامی باد

روز جهانی کارگر، روز رزم طبقه کارگر علیه نظام سرمایه داری است.

کارگران، برای سرنگونی نظام سرمایه داری باید با هم متحد شویم

کارگران سقز سال ۱۴۰۰

کارگران، مردم زحمتکش.

امسال در حالی به پیشواز اول ماه مه (روز جهانی کارگر) می رویم که نظام سرمایه داری کماکان در بحران ساختاری خود دست و پا می زند. نظام سرمایه داری در طول حیات خود برای بقاء انسانها را به تباهی کشانده تا اینکه بتواند چند صبحی عمر زلوسفتانه خود را طولانی کند. این روزها دولت های سرمایه داری جهانی در برابر رشد همه گیری ویروس کرونا مستاصل شده و برای مقابله با آن تنها راهشان این بود که مردم را بدون تامین نیازهای معیشت روزانه قرنطینه خانگی کنند. با قرنطینه خانگی مردم، نظام سرمایه داری پیش از بیش دچار بحران مالی شد، به شکلی که امروز برای مقابله با آن را ندارد. با آمدن این غول بی دست و پا (کووید۱۹) بحران ساختاری نظام سرمایه داری را در سراسر جهان صد چندان کرده است. نظامی که قرنهاست انباشت سود می کند در مقابل این ویروس به هراس افتاده و توان مقابله با آن را ندارد و امید به زنده ماندن را از دست داده است. نظام سرمایه داری بدون آنکه توانسته باشند بحران ساختاری قبل از ویروس کرونا را کنترل کنند؛ بحران بیکاری و گرانی مربوط به این ویروس را نیز به بحرانهای او اضافه شده و در فکر بازگشت از قرنطینه خانگی مردم هستند.

کشور ما نیز از تغییر و تحولات حاکم بر اقتصاد جهان بدور نمانده و تاکنون نتوانسته از بحرانی که سالهاست گریبان اقتصاد کشور را گرفته رهایی یابد و بحران کرونا و بیکاری کارگران مربوط به این ویروس به آن اضافه شده است. بیکاری در جامعه ما همچنان بیداد میکند، سفره کارگران زیر سایه گرانی و تورم لجام گسیخته، دستمزدهای بشدت زیر خط فقر، عدم امنیت شغلی با رواج قراردادهای موقت و سفید امضاء و... به طوریکه طی سالهای اخیر تمامی برنامه های اقتصادی ارائه شده برای برون رفت از بحران، کاملاً تابعی از برنامه های ریاضتی دیکته شده از سوی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول بوده است. از قانونی کردن اخراج کارگران در قانون کار گرفته تا افزایش سن بازنشستگی به صورت پله کانی و پرداخت حقوق پله کانی به بازنشسته ها و...

با وجود تعرضات جبهه سرمایه علیه معیشت طبقه کارگر، هر چند کارگران بصورت پراکنده و گاه متحذانه و سراسری علیه بی حقوقی های اعمال شده اعتراض کرده اند. اما این اعتراضات نتوانسته آنچنان باید و شاید کارفرمایان و حامیانشان را به عقب برانند. به همین خاطر هم بوده که هر سال دولت و کارفرمایان بسته به اوضاع و احوال خودشان دستمزدها را تعیین می نمایند. ما می دانیم که طبقه کارگر در تعیین دستمزد هیچ گونه نقشی ندارد و تنها برای عریضه خالی نبودن جلسات سه جانبه گرایی است که آنها را به جلسات دعوت

می کنند. سال ۱۳۹۹ این حقیقت برملا شد که حتی نماینده کارگران که از سوی شوراهای اسلامی کار بعنوان نماینده ما کارگران در شورای عالی کار در جلسات شرکت می کنند. اگر هم مصوبات شورای عالی کار را امضاء نکنند هیچ اتفاقی نخواهد افتاد و بدون امضای نماینده به اصطلاح کارگران بحشنامه شورای عالی کار جهت اجراء به تمام مراکز های مربوطه ابلاغ خواهد شد .

با توجه به وضعیت معیشتی کارگران و مردم محروم جامعه در این شرایط بحرانی که اکثریت کارگاه های کوچک بر اصل ویروس کرونا تعطیل و کارگران آن بیکار شده اند. ما کارگران امضاء کننده این قطعنامه خواست و مطالبات آتی کارگران را به شرح زیر رو به دولت حاکم بر ایران اعلام خواهیم کرد:

۱- دولت سرمایه داری حاکم بر ایران باید همه تشکلهای که توسط خود کارگران تاسیس شده اند ؛ به رسمیت بشناسد و آنها را ثبت کند.

۲ - دولت باید برابری کامل زن و مرد را در تمام جوانب زندگی از جمله اجتماعی ؛ سیاسی ؛ اقتصادی به رسمیت بشناسد و به کلیه قوانین تبعیض آمیز علیه زنان پایان دهد .

۳- لغو کلیه احکام غیر قانونی زندان، شلاق، تبعید و... علیه فعالین کارگری و معلمان و آزادی کلیه زندانیان سیاسی .

۴ - ممنوعیت کار کودکان و تامین هزینه خانواده های که نیاز به کار کودک دارند ، حق تحصیل رایگان برای همه کودکان از جمله کودکان اتباع خارجی .

۵- توقف اخراج و بیکارسازی ها، لغو کلیه قراردادهای موقت و سفید امضاء و پرداخت بیمه بیکاری بدون در نظر گرفتن سوابق بیمه ای به کلیه کارگران بیکار از جمله کارگران ساختمانی تا مشغول به کار .

۶- پرداخت بیمه بیکاری به کلیه کارگران بیکار که این روزها به خاطر ویروس کرونا کار خود را از دست داده اند تا پایان اعلام رسمی ویروس کرونا از سوی وزارت بهداشت .

۷- ما کارگران بر این عقیده ایم که طبقه کارگر می بایست مستقیماً در تعیین سرنوشت خود دخیل باشد و ضمن اینکه هرگونه تعیین تکلیف برای کارگران از بالا را امری غیر کارگری می دانیم، خواستار لغو اصل سه جانبه گرایی شورای عالی کار در تعیین دستمزد کارگران هستیم .

۸ - تعیین دستمزد دو میلیون و ششصد هزار تومانی از سوی شورای عالی کار را تحمیل مرگ تدریجی بر میلیون ها کارگر دانسته و خواهان افزایش دستمزدها متناسب با تورم موجود در جامعه هستیم .

۹ - دستور قرنطینه و در خانه ماندن مردم محروم جامعه و کارگران به خاطر جلوگیری از ویروس کرونا بدون تأمین معیشت میسر نیست. دولت باید با پرداخت حقوق کافی به همه مردم محروم و کارگران بیکار شده اقدام کند .

۱۰ - ما حمایت خود را از بازنشستگان که هر هفته روزهای یکشنبه در بستر خیابان هستند اعلام می کنیم و حمایت از بازنشستگان وظیفه همه کسانی می دانیم که خود را با طبقه کارگر تداعی می کند .

۱۱ - دولت حاکم بر ایران بجای روز کارگر یک هفته را بنام کارگر نام گذاری کرده است. این خیانت به طبقه کارگر است و باید لغو گردد .

۱۲ - اول ماه مه برابر با یازده اردیبهشت باید کلیه مراکزهای کار تعطیل و در آن روز معین کارگران بتوانند مراسم های خود را برگزار کنند .

این قطعنامه با یک مقدمه و ۱۲ بند به تصویب امضاء کنندگان زیر رسید و بنابه درخواست جمعی از کارگران صنف ها مختلف آن را در فضای مجازی منتشر خواهیم کرد .

۱ عثمان اسماعیلی ۲- علی حسینی ۳- کاوه حکیمی ۴- نجیبه صالحزاده ۵- محمود صالحی ۶- فردین میرکی ۷- یدالله صمدی ۸- ریوار عبدلهی ۹- عمر شبانی

تاریخ نشر ساعت ۱۲ شب روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۰/۲/۹

عکس های دیگری از گرامیداشت روز جهانی کارگر در سقز



روز چهارشنبه هشتم اردیبهشت ماه جمعی از فعالان کارگری شهر سقز با برپایی مراسمی اول ماه مه روز جهانی کارگر را گرامی داشتند.

حاضرین در این مراسم که در یکی از بستان های تفریحی سقز برگزار شد با در دست داشتن پلاکاردهایی با مضمون "اول ما مه روز جهانی کارگر گرامی باد، روز جهانی کارگر روز رزم طبقه کارگر علیه سرمایه داری است و کارگران برای سرنگونی نظام سرمایه داری باید متحد شویم" روز جهانی کارگر را گرامی داشتند . گفتنی است برگزار کنندگان این مراسم به همین مناسبت در میان مردم شهر شیرینی و تراکتهای تبلیغی پخش و توزیع کردند.

استقبال از روز جهانی کارگر در یکی از کارگاههای شهرسندج!



روز پنج شنبه نهم اردیبهشت ماه ساعت ده صبح در یکی از کارگاههای شهرک صنعتی سنندج مراسمی به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر برگزار گردید.

این مراسم با خاموش کردن دستگاههای کارخانه و با یک دقیقه سکوت به یاد تمام کارگرانی که در آزادی و برابری جان خود را از دست داده اند شروع شد و بعد از آن یکی از حاضرین در مورد روز جهانی کارگر و مشکلاتی که طبقه کارگر ایران با آن روبه رو هستند از لحاظ معیشتی و اقتصادی سخنانی ایراد کرد و در آخر کارگران با پخش شیرینی و شکلات روز جهانی کارگر را به همدیگر تبریک گفتند. این مراسم در میان شادی و سرور کارگران به پایان رسید.

در گرامی داشت اول ماه مه ، جمعی از کارگران ساختمانی کامیاران و کرمانشاه!

روز جهانی کارگر توسط تعدادی از فعالین کارگری و کارگران ساختمانی کامیاران و کرمانشاه برگزار شد و ضمن تبریک این روز توضیحاتی در باب حقوق پایمال شده کارگران از پروسه کار و تولید و نیز پایین بودن دستمزدها، مسائل بیمه کارگران فصلی و افزایش حق بیمه های تامین اجتماعی و ضرورت تشکلات مستقل کارگری ایراد شد سپس چند نفر از کارگران در مورد وضعیت خود و مشکل تراشی های پی در پی سازمان تامین اجتماعی و اداره کار و فنی حرفه ای، ناکارآمدی انجمن های صنفی بحث کردند. در ادامه اشاراتی به کم کاری و بی مسئولیتی خود کارگران در رابطه با تعیین وظایف انجمن های صنفی و مشکلات روزانه معیشتی صورت گرفت. همچنان که بر همگان آشکار است این روند مناسبات طبقاتی بخشی از زندگی روزمره انسانها گشته و برای رفع تبعیض و نابرابری های درون جامعه ما نیازمند پیگیری مستمر احاد بخش های کارگری هستیم.



زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر

بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران به مناسبت فرارسیدن روز جهانی کارگر

با پرچم خواست افزایش دستمزد به استقبال روز جهانی کارگر میرویم

مطالبه‌ی افزایش دستمزد به اصلی‌ترین محور تلاش و مبارزه طبقه کارگر ایران و دیگر بخش‌های مزدبگیران جامعه بدل شده است. کل جامعه هشتاد میلیونی ایران به شکلی فاحش و عیان در ورطه‌ی فلاکت عمومی افتاده است.



به غیر از اقلیتی چپاولگر و فاسد و حامیان حکومتگر آنان، هیچ بخشی از جامعه نیست که به وضع موجود راضی باشد و تداوم بنیان‌های اقتصادی و معیشتی خود و خانواده‌اش را در معرض سقوط و فروپاشی نبیند. معضلات و بدبختی‌های زندگی، هم بصورت فردی و هم به شکل اجتماعی، چنان فراوان و شدید گریبان تک تک آحاد جامعه را گرفته است که نمیشود تمامی آن را لیست کرد!

گرسنگی و عدم توانایی تأمین نیازهای اولیه خانواده‌ها بطور واقع عمومیت یافته است. بی‌مسکنی و بی‌خانمانی افراد آنقدر افزایش پیدا کرده که دیگر کسی را متعجب نمی‌کند. کوچک شدن هر روزه‌ی سفره‌ها و حذف بسیاری از اقلام خوراکی از سبد مایحتاج خانواده‌ها شایع‌ترین پدیده‌های جامعه شده است. بسیاری از افراد برای تأمین نیازهای اولیه خود به فروش اعضای بدن روی آورده‌اند. اینها، تنها موارد کوچکی از هزاران مورد معضل و مشکلات تحمیل شده به جامعه ماست. این همان واقعیاتی است که سردمداران حاکم طی بیش از چهار دهه برای جامعه ایران به ارمغان آورده‌اند.

اما جامعه ایران و جنبش عظیم مطالباتی مردم که جنبش اعتراضی طبقه کارگر و مزدبگیران در رأس و پرچمدار آن هستند، در مقابله با این همه بی‌حقوقی و تضاد و تبعیض، چه در محیط کار چه در کف خیابان‌ها، گاه پنهان و گاه آشکار، همواره در مبارزه و کشاکشی بی‌وقفه بوده‌اند.

در سالهای اخیر نقطه‌ی ثقل این مبارزات، حول مطالبه معیشت‌خواهی و اعاده کرامت انسانی به اوج خود رسیده است.

کارگران و دیگر مزدبگیران ایران در مقابل تعرض گسترده‌ی نهادهای حاکمیتی که از طریق تصویب دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر قصد تحمیل هر چه بیشتر فقر و فلاکت و گرسنگی به اکثریت جامعه را دارند، تماماً پیاخته و گسترده‌تر از هر دوره‌ای در سطح خیابانها میخروشند.

حال که به پیشواز روز جهانی کارگر می‌رویم و در همسویی و همبستگی با هزاران کارگر صنایع نفت که اعلام کرده‌اند با خواست افزایش حداقل دستمزد کارگران به بالای ۱۲ میلیون تومان به استقبال روز جهانی کارگر می‌روند، پرچم خواست دستمزدها را در روز جهانی کارگر امسال برمی‌افزایم.

طبقه کارگر ایران و تمامی مزدبگیران دیگر زیر بار تداوم تحمیل فقر و فلاکت نخواهند رفت و بساط تصویب و اجرای چنین دستمزدهای حقارت‌آمیزی را به زیر خواهند کشید.

در ماه‌های جاری هر هفته شاهد برگزاری تجمعات پرشور بازنشستگان، کارگران و معلمان بوده‌ایم که خواهان افزایش میزان حقوق و دستمزدها بوده‌اند.

موقعیت کنونی جنبش اعتراض به سطح نازل دستمزدها حاصل تلاش بیشتر از یک دهه مبارزه کارگران ایران است. اعتراضات بازنشستگان و مستمری‌بگیران، اعلام خواست افزایش دستمزد از سوی کارگران فولاد اهواز، اعتصاب کارگران پیمانی نفت در مرداد گذشته با خواست افزایش دستمزد، اعتصابات گسترده پتروشیمی‌ها در چند سال قبل با خواست افزایش دستمزد، سازماندهی طومار ۴۰ هزار نفره کارگران برای اعتراض به سطح نازل دستمزدها که از روز جهانی کارگر سال ۱۳۹۱ شروع شد و کارگران مراکز کارگری بیش از پنج استان کشور را شامل میشد، و متأخرتر طومار ۱۵ هزار نفره کارگران با خواست افزایش دستمزد که آن نیز در سال ۱۳۸۷ توسط اتحادیه آزاد کارگران ایران سازماندهی شد.

امسال نیز کارگران ایران در اعتراض به تصویب حقارت‌آمیز حداقل دستمزد ۲ میلیون و ۶۵۵ هزار تومانی دولت، اعلام می‌داریم که میزان دستمزد را خود کارگران باید تعیین کنند و با تمام قوا خواست افزایش حداقل دستمزد به بالای ۱۲ میلیون تومان را به پیش خواهیم برد.

کارگران و همکاران در مراکز مختلف کاری و تولیدی در سراسر کشور؛

روز جهانی کارگر روز اتحاد و همبستگی جهانی کارگران است. به مناسبت این روز خواست دفاع از معیشت خود و خانواده‌هایمان را فریاد خواهیم زد و با اعلام اینکه دستمزد توسط خود کارگران باید تعیین شود، به هر طریق ممکن با مطالبه افزایش حداقل دستمزد به بالای ۱۲ میلیون تومان روز جهانی کارگر را گرامی خواهیم داشت.

اتحادیه آزاد کارگران ایران - هجدهم فروردین ماه یکهزار و چهارصد

#افزایش_حداقل_دستمزد_به_بالای_۱۲_میلیون_درماه #دستمزد_توسط_خود_کارگران_باید_تعیین_گردد

=====

گرامی باد اول ماه مه، روز جهانی کارگر



کانون نویسندگان ایران

بیش از یک قرن است که کارگران سراسر جهان در اول ماه مه هر سال، روز جهانی کارگر را گرامی می‌دارند. روز جهانی کارگر، روز طبقه ای است که آفرینندگان اصلی ارزش اند اما تنها از بخش ناچیزی از این ثروت کلان بهره می‌برند. اگرچه این روز در دوران معاصر در اکثر کشورهای جهان تعطیل رسمی اعلام شده و کارگران به خیابان‌ها می‌آیند و فریاد اعتراض خود را بر ضد استثمار و ستم بلند می‌کنند، در کشورهایی چون ایران، فقط به ذکر روز جهانی کارگر در تقویم بسنده شده است و هرگونه گردهمایی مستقل با سرکوب و زندان و پرونده سازی پاسخ داده می‌شود.

امسال کارگران ایران در شرایطی به استقبال اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) می‌روند که در سال گذشته روز به روز سفره هاشان کوچکتر شده، تورم لگام گسیخته زندگی میلیون‌ها کارگر و زحمتکش را به مرز فروپاشی رسانده و فشار بیکاری، فقر و دستمزدهای ناچیز و تعویق در پرداخت همین دستمزدها، آنها را بیش از پیش از حداقل‌های اولیه‌ی زندگی محروم کرده است. گذشته از مشکلات اقتصادی و سرکوب نظام مند آزادی بیان کارگران و فعالان کارگری، در سالی که گذشت شیوع کرونا نیز آنها را با ابعاد جدیدی از ستم روبه‌رو کرد. در شرایطی که بسیاری از نهادهای غیرتولیدی و تشریفاتی را به دلیل خطرات ناشی از کرونا تعطیل کرده‌اند، کارگاهها و کارخانه‌ها نه تنها تعطیل نشده‌اند، بلکه همچنان یکی از کانون‌های اصلی بحران کرونا هستند. اگر سیاستی مردمی در میان می‌بود، باید کارگران را مرخص و نهادهای تولیدی را دستکم برای مدتی معین تعطیل می‌کردند، پرداخت‌ها به طور سراسری ادامه می‌یافت، و نیازهای اولیه‌ی کارگران از سوی دولتی که تمام منابع ثروت را در تصاحب دارد تأمین می‌شد؛ چنین رویکردی همراه با واکسیناسیون سراسری جامعه‌ی کارگری و بازنشستگان می‌توانست از همان ابتدا مانع از شیوع گسترده‌ی ویروس کرونا شود. با این همه، در مدتی که از این همه‌گیری می‌گذرد، کارکنان زحمتکش بخش بهداشت

و درمان بوده اند که نه تنها به مبارزه ای مرگبار فراخوانده شده اند بلکه بار اصلی ناشی از بی توجهی متولیان حکومتی به جان مردم را به دوش کشیده اند .

کارگران ایران که در هر شرایطی ناگزیر از حضور در محل کارند، از حق تشکیل سازمان های مستقل محروم اند و پاسخ اعتراضشان به این بی حقی و ستم، پرونده سازی و حبس است. شمار بازداشت ها و احکام صادره برای کارگران و فعالان کارگری ظرف یکی دو سال گذشته گویای همین حقیقت تلخ است. در این میان، مسئله ی دیگری که مایه ی نگرانی روزافزون است وضعیت کارگران و فعالان کارگری محبوس در زندان هاست که به رغم رخنه ی کرونا به بندهای عمومی، از هیچ گونه حق مرخصی یا آزادی موقت برخوردار نشده اند. کارگران و زحمتکشانی که معاش و آینده ی خود را ازدست رفته می بینند و هرگونه چشم انداز بهبود در وضعیت نیز از آنها گرفته شده است، به پخش برنامه های حکومتی که شب و روز از وخامت اوضاع اقتصادی دم می زنند، نیاز ندارند. نیاز آنها محو سایه ی شوم و مرگبار فلاکت و فقر گسترده ای است که گریبان شان را گرفته و زندگی شان را به مرز نابودی کشانده است. از این جاست که کارگران نیز مانند همه ی گروه های اجتماعی برای بیان خواسته های برحق و رسیدن به مطالبات خود بیش از هر چیز نیازمند آزادی بیان و حق تشکل آزاد و مستقل هستند .

کانون نویسندگان ایران خواهان به رسمیت شناختن عملی و رسمی حق آزادی بیان و اعتصاب برای همه ی گروه های اجتماعی و همچنین آزادی بیدرنگ و بی قید و شرط تمام زندانیان سیاسی از جمله کارگران و فعالان کارگری زندانی است، و ضمن تأکید بر این خواسته ها، روز اول ماه مه را به کارگران ایران شادباش می گوید .

کانون نویسندگان ایران

۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۰

بیانیه ی اتحاد بازنشستگان به مناسبت یازده اردیبهشت روز جهانی کارگر و دوازده اردیبهشت روز ملی معلم!

یازده اردیبهشت روز جهانی کارگر و دوازده اردیبهشت روز ملی معلم است. کارگران و معلمان به عنوان دو بخش مهم از نیروی کار کشور همراه با سایر بخش ها، به ویژه بازنشستگان، کارکنان بخش بهداشت و سلامت، زنان، بیکاران و زحمتکشان شهر و روستا فصل مشترک های روشنی دارند که می تواند عامل اتحاد فراگیر مطالباتی برای تغییر اساسی شرایط زندگی نیروی کار کشور باشد. همه ی این بخش ها بشدت از تورم سنگین، مزدهای ناچیز و پائین تر از خط فقر و سقوط شدید قدرت خرید در اثر تشدید بحران اقتصادی و اجتماعی رنج می برند؛ بهره کشی برده دارانه از نیروی کار، نظام چند لایه ی تبعیض های مزدی با وجود کار برابر، سلب امنیت شغلی با قراردادهای موقت و محرومیت از حق تشکل مستقل صنفی و طبقاتی برای مقابله ی جمعی و موثر با عوامل سرکوب و استثمار در حق همه ی بخش های نیروی کار اعمال می شود. محرومیت از نظام جامع تامین اجتماعی، اعتراض به بیمه های ناکارآمد «تکمیلی» و کالایی شدن فزاینده ی خدمات عمومی با تفاوت های جزئی در همه ی بخش های کارگران و مزدگیران مشترک است. رانت خواری و غارتگری در صندوق های بازنشستگی، در صندوق ذخیره ی فرهنگیان در نحوه ی تخصیص منابع سازمان تامین اجتماعی و شیوه ی ناسالم همسان سازی حقوق و مستمری ها، در اختصاصی سازی دارایی های عمومی به نام واگذاری به بخش خصوصی و خصوصی سازی، در برون سپاری خدمات عمومی، در نپرداختن دستمزدهای نیروی کار و مزایای شغلی، در عدم تخصیص امکانات آموزش مجازی برای کودکان و ترک

تحصیل کودکان، همه و همه از دردهای مشترک بخش‌های مهمی از نیروی کار صنعت، خدمات، بهداشت، آموزش و پرورش کشور و همچنین عموم بازنشستگان و محرومان کشور است.

در حالی که وابستگان حاکمیت و برنشتگان سفره‌ی رانت و غارت از امکان دسترسی به واکسن کرونا برخوردارند، گروه‌های مختلف مزد و مستمری بگیران و کسانی که حتی از داشتن درآمدی محروم هستند، از قربانیان اصلی معادله‌ی نان در ازای جان در شرایط کشتار کرونایی و واکسن پولی وارداتی بخش خصوصی هستند.

اگر چه آگاهی به این فصل مشترک‌های مطالباتی میان میلیون‌ها حقوق و مستمری بگیر کشور هنوز از سطح خودسامان یابی و حضور مستقل گسترده در جنبش مطالباتی فاصله دارد، اما در عوض شاهدیم که نیروهای آگاه در جنبش اکثریت عظیم کار، سلامت و آموزش به شکل روزافزونی اهمیت اتحاد سراسری بخش‌های مختلف نیروی کار کشور بر پایه‌ی این فصل مشترک‌ها را دریافته و آرایش مبارزاتی متناسب با آن را پیگیری می‌کنند.

همین جهت گیری نیروهای آگاه و همین پیگیری آنان در کنار تحمل ناپذیرتر شدن شرایط زندگی، ناگزیری دست زدن به اعتراض در میان بخش‌های مختلف مزد، حقوق و مستمری بگیران برای جلوگیری از سقوط هر چه بیشتر سطح معیشت و ناتوانی حاکمیت در پاسخ به مطالبات برحق مردم، از عوامل اصلی تشدید فشار بر فعالین کارگری، معلمان و کنشگران جنبش‌های مطالباتی است.

در برابر حق طلبی و عدالت خواهی ما پاسخی جز تهدید، ارعاب، پرونده سازی، زندان، شلاق و شکنجه ندارند و هرگز هم نداشته‌اند. صف کار، آموزش و عدالت اجتماعی در کنار مبارزه برای آموزش رایگان، لغو خصوصی سازی در همه‌ی بخش‌های اقتصاد، برخورداری همگان از تامین جامع اجتماعی، حق کار، مسکن اجتماعی، بیمه‌های کارآمد، سلامت همگانی و اجرای درست همسان سازی حقوق بازنشستگان، همزمان بر مطالبه‌ی آزادی بی‌قید و شرط همه‌ی فعالین کارگری و معلمان در بند، همه‌ی زندانیان سیاسی و عقیدتی، حق ایجاد تشکل مستقل صنفی و طبقاتی و حق تجمع و اعتراض تاکید می‌کند. امسال هم در روزهای یازده و دوازده اردیبهشت مطالبات مشترک خود را بار دیگر مطرح می‌کنیم.

تا حق خود نگیریم / از پا نمی‌نشینیم

اتحاد بازنشستگان ۱۰/۲/۱۴۰۰

=====

به بهانه‌ی روز جهانی کارگر و مشکلات و معضلات کارگران در زمینه‌های مختلف کار

از مشکلات عمده‌ی امروز کارگران به مدد سیاست‌های اقتصادی افسار گسیخته‌ی سرمایه‌محور، قراردادهای تحمیلی سفیدامضا می‌باشد.

مدت مدیدی ست با حمایت دولت، مجلس و نهادهای امنیتی، کارفرمایان به راحتی و در واقع با گروگان گرفتن کارگران، با توسل به قراردادهای سفیدامضا و یک‌ماهه به اذیت و آزار و ایجاد استرس در میان کارگران و نیز ایجاد وحشت همیشگی از اخراج، آنها را به بردگی مطلق واداشته‌اند. هر روز سایه‌ی اخراج بر فراز سر آنان تهدیدشان می‌کند.

در شهرهای بزرگ و صنعتی که بیشتر کارگران مهاجر و غیر بومی هستند، این به‌خودی خود باعث ترس و بی‌اعتمادی کارگران نسبت به همدیگر شده و کارفرمایان دقیقاً این روش را برای خاموش کردن کارگران به کار می‌برند. عدم امنیت شغلی حربه‌ای است که از جانب کارفرما و حمایت نهادهای دولتی، اوج استثمار کارگران را آشکار کرده است. اما در دیگر سو، کارگاه‌های کوچک و به‌اصطلاح زیر پله‌ای مانند خیاطخانه‌ها، کفایشی‌ها، صنایع بسته‌بندی و الکترونیکی را داریم که به شکلی دیگر، کارگر را از زندگی انسانی محروم می‌کنند. در این واحدهای تولیدی زنان کارگر به‌شدت زیر فشار زندگی و تورم هر روزه اغلب با دریافتی کم مجبور به کار سخت و طاقت‌فرسا هستند، و بار دیگر به ستم مضاعف بر زنان در جهان سرمایه‌داری صحنه گذاشته می‌شود.

از آنجا که سرمایه‌داری تنها به ارزش اضافی و سود می‌اندیشد، با حیل‌های متفاوتی به استثمار ادامه می‌دهد و زندانیانی ابدی برای تولید منبع درآمد سرشار، با بردگی مطلق و بدون هیچ تعهدی، به بند کار طاقت‌فرسا کشانده می‌شوند.

در سراسر ایران موقعیت فعلی برای سرمایه‌داران و گماشتگان آنها ثروت و غارت وحشیانه‌ی کارگران است .

و اما در خصوص پرداختی‌ها اغلب با تاخیر و قطره چکانی و تهدید صورت می‌گیرد .

اغلب کارخانه‌داران گماشتگانی تحت نام مشاور و یا مدیر به کار می‌گیرند که با پیوندهای خاص کارشناسان ادارات کار و بیمه را در خدمت گرفته‌اند که به‌اصطلاح به صورت قانونی کارگران شاکی و معترض را به اخراج و محکومیت تحت عناوین علیه امنیت عمومی و... تهدید می‌کنند .

این موارد گوشه‌ای از ستم‌های ناروا بر کارگران ایران است و همچنان هم ادامه دارد...

[#روز_جهانی_کارگر_گرامی_باد](#)

اتحاد بازنشستگان

[@etehad_bazn](#)

برگزاری روز جهانی کارگر توسط تعدادی از فعالین کارگری و کارگران ساختمانی اهل کامیاران و کرمانشاه



در این مراسم ضمن تبریک این روز توضیحاتی در باب حقوق پایمال شده کارگران از پروسه کار و تولید و نیز پایین بودن دستمزدها، مسائل بیمه کارگران فصلی و افزایش حق بیمه‌های تامین اجتماعی و ضرورت

تشکلات مستقل کارگری ایراد شد سپس چند نفر از کارگران در مورد وضعیت خود و مشکل تراشی های پی در پی سازمان تامین اجتماعی و اداره کار و فنی حرفه ای، ناکارآمدی انجمن های صنفی بحث کردند. در ادامه اشاراتی به کم کاری و بی مسئولیتی خود کارگران در رابطه با تعیین وظایف انجمن های صنفی و مشکلات روزانه معیشتی صورت گرفت. همچنان که بر همگان آشکار است این روند مناسبات طبقاتی بخشی از زندگی روزمره انسانها گشته و برای رفع تبعیض و نابرابری های درون جامعه ما نیازمند پی گیری مستمر احاد بخش های کارگری هستیم.

زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر

=====

روزت مبارک کارگر زندانی !!

از: محمد حبیبی (عضو کانون صنفی معلمان)

صدایش کمی خش دارد. گرم و است گیرا. مثل طبع جنوبی اش. با همان سلام اول؛ آدمی را جذب می کند. انگار رفیق گرمابه و گلستان.

همان دیدار اولمان در اوین، اگر چه کوتاه، اما رد پایش را گذاشت در خاطر من. تازه از انفرادی آمده بود. از یک انفرادی طولانی

امان از این انفرادی های طولانی که ذهن پر می شود از همه خاطرات زندگی. تا خالی شود، زمان می برد. تو هی راه میروی در هواخوری و هی چرخ میزنی در گذشته تا تمام شود این خیال لایتناهی. اما مگر می شود؟ زمان می برد.

وقتی پرسید: بیکاری اذیت می کند. اشکالی دارد اینجا مشغول کارشوم؟

فهمیدم اش. برای او که همه عمر کار کرده بود برای گذران زندگی، کار خالی می کرد انبان ذهن اش را.

گفتم نه. چه اشکالی دارد.

مشغول شد و من میدیدم تلاش هر روزه اش را. خیلی زود پیشانی اش به عرق می نشست و صدای خش خش نفس هایش شنیده می شد. اما کار می کرد بدون گلایه.

وقت های بیکاری چرخ می زدیم در حیاط کوچک هواخوری، سیگاری می کشیدیم و گپ می زدیم. آن موقع ها هنوز شاپور احسانی راد بود.

خیلی زود رفت و باید زمان می گذشت تا درست یکسال و نیم بعد دیداری کنیم که سرآغاز رفاقتی پایدار شود. بشود عمو شاپور.

در تهران بزرگ بود که هم بند و هم اتاق و هم سفره شدیم. رفیق گرمابه و گلستان، اینبار بدون انگار...

صدایش خش دارد و مثل همیشه می خندد. از شرایط بند می پرسم که می دانم بدتر از گذشته است. حمام های همیشه سرد در بهار و تابستان و قطعی آب هر روزه حتی برای ده ساعت. حشرات که نمی گذارند شب ها و در اندک سکوت روزانه کمی راحت باشی.

می دانم پیرمرد اذیت می شود اما مثل همیشه می خندد.

بی اختیار ذهنم می رود به روزهای گذشته. به مهربانی های پدری برای بچه های آبانی.

میوه ها را یکی یکی پوست می کند و می گذارد زیر تختش. سهم هر کدامان را جدا.

می گردد، یکی یکی تا پیدایمان کند و سهممان را بدهد. سهم من، سهم علیرضا، متین، پویا...

مواظب است، سهم هرکس نه کم شود و نه زیاد. برابری مطلق.

وقتهایی که جارو بدست اتاق را تمیز می کند، اعتراض می کنم که عمو بچه ها خودشان تمیز می کنند. اما گوشش بدهکار نیست. کار خودش را می کند. یکدنده مطلق...

با این پیرمرد دوست داشتنی، شاپور احسانی راد، روزهای زیادی کتاب خواندیم و راه رفتیم و گپ زدیم. با این پیرمرد زندگی کردیم و نگاهش کردیم که همیشه در صفا اول کار و تلاش است، همیشه آن جلو ایستاده است برای اعتراض. اما نه برای خود که برای منافع جمع. آن هم بی سرو صدا، بی هیچ نیازی به هیاهو ی رسانه.

نگاه کردیم و یاد گرفتیم و فهمیدیم که اصالت به قدمهای استوار است، حتی اگر شانه هایت به جبر زمانه کمی خم باشد. یاد گرفتیم که اصالت یعنی بی نیازی از سوت و کف های مجازی...

حالا از راه دور به پاس استواری قدم هایش کلاه از سر بر می داریم و زیر لب زمزمه می کنیم: که روزت مبارک پیرمرد دوست داشتنی. روزت مبارک کارگر زندانی

[#کارگر_زندانی](#) [#شاپور_احسانی_راد](#) [#اسماعیل_گرامی](#)

[#روز_جهانی_کارگر](#)

[#محمد_حبیبی](#)

[@edalatxah](#)

=====
قطعنامه روز جهانی کارگر ۱۴۰۰ اول ماه مه ۲۰۲۱ - کارگران و خانواده های کارگری شهرهای: سنندج، کرمانشاه، مریوان، کامیاران، پاوه، بوکان، سردشت، مهاباد، اشنویه و نقده

امسال در شرایطی به استقبال اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر می رویم که تشدید بحران جهانی سرمایه داری و همه گیری ویروس کرونا، تمامی زوایای زندگی کارگران و فرودستان جهان اعم از کار و معیشت و امنیت جانی آنان را در معرض فروپاشی قرار داده است. در چنین شرایطی سرمایه داران و دولت های حامی آنها بار سنگین وضعیت موجود را بر دوش طبقه ی کارگر و لایه های فرودست جامعه انداخته، و بحران های موجود را همچون فرصتی مناسب جهت هر چه بی حقوق تر کردن طبقه ی کارگر جهانی کرده اند.

پیرو چنین وضعیتی در ایران نیز تورم لجام گسیخته و سیر صعودی قیمت کالاهای اساسی و مورد نیاز روزانه ی مردم، همراه با دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر و در عین حال پرداخت نکردن به موقع همین دستمزدهای ناچیز، فقر و فلاکت بی سابقه ای را به اکثریت طبقه ی کارگر و اقشار فرودست جامعه تحمیل کرده است. بر متن چنین اوضاعی گسترش بی سابقه ی آسیب های اجتماعی (همچون افزایش خشونت های خانگی و قتل هاس ناموسی) زندگی و هستی خانواده های کارگری را در سراشیب سقوط قرار داده است.

در همان حال شیوع گسترده‌ی ویروس کرونا سایه‌ی مرگباری را بر جامعه گسترانده، و شریان‌های حیاتی آن را مسدود و چرخه‌ی معیوب حیات اجتماعی را معیوب‌تر از هر زمان دیگری کرده است. ابعاد واقعی شیوع این بیماری چنان گسترده است که با وجود فداکاری‌ها و جانفشانی‌های بی وقفه‌ی کادر پزشکی و پرستاران، هنوز هم پیامدهای فاجعه‌بار آن خودنمایی می‌کند. این اوضاع فاجعه‌بار به روشنی ناکارآمدی، ضعف مدیریت، و در یک کلام درماندگی دستگاه‌های مختلف حکومتی در مقابله با این بحران مرگبار را نشان می‌دهد. دولت تدبیر و امید سرمایه‌داران اگر نتوانست با اعمال قرنطینه‌های لازم، همراه با تامین هزینه‌های زندگی مردم، تامین ملزومات رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی مانع شیوع گسترده‌ی ویروس کرونا شود، اکنون هم با امتناع از اختصاص بودجه‌ی لازم برای تهیه‌ی واکسن، مردم ایران را بیشتر در معرض خطر ابتلاء به این بیماری قرار داده، و در مقیاسی گسترده وارونگی نظام سرمایه‌داری را و اصل تقدم اولویت سود سرمایه بر نیازهای انسانی و اجتماعی را به عریان‌ترین شکل نشان می‌دهد.

از اینرو ما کارگران همانطور که با اعتصابات و اعتراضات خود نشان داده‌ایم، به این اوضاع فلاکت‌بار اقتصادی و به این شرایط مرگباری که بحران کرونا تحت حاکمیت سرمایه‌داران به ما تحمیل کرده است تمکین نخواهیم کرد، و تخم نارضایتی و انزجار خود را در بستر همین مبارزات جاری خواهیم پروراند؛ تا پیامد آن، و در پرتو اتحاد و همبستگی طبقاتی، اوضاع آسفاور کنونی را پایان بخشیده، و روزهای بهتر و روشن‌تری را خلق نماییم.

در پرتو چنین رهیافتی ما قویاً اعلام می‌داریم: تا زمانی که این نظام ظالمانه حاکم است حتی یک لحظه از مبارزه برای تحمیل خواسته‌های بر حق خود به سرمایه‌داران و دولت‌های حامی آن‌ها دست نخواهیم کشید، و در دل همین مبارزات روزمره صفوف خود را متحدتر خواهیم نمود.

بر کسی پوشیده نیست که تعمیق شکاف طبقاتی و گسترش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، همراه با نابودی منابع و زیست‌بوم‌های طبیعی و گرمایش کره‌ی زمین محصول و زائیده‌ی انکار ناپذیر نظام سرمایه‌داری بوده، و با تداوم حاکمیت آن افق‌های بسیار تیره‌تری را به همگان خواهد نمایاند. لذا همبستگی بین‌المللی طبقه‌ی کارگر در برابر این نظام سرا پا گندیده می‌تواند پایانی بر گرسنگی و فقر و فلاکت، بردگی، بیماری و بی‌تامینی باشد.

ما که با دست‌ها و اندیشه‌های توانمند خود چرخ‌های تولید را می‌چرخانیم و نعمات و ثروت‌های بی‌پایانی را جهت خوشبختی و بهره‌مندی بشر می‌سازیم؛ ما که بانگ آزادی و مساوات را رساتر از سرمایه‌داری سر می‌دهیم، خود نیز می‌توانیم نظام شایسته‌ی بشر را خلق کرده، و تمامی آثار شوم نظام حاکم را از سیمای رنجور جهان پاک نماییم.

از اینرو ما امضاء کنندگان این قطعنامه، در شرایط امسال سیاست کارگران را در قبال وضع موجود اعلام میکنیم. ما این توقعات و خواسته‌ها را نه فقط برای کارگران بلکه برای تمامی جامعه خواستاریم. فراخوان ما ایجاد بیشترین همبستگی و سازمانیابی و ابتکار مبارزاتی کارگران و مردم حق‌طلب حول این توقعات و خواسته‌ها است.

در اول ماه مه امسال اعلام می‌داریم:

۱- ویروس کرونا باید با سیاست قرنطینه و تامین ملزومات آن توسط دولت کنترل شود. واکسیناسیون رایگان عموم شهروندان با استاندارد جهانی سرعت اجرا و تضمین شود.

۲- پاسخ فوری به فقر و گرسنگی دامنگیر مردم، تامین نیازهای حیاتی زندگی است. دولت موظف است لوازم زندگی و معیشت مکفی تمامی آحاد جامعه را تامین نماید.

۳- ما "حداقل دستمزد" اعلام شده از جانب دولت حامی کارفرمایان و سرمایه‌داران را تحمیل گرسنگی و مرگ تدریجی به کارگران و خانواده‌های کارگری دانسته، و آن را به شدت مردود و محکوم می‌کنیم؛ و کیفرخواست خود را بر علیه دستمزدهای زیر خط فقر، و دستمزدهای معوقه اعلام می‌داریم؛ و دستمزدهایی متناسب با شرایط موجود جهت حصول زندگی درخور و شایسته‌ی انسان امروز را خواهانیم.

۴- بیکارسازی در شرکت‌های بزرگ و کوچک سیر صعودی در سال گذشته داشته است. بیکاری زندگی میلیونها انسان آماده به کار و خانواده‌های کارگری را تهدید می‌کند. لذا اخراج و بیکارسازی باید ممنوع شود.

۵- دولت موظف است کار یا پرداخت بیمه بیکاری مکفی برای همه انسان‌های بیکار و آماده به کار را تامین نماید.

۶- خواهان تامین مسکن مناسب برای همه‌ی افراد فاقد سرپناه هستیم. حاشیه‌نشینان، کودکان کار، کارتن‌خواب‌ها، گورخواب‌ها، ماشین‌خواب‌ها، دستفروشان، معتادین، کارگران بخش بازیافت زباله عمدتاً بی مسکن هستند؛ و در عین حال دولت آلودگی‌های خارج از محدوده را با بولدوزر ویران می‌کند. ما کارگران این اقدامات ضد انسانی را محکوم می‌کنیم و دولت را موظف به تامین مسکن مناسب این شهروندان با رعایت حرمت انسانی آنان می‌دانیم.

۷- تهدید و بازداشت فعالین کارگری و اجتماعی ادامه دارد. ما خواهان توقف بازداشت‌ها و احضارها و سرکوبگری‌ها هستیم. زندانیان سیاسی فوری باید آزاد شوند. خواهان توقف اعدام‌ها و لغو مجازات اعدام هستیم.

۸- از مبارزات بازنشستگان، معلمان، زنان و جوانان و مردم زحمتکش قاطعانه حمایت می‌کنیم. بر اتحاد و همبستگی جنبش کارگری با جنبش معلمان، زنان، دانشجویان و نسل جوان و دیگر جنبش‌های اجتماعی ضد تبعیض و حق طلب پای فشرد، و اعلام می‌کنیم فشار و محدودیت و اعمال سرکوب و پرونده‌سازی علیه فعالین این جنبش‌ها و تشکل‌های مستقل آن‌ها باید ممنوع شود.

۹- قتل و کشتن کولبران در کردستان و سوخت‌بران در سیستان و بلوچستان را محکوم می‌کنیم، و بر توقف این جنایات پافشاری می‌کنیم؛ لذا باید امنیت و معیشت این انسان‌های زحمتکش تامین و تضمین شود.

۱۰- سیاست‌های نژادپرستانه دولت و کارفرمایان در قبال کارگران مهاجر افغانستانی از جمله اخراج و ندادن هیچ امکانی به آن‌ها و عدم پذیرش در بیمارستان‌ها را قویاً محکوم می‌کنیم. کلیه‌ی ساکنین ایران باید بدون تبعیض، از معیشت و منزلت و سلامتی و بهداشت یکسان و همگانی برخوردار باشند.

۱۱- خواهان تضمین برابری کامل زن و مرد و رفع تبعیض از زنان در تمامی شئون زندگی اقتصادی اجتماعی و سیاسی هستیم، و بر پرداخت دستمزد و حقوق برابر برای زن و مرد در قبال کار مشابه تاکید می‌کنیم.

۱۲- ما بر آزادی بیان و عقیده، تشکل و تحزب، اعتصاب، اعتراض و تجمع به عنوان حقوق پایه‌ای کارگران و مردم پافشاری می‌کنیم؛ و تعطیلی روز اول مه و گرمای داشت این روز که از حقوق اولیه‌ی کارگران است را خواهانیم.

۱۳- ما بر آموزش و پرورش رایگان و همگانی در تمامی سطوح تحصیلی تاکید ورزیده، و ایجاد شرایط مناسب برای فرزندان خانواده‌های کارگری را خصوصاً در بحران کرونا خواهانیم؛ و استفاده از برنامه‌ی "شاد" در ارائه‌ی آموزش را با توجه به عدم دسترسی بسیاری از تهی‌دستان به آن را ضد انسانی و تبعیض‌آمیز می‌دانیم.

در پایان ما صمیمانه به تمامی پزشکان و پرستاران و کارکنان کادر درمان، به کارگران بخش نظافت، رانندگان آمبولانس و حمل و نقل و به کارگران مراکز تولید مواد غذایی و بهداشتی که در صف اول نجات دهندگان جامعه جهانی‌اند درود می‌فرستیم. چرا که در بحران کرونا بار دیگر بر همگان ثابت شد این کارگران و انسان دوستان‌اند که ناجیان جهان هستند، نه دولت‌ها و سرمایه‌داران استثمارگر.

همراه با هم طبقه‌ای‌هایمان در سراسر جهان روز کارگر را گرامی می‌داریم. با جنبش طبقه‌ی کارگر جهانی اعلام هم‌سرنوشتی و همبستگی می‌کنیم. ما خود را در هر گوشه‌ی جهان بخشی از مبارزه علیه سرمایه‌داری و تلاش برای ایجاد جهانی آزاد و برابر و مرفه می‌دانیم. ما با خانواده‌های کارگری و محرومان و کسانی که قربانی بیماری کرونا شدند، اعلام همدردی می‌کنیم. برای بیماران آرزوی سلامتی و بهبود داریم. اول مه را به طبقه‌ی کارگر ایران و جهان تبریک می‌گوئیم.

زنده باد اول مه

زنده باد همبستگی جهانی طبقه کارگر اردیبهشت ۱۴۰۰ - مه ۲۰۲۱

کارگران و خانواده‌های کارگری شهرهای: سنندج، کرمانشاه، مریوان، کامیاران، پاوه، بوکان، سردشت، مهاباد، اشنویه و نقده

قطعنامه عمومی به مناسبت روز جهانی کارگر ۱۴۰۰



امسال ما کارگران، معلمان، بازنشستگان و همه حقوق بگیران زحمتکش، بیکاران و همه محرومان جامعه در حالی به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر، کیفر خواست خود را در برابر بانیان ستم قرار میدهیم که مرگ و وحشت ناشی از ویروس کرونا و مصائب بی شمار و لاینحل اقتصادی و معیشتی و نبود کوچکترین روزنه ای برای بهبود شرایط موجود و بی تفاوتی جنون آمیز حکومتگران در برابر این وضعیت جهنمی، چنان سایه خود را بر بالای سر هست و نیست میلیونها انسان در سراسر کشور گسترانده است که برای ما توده های کارگر، زحمتکش و رنج دیده مردم ایران چاره ای جز در هم شکستن این وضعیت به نیروی متحد و سراسری اعتراضاتمان باقی نگذاشته است.

در این بین آن چیزی که ما شاهد و ناظر آن هستیم نه تنها بی تفاوتی حکومتگران در برابر شرایط موجود، بلکه تلاش دیوانه وار آنان برای حفظ و بقایشان بر تخت قدرت و رقابت بر سر آن، و بند و بست با قدرتهای بزرگ جهانی و رقیب، به هر قیمتی است.

در یک کلام، آن چیزی که امروز بر ما مردم ایران و پس از گذشت نزدیک به ۴۳ سال پس از انقلاب ۵۷ تحمیل شده است چیزی جز خیانت و تبدیل جامعه ای بزرگ با دارا بودن خیره کننده ترین ثروت های زیر زمینی و منابع انسانی به زمینی سوخته از سوی اقلیتی ستمگر نیست.

به همین دلیل است که شعارهایی از قبیل «از بس دروغ شنیدیم، دیگه رای نمیدیم» به شعارهای عمومی در اعتراضات جاری تبدیل شده است و می رود تا تحریم نمایشات مشمئزکننده انتخابات، توده ای و سراسری گردد.

برای ما اول ماه مه روز جهانی کارگر و روز معلم و دیگر روزهای تاریخی دیگر نمیتواند صرفا گرامیداشت چنین ایام ستودنی و یا اعلام کیفر خواست مان در برابر ستمگران باشد. ما برده نیستیم و تن به تداوم این وضعیت نخواهیم داد.

حکومتگرانی که از طریق سرکوب و ساز و کارهای حاکمیتی بر بالای سر مردم به غارت و چپاول ثروت های اجتماعی و استثمار گسترده کارگران و حقوق بگیران زحمتکش مشغول هستند باید بدانند که نیروی متحد کارگران و دیگر مزدبگیران زحمتکش در مقابل شرایط موجود با قدرت خواهد ایستاد.

از اینرو، ما تشکلهای و گروه های امضا کننده این قطعنامه با هشدار به حکومتگران برای پایان دادن به شرایط موجود که بطور غیر قابل انکاری در تمامی ارکان زندگی اقتصادی و سیاسی اجتماعی کشور به کلافی سر در گم و بن بست لایعلاج بدل شده و جامعه ای هشتاد میلیونی را در فرایند فروپاشی و اضمحلال قرار داده است ضمن تاکید بر سازماندهی عاجلانه اعتراضات سراسری و متحدانه، خواسته های حداقلی خود را برای شکل دهی به جامعه ای نوین و مبتنی بر تضمین پایه ای ترین حقوق انسانی به شرح زیر اعلام میداریم:

۱- افزایش فوری حداقل حقوق کارگران، معلمان و دیگر مزدبگیران شاغل و بازنشسته به بالای ۱۲ میلیون تومان در ماه و پرداخت بیمه بیکاری به کارگران و جوانان آماده به کار به میزان حداقل مزد، دستمزد کارگران و دیگر مزدبگیران زحمتکش باید توسط خود آنان تعیین و نهاد دولتی - کارفرمایی "شورای عالی کار" باید منحل گردد.

۲- واکسیناسیون کرونا باید فوراً و به صورت رایگان و همگانی انجام گیرد. مراکز کاری از جمله کارخانه ها و کارگاه ها، ادارات و سایر محیط ها در دوره های افزایش شیوع بیماری تعطیل شده و حقوق این ایام و بیمه بیکاری به تمام کارگران و کارمندان پرداخت گردد. همچنین تمامی زندانیان می بایست تا پایان دوران بحران کرونا یا آزاد گردند و یا به مرخصی فرستاده شوند.

۳- پایان دادن به امنیتی کردن اعتراضات سیاسی، صنفی و مدنی، لغو مجازات اعدام و شلاق، لغو کلیه احکام صادره علیه فعالان کارگری، معلمان و دیگر جنبش های آزادی خواه و برابری طلب و آزادی بی قید و شرط همه کارگران، معلمان و فعالان سیاسی و اجتماعی در بند.

۴- آزادی بی قید و شرط ایجاد تشکل های مستقل، اعتصاب، اعتراض، راهپیمایی، تجمع، اندیشه و بیان، احزاب و مطبوعات.

۵- پرداخت فوری مطالبات معوق کارگران، بازنشستگان، معلمان و کارمندان بخش خصوصی و دولتی همراه با خسارت دیر کرد و تصویب قانونی برای جرم انگاری عدم پرداخت حقوق و مزایا.

۶- تامین امنیت شغلی و توقف اخراج سازی ها، پایان دادن به هر نوع استخدام غیر مستقیم و غیر رسمی، برچیده شدن قراردادهای موقت و شرکت های تامین نیروی انسانی و پیمانکاری، لغو قوانین مناطق آزاد تجاری و ویژه اقتصادی و عدم افزایش مبلغ بیمه کارگران ساختمانی.

۷- قطع دست دولت از صندوق های بازنشستگی، سپردن اختیار صندوق سازمان تامین اجتماعی و دیگر صندوق های بازنشستگی به هیات امنایی از نماینده های منتخب اعضا، محاکمه غارتگران صندوق های بازنشستگی و جبران خسارت های وارده به اعضا، الغای فروش سهام شرکتهای تابعه تامین اجتماعی (شستا).

۸- غارت و چپاول منابع عمومی و تخریب محیط زیست توسط باندهای مافیایی وابسته به مراکز قدرت باید فوراً متوقف شود. به کلیه طرح های ضد محیط زیستی از جمله تخریب جنگل ها، کوه خواری، تجاوز به حریم دریا توسط ارگان های نظامی و دولتی و هرگونه طرح غیر کارشناسی انتقال آب به فلات مرکزی که به بهانه تامین آب شرب اما برای تامین آب مصرفی مورد نیاز کارخانجات فولادی متعلق به نهادهای قدرت و مافیای فولاد است باید فوراً پایان داده شود.

۹- ممنوعیت کار کودکان و فراهم کردن امکانات زندگی و تحصیل رایگان با بالاترین استانداردهای آموزشی برای همه آنان فارغ از تعلق خانوادگی، جنسیت، قومیت و مذهب.

۱۰- استخدام های غیر رسمی و پیمانی از قبیل حق التدریس در آموزش و پرورش و آموزش عالی کشور باید ممنوع و به استخدام رسمی تبدیل گردد، دانشگاه ها و مدارس خصوصی و غیرانتفاعی برچیده شوند و آموزش و پرورش و آموزش عالی کشور مطابق با بالاترین استانداردهای جهانی تجهیز و سازماندهی گردند و تحصیل تا بالاترین مدارج آن رایگان باشد.

۱۱- قانون مشاغل سخت و زیان آور باید پرستاران را نیز در بر بگیرد و تمامی محیط های کار با بالاترین استانداردهای ایمنی تجهیز گردند.

۱۲- برچیده شدن حجاب اجباری و تمامی قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان، برابری کامل و بی قید و شرط حقوق زنان و مردان در تمامی عرصه های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی.

۱۳- به رسمیت شناخته شدن حق شهروندی برای مهاجرین افغانستانی و دیگر مهاجران و منع هرگونه اعمال تبعیض آمیز علیه آنان.

۱۴- از آنجا که سیستم و دولت سرمایه داری چین یکی از هارترین نظام های سرمایه داری در جهان است و برای کسب سود هر چه بیشتر با استفاده از قانون آزاد چپاولگرانه و اجازه کنترل خودگردانی با استفاده از نیروهای امنیتی چینی، شرایط کار و زندگی برای کارگران و مردم منطقه جنوب به مراتب وخیم تر و غیر انسانی تر خواهد کرد، باید پیمان واگذاری منطقه جنوب به چین فوراً ملغی گردد. هیچ پیمان و قرارداد مخفی از مردم نباید انعقاد گردد.

۱۵- اول ماه مه روز جهانی کارگر باید تعطیل رسمی اعلام و هر گونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم این روز ملغی شود.

۱- انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه

۲- گروهی از فارغ التحصیلان بیکار دانشگاه رازی کرمانشاه

۳- گروهی از ورزشکاران رزمی کار کرمانشاه

۴- گروهی از جوشکاران و مونتاژکاران شهرک دولت آباد کرمانشاه

۵- گروهی از رانندگان تاکسی شهرک ظفر کرمانشاه

۶- سندیکای نقاشان البرز

۷- گروهی از کارگران لوله کش ساختمانی سقز

۸- گروهی از کارگران برق کار ساختمانی سقز

۹- گروهی از کارگران نقاش ساختمانی سقز

۱۰- گروهی از کارگران بیکار محله تپه شافعی سقز

۱۱- گروهی از کارگران بیکار محله بردبران سقز

۱۲- گروهی از کارگران بیکار محله تپه مالان سقز

۱۳- گروهی از کارگران بیکار محله کریم آباد سقز

۱۴- گروهی از کارگران نانوايي سنندج

۱۵- گروهی از کارگران کمربندی ۱۷ شهریور سنندج

۱۶- گروهی از کارگران بیکار خیابان فرح سنندج.

۱۷- گروهی از کارگران دستفروش سنندج

۱۸- گروهی از کارگران شهرک صنعتی سنندج

۱۹- گروه کوهنوردی زنان خانه دار سنندج

۲۰- گروهی از کولبران مریوان

۲۱- گروهی از کارگران مرغداری مریوان

۲۲- گروهی از معلمان مریوان

۲۳- گروهی از کارگران فصلی نقده

۲۴- گروهی از فعالین لغو کار کودکان تهران

۹ اردیبهشت ۴۰۰

@AnjomanBFK

به مناسبت اول ماه مه، یازده اردیبهشت، روز جهانی کارگر؛ جنبش کارگری ایران: نگاهی از درون

کاظم فرج‌الهی

باید امیدوار بود. اما به جای دادن امید کاذب یا وعده‌ی آینده‌ای وسوسه‌انگیز، اما بی‌پشتوانه و ناروشن به لحاظ چگونگی تحقق، باید بر مبنای تجارب بیش از یک قرن جنبش کارگری ایران و توان بالقوه‌ی آن وظایف و چشم‌اندازهای جاری را ترسیم کرد. این جنبش می‌تواند انبوه جمعیت البته پراکنده‌ی طبقه‌ی کارگر و سایر مزد و حقوق‌بگیران را دربر بگیرد. چراکه مطالبات و دستور کار روز این طبقه از جمله پایین بودن مزدها، عدم تناسب آن با معیشت



خانوارها، تأخیر در پرداخت مزدها و بسیاری از موارد دیگر، و به‌طور کلی اعتراض به فقر و شکاف طبقاتی، مطالبات امروز بخش غالب تمامی مردم است. گواه آن، وجود حرکت‌ها و تجمع‌های اعتراضی تقریباً هرروزه، اما پراکنده و بدون ارتباط ارگانیک با یکدیگر، است. مقاله‌ی حاضر، تلاشی است در جهت یافتن پاسخ یا طرح دوباره‌ی این پرسش: «چرا جنبش کارگری ما هنوز چنان که باید توسعه‌یافته نیست و چرا در موقعیتی این چنین قرار گرفته‌ایم؟»

(۱) - طبقه‌ی کارگر، پرولتاریای جهانی و مطالبات یگانه

خواسته‌ی اصلی کارگرانی که «یکم ماه مه» شیکاگو را در سال ۱۸۸۶ پدید آوردند و همچنین خواسته و شعار اصلی کارگرانی که ۱۱۵ سال پیش از این در ایران اولین اتحادیه‌های کارگری را پایه‌ریزی کردند، «هشت ساعت کار روزانه با دریافت مزد کافی» بوده است. اما امروز کارگران این سرزمین پس از پیمودن این راه طولانی هنوز هم در موقعیتی هستند که بخش بزرگی از آن‌ها اگر شانس اشتغال داشته و بیکار نباشند، برای تأمین زندگی حداقلی ناگزیرند بیش از هشت ساعت کار کنند و گاه، البته بازهم ناگزیر، برای دستیابی به فرصت کار اضافی روزانه به رقابت با یکدیگر یا خواهش از کارفرما پردازند. هنوز هم مشکل اصلی طبقه‌ی کارگر ایران با جمعیتی بالغ بر میلیون‌ها نفر، در حالی که بخش قابل توجهی از آن از تحصیلات دانشگاهی و سطوح بالایی از تخصص هم برخوردارند، داشتن تشکل مستقل کارگری [۱] یا محرومیت از ابزاری است برای دفاع جمعی از منافع طبقاتی خود، از جمله تحقق هشت ساعت کار روزانه و مزد کافی! و در این راه تاکنون بارها و بارها بهای سنگینی پرداخت کرده است.

(۲) - تولد کارگران صنعتی، هویت و خواسته‌های طبقه‌ی کارگر ایران

نخستین اتحادیه‌ی کارگری ایران در سال ۱۲۸۵ توسط کارگران چاپخانه شکل گرفت؛ پس از آن به تدریج کارگران شماری دیگر از صنوف برای دستیابی به مطالبات خود به تشکیل اتحادیه‌های صنفی اقدام کردند؛ اما همگرایی ۹ اتحادیه از بخش‌های چاپخانه، کفاشی، داروسازها، حمامی، نانوايي، ساختمانی، شهرداری و بافنده‌ها و تشکیل «شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگری ایران» در سال ۱۳۰۰ بود که سبب شد کارگران ایران نخستین بار به‌عنوان یک «طبقه» و «اتحادیه‌های کارگری» به‌عنوان یک نهاد مدنی اثرگذار در جامعه‌ی آن روز معنا پیدا کنند. ۱۶ سال حکومت پهلوی اول، دوره‌ی اعمال سیاست سرکوب مرام اشتراکی و ممنوعیت فعالیت گروه‌ها، تشکل‌ها و اتحادیه‌ها و در نتیجه دوره‌ی توقف رشد و پویایی جنبش کارگری است. اما مدرنیسم و ویژه‌ی رضاشاهی گسترش صنعت (به‌ویژه صنعت نفت) و افزایش شمار کارخانه‌ها و ناگزیر افزایش شمار جمعیت طبقه‌ی کارگر صنعتی را در پی داشت. در این دوره به‌رغم همه‌ی خشونت‌ها و سرکوب‌ها، ساعت کار کارگران به ۹ ساعت در روز کاهش یافت که در آن روزگار دست‌آورد مهمی به شمار می‌آمد.

(۳) - فراز و فرود جنبش کارگری ایران

توازن قوا در منطقه و شرایط سیاسی اجتماعی جهان در شروع جنگ جهانی دوم، سقوط استبداد رضاشاهی و آغاز زمامداری ضعیف پهلوی دوم را رقم زد؛ تا وقوع کودتای مرداد ۱۳۳۲ و برقراری دوباره‌ی استبداد و دیکتاتوری، فضای مناسبی برای رشد جنبش طبقه‌ی کارگر ایران و شکل‌گیری سندیکاها و کارگری فراهم شد. سندیکاهايي که خوش درخشیدند، نفوذ و قدرت بسیج کارگری قابل ملاحظه‌ای داشتند و در معادلات سیاسی آن روز جامعه اثرگذار بودند. این سندیکاها از دولت و کارفرما مستقل بودند، اما متأسفانه از احزاب سیاسی خیر! [۱۱] و همین تعلق و وابستگی علنی به احزاب، زمینه‌ساز و توجیه سرکوب و اضمحلال آن‌ها در روزها و ماه‌های پس از کودتا شد. در این دوره اولین قانون کار به تصویب رسید و در آن سندیکا مجاز و به‌عنوان یک تشکل کارگری درون بنگاه (کارخانه) به رسمیت شناخته شد. پس از کودتا تا فرارسیدن امواج انقلاب ۱۳۵۷، آن نیروی سازمان‌گر که درون طبقه حضور داشته باشد و به امر سازمان‌دهی کارگران به مثابه یک «طبقه برای خود» همت گمارد تا حدود زیادی وجود نداشت. در این دوره، به هر دلیل، مرکز توجه و میدان عمل یا گروه‌های هدف فعالان سیاسی و باورمندان عرصه‌ی چپ، به‌طور عمده، جاهای دیگری به‌جز محل‌های کار و زیست طبقه‌ی کارگر بوده است؛ حتی اگر به‌طور استثنا در جاهایی طبقه‌ی کارگر و محل کار و زیست او مورد توجه واقع شده، هدف عضوگیری افراد مناسب در گروه و سازمانی خاص بوده و نه سازمان‌دهی «طبقه‌ی کارگر» به‌طور عام و به معنای ویژه‌ی کلمه. به‌هرروی پس از کودتا ۲۵ سال پر فراز و فرود و پر از ماجراهای خون‌بار بر جامعه‌ی ایران گذشت. نسیم و موج‌های انقلابی و سپس توفان انقلاب بهمن فرارسید و با قدرت تمامی فضای سیاسی جامعه را درنوردید؛ بسیاری از باورها و جزمیات نادرست فروریخت و برای مدت کوتاهی میدان برای آموزش و آزمون شیوه‌ها، باورها و اهداف متفاوت در راستای آموزش و سازمان‌دهی طبقه‌ی کارگر فراهم آمد. اما این دوره بسیار کوتاه بود. به‌زودی و پیش از آن که آزمون‌ها و آموزش‌ها به نتیجه‌ای اثرگذار، در جریان مبارزه‌ی طبقاتی، رسیده باشد یا فرصت کاربست تجارب و آموخته‌ها فراهم شده باشد، آتش جنگی خانمان‌سوز و طولانی برافروخته شد و نیاز به توضیح نیست که آزادی و دموکراسی در شرایط جنگی زیر گرفته می‌شود. در کم‌تر از یکسال پس از آغاز جنگ و طی حوادث ناگوار و تلخ سال ۱۳۶۰ و پس از آن، شوراها و سندیکاها و دیگر نهادهای کارگری مستقل با خشونت و اجبار یا داوطلبانه از بیم حادثه، همگی محو و ناپدید شدند. اندیشیدن و پی‌جویی برای یافتن پاسخ این پرسش برای تمامی فعالان این عرصه بسیار لازم است: چرا هیچ یک از سندیکاها و دیگر تشکل‌ها و نهادهای کارگری برپا شده سرکوب‌های سال ۱۳۶۰ و پس از آن را تاب نیاوردند؟ آیا فقط با استناد به سرکوب و فشار می‌توان این فروپاشی و محوشدن را توضیح داد؟ در شیوه‌های سازمان‌دهی، پیوندهای سازمانی و تشکیلاتی، اتخاذ تاکتیک‌ها و اهداف تعیین‌شده و در برنامه و عمل این نهادها عیب و ایرادی وجود نداشت؟ آیا پیش‌بینی استفاده از فشار و اعمال محدودیت بیشتر و به‌کارگیری سرکوب و زور توسط

جناح‌ها و نهادهای مختلف سرمایه‌داری، امری عجیب و غیرممکن و دور از ذهن بود؟ یا به‌عکس باید طبیعی و محتمل دانسته می‌شد که جناح‌های مختلف سرمایه و دولت‌های متبوع آن‌ها در صورت نیاز به هر شکل ممکن، ولو استفاده از زور و خشونت دولتی، از منافع طبقاتی خود دفاع خواهند کرد و به صفوف کارگران یورش خواهند برد! برای مقابله و دفع این یورش یا تحمل فشارها و صدمات وارده، آیا نباید آمادگی می‌داشت و پیش‌بینی می‌کرد؟ نقاط ضعف کجاها بود و آیا می‌توانست نباشد؟

وظیفه‌ی سازمان‌های سیاسی و احزاب کارگری و همین‌طور سازمان‌های صنفی این طبقه (اتحادیه و سندیکاها) سازمان‌دهی و متشکل کردن کارگران است اما در دو سطح و با دو شیوه، دیسپلین و هدف کاملاً متفاوت. سازمان‌های سیاسی - ایدئولوژیک کارگری (احزاب) و سازمان‌های صنفی - سیاسی کارگری (اتحادیه‌ها) دو سازمان مستقل از هم و در عین حال مکمل یکدیگرند که نمی‌توانند جایگزین یکدیگر بشوند؛ این دو نوع تشکل در راستای امر سازمان‌دهی طبقه مشترکاتی دارند و برحسب ضرورت ارتباط منظم سازمانی با یکدیگر برقرار می‌کنند اما این ارتباط به معنای تابعیت یکی از دیگری و زیر سؤال رفتن استقلال آن‌ها نیست. تجربه‌های مختلف نشان داده آن‌جا که در نبود یکی (مثلاً حزب) دیگری تلاش کرده در اتخاذ و بیان مواضع جای خالی را پر کند نتیجه‌ای جز پراکنده شدن اعضا و بازماندن سازمان صنفی از وظایف اصلی خویش به بار نیامده است. همچنین هرگاه در وظایف و اهداف این تشکل‌ها تداخل صورت گرفته و پیوند و رابطه‌ی منطقی این دو نوع تشکل تبدیل به تابعیت و وابستگی شده نتیجه‌ی کار انحراف روند مبارزه‌ی طبقاتی از مسیر درست و اصلی آن بوده است. در این حالت حذف و سرکوب یکی (عمدتاً احزاب) سبب حذف و نابودی یا اضمحلال دیگری شده است. طبقه‌ی کارگر ایران، تشکل‌ها و مبارزات کارگری از این منظر آسیب بسیار دیده است.

(۴) - اندکی گشایش فضای سیاسی و تلاش مجدد

شانزده سال پس از این حوادث و حذف مخالفان و دگراندیشان نوبت به دولت اصلاحات رسید. با شعار توسعه‌ی سیاسی، فضای سیاسی - اجتماعی جامعه برای مدتی اندکی باز و امکان ایجاد برخی نهادهای جامعه‌ی مدنی فراهم شد. شمار زیادی روزنامه و نشریات مختلف، اغلب منتقد اما همسو با حاکمیت و نظام، و شمار معدودی انجمن‌های فرهنگی و کانون‌های حمایت از حقوق کودکان، زنان و زیست‌محیطی با گرفتن مجوزهای موقت و دائمی شروع به فعالیت کردند. این تغییر و اندکی باز شدن فضای جامعه در محیط‌های کارگری هم اثرگذار بود؛ البته این ماجرا گاه با زدوخوردها و عقب‌نشینی و گاه با گشایش و بسط و زمانی با حصر و بندهایی در این‌جا و آن‌جا همراه بوده است. در نتیجه‌ی دست‌کم هشت سال پیشبرد سیاست‌های نولیبرالی توصیه‌شده‌ی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول مبنی بر اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری اقتصاد و خصوصی‌سازی‌ها، توسط دولت «سازندگی»، و گسترش هرچه بیشتر موقتی‌سازی قراردادهای و سلطه‌ی قراردادهای موقت در بازار کار و... به‌تدریج عرصه‌ی عمومی تقریباً همه روزه شاهد برگزاری اعتصاب‌ها و تجمع‌های اعتراضی کارگران در مکان‌های مختلف بود. پس از سال‌ها تلاش و پی‌گیری کارگران و کنشگران باورمند به ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری، در بهار ۱۳۸۴ اعضای هیأت مؤسس بازگشایی و احیای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران، با وجود تمام محدودیت‌ها و سختگیری‌ها و در شرایطی ویژه، موفق به برگزاری مجمع عمومی و گزینش هیأت مدیره و بازرسان این سندیکا شدند؛ مجمعی که با توجه به شرایط و تنگنای پدیدآمده یا پدید آورده شده با استقبال نسبتاً خوب و بی‌سابقه‌ی کارگران مواجه شده بود. در آغاز کار، و به‌رغم اخراج و بازداشت شماری از کارگران تلاشگر سندیکایی، سندیکای کارگران شرکت واحد بسیار خوش درخشید؛ شمار بسیار زیادی از کارگران این مجموعه با وجود این که به هر دلیل نخواستند یا نتوانسته بودند در مجمع عمومی سندیکا شرکت کنند در عمل از اقدامات و سیاست‌های سندیکا حمایت می‌کردند. در سندیکا نیز جلسات عمومی هفتگی (کنفرانس‌ها) به‌منظور تبادل نظر و آگاهی‌رسانی، گرفتن گزارش‌ها و خبرها و هماهنگی جهت تصمیم‌گیری‌های بعدی و... تشکیل می‌شد. بخش یا کمیسیون آموزش سندیکا نیز در حوزه‌های آموزش قانون کار و فعالیت‌های سندیکایی کارنامه‌ی خوبی از خود نشان داد.

حدود دو سال بعد با روندی کم‌وبیش مشابه، کارگران یک بنگاه صنعتی بزرگ نیز موفق به احیا و بازگشایی سندیکای کارگران مجتمع «کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه» شدند. در آن زمان شمار زیادی از آگاهان و کارگران فعال در امور صنفی گشایش این دو سندیکا را بسیار میمون و نقطه‌ی عطف یا آغاز تحول و فصلی نو در مبارزات کارگران در راستای تحقق مطالبات و حقوق صنفی و طبقاتی خویش ارزیابی می‌کردند. انتظار این بود که اولاً این دو سندیکا، که در آغاز مورد اعتماد و استقبال شمار زیادی (اگر نگوییم بیشترین شمار) از کارگران واحدهای خود قرار گرفته بودند، ضمن آگاهی‌رسانی و آموزش کارگران کارخانه، با هشیاری، اتحاد و همدلی در مسیر تلاش برای تحقق مطالبات کارگران واحدهای خود اقدامات مؤثری انجام داده و هر روز به موفقیت‌های بیشتری دست یابند. ثانیاً از این رهگذر کارگران بیشتری به سندیکاها پیوندند و آگاهی و اراده‌ی واحد طبقاتی یا به معنای دیگر سازمان‌یافتگی پویا و پیشرو کارگران در این دو واحد، و در ادامه در کارخانه‌ها و بنگاه‌های دیگر نیز، عینیت پیدا کند. اما چنین نشد و حوادث به گونه‌ای دیگر رقم خورد.

(۵) - تحقق نیافتن پیش‌بینی‌ها و ناکامی تشکل‌های کارگری

بیش از ۱۴ سال از آن نقطه‌ی عطف یا آغاز فصل نویی که فرض می‌شد، گذشته است. بحران عمومی جامعه عمیق‌تر و تنگناهای اقتصادی بسیار شدیدتر شده است. با این که در این دو بنگاه و در انبوهی از دیگر کارخانه‌ها و بنگاه‌های خدماتی و تولیدی بزرگ (در کل کشور) مشکلات و مطالبات جدی و گاه حیاتی، از جمله حقوق و مطالبات مزدی معوق وجود داشته است و هنوز هم دارد و تقریباً همه روزه تجمعات اعتراضی کارگری در این زمینه در مکان‌ها و مناطق مختلف برگزار می‌شده و هنوز هم می‌شود، با این حال در روند این مبارزات گسترده‌ی همه‌روزه و البته پراکنده، نه شاهد تقویت و رشد جریان سازمان‌یابی کارگران و ایجاد و برپایی تشکل‌ها و سندیکاها مستقل کارگری بوده‌ایم و نه نفوذ و قدرت این دو سندیکا در واحدهای خودشان تقویت شده است. متأسفانه به‌عکس، فروکاسته شدن روز افزون نفوذ و ارتباط با بدنه‌ی کارگری این دو سندیکا و حتا انزوای درون واحد و از همه بدتر ظواهر و نشانه‌های نگاه هیأت مدیره‌ای به بیرون از محیط کار را شاهد هستیم.

چرا جنبش کارگری ایران با پیشینه‌ی بیش از یک قرن امروز در چنین نقطه‌ای ایستاده است؟ چرا طی چهل و سه سال پس از فروپاشی نظام ستم‌شاهی دو بار شاهد اوج منحنی سازمان‌یافتگی طبقه و برپایی شماری تشکل مستقل کارگری بوده‌ایم و هر دوبرابر ظرف مدت کوتاهی پس از برپایی، سرکوب و نابودی، سقوط سریع یا حذف و اضمحلال تدریجی نهادهای شکل‌گرفته را تجربه کرده‌ایم. چرا این تشکل‌ها با وجود برخی درخشش‌های اولیه، در گام‌های بعدی در مقابل فشارها و سرکوب‌ها (و کجروی‌ها) این‌قدر ناتوان از مقاومت و بقا بوده‌اند؟

از چگونگی و روند شکل‌گیری تشکل‌ها و از تجارب موج اول این حرکت یعنی برپایی انواع شوراهای سندیکاهای کارگری در آخرین سال منتهی به انقلاب ۱۳۵۷ و اولین سال‌های بعد از آن و سپس تعطیلی و انحلال یا حذف داوطلبانه و ناگزیر آن‌ها متأسفانه اسناد و مدارک زیادی برای مطالعه و تحقیق در دست نیست. در آن زمان سایت‌ها و کانال‌های خبری و امکانات ارتباطی امروزه هنوز در میان نبوده‌اند، حاصل تجارب آن دوره، اگر ثبت و مستند شده باشد، عمدتاً در قالب خبرنگارها و نشریات کاغذی است که بخش اعظم آن‌ها اکنون در دسترس نیستند. ناگزیر باید به مشاهدات میدانی، مصاحبه‌ها و خاطرات مربوط به این دوره بسنده کرد؛ در دوره‌ی زمانی ۱۳۵۷ تا خرداد ۱۳۶۰، روان‌شناسی اجتماعی، معیارها، سطح آگاهی، سنت استفاده از تجربه‌های گذشته، شور ناشی از انقلاب و در کل فضای سیاسی - اجتماعی موجود در میان کارگران پیشرو و فعالان عرصه‌ی کارگری به گونه‌ای بود که آموزش و بالا بردن سطح آگاهی طبقاتی به روشی صحیح و مؤثر و ماندگار، یعنی تشویق کارگران به سازمان‌یافتن و روی‌آوری به تشکل‌های پایدار و مستقل کارگری (سازمان‌های صنفی - سیاسی یا همان سندیکا، اتحادیه و شوراهای کارخانه‌ها)، دیدگاه و روش مسلط و مرسوم نبوده است، بلکه عملاً با برداشتی سطحی از مبارزه‌ی طبقاتی و آموزه‌ی «اعتصاب، مدرسه‌ی انقلاب»، بیش از هر چیز سازمان دادن حرکات اعتراضی و اعتصاب‌های کارگری یا تلاش برای

قرار گرفتن در رأس حرکت‌ها و هدایت یا تأثیرگذاری بر حرکات شکل گرفته در دستورکار بوده است؛ با این ایده و هدف (با توجه به شرایط عینی آن زمان اکنون می‌توانیم بگوییم: با این «توهم») که از به هم پیوستن این اعتصاب‌ها سرانجام حکومت یا شیوه حکمرانی تغییر خواهد کرد. ادبیات به کار رفته و ارزش‌های مورد توجه نیز بیشتر ادبیات و کلیشه‌های گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی عمدتاً چپ آن دوره بوده است. فعالان و رهبران میدانی این حرکات که غالباً گرایش و تعلقات سیاسی خود را پنهان نمی‌کردند، هنگام تصمیم‌گیری یا در روند آن و پیشبرد سیاست‌های عملی در این تشکل‌های نوپا، بدون در نظر گرفتن سطح آگاهی کارگران و بی‌توجه به خرد جمعی موجود، تلاش یا حتی در برخی مواقع اصرار بسیار داشتند ایده‌ها و مواضع سازمان یا گروه سیاسی متبوع یا مورد علاقه خودشان جا بیفتد و اعمال گردد و یا کلیشه‌های مرسوم در ادبیات این نهادها به کار گرفته شود. به همین دلیل برخلاف مقررات و سنت‌ها و ضرورت‌هایی که اساساً باید صنفی باشند و کارکرد و هدایت آن‌ها نیز منطبق بر رعایت موازین دموکراسی و مراجعه به خرد جمعی باشد، گاه عرصه‌ی تصمیم‌گیری و رهبری این تشکل‌ها به صحنه‌ی رقابت و کشمکش و گاه جدال لفظی میان کارگران طرفدار گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی مختلف موجود تبدیل می‌شد. به این ترتیب به دلیل شهره بودن افراد فعال و رهبران و گاه حتی معروف بودن یا شدن کلیت این نهادها به هواداری از گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی (عمدتاً چپ) یا عضویت در آن‌ها، اولاً کارگران عادی میل و رغبت کم‌تری به حضور و عضویت در این تشکل‌ها یا حمایت از آن‌ها داشتند. ثانیاً در مواقع بحران و تغییر شرایط اجتماعی سیاسی جامعه، کارگران معروف به عضویت و یا هواداری از سازمان‌ها و احزاب سیاسی، که از قضا برخی از آنان به رده‌های رهبری و هدایت نهادهای کارگری هم انتخاب شده بودند، دیگر تاب و امکان ماندن در محیط کار را نداشتند و کارگران عادی نیز به دلایل سیاسی و امنیتی رغبت یا توان دفاع از این تشکل‌ها را در خود نمی‌دیدند. چنین شد که با تغییر شرایط اجتماعی و سیاسی، تقریباً تمامی این نهادها، که قاعدتاً باید «صنفی-سیاسی» و مستقل از احزاب و سازمان‌های سیاسی باشند و علی‌الاصول باید بتوانند در هر شرایط و در هر نظام و حکومتی از حقوق و منافع صنفی اعضای خود دفاع کنند، امکان بقا و فعالیت را از دست دادند و صحنه‌ی زندگی و مبارزه‌ی طبقاتی کارگران خالی از حضور اینان شد. برای درک بهتر این مسأله باید توجه داشت که از بخش بزرگی از کارگران و مردم عادی نمی‌توان انتظار پرداخت هزینه‌های سنگین سیاسی و اجتماعی داشت؛ آنان صرفاً برای احساس امنیت و تأمین منافع مستقیم و حتی کوتاه‌مدت خود به تشکل‌های صنفی روی می‌آورند و اگر در این زمینه احساس خطر کنند یا فکر کنند که عضویت در این نهادها هزینه‌دار است معمولاً وارد نمی‌شوند یا کناره‌گیری می‌کنند.

(۶) - سخن آخر و نتیجه‌ی کار

طبقه‌ی کارگر ایران با انبانی پر از تجربه‌هایی این‌چنین ارزشمند، و به‌طور عمده تلخ، دوران دسترسی نسبی اصلاح‌طلبان به قدرت را طی کرد و شاید فرصت‌هایی را نیز برای سازمان‌یابی از کف داد. چنان که در بالا نیز گفته شد در سال ۱۳۸۴ سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و دو سال بعد، در روندی کم‌وبیش مشابه سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه احیا و بازگشوده شد. رخدادهایی که تصور می‌شد الگویی برای دیگر بنگاه‌ها و کارگران باشد. اما در کنار، در پس پرده و در حاشیه‌ی آن وقایعی رخ داد که در نتیجه‌ی آن قضایا آن‌طور که آرزومندان، خوش‌بینانه، تصور می‌کردند پیش نرفت. در جناح چپ و از سوی باورمندان به نقش طبقه‌ی کارگر با این پدیده برخوردهای متفاوتی صورت گرفت:

در آغاز کار گروهی از علاقمندان و دوستان طبقه‌ی کارگر شادباش‌گویان و خوش‌بینانه این رخداد را نقطه‌عطفی در روند سازمان‌یابی طبقه‌ی کارگر دانستند و ستودند. گونه‌ی دیگر مواجهه‌ی گروه یا گروه‌هایی از باورمندان چپ و علاقمندان و دوستان طبقه بود که نگرشی متفاوت دارند. نگرشی که سندیکا را نهادی فرمبستی و متعلق یا نهایتاً در خدمت بورژوازی می‌داند؛ نهادی که به منظور انقیاد طبقه‌ی کارگر و حفظ نظام سرمایه‌داری ساخته شده یا می‌شود. اینان در آغاز فعالان سندیکایی را مورد نکوهش و بدگویی و در ادامه کل این حرکت را مورد انتقادهای تند و به‌زعم خود رادیکال قرار داده و در چارچوب و راستای بقای بورژوازی ارزیابی کردند. برخوردهای نوع سوم مربوط به دوستان منتقدی است که ضمن تأیید کلی این

شیوهی سازمان‌یابی طبقه‌ی کارگر و پذیرش سندیکا به‌عنوان شکلی از سازمان‌یافتگی و تشکل‌کاری، با انتقادهایی جدی و ساختارشکن به این دو مورد خاص پرداختند. این دوستان با نقد آن دسته از رفتارها و شکل‌هایی از حرکات سندیکای کارگران شرکت واحد یا هفت‌تپه، که به زعم آنان رفرمیستی و سازش‌کارانه است، و با ارایه‌ی پاره‌ای خدمات و کمک‌ها یا بهتر بگوییم تأیید و تشویق و هورا کشیدن یا انتقاد و محکوم کردن در رسانه‌ها، کوشش کردند با فعالان و رهبران سندیکایی رابطه‌ی دوستی برقرار کنند. دوستی به منظور برقراری رابطه عمیق‌تر و مؤثر با هدف، به زعم خودشان، مشاوره دادن و اصلاح حرکت یا به گفته‌ی دیگر سرخ و رادیکالیزه کردن سندیکا. این دوستان یا این شیوه‌ی تفکر با توجه به تصور و انتظاراتی که خودشان از سندیکا به‌عنوان یک تشکل‌کاری دارند و با توجه به شیوه‌هایی از حرکت و موضع‌گیری که برای سندیکا (هر سندیکای کارگری) مد نظر دارند، در مقالات و بیانیه‌ها و... بر حسب مورد به فعالان سندیکایی مشاوره می‌دهند، توصیه می‌کنند و گاه بر پیشبرد آن اصرار می‌کنند. پافشاری و اصراری که، به دلیل اشتیاق دوستان سندیکایی به تأیید و تشویق و مقبول شدن، در عمل کم‌هم مؤثر نمی‌افتد. این که گروهی یا افرادی با هر دیدگاه عملکرد یا سیاست‌های اجرایی یک سندیکا را نقد کنند و در مورد آن نظر بدهند و توصیه‌هایی داشته باشند به خودی خود هیچ ایراد ندارد. ایراد آن‌جاست که این دوستان از محیط واقعی کار دور هستند و درک درستی از مسایل و سطح آگاهی و فضای موجود نمی‌توانند داشته باشند. اضافه بر آن تفاوت دیدگاه وجود دارد، وظایفی که این دیدگاه برای یک سندیکای کارگری مد نظر دارد بیشتر به وظایف و کارکردهای یک حزب سیاسی نزدیک است تا یک تشکل صنفی. و باز هم از آن‌جا که در عمل تفکیک روشنی بین کارکرد و وظایف یک حزب و یک سندیکا قایل نیستند، به رغم صداقت‌شان، اما در عمل پیشبرد و اجرای مشاوره و توصیه‌های این دوستان در کنار دیگر عوامل بازدارنده‌ی امر تشکل‌یابی کارگران، در روند حیات و فعالیت یک سندیکای کارگری آن هم در شرایط امروزی ایران، می‌تواند آسیب‌هایی جدی و مخرب وارد کند. از جمله‌ی آسیب‌های این دیدگاه می‌توان این موارد را برشمرد:

الف) تشدید فضای ترس و اضطراب و احساس ناامنی و گاه تحمیل هزینه‌های پلیسی و امنیتی به اعضای سندیکا. ب) دور شدن و فاصله گرفتن اعضا از سندیکا و انزوای هیأت مدیره یا رهبران. ج) تغییر تمرکز توجه هیأت مدیره‌ها و رهبران سندیکا از «اهداف اصلی و مسایل داخلی و مشکلات اعضای سندیکا» به «تأمین رضایت خاطر و کسب تأیید و تشویق افکار و محافل خارج از سندیکا» (منظور بیش از هر چیز رسانه‌های دنیای مجازی است).

همزمان با این سه نوع آسیب، برخوردهایی هم از سوی طبقات، گروه‌ها و نهادهایی صورت می‌گیرد که با منافع طبقه‌ی کارگر و سازمان‌یافتگی آن در تضاد و مخالف هستند (دشمنان و بدخواهان طبقه‌ی کارگر): اخراج و معلق کردن کارگران فعال صنفی و سندیکایی از کار شیوه‌ی بسیار رایجی است که با هدف ایجاد یا افزایش فشار روانی و کمبودهای مالی توأم با فشارهای پلیسی و امنیتی انجام می‌شود. فشاری که چونان بختکی همواره بر دوش کارگران و فعالان سندیکایی سنگینی کرده و قدم‌گذاران در مسیر مبارزه‌ی گروهی و طبقاتی کارگران را دشوار و هزینه‌دار می‌کند. یکی از شگردهای همیشگی و گاه موفق کارفرمایان و دشمنان طبقه‌ی کارگر پروردن عوامل نفوذی و جاسوس در سندیکا و ایجاد انشقاق و بدبینی نسبت به یکدیگر در میان کارگران سندیکایی (و فعال در امور صنفی) است. بدترین نوع برخوردهایی از این دست تجسس در امور شخصی و رفتارهای فردی کارگران فعال در امور صنفی و سندیکایی و از این طریق یافتن نقاط ضعف و پرونده‌سازی و سرانجام بازداشت و متهم کردن فعالان است به جرم‌هایی که ارتباط مستقیمی هم به فعالیت‌های صنفی و کارگری ندارد؛ این روند گاه به محکومیت‌های سنگین ختم می‌شود.

در نتیجه‌ی مجموعه‌ی عوامل و رخداد‌های گفته‌شده در بالا امروز جنبش کارگری ایران به‌رغم پتانسیل بسیار بالایی که دارد کماکان در وضعیتی نابه‌سامان و پراکنده به‌سر می‌برد و تأسف بار این که هر دو سندیکای کارگری یادشده پس از موفقیت‌های درخشان اولیه، در وضعیت کاهش نسبی نفوذ و ارتباط اندک با بدنه‌ی کارگری و دوری تدریجی رهبران آن از بدنه‌ی کارگری قرار گرفتند.

متأسفانه در موارد اشاره شده در بندهای (ب) و (ج) بالا، نمونه‌های زیادی می‌توان برشمرد که نه مجال ذکر آن‌ها در این نوشته است و نه صلاح. اما برای آگاهی بیشتر می‌توان به کانال خبری هردو سندیکا مراجعه کرد. با دقت در متن پیام‌ها و اخبار و بیانیه‌ها و دسته‌بندی موضوع‌ها و مخاطبان و گروه‌های هدف بیانیه‌ها، شیوه‌ی نگاه و برخورد سندیکا به مسایل، اقدامات انجام شده از سوی سندیکا و نتیجه‌ی اقدامات انجام شده می‌توان به‌طور تقریبی برآورد کرد که در یک دوره‌ی زمانی منتخب مثلاً یک‌صد روز، موضوع و مخاطب چند درصد خبرها و بیانیه‌ها، منافع، مسایل و مشکلات درون واحد و اعضای سندیکا است، چند درصد کارگری‌ست و چند درصد به خارج از سندیکا مربوط می‌شود. یا در یک دوره‌ی معین، سندیکا، به‌جز صدور بیانیه، در راستای تحقق مطالبات یا حل مشکلات اعضا چه اقدامات عملی را سازمان داده و چه نتایجی به بار آمده است.

نکته‌ی پایانی آن که بهره‌مندی از پتانسیل‌های موجود جنبش کارگری مستلزم درس‌آموزی از تجارب و بازنگری در برخی تلقی‌ها و روش‌ها است.

پی‌نوشت‌ها

[I] به باور این قلم تشکل‌های کارگری دو قسم هستند: الف- تشکل‌های ایدئولوژیک سیاسی (سازمان‌های سیاسی و احزاب کارگری) که عضویت در آن‌ها بر پایه‌ی پذیرش و وفاداری به یک بینش سیاسی و ایدئولوژی خاص صورت می‌گیرد و ساختار و عملکرد حزبی دارند. کسب قدرت سیاسی و برقراری سوسیالیسم یا گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم غالباً مهم‌ترین اصل برنامه‌ای این تشکل‌هاست. ب- تشکل‌های صنفی - سیاسی (سندیکاها یا اتحادیه‌های کارگری و...)، عضویت در این تشکل‌ها بر پایه‌ی اشتغال به شغل و حرفه‌ای خاص است. ایدئولوژی و گرایش‌های سیاسی اعضا یا عضویت آن‌ها در احزاب و سازمان‌های سیاسی اصولاً مهم نیست و هنگام پذیرش مورد سؤال قرار نمی‌گیرد. کوشش برای تحقق و حمایت از حقوق و منافع صنفی اعضا، هدف و وظیفه‌ی اصلی این تشکل‌هاست. ورود به عرصه‌ی سیاست و سیاست‌ورزی این تشکل‌ها، در هر سطحی، صرفاً از زاویه و با هدف تأمین و تحقق این منافع، با مراجعه به خرد جمعی و تصویب در سازوکاری که در اساسنامه‌ها تعیین شده، صورت می‌گیرد. شرط موفقیت و سلامت این تشکل‌ها استقلال کامل آن‌ها از دولت، کارفرما و احزاب سیاسی است. در ادبیات کارگری معمولاً انواع تشکل‌های صنفی - سیاسی را با اسم عام «تشکل مستقل کارگری» یاد می‌کنند.

[II] ضرورت استقلال سازمان‌های صنفی سیاسی کارگری (اتحادیه‌ها، سندیکاها و...) از احزاب و سازمان‌های سیاسی بحث طولانی و مهمی است که از چند دهه‌ی گذشته همواره در جنبش کارگری ایران مطرح بوده است. روشن است که تمامی سازمان‌های سیاسی و احزاب کارگری براساس ایدئولوژی و به‌تبع رسالتی که در مورد طبقه‌ی کارگر برای خود قائل هستند خود را مجاز و موظف به دخالت‌گری در تشکل‌ها و مبارزات کارگران و هدایت و رشد آن‌ها می‌دانند. اضافه بر این، غالباً کارگران و تشکل‌های کارگری نیز در چم و خم مبارزات خود به دلایل و در سطوح و عرصه‌های مختلف به کمک نیاز دارند؛ پاسخ‌گویی به این نیازها در قالب همبستگی جهانی طبقه‌ی کارگر تبلور و تحقق می‌یابد. ایرادهای احتمالی و پیچیدگی این بحث آن جاهایی خود را نمایان می‌کند که: الف) گاه لازم می‌شود یک سازمان سیاسی یا یک حزب از سوی یک تشکل (سندیکای) کارگری مورد مشورت قرار بگیرد. ممکن است در این مشورت‌ها نمایندگان یا رهبران تشکل‌های مستقل کارگری به دلیل ضعف در حوزه‌ی نظری یا دانش سیاسی و تجربه، که دور از انتظار هم نیست، خیلی زود تحت تأثیر قرار گرفته و نظری را بپذیرند که، به‌رغم صداقت مشورت‌دهنده اما به هر دلیل مثلاً اشراف نداشتن به محیط کار، متناسب با سطح آگاهی عموم اعضا یا به صلاح سندیکا در آن مقطع نباشد؛ سپس در نهاد مربوطه با پافشاری بر اجرای آن، یا بدون رعایت موازین اساسنامه‌ای و مراجعه به خرد جمعی، آن را به اجرا درآورند. تحقق حالت دخالت‌گری ناموجه یا اطلاق صفت وابستگی و عدم استقلال، و بالاتر از آن نفوذ و کنترل توسط یک سازمان سیاسی، زمانی عینیت می‌یابد و سبب دردسر و انحراف می‌شود که این اتفاق بارها تکرار شود یا به‌طور دائم رخ بدهد. ب). در هنگام تصمیم‌گیری‌های مهم درون سندیکا، کارگران پیشرویی که دارای گرایش‌های سیاسی معینی هستند یا وابستگی سیاسی تشکیلاتی

به جریان خاصی دارند و در عین حال عضو سندیکا هم هستند، نظر خود را، که متأثر از نظر و سیاست حزب هم هست، گفته و از آن دفاع یا بر پیشبرد آن در تصمیم‌های سندیکای اصرار می‌کنند. این که پاره‌ای از کارگران عضو سندیکا دارای گرایش‌های سیاسی خاصی باشند یا، در یک حالت فرضی، عضو یک سازمان یا حزب سیاسی هم باشند در نفس خود هیچ ایرادی ندارد. و این که در مورد مسایل و مشکلات سندیکا با سازمان یا حزب متبوع خود مشورت کنند و در سندیکا هم سعی کنند رهنمودهای داده‌شده را اجرایی کنند هم ایرادی نیست و این که نظر و سیاست حزب را در مورد سیاست‌های سندیکایی، البته به‌عنوان یک نظر و نه نظر حزب، بیان کنند باز هم ایرادی نیست. ایراد و اشکال زمانی بروز پیدا می‌کند که سندیکا را به عرصه‌ای برای تبلیغات حزبی خود تبدیل کنند. تصور کنیم در جامعه‌ای که حزب و سازمان‌های سیاسی متعددی وجود داشته باشد و همگی بخواهند همین کار را انجام دهند، در این صورت فضای سندیکا عرصه‌ی رقابت‌های احزاب نخواهد شد؛ و انبوه کارگران که انگیزه‌ی سیاسی ندارند آن جا را ترک نخواهند کرد؛ شکل زبان‌بار دیگر زمانی است که در یک بزنگاه تصمیم‌گیری، صرفاً به دلیل این که حزب متبوع چنین رهنمودی داده، کارگران عضو آن حزب با اصرار و اعمال فشار یا تبانی و دور زدن مقررات سندیکا در این موارد، بخواهند بدون توجه به خرد جمعی سندیکا، رهنمود یا سیاست موردنظر حزب به مرحله‌ی اجرا درآید. تکرار این وقایع در عمل به معنی تأیید و ابستگی سندیکا به حزب یا جریان نفوذ حزب در سندیکا است و طبیعی است که در این صورت شمار زیادی از اعضا سندیکا را ترک خواهند کرد. تنها ضامن پیشگیری از این وضعیت پیش‌بینی سازوکار دموکراتیک برای تصمیم‌گیری‌های مهم در اساسنامه مبتنی بر مراجعه به آرا و خرد جمعی سندیکا است و اضافه بر این همه‌ی اعضا به رعایت اساسنامه و همه‌ی مسئولان به پاسخ‌گویی به بدنه ملزم باشند.

برگرفته از: «نقد اقتصاد سیاسی»

<https://pecritique.files.wordpress.com/2021/04/kazem-farajollahi-labour-movement.pdf>

به پیشواز اول می روز جهانی کارگران

بیراهه‌ی «صلح» و موقعیت طبقه‌ی کارگر

در آستانه اول ماه می روز جهانی همبسته گی طبقه کارگر، سرمایه داری همچنان در اشکال و ابعاد گوناگون از بشریت قربانی گرفته جنگ، فقر و مصائب بی شمار دیگری را بر آن ها تحمیل نموده است. شکاف های طبقاتی به عریان ترین شکل، وسعت یافته و بیش از پیش در حال گسترش است. نظام کاپیتالیستی در بخش وسیعی از کشورهای جهان فقر و محنت هولناکی را بر اکثریت عظیمی از بشریت تحمیل نموده و زنده گی میلیونها انسان کارگر و فرودست را به ورطه تباهی کشانیده است؛ این در حالی است که بورژوازی و صاحبان سرمایه از قبیل استثمار وحشیانه و به نیستی کشیدن طبقه کارگر و اقشار فرودست و محروم به سودهای نجومی و غیر قابل تصویری دست یافته اند . در کنار مصائب دیگر، اپیدمی کرونا (COVID-۱۹) ، همچنان فاجعه می آفریند و حیات بشریت را تهدید می کند، تا این دم میلیون ها انسان را که اکثر شان از طبقات تهی دست و فرودست جوامع اند به کام مرگ و نیستی فرستاده است. فاجعه کرونا که اثرات دهشتناکی بر سلامت و معیشت انسان ها داشته به شکل آشکاری نشان داد که بورژوازی و دولت های سرمایه داری هیچ گونه ارزشی برای جان انسانها قایل نبوده و نیستند. با وجود امکانات عظیم مالی، علمی و تکنولوژیک بیماران و مبتالیان حتی در پیشرفتهترین کشورها، امکانات درمانی لازم و ضروری را در اختیار ندارند. پاندمی کرونا بیش از هر حادثه یی در جهان امروز، تناقضات عمیق نظام کاپیتالیستی و حرص و آز سیری ناپذیر آن را در ضدیت با سعادت، رفاه و سلامت و مصونیت بشر نشان داد. رقابت برای سهم بیشتر از بازار و کسب سود سرمایه دارانه باعث گشته تا بخش بزرگی از مردم در جهان از

واکسن و درمان محروم بمانند. این حقیقت چهره کریه و ضدانسانی نظام مبتنی به کارمزدی سرمایه را که بنیادش بر فقر، نابرابری و تبعیض گذاشته شده است برملا می سازد؛ تا آن هنگامی که این تناقض و تضاد باقی است، بشر نه تنها از بحران ها و مصائب موجود رهایی نمی یابد، بلکه هر روز به سمت فاجعه یی ویرانگر و بزرگتری کشانیده می شود. فاجعه یی که ممکن است به نابودی و بازگشت ناپذیری کل حیاتش منتهی شود .

مبارزه برای ایجاد یک دنیای انسانی و برابر، فقط با الغای کارمزدی و زدودن کل رتق و فتق نظام سرمایه داری می تواند متحقق شود . بنابراین بشریت آزادیخواه، در پیشاپیش آن طبقه کارگر جهان، در اول ماه می باید عزمش را برای تغییر بنیادی وضعیت موجود و لغو برده گی مزدی و براندازی مالکیت خصوصی جزم نماید، با سازمان یابی، تحزب و همبسته گی جهانی، نوید بر پایی نظم سوسیالیستی را که در آن از فقر، محرومیت، تبعیض و نابرابری خبری نیست رو به بشریت اعلام بدارد .

اما در افغانستان در حالی که پیشواز روز جهانی طبقه کارگر می رویم که سرمایه داری جهانی و قدرت های منطقه یی در اجماع بر سر شکل دادن به آینده سیاسی جامع افغانستان و تأمین منافع استراتژیک شان در مغالزه با نیروهای شرور و جنایتکار اسلامی، از جمله طالبان، مشغول طراحی و مهندسی ساختار جدید سیاسی در محور طالبان و سایر نیروهای اسلام سیاسی و ناسیونالیست های تباری اند؛ بورژوازی جهانی از خیر تداوم نیمچه دست آوردها و ضمانت آزادی های نیم بند این دو دهه پسین، که این همه با آن مباحثات می شد، گذشته است. طی دو دهه حضور مستقیم قدرت های جهانی و سرازیر شدن منابع عظیم مالی، کارگران و فرودستان در افغانستان سهمی جز فقر و ادبار، جنگ و کشتار و بی نانی و محرومیت نداشته اند. نه تنها این بل به دلیل تشتت و عدم سازمان یابی در معادلات سیاسی - اجتماعی و در پروسه جاری "صلح" و شکل دادن به ساختار سیاسی جدید خواست ها و مطالبات کارگران و افسار فرودست و محروم جامعه نیز مورد توجه هیچ نهاد بورژوایی قرار نگرفته و نماینده گی نمی شود. براین اساس کارگران و فرودستان، اعم از زن و مرد، بازنده اصلی روندی اند که در غیاب و برخلاف منافع شان، توسط قدرت ها و دولت های سرمایه داری جهانی و ایادی محلی شان رقم می خورد .

به دلیل تشتت، عدم سازمانیابی و نفوذ جنبش ها و باورهای ارتجاعی، از جمله ناسیونالیسم قومی، کارگران بیشتر از گذشته متفرق و غیر متشکل اند؛ اگر این نقیصه وجود نمی داشت، طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی می توانست یک قطب جدی در معادلات جاری به شمار آید و با تکیه به قدرت اجتماعی خود به عنوان یک طبقه واحد حریف جریان ها و نهادهای بورژوایی باشد .

بر بستر یک چنین وضعیتی نیروها و نهادهای بورژوایی بین المللی تلاش مستمر به خرج می دهند تا پروژه شکل یافتن ساختار جدید سیاسی به سرانجام برسد. به رغم اعلام خروج نیروهای امریکا - ناتو بر اساس توافقنامه میان طرفین مذاکره تا ماه سپتامبر سال روان، و برگزاری کنفرانس قریب الوقوع استانبول که در آن قرار است ساختار جدید سیاسی مشتمل از طالبان و سایر جریان های اسلام سیاسی و ناسیونالیسم تباری مهندسی و شکل داده شود، رهبری طالبان و حامیان منطقه یی آن، که به یمن الطاف قدرت امپریالیستی امریکا دست بالایی یافته و در یک موقعیت برتر نسبت به دولت پوشالی و جریانهای متشتت و متعارض حامی :جمهوریت اسلامی» قرار گرفته، هنوز تمایل و عجله یی برای شرکت در آن کنفرانس را نشان نداده است؛ هرچند حاکمیت، جناح ارگ به رهبری غنی، به نتیجه بازبینی توافق دوحه توسط رئیس جمهور امریکا، جو بایدن، به نفع تقویت و استحکام مواضع خود چشم دوخته و دل خوش کرده بود، اما با اعلام رسمی "پایان" حضور نظامی امریکا و متحدانش در پیمان ناتو، این امید و دلخوشی به یأس مبدل گشت . سرمایه داری جهانی و قدرت های امپریالیستی جهت تأمین منافع استراتژیک شان و همچنان اغوای افکار عمومی نیروهای مترقی در جهان و افغانستان، دیگر نیازی به "دکوراسیون دموکراتیک" و تأمین "حقوق و آزادی های مدنی" ندارند. چون بالاخره مناسبات کارمزدی چه در شکل و شمایل «جمهوریت» و چه در زیر عبا و قبا «امارت» تداوم می یابد و بساط استثمار و ستم و انباشت سرمایه همچنان گسترده خواهد ماند؛ و بازگشت تئوکراسی در هیأت یک دست و در همراهی با جریانهای نئولیبرال و ناسیونالیست به قدرت سیاسی، منافع

کل بورژوازی در تعارض و تقابل با جنبشهای کارگری-سوسیالیستی، و سرکوب و به تمکین واداشتن آنها، ضمانت خواهد شد .

پس اول می فرصتی است که طبقه کارگر و سایر فرودستان و محرومان با گردهمایی ها و برپایی اعتراضات، نفرت عمیق و فریاد خفته در درون شان نسبت به این همه جنایت و ددمنشی، استثمار و برده گی مزدی، و توحش و لجام گسیخته گی هیولای سرمایه و نیروهای اسلام سیاسی را ابراز بدارند و نگذارند که سرنوشت و آینده شان را دیگران و بر خلاف منافع اکثریت عظیمی از مردم جامعه رقم بزنند. ما کارگران باید در یک چنین روزی در صف واحد یک صدا و متحد، سوای تعلقات زبانی، قومی و جنسیتی، از هستی و موقعیت اجتماعی مان به عنوان یک طبقه واحد و به عنوان انسانهای همسرنوشت و هم منفعت دفاع نموده و دست رد بزرگی به سین ه نیروهای ارتجاعی و حامیان شان در کمپ ارتجاع بورژوا-امپریالیستی بزنیم

اگر فعالان و کنشگران جنبش طبقه کارگر از جا نجنبند و با بی مبالاتی نسبت به سناریو شکل یافتن «امارت اسلامی» سرمایه برخوردار نمایند، باید منتظر آینده دهشتناکتر از آنچه که دیده و تجربه کرده اند باشند. طبقه کارگر و پیشروان سوسیالیست آن و جنبش های آزادیخواه و مترقی باید بدیل و افق خودشان از یک جامعه آزاد و برابر را ترسیم و رو به جامعه اعالم بدارند، جز این راه و گزینه دیگری وجود ندارد.

سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان در ضمن شادباش و تهنیت گفتن اول می، روز همبسته گی جهانی طبقه کارگر، از همه فعالان جنبش سوسیالیستی کارگری و نیروهای برابری طلب می خواهد که در تقابل با سناریوی «امارت اسلامی سرمایه» و اهداف بلندمدت استراتژیک قدرتهای سرمایه داری، دولتهای ارتجاعی منطقه و نیروهای سیاه اسلام سیاسی، نئولیبرال و ناسیونالیست دست به دست هم داده صف مبارزاتی و مهمتر از آن آترناتیو رهایی بخش خود شان را سر و سامان دهند. برای جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر اصل سازمانیابی و شکل پذیری طبقه کارگر و ایجاد حزب جنبش اجتماعی طبقه کارگر است، تا از این طریق به مصاف هژمونی فکری و ایدئولوژیک طبقات دارا رفته و در نهایت پا در صحنه جدال برای شکل دادن به آینده سیاسی جامعه بگذارد. کارگران، فرودستان و محرومان جامعه، به ویژه فعالان و کنشگران چپ و سوسیالیست جهت پاسخ به وضعیت جدید گزینهمطلوبی جز شکل دادن به یک قطب رادیکال برای روبرو شدن و نفی سناریو مورد نظر کاپیتالیسم جهانی (سرهمنندی و به اقتدار رساندن طالبان و سایر نیروهای اسلام سیاسی) را ندارند. انجام یک چنین امری بدون گفتمان سازنده، تلاش صادقانه، پیگیر و همگرایی فعالان کارگری و نیروهای چپ و سوسیالیست ممکن نیست. نیروی چپ و برابری طلب در جامعه افغانستان که تشنه رفاه و آزادی اند کم نیستند، این نیروها اگر که از تشتت و پراکنده گی بیرون آیند، میتوانند عامل تحولات عظیمی به نفع اکثریت فرودست و محرومان جامعه گردند. بنابراین گزین ه دیگری جز پذیرفتن وضعیت هولناک جاری و تمکین به بربریت سرمایه و یا شکل دادن به آترناتیو آزادیخواهانه و رهایی بخش کارگری وجود ندارد.

فرخنده و گرامی باد اول می!

زنده باد سوسیالیسم!

به پیش به سوی اتحاد و تحزب سوسیالیستی طبقه کارگر!

شورای مرکزی سازمان سوسیالیست های کارگری افغانستان

۶ ثور ۱۴۰۰؛ ۲۶ آپریل ۲۰۲۱

سازمان زنان هشت مارس: اول ماه مه، روز حیات بخشیدن به وظایف انقلابی!

اول ماه مه، روز مبارزاتی جهانی کارگران فرا می رسد. روز همبستگی و اتحاد همه ستمدیده گان در سراسر دنیا. روزی که خارج از مرز، ملیت، جنسیت، نژاد؛ این «ارمغان» های جامعه طبقاتی، همه کارگران را برای یک زندگی دیگر، زندگی به دور از ستم و استثمار در کنار هم قرار می دهد. در شرایطی روز جهانی کارگر فرا می رسد که بحران سرمایه داری جهانی خصوصا در دوره پاندمی کرونا، تشدید یافته و حاصل آن چیزی جز بیکاری ده میلیون کارگر خصوصا کارگران زن نیست. کارگران و زحمت کشان جهان به چشم خود دیدند که در همین دوره کرونا، جان و سلامتی آنان خصوصا در کشورهای «توسعه نیافته» برای حاکمین در قدرت ارزشی ندارد. چرا که اساس و حیات سرمایه داری نه بر پایه حفظ جان انسان ها، بلکه بر پایه کسب سود و مافوق سودی قرار دارد که حاصل روابط تولیدی و اجتماعی استثمارگرانه است. در همین دوره یک سال و اندی شیوع ویروس کرونا، زندگی میلیون ها زن به خاطر از دست دادن کار و فقر و فلاکت ناشی از آن، چندین برابر شدن «وظایف» خانگی، سرویس دهی های اجباری جنسی به مردان، انواع و اقسام خشونت های وحشیانه مردان خانواده، به خطر افتاده و بیشتر از گذشته، پلشتی های سیستم پدر/ مردسالار حاکم را رو کرده است. به طور کلی، بحران کرونا به شکلی عریان تر زشتی، ورشکستگی و پوسیدگی نظام سرمایه داری را بیرون کشیده و ضرورت سرنگونی آن را بیش از گذشته مشهود ساخته است.

در جوامعی هم چون ایران و افغانستان که تحت حاکمیت رژیم های بنیادگرای اسلامی قرار دارند، تنها دادن آمار و ارقام از بی کاری، بی خانمانی، فقر، در به دری، ابتلا به ویروس کرونا و جان باختن هزاران هزار نفر، ترور و کشتار مردم بی گناه، خشونت و قتل زنان و... برای میلیون ها کارگر و زحمتکش در اول ماه مه دردی را دوا نکرده و نمی تواند علل ریشه ای همه این مشکلات و مصائب را نشانه ر و د. به ایران نگاه کنید: کارگران و زحمت کشان با تمام بگیر و به بند ها، زندان و شکنجه و... برای خواسته های صنفی خود هم چنان در خیابان ها مبارزه می کنند. اما، این کارگران و زحمت کشانی که بیش از هر قشر و طبقه ای گنبدگی و کثافات سرمایه داری و سود پرستی و استثمار وحشیانه را با گوشت و پوست خود لمس می کنند، نیاز به یافتن راهی برای خلاصی از این وضعیت دهشتناک دارند. ضرورت تغییر رادیکال در این جامعه با شرایط اسفناک اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شکل گرفته در آن، از هر پرز ش بیرون زده است. جامعه در حال از هم پاشیدن است. مردم خصوصا تهیدستان به ستوه آمده اند. آن چه که در این شرایط حساس و بحرانی از نیروهای انقلابی طلب می شود، پیش برد آن مبارزه ای است که بتواند با اتکا به رویکردی انقلابی، کارگران و زحمت کشان و به طور کلی مردم عاصی از این نظام را، در جهت سرنگونی تمام و کمال رژیم جمهوری اسلامی، سازماندهی و متشکل کند. برای انجام چنین انقلابی به تدارکی آگاهانه و نقشه مند نیاز است. به داشتن تشکیلات انقلابی رهبری کننده نیاز است. به ساختن پایگاهی محکم در بین مردم نیاز است. به کاشتن بذر آگاهی و سازماندهی، به ایجاد تشکلات توده ای و متشکل کردن کارگران و زحمت کشان، زنان و همه آنانی که می توانند متحد شوند، نیاز است. آن چه را که زنان، مردم و به طور ویژه کارگران و زحمت کشان از نیروهای انقلابی انتظار دارند، چنین برنامه و دورنمایی است. در چنین صورتی است که کارگران و زحمت کشان می توانند در مسیر تغییر و تحول رادیکال جامعه، آگاهانه دخالت کرده و در مسیر رهائی، همه ستمدیده گان را متحد کنند. پس: اول ماه مه را باید به آغازی برای حیات بخشیدن به این وظایف تعیین کننده بدل کرد.

سازمان زنان هشت مارس (ایران-افغانستان)

اول ماه مه ۲۰۲۱

www.8mars.com

تهدید تلفنی اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران در آستانه روز جهانی کارگر

با نزدیک شدن روز جهانی کارگر وزارت اطلاعات از طریق تماس‌های تلفنی مکرر با اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران از جمله جعفر عظیم زاده و پروین محمدی اقدام به تهدید این کارگران برای ممانعت از برگزاری و شرکت در تجمع‌های روز جهانی کارگر نموده است.

جعفر عظیم زاده در پاسخ به تهدیدهای مأمورین وزارت اطلاعات بر حق کارگران برای برگزاری تجمع روز جهانی کارگر پافشاری کرده است و ضمن اعتراض به زندانی کردن کارگران و معلمان و بازنشستگان اعلام کرده است که چگونه می‌شود که کارگران و معلمان را تنها بخاطر فعالیتهای صنفی و مطالباتی زندانی کنید و انتظار داشته باشید کارگران در مقابل دست به اعتراض و تجمع نزنند.

اقدام به تهدید کارگران از سوی نیروهای امنیتی در آستانه روز جهانی کارگر از سر وحشت از تجمعات کارگران و مزدبگیران صورت می‌گیرد.

حاکمیت با تعرض گسترده به زندگی و معیشت و کار کارگران و دیگر مزدبگیران وضعیت به شدت فلاکت‌باری را به اکثریت جامعه تحمیل کرده است و از سوی دیگر نیز نهادهای امنیتی در مقام حافظ چپاولگران حاکم در مقابل هرگونه حق خواهی و اعتراض کارگران دست به سرکوب و زندانی کردن فعالین می‌زنند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران ضمن تأکید بر حق کارگران برای برگزاری هر چه باشکوهتر تجمع‌های روز جهانی کارگر، اقدام به تهدید کارگران، معلمان و دیگر مزدبگیران از سوی نهادهای امنیتی را محکوم مینماید و اعلام میدارد که طبقه کارگر و مزدبگیران زحمتکش قطعاً در مقابل این همه تعرض و سرکوب خواهند ایستاد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران - ۹ اردیبهشت ۱۴۰۰

پیام پروین نخستین، به مناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر

سلام

در آستانه روز جهانی کارگر هستیم. من این روز رابه تمام کارگران جهان تبریک میگم

دوستان من هم یک کارگرم، یک زن کارگر

من هم مانند تمام کارگران دنیا کار کرده و زحمت کشیده ام ولی هیچ گاه نتوانسته ام زندگی در شأن یک انسان را تجربه کنم و رفاهی داشته باشم

من در زندگی به عنوان یک کارگر شهروند، امنیت ندارم

امنیت معیشتی ندارم اگر صاحب کار مرا اخراج کند هیچ نهادی از من حمایت نمی کند.

امنیت پزشکی و بهداشتی ندارم اگر بیمار شوم چون بیمه ندارم از تمام خدمات دولتی محروم هستم.

امنیت غذایی ندارم چون گرانی و تورم بیدامی کند. افزایش قیمتها ساعتی است و حقوق من ثابت است پس من نمی توانم همه این چیزی که احتیاج دارم راتهیبه کنم.

سفره ی من هر روز خالی تر از روز گذشته می شود. وقتی اطرافم را نگاه می کنم می بینم همه چیز در جهان به دست کارگران ساخته شده و من هم یک کارگرم و در ساختن این جهان نقش دارم در حالی که از همان ساخته های دست خود محروم هستم چرا؟

من دولت را مسبب اینهمه فلاکت و فقر در زندگی می بینم.

کارگری روی زمین اتحاد.

کانال اسماعیل عبدی:

[@free_email_abdi](https://www.instagram.com/free_email_abdi)

وضعیت کارگران در روز جهانی کارگر و ضرورت همبستگی کارگران | می ۱، ۲۰۲۱
اتحاد سراسری بازنشستگان ایران:



۱- مناسبات دولت‌ها در عرصه بین‌الملل نباید منجر به محدودیت‌هایی شود که خسارت و زیان آن دامان آحاد جامعه خصوصاً کارگران را بگیرد و آنان را از دسترسی به حداقل‌های زندگی محروم کند. بر این اساس، ما قویاً رفتار دولت آمریکا را محکوم کرده و از سازمان‌های بین‌المللی می‌خواهیم هرچه سریعتر نسبت به پایان دادن به این رفتارهای ظالمانه نسبت ضدبشری دولت آمریکا اقدام کنند.

۲- تورم افسارگسیخته ناشی از پیامدهای تحریم و سوءمدیریت داخلی است که سبب می‌شود علیرغم رشد دستمزدها، هر روز کارگر فقیرتر شود. ما جداً از دولت می‌خواهیم که با تصمیمات خود به تورم دامن نزنند و در جهت کنترل آن همه توان خود و بدنه کارشناسی و علمی جامعه را به کار گیرد.

۳- امنیت شغلی کارگران با توجه به نرخ بیکاری و وجود بیماری کرونا، به شدت کاهش پیدا کرده و نظارت بر رفتار بنگاه‌ها از ناحیه مسئولان وزارت کار به حداقل خود رسیده است. ما از مسئولان وزارت کار خصوصاً حوزه بازرسی کار انتظار داریم نسبت به تشدید نظارت‌های خود در رابطه با اجرای کامل و جامع قانون کار در واحدهای تولیدی شدت بخشند.

۴- سازمان تامین اجتماعی یگانه نهاد حوزه حمایت‌های اجتماعی در بخش بازنشستگی و درمان. هرگونه کم‌توجهی به این نهاد آثار امنیتی و اجتماعی با خود به همراه می‌آورد لذا ما از مجلس و دولت می‌خواهیم تا نسبت به ایجاد ردیف جداگانه در بودجه عمومی سالانه کشور، ضمن پرداخت بدهی جاری دولت به این سازمان، نسبت به اعمال کمک‌های تاثیرگذار، جلوی فروپاشی مالی این سازمان را بگیرد و در این رابطه از توجه به زندگی باعزت مستمیری بگیران غافل نشوند.

۵- کارگران ساختمانی بخش قابل توجهی از نیروی کار ایران هستند که وظیفه تامین مسکن جامعه را برعهده دارند. ما معتقدیم با توجه به مخاطرات این شغل که بیشترین آسیب‌های ناشی از کار را با خود به

همراه دارد، هیچ بهانه‌ای برای بیمه نکردن آنان قابل قبول نیست و سازمان تامین اجتماعی موظف است نسبت به بیمه کردن همه متقاضیان واجد شرایط اقدام کند .

@etehadesarasari

بیانیه‌ی اتحاد بازنشستگان

به مناسبت یازده اردیبهشت روز جهانی کارگر و دوازده اردیبهشت روز ملی معلم!

یازده اردیبهشت روز جهانی کارگر و دوازده اردیبهشت روز ملی معلم است. کارگران و معلمان به‌عنوان دو بخش مهم از نیروی کار کشور همراه با سایر بخش‌ها، به‌ویژه بازنشستگان، کارکنان بخش بهداشت و سلامت، زنان، بیکاران و زحمتکشان شهر و روستا فصل مشترک‌های روشنی دارند که می‌تواند عامل اتحاد فراگیر مطالباتی برای تغییر اساسی شرایط زندگی نیروی کار کشور باشد. همه‌ی این بخش‌ها بشدت از تورم سنگین، مزدهای ناچیز و پائین‌تر از خط فقر و سقوط شدید قدرت خرید در اثر تشدید بحران اقتصادی و اجتماعی رنج می‌برند؛ بهره‌کشی برده‌دارانه از نیروی کار، نظام چند لایه‌ی تبعیض‌های مزدی با وجود کار برابر، سلب امنیت شغلی با قراردادهای موقت و محرومیت از حق تشکل مستقل صنفی و طبقاتی برای مقابله‌ی جمعی و موثر با عوامل سرکوب و استثمار در حق همه‌ی بخش‌های نیروی کار اعمال می‌شود. محرومیت از نظام جامع تامین اجتماعی، اعتراض به بیمه‌های ناکارآمد «تکمیلی» و کالایی شدن فزاینده‌ی خدمات عمومی با تفاوت‌های جزئی در همه‌ی بخش‌های کارگران و مزدبگیران مشترک است. رانت خواری و غارتگری در صندوق‌های بازنشستگی، در صندوق ذخیره‌ی فرهنگیان در نحوه‌ی تخصیص منابع سازمان تامین اجتماعی و شیوه‌ی ناسالم همسان سازی حقوق و مستمری‌ها، در اختصاصی سازی دارایی‌های عمومی به نام واگذاری به بخش خصوصی و خصوصی سازی، در برون سپاری خدمات عمومی، در نپرداختن دستمزدهای نیروی کار و مزایای شغلی، در عدم تخصیص امکانات آموزش مجازی برای کودکان و ترک تحصیل کودکان، همه و همه از دردهای مشترک بخش‌های مهمی از نیروی کار صنعت، خدمات، بهداشت، آموزش و پرورش کشور و همچنین عموم بازنشستگان و زحمتکشان و محرومان کشور است.

در حالی که وابستگان حاکمیت و برنشتگان سفره‌ی رانت و غارت از امکان دسترسی به واکسن کرونا برخوردارند، گروه‌های مختلف مزد و مستمری بگیران و کسانی که حتی از داشتن درآمدی محروم هستند، از قربانیان اصلی معادله‌ی نان در ازای جان در شرایط کشتار کرونایی و واکسن پولی وارداتی بخش خصوصی هستند .

اگر چه آگاهی به این فصل مشترک‌های مطالباتی میان میلیون‌ها حقوق و مستمری بگیر کشور هنوز از سطح خودسامان‌یابی و حضور مستقل گسترده در جنبش مطالباتی فاصله دارد، اما در عوض شاهدیم که نیروهای آگاه در جنبش اکثریت عظیم کار، سلامت و آموزش به شکل روزافزونی اهمیت اتحاد سراسری بخش‌های مختلف نیروی کار کشور بر پایه‌ی این فصل مشترک‌ها را دریافته و آرایش مبارزاتی متناسب با آن را پیگیری می‌کنند.

همین جهت‌گیری نیروهای آگاه و همین پیگیری آنان در کنار تحمل ناپذیرتر شدن شرایط زندگی، ناگزیری دست زدن به اعتراض در میان بخش‌های مختلف مزد، حقوق و مستمری بگیران برای جلوگیری از سقوط هر چه بیشتر سطح معیشت و ناتوانی حاکمیت در پاسخ به مطالبات برحق مردم، از عوامل اصلی تشدید فشار بر فعالین کارگری، معلمان و کنشگران جنبش‌های مطالباتی است .

در برابر حق طلبی و عدالت خواهی ما پاسخی جز تهدید، ارعاب، پرونده سازی، زندان، شلاق و شکنجه ندارند و هرگز هم نداشته‌اند. صف کار، آموزش و عدالت اجتماعی در کنار مبارزه برای آموزش رایگان، لغو

خصوصی سازی در همه‌ی بخش‌های اقتصاد، برخورداری همگان از تامین جامع اجتماعی، حق کار، مسکن اجتماعی، بیمه‌های کارآمد، سلامت همگانی و اجرای درست همسان سازی حقوق بازنشستگان، همزمان بر مطالبه‌ی آزادی بی‌قید و شرط همه‌ی فعالین کارگری و معلمان دربند، همه‌ی زندانیان سیاسی و عقیدتی، حق ایجاد تشکل مستقل صنفی و طبقاتی و حق تجمع و اعتراض تاکید می‌کند. امسال هم در روزهای یازده و دوازده اردیبهشت مطالبات مشترک خود را بار دیگر مطرح می‌کنیم .

تا حق خود نگیریم / از پا نمی‌نشینیم

اتحاد بازنشستگان

۱۰/۲/۱۴۰۰

<https://t.me/joinchat/1QwlqYd0vJE0ZTI0>

از: طرف کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه بیانیه کارگران هفت تپه به مناسبت فرا رسیدن روز جهانی کارگر

امروز یک می (یازده اردیبهشت) روز جهانی کارگر است روزی که می بایست کار تعطیل می بود و کارگران با خیالی آسوده در کنار خانواده های خود دور هم جمع میشدند و جشن میگرفتند اما ما سالهاست که با آسودگی بیگانه ایم و امروز باید از دردها و تلاشها و حال و آینده مان بگوئیم و این روز را در وضعیت قرمز کرونا برای سرمایه دارن کار کنیم اما علیرغم این مشقت ها شعار ما "کارگر هفت تپه اتحاد اتحاد" در روز جهانی



کارگر یعنی "کارگران جهان اتحاد اتحاد" است. ما از هفت تپه با ندای این اتحاد، روز کارگر را به طبقه کارگر در ایران و جهان تبریک میگوئیم .

اما امروز باید نگاهی به سال گذشته بیاندازیم و کارهایمان را مرور کنیم و ببینیم کجا هستیم و باید به کجا برویم. هفت تپه در سال گذشته اعتصابات و اعتراضات طولانی و قدرتمندی داشت که حاصل اعتراضات سال گذشته و سالهای قبل تر کشیدن اسدیگی و یارانش به دادگاه، افشای فساد مدیران و همکاران فاسد، گرفتن حقوق های معوق و تمدید دفترچه های بیمه بود. سال گذشته تمرکز مبارزه ما بر نفی بخش خصوصی و خلع ید از اسدیگی بود اما خواسته های دیگرمان همچون بازگشت به کار همکاران اخراجی و بسیاری مطالبات عرفی هم وجود داشتند که کماکان در راه دستیابی به آنان مبارزه میکنیم، در این میان اما مسائل و مشکلات با کارفرما و عواملش و توطئه های آنها کم نبود که خوشبختانه کارگران هفت تپه هشیارند و یک به یک توطئه ها را خنثی کردند. در اعتصاب طولانی تابستان گذشته خلع از مالکان فعلی به مطالبه اصلی کارگران آسیب دیده از خصوصی سازی ها در سراسر ایران بدل شد و این نشاندهنده جایگاه کارگران هفت تپه در جامعه کارگری ایران است. ما حق خواهی را با تحمل هزینه های فراوان از اخراج و زندان و پرونده های متعدد قضائی پرداخت کردیم با اینحال امروز متحدترین، امروز روشن ترین و میدانیم چه نمی خواهیم و چه می خواهیم الان در مقطعی هستیم که حاصل این اعتراض و اتحاد و خون دل خوردن های ما در حال نتیجه دادن است ما گفتیم بخش خصوصی را بیرون می کنیم و هفت تپه را پس می گیریم و اینک محکم تر از همیشه در روز کارگر اعلام میکنیم که روی این عهد می مانیم و آنرا به سرانجام خواهیم رساند چرا که معتقدیم اسدیگی و بخش خصوصی بزرگترین مانع تولید و ارتقا کیفیت

زندگی کارگران بوده و باید بروند و این خواسته اصلی کارگران است. هفت تپه باید به دولت برگردد و با مدیریت و نظارت شورایی کارگران اداره شود .

در روز کارگر فرصت را غنیمت شمرده و از کلیه کارگران و کسانی که از اعتصاب و اعتراضات ما و از نمایندگان ما حمایت کردند و در سخت ترین شرایط کنار ما بودند تشکر ویژه نموده و این پیام را میرسانیم که همراهی شما هیچگاه از نظر ما پنهان نخواهد شد. ما کارگران هفت تپه از اعتراضات برحق مراکز مختلف کارگری و آموزشی و درمانی و خدماتی حمایت می کنیم و خواستار آزادی کارگران و فعالین بازداشت شده و همه زندانیان سیاسی هستیم .

اعتراض کارگران فولاد و هپکو و نفت و گاز و پتروشیمی ها، کارگران شهرداری ها، معلمان، بازنشستگان این نور دیدگان ما، پرستاران و کادر درمان که در قلب ما جای دارند و با فداکاری درس شرافت و آزادی می دهند بیانگر این است که همه جا درد یکی است. علیه خصوصی سازی، علیه شرکتهای پیمانی و قراردادهای موقت ظالمانه، علیه فقر و تبعیض، علیه دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر، علیه ایجاد تفرقه و تحریک میان کارگران ، هدف این اعتراضات دستیابی به زندگی بهتر و در خور شان مردم عزیز ایران است، درد کارگر درد نان شب است و زندگی بهتر و این روزها درد درمان است و دارو و واکسن. دردها مشترک است و راه هم قطعاً مشترک است.

تجربه ما می گوید که ایجاد اتحاد گسترده کارگری ساده نیست اما عملی است. هرگاه کارگران با خرد جمعی وارد عمل شوند میتوانند به قدرت اتحادشان تکیه کنند و به اهداف خود برسند. ما تاکنون اساساً با اتکا به خرد جمعی و شورائی حرکت کرده ایم چرا که ما کارگریم و منافع واحد داریم و ناچاریم به یکدیگر تکیه کنیم. پس می بایست رمز موفقیت یعنی اتکا به خرد جمعی را تکثیر کنیم و مشکلات را یکی پس از دیگری از سر راه برداریم.

در این ایام ما کارگران هفت تپه با هموطنانی که گرفتار این بیماری منحوس بوده و یا داغدار عزیزانشان هستند ابراز همدردی میکنیم و به فداکارانی که در این دوران سخت امید جامعه بودند بویژه کادر درمان درود میفرستیم و از صمیم قلب برایشان بهروزی آرزو مندیم. با کارگران بخشهای مختلف کشور برای تهیه سریع واکسن استاندارد و رایگان و همگانی همصدا هستیم و تامین هزینه زندگی و معیشت مردم و تامین رایگان نیازهای درمانی و بهداشتی را وظیفه دولت و حق همه مردم ایران میدانیم.

در پایان مجدداً درود میفرستیم به تمامی کارگران ایران و جهان دستشان را به گرمی میفشاریم. روزتان مبارک زحمتکشان

https://t.me/syndica_7tape/3969

اول ماه می ، روز جهانی همبستگی کارگری را گرمی میداریم



اول ماه می ، روز اعلام کیفرخواست عمومی علیه مناسبات سرمایه داری ست

تسلط اقتصادی - اجتماعی چنین نظامی، همه هستی بشر را نه تنها با ایجاد شرایط فقر و فلاکت عمومی و تنگناهای شدید معیشتی ، تحت تاثیر قرار داده ، بلکه با هدر دادن منابع زیست بشر و تخریب امکانات محیط زندگی همه موجودات، منبع اصلی حیات این کره زمین را بشکلی بی سابقه آسیب پذیر کرده است. در ایران با گستردگی اعتصابات و اعتراضات کارگران و معلمان و بازنشستگان و زنان برای تغییر شرایط موجود، در دل اپیدمی مهارنشده ای که هر روزه صدها قربانی و هزاران مبتلاء میگیرد، جامعه در یک رویارویی قطبی برای تعیین تکلیف قرار گرفته است.

شورای بازنشستگان ایران

[@Shorabazneshastehiran](#)

روز یازدهم اردیبهشت برای کارگران تعطیل رسمی است

طبق ماده ۶۳ قانون کار، ۱۱ اردیبهشت تعطیل رسمی برای کارگران محسوب شده و کارفرمایان حق ندارند در این روز کارگران را وادار به کار کنند .

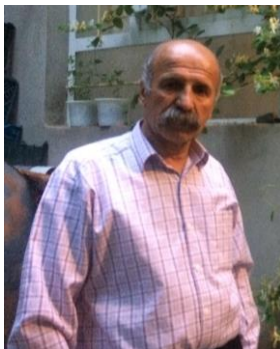
اگر کارگر در روز ۱۱ اردیبهشت سر کار حاضر نشود، غیبت محسوب نمی شود .

در صورت حضور کارگران در محل کار آن هم با رضایت کامل، دستمزد روز کارگر باید بصورت تعطیل کاری برای کارگر محاسبه و پرداخت شود.

مطابق ماده ۶۲ قانون کار تمامی کارگرانی که در روز تعطیل خود مشغول کار می شوند باید ۴۰ درصد مزد بیشتر پرداخت شود،

[#اول_می](#)

[@Shbazneshasteganir](#)



به نقل از پست فیس بوکی کاک محمود صالحی
احضار و بازجویی از عثمان اسماعیلی را محکوم می کنم.

کارگران و مردم آزادیخواه:

دیروز یازده اردیبهشت برابر با اول ماه مه روز جهانی کارگر بود .

دادستان شهرستان سقز (بنابه اظهارات پلیس امنیت) حکم احضار عثمان اسماعیلی را به پلیس امنیت شهرستان سقز می دهند تا ایشان را احضار و بعد از باجویی از او تعهد بگیرند که اقدام به برگزاری مراسم روز جهانی کارگر و یا با پرچم سرخ در داخل شهر حضور پیدا نکند .

امروز یکشنبه مورخ 12/2/1400 عثمان اسماعیلی با توجه به احضاریه دادستانی ساعت ۹ صبح به پلیس امنیت مراجعه و توسط آن نهاد به اتهام برگزاری مراسم اول ماه مه و گرفتن عکس با پلاکارد سرخ بازجویی شد .

بازجویی مدت یک ساعت و نیم طول می کشد و عثمان اسماعیلی رسماً "اعلام می کند که به هیچ عنوان تعهد نمی دهد و برگزاری مراسم روز جهانی کارگر و گرفتن عکس با پرچم سرخ حق هر کارگری است و دولت جمهوری اسلامی نیز باید این حق را به رسمیت بشناسد و دست از احضار و بازجویی کارگران بردارند .
قابل ذکر است که بعد از بازجویی فعلاً "ایشان را آزاد کرده اند



رفع فقر و بیکاری ایجاد فرصت شغلی دستمزد مکفی و برابر

گرامی باد اول ماه مه روز جهانی کارگر

در سال ۹۵ ارزش کار خانگی زنان حدود ۳۰ درصد از تولید ناخالص ملی یعنی بیشتر از سهم کل بخش صنعت، معدن و تجارت در کشور بود. اما کار خانگی در اقتصاد ایران محاسبه نمی‌شود.

بیش از ۷۰ درصد زنان در ایران خانه‌دار و حتی زنان شاغل هم عهده‌دار اصلی انجام کارهای خانه هستند. کار خانگی، رایگان، تمام وقت و تحمیل شده بر زنان است و باعث انزوای زنان از بازار کار می‌شود.

بیدارزنی

همبستگی علیه نابرابری
فقر و خشونت

«کار خانگی» که کاری نابرابر و جنسیتی است، در اقتصاد ایران محاسبه نمی‌شود. بنا بر آمار در سال ۱۳۹۵، ارزش کار خانگی زنان حدود ۳۰ درصد از تولید ناخالص ملی، یعنی بیشتر از سهم کل بخش صنعت، معدن و تجارت در کشور بود.

بیش از ۷۰ درصد زنان در ایران خانه‌دار محسوب می‌شوند و حتی زنان شاغل هم به محض بازگشت از محل کار با بخش دوم کار نابرابر و جنسیتی مواجه می‌شوند. «کار خانگی»، رایگان، تمام وقت و تحمیل شده علیه زنان است و باعث انزوای آنان از بازار کار می‌شود.

[#روز_جهانی_کارگر #رفع_فقر_و_بیکاری #ایجاد_فرصت_شغلی #دستمزد_مکفی_و_برابر](#)
[#همبستگی_زنان_علیه_نابرابری_فقر_و_خشونت](#)

[@bidarzani](#)

روز اول مه و زنان کولبر

روز کارگر باید بلندگویی بود برای نیمی از طبقه کارگر که از کودکی تا لحظه مرگ، کار خانگی می‌کند. می‌زاید، می‌شورد، می‌پزد، می‌سازد، تربیت می‌کند، تیمار می‌کند، تولید می‌کند؛ اما بدون مزد. با آنکه حتی یک روز اعتصابشان چرخ جامعه و تولیدش را از هم می‌پاشاند، اما دولت سرمایه‌داری کارشان را همیشه بی‌مزد نگه داشته. چون برای اکثریت زنان هنوز بیگاری که از کودکی



به آن خو گرفته‌اند «کار» حائز مزد محسوب نمی‌شود. به آن‌ها و ما چنان قبولانده‌اند که کار_خانگی، یک فعالیت طبیعی است و تولید اجتماعی نیست. نیمی از عمر هر زن بدین سان از او دزدیده می‌شود؛ صدها هزار ساعات از زندگی‌اش که باید صرف آموزش، کسب مهارت و رشد فردی می‌شد به پای کار خانگی بی‌مزد ریخته می‌شود. در نهایت هم به تبع این بیگاری بی‌مزد و موجب برای بدیهی‌ترین نیازهای خود وابستگی به همسر پیدا میکند.

از این روست که جنبش زنان نمی‌تواند تغییر ملموسی برای وضع نیمی از جامعه به ارمغان بیاورد مگر آنکه کسب مزد این کار خانگی یکی از اهداف اولویت‌دارش باشد.

عکس: زنان کولبر هورامان

[@etehadesarasari](https://www.instagram.com/etehadesarasari)

فراخوان_تجمع

روز جهانی کارگر؛ پیگیر مطالباتمان هستیم!

بازگشت اختیار به انسانهایی که آفریننده ثروتهای جامعه‌اند، شرایط به کارگیری امکانات و ظرفیت‌ها برای یک زندگی مرفه و بر اساس نیازهای مدرن با حفظ و مراقبت از منابع زیستی، پیام ما بازنشستگان، کارگران و همه ۹۹ درصدیها در اول می، روز جهانی کارگران است.

شنبه ۱۱ اردیبهشت. ساعت ده و نیم

سازمان و ادارات تامین اجتماعی

#عدالتی_ندیدیم_مادیکه_رای_نمیدیم

شورای بازنشستگان ایران

#کانال_معلمان_عدالت_خواه

[@edalatxah](https://www.instagram.com/edalatxah)

بیانیه مشترک ۲۶ نهاد چپ و دموکراتیک بمناسبت اول ماه مه

گرامی باد اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی کارگران جهان!

اول ماه مه، روز همبستگی کارگران همه کشورها و سالروز سرکوب خونین کارگران شیکاگو در سال ۱۸۸۶ فرارسید. روزی که کارگران و نیروهای پیشرو ضد سرمایه داری در تمام کشورها به خیابان می آیند تا نیروی جهانی خود را به نمایش بگذارند. در ایران، چون برخی دیگر از رژیم های دیکتاتوری و ضد کارگری، برگزاری مراسم اول ماه مه ممنوع است و رژیم اسلامی این روز را بعنوان روز کارگر به رسمیت نمی شناسد. اما کارگران و فعالان جنبش کارگری و پشتیبانان آن هر ساله با ابتکارات گوناگون به استقبال این روز رفته، آن را گرامی میدارند و خواسته ها و بویژه حق اعتصاب و حق برپائی تشکلات مستقل کارگری را با صدای بلند مطرح می کنند. آن ها در این راه هزینه سنگینی پرداخت کرده و هر ساله با ضرب و جرح و دستگیری و زندان و شلاق روبرو می شوند. با این سرکوب ها فهرست مبارزان زندانی طبقه کارگر و جنبشهای اجتماعی اضافه و پرونده ننگین این رژیم مذهبی - سرمایه داری سنگین تر می شود!

دراثر فعالیت هواداران جنبش کارگری در تبعید، سندیکاها، تشکلات کارگری و احزاب چپ سراسر جهان، در حمایت از مبارزان و در محکومیت اقدامات ضد کارگری رژیم به حرکت درآمده و نشان دادند که کارگران ایران در مبارزه خود تنها نیستند.

سرمایه داری جهانی در بحرانی بی سابقه فرورفته است. بحران اقتصادی که در پایان سال ۲۰۱۹ در کشورهای اروپائی و آمریکا خود نشان می داد با بروز واگیری جهانی کوید - ۱۹ شدت یافته و افت عظیم و بی سابقه اقتصادی کنونی را موجب شد. صدها میلیون کارگر و حقوق بگیر بیکار شدند، و در همان حال، بخش روزافزونی از کسبه خرد و اقشار متوسط جامعه نیز به ورطه ورشکستگی افتادند. اما مثل همیشه هزینه این بحران بر سر کارگران، زحمتکشان و فرو دستان سرشکن شده و بخشهای وسیعی از آنان به ورطه فقر کشانیده شده اند. اما ثروت یک درصدی ها افزایشی بیست و پنج درصدی داشته است. مثل همیشه، قانون جامعه سرمایه داری، فقر و بیکاری را در یک طرف و ثروت و سرمایه را در طرف دیگر متمرکز کرد. بار دیگر چهره سیاه سرمایه داری خود را نشان داده و یادآوری کرد که جهانی دیگر باید ساخت.

در ایران هم بحران عمیق اقتصادی ناشی از ماهیت و سیاست های ارتجاعی رژیم و نیز در اثر تاثیرات بحران جهانی سرمایه ، با شیوع ویروس کوید - ۱۹ به یک بحران سراسری و عمیق تر بدل شد. ناکارآمدی حاکمیت و سیاست اولویت دادن به بازنگاه داشتن کسب و کار در برابر حمایت از سلامت شهروندان، شرایط معیشتی کارگران و حقوق بگیران ثابت و بویژه زنان کارگر و مزدبگیر که قربانی بیکاری ۷۰ درصدی شده و از حقوق بیکاری برخوردار نیستند را باز هم بدتر کرد و ماهیت ضد مردمی و سرمایه داری رژیم را آشکارتر ساخت.

در جمهوری اسلامی، زنان با ستم و فشار دوگانه روبرو بوده و از حقوق برابر با مردان برخوردار نیستند و با نابرابری و ستم در همه عرصه ها روبرویند اما علیرغم سرکوب و قوانین زن ستیزانه از پاننشسته و در صف اول مبارزه علیه حکومت اسلامی مبارزه کرده و هزینه سنگینی می پردازند.

با تمام این شرایط نامساعد، جنبش اعتراضی مطالباتی کارگران و حقوق بگیران ، زنان، معلمان، بازنشستگان ، دانشجویان و ... همچنان ادامه پیدا کرد و مبارزات کارگری و مردمی در سراسر ایران علیرغم بحران کرونا در میان کشورهای منطقه درخشید. مبارزات درخشان کارگران هفت تپه در میان آن ها از برجستگی خاصی برخوردار بود که مسئله اختلاس، خصوصی سازی و اداره شورائی توسط کارگران را در فضای سیاسی ایران مطرح کرد. کارگران هپکو، نیروگاه های برق، شرکتهای بخش پتروشیمی، فولاد اهواز، بازنشستگان،

معلمان، پرستاران ... همگی با درجات متفاوت به مبارزه خود ادامه داده و با سرکوب عریان رژیم روبرو شدند اما از پای ننشستند. ایران، حتی در شرایط واگیری کوید-۱۹ هم سرزمین تظاهرات و اعتصابات کارگری و توده ای بود.

در چنین شرایطی و با گرانی افسار گسیخته، قدرت خرید کارگران و بازنشستگان ایران بازهم کاهش پیدا کرد و تعداد فزاینده تری از آنها به زیر خط فقر رانده شدند. در شرایطی که فعالان مستقل کارگری معتقدند که خط فقر برای یک خانوار ایرانی ساکن شهرهای بزرگ می بایستی حداقل ۱۲ میلیون تومان باشد دولت روحانی با "اعطای" یک حقوق حداقلی ۲٫۸ میلیونی جامعه کارگری ایران را به ریشخند گرفت. فقدان تشکیلات سراسری کارگران که قدرت مبارزه و حتی "چانه زنی" کارگران ایران را به حداقل ممکن تقلیل داده است، بار دیگر با شدت تمام خود را نشان داد و اهمیت مبارزه خستگی ناپذیر برای رسیدن به آن و نیز تلاش برای افشای هرچه مستدل تر و بی اعتبار کردن تشکلات پوشالی وابسته به رژیم در سطح نهادهای رسمی بین المللی را یادآوری کرد.

سال جاری، در کشوری که در بحران چند بعدی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، محیط زیستی به سر می برد و در میان بالائی ها بحران به اوج خود رسیده، سال تشدید مبارزه در همه عرصه های اجتماعی است، بکشیم تا با جلب حمایت هرچه بیشتر نهادهای سازمان های کارگری، مترقی و چپ در کشورهای مختلف جهان پشتیبانی از مبارزات و مطالبات کارگران، زنان و مردان زحمتکش ایران را گسترده تر سازیم.

گرامی باد اول ماه ماه، روز همبستگی بین المللی کارگران همه کشورهای جهان!

حق اعتصاب، حق تشکیل سازمان های مستقل حق مسلم کارگران ایران است!

زندانی سیاسی - عقیدتی آزاد باید گردد!

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران!

زنده باد آزادی، برابری و عدالت اجتماعی!

۲۸ آپریل ۲۰۲۱ برابر با ۸ اردیبهشت ۱۴۰۰

اسامی نهادهای امضاکننده به ترتیب حروف الفبا

۱- اتحاد نیروهای دمکراتیک ایرانی - سوئیس

۲- آلترناتیو سوسیالیستی ایران - لندن

۳- انجمن سوسیالیستها - سوئد

۴- انجمن پناهندگان ایرانی - گوتنبرگ / سوئد

۵- جمعی از فعالان اجتماعی - سیاسی و پناهندگان - گوتنبرگ - سوئد

۶- حامیان مادران پارک لاله - استکهلم

۷- زنان مستقل کلن - آلمان

۸- شورای همبستگی با مبارزات مردم ایران - لندن

۹- شورای هماهنگی علیه کشتار جمهوری اسلامی - فریاد خاوران

- ۱۰- شورای همراهی با آلترناتیو کارگری در ایران
- ۱۱- فدراسیون اروپرس - بلژیک
- ۱۲- کارگروه ارتباطات - کانون کنشگران دمکرات و سوسیالیست هانوفر- آلمان
- ۱۳- کانون پناهندگان سیاسی ایران- برلین
- ۱۴- کانون پشتیبانی از مبارزات مردم ایران- وین
- ۱۵- کانون ایرانیان مترقی در نیویورک و نیوجرسی- آمریکا
- ۱۶- کانون همبستگی با مبارزات کارگران در ایران- فرانکفورت
- ۱۷- کانون همبستگی با کارگران ایران- گوتنبرگ
- ۱۸- کانون همبستگی با کارگران ایران و کانادا
- ۱۹- کمیته دفاع از مبارزات مردم ایران- سوئیس
- ۲۰- کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران- برلین
- ۲۱- کمیته همبستگی برای حقوق بشر در ایران- نروژ
- ۲۲- کمیته همبستگی با جنبش کارگران ایران- استرالیا
- ۲۳- کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد
- ۲۴- نهاد همبستگی با جنبش کارگری در ایران - غرب آلمان
- ۲۵- همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران- پاریس
- ۲۶- همبستگی برای حقوق بشر در ایران- کلگری/ کانادا
- آدرس تماس از طریق کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران - برلین

Kupg_iran@yahoo.com

=====

اطلاعیه نهاد های همبستگی ؛ زنده باد اول ماه مه!

امروز اول ماه مه است، روز جهانی کارگر، روز همبستگی بین المللی کارگران، آغاز سال نو کارگری، جشن کارگران ... جشن؟

جشنی که در آن میلیون ها کارگر در زیر خط فقر زندگی می کنند!

جشنی که کارگر کوچکترین حق و دخالتی در تعیین نرخ فروش کالایش (کار) را ندارد و صاحبان سرمایه برایش حداقل دستمزد را تعیین می کنند!

جشنی که میلیاردها تومان ثروت کارگران در بیمه های اجتماعی توسط غارتگران نظام سرمایه به یغما برده می شود!

جشنی که میلیون‌ها کارگران بیکار برای لقمه‌ای نان، به هر شرایط غیر انسانی سرمایه‌داران تن در می‌دهند!

جشنی که زنان کارگر و زحمتکش دو سویه مورد ستم و اجحاف قرار گرفته و حتا از همان حقوق ناچیز کارگران مرد نیز بی بهره‌اند!

جشنی که کارگران مهاجر از کشورهای منطقه، برده وار مورد ستم و استثمار و همه‌گونه تحقیر و توهین و بی‌حقوقی سرمایه‌داران قرار دارند!

جشنی که میلیون‌ها کودکان کار، به علت فقر خانواده، به جای نشستن در کلاس درس، ناگزیر به حاشیه خیابان‌ها روآورده و مظلومانه برای لقمه‌ای نان به هر کار سنگین و پستی تن در می‌دهند!

جشنی که کارگران از حق تشکل، اعتصاب و اعتراض محرومند!

جشنی که کوچکترین اعتراض و حق طلبی، با اخراج، سرکوب، زندان، شکنجه و مرگ مواجه می‌شود!

جشنی که در آن کولبرانی که بار مرگ خود را بدوش میکشند، دائم در معرض خطر و کشتار مزدوران سرمایه‌دار قرار دارند.

جشنی که در آن سوختبران برای حداقل امرار معاش از زمین و هوا مورد حمله مزدوران سرکوبگر سرمایه‌دار قرار گرفتند.

جشنی که در آن زندانیان سیاسی از کارگران، معلمان، دانشجویان، زنان در دفاع و مطالبات خود به بند کشیده شده‌اند.

جشنی که در آن حرکت سراسری بازنشستگان برای تحقق خواسته‌ها و مطالبات خود با سر دادن شعار " فقط کف خیابون بدست می‌آد حقمون " طنین انداز شده، مورد حمله وحشیانه حامیان سرمایه‌دار قرار می‌گیرند.

جشنی که حکومت غارتگر سرمایه‌داری جمهوری اسلامی در مقابله با ویروس کرونا را به فاجعه‌ایی مبدل نموده که تا کنون جان هزاران انسان زحمتکش و کادر فداکار بیمارستان بویژه پرستاران را گرفته است. اما هنوز این عزیزان از جان گذشته پرستار با کمترین امکانات در حالیکه در معرض خطر جدی قرار دارند، از کمک به بیماران و نجات جان آنها کوتاهی نمی‌کنند.

جشنی که ...!

چنین "جشنی" در گوشه‌ای از جهان به نام ایران برگزار می‌شود که خود تصویری از "جشن‌های مشابه در سایر نقاط جهان است.

امسال در شرایطی به استقبال اول ماه مه می‌رویم که بمدت بیش از یک سال است، فاجعه نسل‌کشی کارگران و زحمتکشان بر اثر ویروس کرونا در جهان و بی‌توجهی و بی‌کفایتی سرمایه‌داران در مقابله با آن، فاجعه آفریده است. ماحصل آن گرفتن جان صدها هزار انسان و عمیق‌تر شدن فاصله طبقاتی بین طبقات دارا و ندار، تشدید بحرانهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی میباشد که بر بیکاری، فقر و فلاکتی که از قبل هستی میلیاردها انسان را در معرض خطر در بر گرفته بود افزوده است. در پی سهل‌انگاری و حرص و از اندوختن ثروت بیشتر سرمایه‌داران تاوان این ریاضت‌کشی را باید کارگران و زحمتکشان بپردازند.

امسال کارگران و زحمتکشان ایران در حالیکه با یکی از سیاه‌ترین سالها از نظر معیشتی و مقابله با ویروس کرونا روبرووند را باید به سال همبستگی و اتحاد سراسری با پرچم "تامین معیشت همگانی، بهداشت و آموزش رایگان برای همگان"، بر علیه جمهوری اسلامی تبدیل کنند.

نظام جهانی سرمایه داری، غارتگری، چپاول و استثمار را به حدی رسانده که ناشی از فقر و فلاکت و بی- حقوقی تحمیل شده بر کارگران، راهی جز مبارزه، اعتصاب و اعتراض، برای آنها باقی نمانده است.

طبقه کارگر جهانی، به حکم همبستگی ذاتیش، به سبب هم سرنوشتیش و به دلیل دردهای مشترکش، علاوه بر این اوضاع، در این روز به دور هم جمع می‌شوند، مشت‌ها را گره می‌کنند و با شعار تاریخ ساز: **"کارگران جهان متحد شوید"** تجدید عهد می‌کنند که برای کسب حقوق از دست رفته خود، برای آزادی هم طبقه‌ای‌های خود از زندان، برای ایجاد تشکلات مستقل، برای تأمین یک زندگی انسانی و سرانجام برای سرنگونی نظام سرمایه‌داری و استقرار سوسیالیسم، هم‌دوش و هم صدا یک لحظه از پای نشینند فریادهای رسای: **"دیگر بس است ریاضت کشی!"** کارگران در اقصی نقاط جهان، بشارت دهنده فرا رسیدن اول ماه مه‌ای است که کارگران جشن واقعی خود را برگزار کنند.



زنده باد اول ماه مه!

کارگران جهان متحد شوید!

کارگر زندانی آزاد باید گردد!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

مه ۲۰۲۱ - اردیبهشت ۱۴۰۰

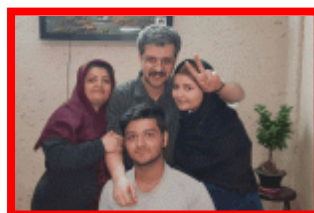
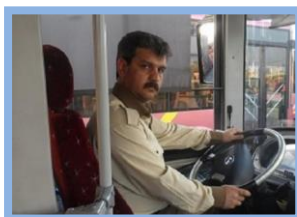
nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

در آستانه اول ماه مه

جان رضا شهبابی و خانواده اش و سایر فعالین کارگری در خطر است

تهدید و تعرض به فعالین کارگری و خانواده هایشان موقوف!



رژیم جنایتکار سرمایه داری در ایران در طول حیات ننگینش سعی داشته با تعرض، دستگیری، شکنجه و اعدام؛ ترس و وحشت خود را پنهان کند. دولت سرمایه داران با مجلس اسلامی اش، ارگانهای قضایی و نظامی، لمپنها و قداره بندانس سعی کرده اند با انواع ترفند ها و تهدیدات و

اخلال در تحرکات و برنامه های کارگران، اعتراض و اعتصاب، گردهمائی و تشکل یابی کارگران و زحمتکشان را بخصوص در آستانه اول ماه مه مختل کنند. اما مدتهاست که چرخ برگشته است و با سرعت بیشتری برای جمع کردن بساط ننگین آنها در گردش است.

در آستانه اول ماه مه هر سال کارگزاران این رژیم از ترس و وحشتشان به اذیت و آزار فعالین کارگری، احضار آنها و دستگیریشان پرداخته که شاید بتوانند اخلالی در سازماندهی مراسم روز جهانی کارگر ایجاد کنند، اما هر سال ناموفق تر از همیشه با سرافکندی روبرو بوده اند.

طبقه کارگر و زحمتکشان یک نیروی میلیونی می باشند که هر روز نیرومندتر، متشکلاتر و متحدتر میشوند. قطاری که به راه افتاده است در حال طی کردن مسیر خود است و این پارازیت‌های در قدرت نمیتوانند سدی در مقابل این جنبش عظیم اجتماعی باشند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه طی اطلاعیه ای خبر داده است که رضا شهبابی کارگر اخراجی و عضو سندیکای شرکت واحد و خانواده اش توسط اوباشان و لمپنهای جمهوری اسلامی مورد تهدید جانی قرار گرفته اند. همچنین اتحادیه آزاد کارگران ایران خبر داده است که جعفر عظیم زاده و پروین محمدی نیز مورد تهدید تلفنی قرار گرفته اند. علی نجاتی این کارگر بازنشسته و بیمار را برای اجرای حکم لغو شده! ۵ سال زندان مجدداً احضار می کنند. محمود صالحی و سایر فعالین کارگری کردستان را مکرراً احضار و بازجویی می کنند و ... چه چیزی جز هراس از توده های بپا خاسته آنها را این گونه دیوانه وار به سرکوب و بگیر و ببند تا حتماً علناً تهدید به مرگ واداشته است؟ کارنامه ننگین و خونین این جرثومه های ضد انسانی حاکی از این است که برای حفظ بساط پوسیده شان از هیچ جنایتی فروگذار نیستند. بنابراین نباید با سهل انگاری از کنار این تهدیدات شوم نسبت به جان عزیزان ما گذشت و باید سریعاً و قاطعانه به مقابله پرداخت.

نهادهای همبستگی ضمن محکوم کردن این وحشیگریهای دولتی توسط ارازش، نهادها و تشکلهای کارگری بین المللی را به حمایت و افشای رژیم جمهوری اسلامی سرمایه داری در ایران و اقدام عاجل برای ممانعت از این خطرات بالقوه و خواست حفظ امنیت جانی فعالین کارگری در ایران فرا می خواند.

نابود باد نظام سرمایه داری در ایران

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

مه ۲۰۲۱ - اردیبهشت ۱۴۰۰



nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

گرامی باد یاد کارگران جهان چیت کرج

اسناد از بریده روزنامه کیهان ۱۳۵۹



در هشتم اردیبهشت ۱۳۵۰، سه تن از کارگران جهان چیت کرج به گلوله بسته شدند. اعتراض آنها به ساعت کاری زیاد، شرایط بد کاری و بیمه نشدن بود.

سازمان دهی اطاق پالتاکی در گرمی داشت اول ماه مه ۱۴۰۰

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور
 شورای همراهی با آترناتیو کارگری در ایران
 جمعیت آقای کار کودک
 انجمن سوسیالیستها در سوئد
 گرایش کمونیسم شورایی
 اتحاد چپ ایرانیان واشنگتن
 کانون پژوهشی بامداد
 حامیان مادران پارک لاله - استکهلم
 جامعه زنان آزاد شرق کوردستان
 پلاتفرم دمکراتیک ایران
 انجمن پناهندگان ایرانی - گوتنبرگ/ سوئد
 شورای همبستگی ایرانیان با روزاوا - استکهلم
 شورای همبستگی پناهجویان و پناهندگان ایرانی در ترکیه
 شورای هماهنگی علیه کشتار جمهوری اسلامی (فریاد خاوران)

آفیش مراسم اول ماه مه در سیدنی - استرالیا

روز کارگر ۱۴۰۰ ، گسترش مبارزه طبقاتی کارگران علیه نظام سرمایه داری در ایران



بحران سود آوری دهه هفتاد میلادی و بحران های پس از آن بویژه بحران عظیم و جهانی ۲۰۰۷ — ۲۰۰۸ با مجموعه ای از سیاست های اقتصادی نئولیبرالیستی، بیش از هر چیز مزد کارگران و امنیت شغلی و تشکلهای مستقل کارگری را در تیررس قرار داد. بایورش به خدمات و انواع صندوق های اجتماعی، حذف و کاهش هزینه های عمومی بیشترین شرایط برای سودآوری سرمایه گذاران مهیا شد. شرایط برای تجارت آزاد جهانی از طریق کاهش کنترل دولتی فراهم گردید و خصلت واقعی سرمایه داری یعنی جهانی بودن آن تعیین یافت. به همان نسبت عدم دسترسی اکثریت مردم جهان به منابع عمومی کاهش پیدا کرد و زمینه های مشترک مبارزه کارگران در جهان به عنوان طبقه ای جهانی بازتاب عینی خود را نشان داد. اکنون بحران نئولیبرالیستی و بحران کرونا که نظام سرمایه داری درماندگی خود را در برابرن نشان داده است بیش از یکسال است که جان و سلامت ساکنان جهان را بخطر انداخته است و درعین حال معیشت اکثریت آنان را برای تأمین اولیه زنده گی دشوارتر کرده است.

سرمایه داری در ایران در شرایط بحرانی بسر می برد. رژیم اسلامی که برای حفظ ساز و کار سرمایه برسر قدرت نشست، با سرکوب شرایط انقلابی، یورش و سرکوب تشکل ها و نهادهای دوران انقلاب و دستگیری و اعدام فعالین آن، شرایط را برای اجرای سیاست های جهانی سرمایه، منجمله تعدیل نیروی کار، اخراج و بیکارسازی، کاهش مزد و امنیت شغلی، اجرای قراردادهای موقت و ارزان سازی نیروی کار فراهم کرد.

از دو دهه گذشته در ایران، با وجود ممنوعیت تشکل های کارگری و تجمع های اعتراضی، کارگران بخش های مختلف منجمله نساجی ها، معادن، نیشکر، ماشین سازی ها، نفت و گاز و پتروشیمی و بخش های خدماتی و آموزش و درمان به اشکال مختلف در رابطه با بدتر شدن شرایط معیشتی و اخراج و عدم تمدید قرارداد، دست به اعتراض زدند. جمهوری اسلامی تنها با سرکوب تجمعات و دستگیری و زندان و انواع شکنجه فعالین اجتماعی در جهت پاسخ به بحران برآمده است. در شرایطی خواست کارگران سرکوب میشود که در کنار اعمال سیاست های خصوصی سازی و واگذاری مراکز صنعتی به سرمایه گذاران، چپاول و دزدی و رانت خواری از منابع جامعه شرایط فلاکت باری را بر زنده گی و معیشت اکثریت جامعه و بیش از همه به کارگران تحمیل کرده است.

در سه سال گذشته دو خیزش اجتماعی و چندین اعتصاب طولانی کارگری موجودیت رژیم اسلامی را به چالش کشانید. مبارزات و اعتصابات طولانی کارگران هفت تپه از تشکیل سندیکا تا طرح شعاراداره شورایی

و لغو خصوصی سازی تاثیر مهمی در امر مبارزه طبقاتی در ایران داشته است. مبارزات در جهت طرح مطالبات معیشتی با اتکا به نیروی متشکل و مستقل در میان کارگران، معلمان، بازنشستگان و پرستاران همچنان و حتی با وجود شرایط کشنده کرونایی در ایران ادامه داشته است.

در حالی که سرمایه داری در ایران در بحران عمیقی دست و پا می زند و شکاف وسیعی در میان رژیم اسلامی و اکثریت جامعه ایجاد شده است، تنها راه حل، که بتواند در جهت منافع اکثریت جامعه کارساز باشد، حضور کارگران به صورت طبقه ای متشکل است که با اعتصابات و اعتراضات سازمان یافته قادر خواهد بود مبارزات بخش های مختلف جنبش اجتماعی در ایران را هدایت کند و با اعتلای مبارزه طبقاتی و کسب قدرت سیاسی توسط کارگران و زحمتکشان نه تنها وسایل تولید را به خدمت و مالکیت جامعه در آورد بلکه اداره تولید توسط مولدان را در شکل مدیریت شورایی در جامعه تحقق بخشد و از شعار به عمل تبدیل کند.

در شرایط امروز، گسترش مبارزه طبقاتی کارگران در ایران در آستانه روز کارگر ۱۴۰۰ در گرو پیوند هر چه بیشتر جنبش های اجتماعی ضد سرمایه داری است.

شورای برگزاری اول ماه مه ۲۰۲۱

=====

فرانکفورت – فراخوان به تظاهرات اول ماه مه انقلابی

برای ابراز همبستگی با طبقه ی کارگر جهانی، از مزدبگیران چین گرفته تا زحمتکشان فرانسه در مبارزه علیه سرمایه داری، برای همبستگی با مبارزه ی کارگران در ایران علیه رژیم سرمایه و سرکوب، از هفت تپه گرفته تا اعتراضات سراسری معلمان و بازنشستگان، کمیته ی همبستگی با مبارزات کارگران و زحمتکشان در ایران – فرانکفورت همه را به شرکت در تظاهرات اول ماه مه انقلابی فرا می خواند.

فرانکفورت Alte Oper ساعت ۱۸ روز اول ماه مه ۲۰۲۱

اول ماه انقلابی در فرانکفورت.

روز طبقه ی کارگر. روز طبقه ی ما. روز خشم

همه گیری کرونا و بحران اقتصادی به نحوی دردناک روشن می سازد که دارا بودن و نداری چه معنایی دارد: برای زندگی مرفه دارایی لازم است و دارایی اقلیتی را، اکثریتی در جامعه بر گرده ی خود فراهم می کند. همه گیری کرونا به طور ملموس نشان می دهد که بحران در ظاهر مبهم اقتصادی چه تعریفی دارد: سرمایه داری تفرقه انداز است. زیرا...

• در حالی که عده ای با داشتن سه شغل هم نمی توانند گذران کنند، کسانی با داشتن امتیاز ارث، زندگی راحتی را می گذرانند، چرا که بسادگی آن را در تصاحب خود دارند.

• در حالی که ما در شرایط غیرقابل پذیرشی در Aldi ، Tönnies و Amazon و شرکاء جان می کنیم، اینان از قبل کار ما سودی سرشار می برند.

• در حالی که تنگدستی های حاصل از قانون کار کوتاه مدت، کارهای پیمانی و موقت، بیشترین لطمه ها را به ویژه به انسان های رنگین پوست، مهاجران و پناهندگان وارد آورده است، صاحبان سرمایه ها از این تقسیم کار نژادپرستانه به نفع خود بهره برداری می کنند.

- در حالی که انسان‌هایی در مرزهای اتحادیه اروپا برای حفظ جان خود دست و پنجه نرم می‌کنند، عده‌ای برای گذران تعطیلات خود به هر جای دنیا که دلشان خواست پرواز می‌کنند.
 - در حالی که عده‌ای از کار اخراج می‌شوند و از هر گونه کمک دولتی به ما خودداری می‌شود، دولت در حال توزیع کمک کرونا به شرکت‌ها و سهامداران آن‌ها است.
 - در حالی که کارکنان بیمارستان‌ها برای مزدی بخورونمیر با ویروس در جنگ‌اند، پروانه‌ی ساخت واکسن در انحصار معدودی مانده و سلامت ما انسان‌ها بر اساس سود ارزشگذاری می‌شود.
 - در حالی که توزیع ناعادلانه کارهای بی‌مزد همچون نظافت، پخت و پز، تربیت، مراقبت و غیره، بیش از پیش بر دوش زنان، دگرباشان جنسی و مهاجران سنگینی می‌کند، کسانی هستند که می‌توانند از عهده‌ی تامین هزینه‌های سپردن کار خانگی بدیگران - بابه‌گیری از نظام نژادپرستانه و جنسیتی - برآیند
 - در حالی که در پایان ماه به زور چیزی در چپه‌مان باقی مانده است، کنسرن‌های مسکن، ما را به افزایش بعدی اجاره‌ها، بالا بردن هزینه‌های خانه‌ها و یا فسخ قراردادهای اجاره به دلیل نیازهای شخصی تهدید می‌کنند.
 - در حالی که میلیون‌ها انسان از عواقب بحران آب و هوا، جنگ، شکنجه و تعقیب سیاسی مجبور به فرار از محل زندگی خویش‌اند، کمپانی ولکس واگن در میانه‌ی همه‌گیری کرونا ۱۰ میلیارد سود کسب می‌کند و شرکت لوفت هانزا با میلیاردها پول ما از ورشکستگی نجات داده می‌شود.
 - در حالی که انسان‌هایی - به ویژه پس از حملات فاشیستی در شهرهای هاله و هاناو - باید زندگی را در هراس از خشونت‌های نژادپرستانه و یهودستیزانه بگذرانند، سیاست‌های دولتی، خود را برای اخراج عده‌ای دیگر از پناهجویان، تصویب و اجرای قانون پلیس سختگیرانه‌تر و همدستی با حرکت‌های هوادار تئوری توطئه آماده می‌کند.
- برای عده‌ای، سرمایه‌داری ثروت و امکانات فراوان به بار می‌آورد. اما عاید ما، که هر روزه سود دیگران را فراهم می‌کنیم، فقر، فلاکت و بی‌آینده‌گی است. ما دیگر تحمل این تضادها را نداریم، ما از این‌که خود را با کار روزمره از پا درمی‌آوریم، اما بازهم امکانی برای زندگی بهتر نداریم، خشمگین و ناراحت ایم. اما دقیقاً همین تضادها نشان می‌دهند که جامعه‌ی دیگری ممکن است، زیرا «تضادها امیدها هستند. این تضادهای سرمایه‌داری است که درهم‌شکستن را ممکن می‌سازند، شکنندگی که در پیکر جامعه‌ی مبتنی بر بازدهی و قدرت دولتی رخنه کرده است.» تضادهای سرمایه‌داری ساخته‌ی دست بشر است، یعنی می‌تواند توسط انسان برطرف شود - پس بیایید خشم خود را به‌طور جمعی به خیابان‌ها بیاوریم، تا سرانجام با سیستمی که ما را استثمار و سرکوب می‌کند بگسلیم. بگذارید بروشنی اعلام کنیم که ما برای حل بحرانی که از سلامتی ما، از کار ما، از جسم و جان ما و از تخریب محیط زیست سود بدست می‌آورد، نمی‌پردازیم. بگذارید روشن کنیم که ما دیگر حاضر نیستیم برای شرکت‌هایی جان بکنیم که ثروت آن‌ها بر سرمایه‌های نازی، سود آن‌ها بر یهودی ستیزی، بر تبعیض جنسیتی، بر استثمار و تفرقه‌اندازی میان کارگران استوار است. بیایید روز کارگر را به روز خشم بدل سازیم!

اول مه ۲۰۲۱ به خیابان‌ها بیاییم، خود را متشکل سازیم و با شرکت در مبارزه‌ی جمعی علیه سیستم کار سرمایه‌داری و نابرابری اجتماعی اعلام همبستگی کنیم.

کمیته‌ی همبستگی با مبارزات کارگران و زحمتکشان در ایران - فرانکفورت
۵ اردی‌بهشت ۱۴۰۰

برگزاری سمینار روز جهانی کارگر به مناسبت اول ماه مه
گرامی باد اول ماه مه، روز جهانی کارگر!

گرامی باد اول ماه مه روز جهانی کارگر

برگزاری سمینار روز جهانی کارگر!
عناوین برنامه :

- نگاهی به مبارزات و اعتراضات کارگری در سال 1399
- اشکال سازماندهی جنبش طبقه کارگر در دوران کنونی
- موانع تشکل یابی طبقه کارگر در ایران

زمان :
پنجشنبه 29 آپریل 2021 برابر با 9 اردیبهشت 1400
ساعت شروع برنامه : 18 و 30 به وقت اروپای مرکزی برابر با 21 به وقت ایران

مکان : زوم
آدرس :
<https://us02web.zoom.us/j/85170131862?pwd=eW94RC8yQVlnTUUVWNUo0dTWMk1zQT09>
Meeting ID: 851 7013 1862
Passcode: 168916

این برنامه بطور زنده از شبکه های اجتماعی از جمله : اینستاگرام، فیس بوک، یوتیوب و تلگرام پخش میشود.

کمیته برگزاری سمینار اول ماه مه - آپریل 2021

عناوین برنامه:

- نگاهی به مبارزات و اعتراضات کارگری در سال ۱۳۹۹ ایوب رحمانی
- اشکال سازماندهی جنبش طبقه کارگر در دوران کنونی بهروز فراهانی
- موانع تشکل یابی طبقه کارگر در ایران خسرو بوکانی
- شعر عباس سماکار

زمان : پنجشنبه

۲۹ آپریل ۲۰۲۱ برابر با ۹ اردیبهشت ۱۴۰۰

ساعت شروع برنامه : ۱۸:۳۰ دقیقه به وقت اروپای مرکزی، برابر با ساعت ۲۱:۰۰ به وقت ایران.

مکان : اطلاق زوم

آدرس اطلاق به کاملی در داخل آفیش یافت می شود.

کُد اطلاق : ۱۶۸۹۱۶

این برنامه به طور زنده از شبکه های اجتماعی از جمله : اینستاگرام، فیس بوک، تلگرام و یوتوب پخش می شود.

کمیته برگزاری سمینار اول ماه مه

آپریل ۲۰۲۱

بردگان گرفتار نظام کار دستمزدی! اول ماه مه و طبقه‌ی کارگر

کمیته‌ی فعالین کارگری سوسیالیستی - فرانکفورت



اپیدمی همه‌گیری، ضربه‌ی سنگینی بر مبارزه‌ی طبقه‌ی کارگر جهانی و به‌ویژه جنبش طبقاتی/ضداستبدادی ایران وارد ساخته است. اپیدمی‌ها همیشه به جوامع بشری ضربه زده‌اند. هم‌چون آبله، وبا، تیفوس و دیگر بیماری‌هایی که صدها میلیون انسان را از سده‌های تاکنون به کام مرگ کشیده‌اند و به یمن پیشرفت‌های علمی از

همان دم نیز با آن‌ها مقابله هم شده است. اما ویروس کرونا تحت سیطره‌ی بازار واحد جهان سرمایه‌داری و مبادله‌ی بین‌قاره‌ای کالا، با سرعتی شگفت‌انگیز سبب گسترش یکباره‌ی آن گردیده که پیش‌تر جهان با چنین شیوعی مواجه نبوده است. گسترش این بیماری نیز همانند هر بیماری دیگر در ابعاد طبقاتی میان طبقه‌ی بورژوازی و کارگران کاملاً مشهود می‌باشد و نتیجه‌ی بلاواسطه‌ی آن نیز؛ بیکارسازی میلیونی جهانی، فقر فراگیر، مرگ و میر بسیار به‌ویژه در بین کارگران بازنشسته، پرولتاری مهاجر و آواره‌ی پرتاب شده به خیابان‌ها گردیده است. آن‌چه به چشم می‌خورد، بسان هر شرایط جنگی، تمامی دولت‌ها تلاش می‌کنند، برای کنترل بحران میان بیماری و سازمان‌دهی کار و روابط تولیدی، چنان تعادلی ایجاد نمایند که سرمایه با کم‌ترین خسارت از درون آن بر جهد. اما هیچ راه حل سریعی وجود ندارد، خاصه آن‌که ویروس هنوز کاملاً شناخته نشده و از این نظر غلبه بر آن هم با چندان قطعیت علمی مواجه نیست.

اینک استبداد سرمایه با استبداد کرونا در هم آمیخته و تنها فرمانی که به عرش برخاسته؛ با اسم رمز «در خانه بمانید»، در یک هم‌صدایی میان پوزیسیون دولت و اشکال گوناگون اپوزیسیون (چپ و آنارشسیسم) به شعار مقدسی در رفتارها و گفتارها تبدیل شده است. هر واکنش منفی به این شعار پر رمز و راز با تهاجم این اتحاد ظاهراً متضاد و متخاصم روبرو می‌گردد. در این‌جا موضوع نه صیانت از نفس، بلکه نقش جایگاه و نگرش‌های طبقاتی تعیین‌کننده می‌باشد. در کنار هم‌صدایی «در خانه بمانید»، دولت‌های متروپل با تدارک حمایت‌های مالی، در واقع صداهای اعتراضی را به‌گونه‌ای خاموش کرده است، اما در جوامعی نظیر ایران، دولت خود را تنها مکلف به دستورات متناوب منع رفت و آمده نموده و خود را از هر گونه مسئولیت حمایتی معذور دانسته است. میلیون‌ها کارگر روزمزد در برابر فقر و کشتار استبداد کرونا بی‌هیچ پوشش حمایتی وانهاده شده است. پیداست که شرایط کار، چگونگی کسب درآمد، ذخایر بانکی، مساحت خانه و امکانات آن و مختصر این‌که جایگاه طبقاتی افراد، بیان‌گر چگونگی رابطه میان شعار «در خانه بمانید» را معین می‌کند. توان‌مندی و همدستی میان طبقات فوقانی از جمله طبقه‌ی متوسط (در حال سقوط) و دولت را از طبقه‌ی کارگر و تهیدستان تفکیک می‌کند. نگرانی از بیماری راه، اولویت‌های میان بهداشت و اشکال متعدد پیش‌گیری، با دغدغه‌ی مزد و فقر و نان و بدهی صورت‌بندی می‌کند. همان همدستی که در واکنش هم‌سوی طبقه‌ی متوسط و دولت نسبت به اعتراضات اجتماعی کارگران و تهیدستان را در آبان ماه ۹۸ نشان داد.

اما «اول ماه مه» امسال می‌تواند میدانی به گستردگی جهان را برای طرح پرسش‌هایی در توسعه‌ی مبارزه‌ی طبقاتی و مبارزه علیه پاندومی کرونا، بیکارسازی‌های گسترده، بهبودی وضع معیشتی، تضمین بیمه‌های درمانی در کیفیتی بالا، افزایش بیمه‌ی بیکاری، گسترش امکانات زیست‌سلامت، واکسیناسیون فوری و رایگان بگشاید و در این میان شایسته است طبقه‌ی کارگر ایران در نخستین اقدام عملی، و برای وسعت‌بخشیدن به قدرت طبقاتی - مطالباتی، در محیط‌های کار و تولید، خودسازمان‌یابی مستقل خویش را بی‌اغازد، و برساننده‌ی ارگان نمایندگی خویش به‌جای تشکل‌های دولتی/کارفرمایی سرمایه باشد. تنها در پوشش چنین سازمان‌یابی است که پرورش‌دهنده‌ی روح مشارکت همگانی در زندگی اجتماعی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی در برابر دستبرد سرمایه به حیات اجتماعی - طبقاتی خویش خواهد بود.

آثار گسترده و عمیقی که کویدو ۱۹ بر زندگی ما کارگران و روابط اجتماعی ما گذاشته قابل ملاحظه می‌باشد. چنان‌چه با رفع این شرایط و بازگشت به زندگی عادی، نشان می‌دهد که مشاغل از دست‌رفته هرگز به دوران قبل از کویدو برنخواهد گشت و شکاف عظیمی که بر زندگی متعارف ما تحمیل خواهد شد، تأثیر

مستقیمی بر وضعیت زیستی ما می‌گذارد. نظام سرمایه‌داری با رویکرد به اشکال جدیدی از سازمان‌دهی کار در خانه، اتوماسیون و هوش مصنوعی، بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاری‌ها را در این بخش‌ها متمرکز خواهد نمود، که عارضه‌ی مستقیم آن در کمک به واقعیات مجازی و تسریع و جایگزینی نیروی انسانی منجر به این شود که روند اکوسیستم اشتغال در جهان تغییر یافته و جوامعی نظیر کشور ایران چندان جایگاه مطلوبی در آن پیدا نکنند. از این‌رو طبقه‌ی کارگر ایران به‌مثابه ارزان‌ترین نیروی کار در معرض تاراج سرمایه‌های بی‌مکان قرار بگیرد. می‌توان متصور شد که؛ جهان پیش رو قدرت ایجاد چه نوسانات هنگفتی در تولید ناخالص ملی کشورها خواهد داشت و کدام مسیرهای متفاوتی را در زندگی ما و فضای کار ایجاد خواهد نمود. از همین روست به این بیندیشیم، کشوری که ۴۲ سال تحت حاکمیت تخریب‌گر اجتماعی - طبقاتی و غارت و چپاول ثروت و سرمایه‌ی اجتماعی قرار دارد، اکنون نه پول و نه پیوند جهانی برای واردات واکسن دارد و نه امکان ساخت سریع انبوه آن‌را، کرونا بیش از آن‌که یک موضوع پزشکی باشد، برای جامعه‌ی ما به یک موضوع مدیریتی تبدیل شده است و برای رژیمی که قدمتی دیرینه در تبدیل مدیریت بحران به بحران مدیریت را در کارنامه‌ی خود دارد، بایستی ماندگاری بحران کرونا را بیش از یک دهه مفروض دانست .

برای جنبش کارگری ما به دلیل فقدان تشکلهای مستقل کارگری و کارآمد و به‌عنوان منبع مراجعه برای راستی‌آزمایی، هیچ یک از تاثیرات مستقیم و جانبی ویروس کرونا قابل ارزیابی نیست. در شرایط موجود، علیرغم موج فزاینده‌ی شیوع کرونا هیچ آمار و شاخص دقیقی از تاثیر این بیماری در کاهش اشتغال‌ها و افزایش بیکاری ناشی از آن وجود ندارد .

بنابراین، طبقه‌ی ما همزمان با پیش‌برد مبارزه در آزاد کردن تولیدکنندگان از انقیاد کار دستمزدی، با اشاعه‌ی تحقق‌بخشی به عنصر حیاتی شوراهای کارگری در ورود به حوزه‌ی تصمیم‌گیری سیاسی از رهگذر عقب راندن تا نابودی حوزه‌ی مجزای سیاست و سیاست‌مدار را تنها با برپایی مدارهای ارتباطی میان کارگران در محیط‌های کار و تولید خواهد توانست فعال ساخته و با هدف سیاسی کردن بسترهای مبارزات مطالباتی، ساختارهای شوراهای کارگری را به عرصه‌های باز اجتماعی بگستراند. چنان‌چه لحظاتی از این رویارویی و برسازنده‌ی سیاست طبقاتی را در فاصله‌ی مبارزات پی‌گیرانه‌ی کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه در تابستان سال ۹۹ توسط نمایندگان کارگران در برابر نمایندگان دولت/کارفرما تجربه کردیم. تجربه‌ای که به کارگران این مجال را می‌دهد تا به مشخصه‌های جدیدی از کارکردهای پایه‌ای شوراهای کارگری به‌صورتی گسترده‌تر، دمکراتیک‌تر و با محور اساسی در تولید زیست‌سیاست را وسعت دهند. از این طریق است که خواهیم توانست دسترسی به هر جنبش اعتراضی از پائین داشته و آن‌ها را به درون ساختارهای شورایی وارد کنیم. در فرایند این مشارکت سیاسی است که هر جنبش اعتراضی (نظیر جنبش بازنشستگان و مستمری‌بگیران و ...) به‌خودی‌خود با اهداف مشخص خویش در یک سطح اجتماعی وسیع حضور خواهد یافت. در غیر این‌صورت ما هرگز با یک ظرف سازمانی از پیش آماده، مواجه نخواهیم شد.

تجارب ما ذهنیت توده‌های انقلابی پیش از انقلاب ایران چندان برای انقلابیون به ادراک درنیامده بود که انقلاب در برابر سوژه‌ی خویش تا چه اندازه آسیب‌پذیر بود، زیرا جامعه هیچ‌وقت فرصتی برای اصلاح دینی و روشن‌گری به‌دست نیاورد و در لحظات تعیین‌کننده‌ی دگرگونی‌های اجتماعی - طبقاتی، آن لحظه‌ی تحولات روحی - حیاتی و رهایی را از دست داد. از این روست که بعد از نهضت مشروطیت، جامعه به‌مانند مجرمی محکوم است که به‌طور مداوم صور گذار از نقد دین را در اشکال گوناگون استبداد تاریخی و اینک به‌طور سرکشانه طی نماید. مسیری که عناصر واپس‌گرایی در هر پیچی به کمین نشسته و گذشته را برایش بازسازی می‌کند. چنین است؛ خودآگاهی در سرآغاز میل که وجه مشخصه‌ی هر انقلابی است با موانع نابه‌هنگام بنیادینی مواجه گردد که از ظهور سوژه‌ی تاریخی آن به خطا راه می‌برد. جامعه‌ی ایران در آن انقلاب به‌خطارفته، ژرف‌ترین انگیزه‌های نیرومند آزادی وجدان فردی پیشین به‌عنوان اساسی‌ترین اصل سیاست مدرن برای پایه‌گذاری انقلاب رادیکال اجتماعی را در گرو انقیاد محافظه‌کاری از دست داد. اکنون جامعه باید مبانی انقلاب نوین را که توسط هیولای ضدانقلاب بلعیده شد از نو ایجاد نماید. پروژه‌ی انقلاب ۵۷ در کوران چنین گذاری سخت، گردن زده شد، آرمان‌هایش به فنا رفت و سیاست جامه‌ی دین پوشید تا قدرت اجتماعی سرمایه را در مضحکه‌ی ضدغرب‌گرایی بازسازی نماید. اینک هر بار که انقلاب را در اشکال طغیان و شورش تمرین می‌کند، دیالکتیک ویران‌گر انقلاب به جنبش تاریخی خویش (طبقه‌ی کارگر)،

همان سوژه‌ای که می‌تواند به کل یک تاریخ اجتماعی تبلور و معنای حقیقی بخشد، در گرداب زمان‌پریش بحران ساختاری نولیبرالیسم درگیر تناقضات گریبان‌گیر هستی‌طبقاتی از خودشناسی قرار گرفته و سبب گردد که فشار تحمل‌ناپذیر آن حرکات نامنظم، نتواند او را با عزمی راسخ در مسیر خودسازمان‌یابی به‌جلو هدایت نماید.

استبداد دولت سرمایه به مراحل خودنابودسازی و فرجام خویش رسیده است، فروپاشی نظام طبقاتی برای هر کسی ملموس است؛ رژیم استبدادی به نقطه‌ای از بحران‌هایش رسیده که تمامی عوامل آن به نتیجه‌ی استقرار دولتی تمام‌عیار نظامی، دور رهبرش حلقه زده‌اند. بحران، تورم و رکود بر کلیت رژیم چنگ انداخته است، سران رژیم برای حفظ قدرت صوری خویش از فروپاشی، جامعه را برای ۲۵ سال در قبال هیچ، به کمونیسم دولت سرمایه‌داری چین بخشید. جامعه اگر چه با تحمل رنج و سختی بسیار، اما ناظر رخداد این مناسک سلطنت‌ریشه‌ای رژیم و ناتوانی‌اش در حفظ حریم امنیت دستگاه‌های اطلاعاتی آن می‌باشد. این امکان مفروض است که نیروی برسازنده‌ی انقلاب اجتماعی (طبقه‌ی کارگر) می‌تواند رخداد سلطنت‌ریشه‌ای قدرت سیاسی رژیم را به رخدادی انقلابی و ایجابی در تأسیس امر مشترک اجتماعی تبدیل نماید. همان‌طور که تمامی نیروهای اهریمنی مغلوب بورژوازی در کمین این فروپاشی نشسته‌اند. لذا، بر طبقه‌ی کارگر است که روشن سازد، نزاع بر سر چیست و چه تکالیفی را تاریخا در تغییر با هستی‌اش به پیش خواهد برد.

آیا ما کارگران، در مقام بازمانده‌ی مصلوب یا کالبدی بیگانه‌شده به‌عنوان نیروی کار مرده، میراث سرمایه‌داران برای نسل‌های رانت‌خوار آینده هستیم؟ مناسباتی که آنان برای ما تدارک دیده‌اند؛ از ما فقط به‌عنوان یک ساز و کار جمعی مصرفی با حداقل‌هایی که پرداخت می‌کنند، تا تنها حیات ما را برای بقا تقلیل دهند و نیروی کارمان را در به حداکثر رسانیدن خدمت‌دهی متقابل به خویش استثمار کنند. بر ما کارگران آشکار است که سرمایه‌داران، تمامی جهان را به‌کار گرفته‌اند تا میل سیری‌ناپذیرشان، جسم ما را با مصرف نیروی زنده‌ی کارمان تخریب و با تبدیل منابع جهانی به سرمایه آن‌را ویران و به ته رسانند. زندگی بی‌ثبات و بلا تکلیفی که در بازار کار و اشتغال ساخته‌اند مبارزه‌ی ما را برای رهایی از انقیاد نظام سرمایه‌داری و آزاد کردن تولیدکنندگان از گرفتاری نظام دستمزدی مصمم‌تر می‌سازد. مبارزه‌ی ما برای لغو بر مالکیت سودآور ابزار تولیدی است که از ما سلب مالکیت شده است. هم‌چنان انحلال حاکمیت طبقاتی سرمایه‌داران بر مجموعه‌های تولیدکننده و حذف کامل حوزه‌های مالی و در نتیجه مجموعه روابط بدهی‌بنیاد (و البته پیش از همه مالکیت سهام‌داران) که شیرهی جان‌مان را می‌مکد؛ با جایگزینی آن‌چنان مناسبات تولید اجتماعی که مسئول مدیریت سیاسی تقسیم اجتماعی کار به نفع اجتماع آزاد باشد. سرانجام، تأسیس سیستم تضمین عمومی اقتصادی که مبتنی بر قدرت دمکراتیک شوراهایی که امر مشترک اجتماعی را درون هر کنش، نهاد و ساختار سیاسی که آن‌را به سوی گشودگی در ظرفیت‌های پراکسیس و اندیشه‌ی جمعی پیش می‌راند باشد.

آترناتیو کمونیستی «کمونیسم» حامل «کمون» است، یعنی امر مشترک اجتماعی، هیچ‌زمانی به جز کمونیسم هیچ گزینه‌ی دیگری برای سرمایه‌داری وجود نداشته است. دیگر پدیدارهای موازی هرگز چیزی بیش از یک متغیر تعدیل و رادیکالیزاسیون سرمایه‌داری نبوده و تنها فرارفت‌هایی برای دوران‌های بحرانی و مشکلات محلی بوده است. اما، تجارب تاریخی گوناگون تاکنونی را هم به هیچ وجه نمی‌توان «کمونیستی» خواند. آزمون‌های عناصر سازمان‌ده طبقات دیگر و تصاویر فاجعه‌آمیزی که به نام کمونیسم، اما کمونیسم سرمایه‌ارائه شد، واقعیتی از نظر تاریخی، ولی کمونیسمی وارونه بود که تاوان آن بر گرده‌ی ما سنگینی می‌کند. بایسته است تصاویری دیگر اگرچه قبل از بوجود آمدن آن ارائه نمود. کمونیسمی مجلل، و زندگی با چیزهائی بدون منطق سود، اما برآمده از خواسته‌های آزاد انسان‌ها.

کمونیسم بایستی از محوریت دولت- حزب فاصله بگیرد و به مسائل ذاتی کمونیسم برگردد: پایان نظام دستمزدی، انحلال دولت، الغای «تقسیمات بزرگ تاریخی»، مانند آن‌چه تاریخا بین کار دستی و کار فکری رخ داده، یا بین کارهای اجرایی و وظایف مدیریتی... همه این‌ها باید به محور اقدامات کمونیستی

برگردانده شود. دیگر آن سنت حزب/دولت سوسیالیستی که به جنبش‌های اجتماعی ماهیت می‌بخشد به مرگی فلاکت‌بار مرده‌اند. آن‌ها احیا شدنی نیستند. اکنون دیگر اهداف جنبش‌های اجتماعی از این‌گونه نهادهای بازنمای جعلی و مواضع ایدئولوژیکی آن‌ها علی‌رغم جان‌سختی‌شان هر روز بیش‌تر فاصله می‌گیرند. کارگرانی که برای خودکنترلی تولید مبارزه می‌کنند، بیکارانی بدون درآمد، کشاورزان بدون زمین، زنان کارگر، اقلیت‌های بومی و کارگران مهاجر و دیگر جنبش‌های اجتماعی نوظهور بیش از آن‌که به نقش بورکراتیک چنان احزابی توهّم یابند، در تلاش درون‌ماندگارسازی خوداندیشی خویش هستند. سده‌ی ۲۱ دیگر سیستم نمایندگی احزاب را برنمی‌تابد، اگرچه هنوز با خلق فرایندهایی از پائین برای وحدت‌بخشی به چنین جنبش‌های غیرمرتبط از هم فاصله دارد، اما فرایند برسازنده‌ی ضرورت حرکت به پیش، میل آن‌ها را برای تغییرات رادیکال انقلابی به هم مرتبط خواهد ساخت .

اگر هر بار نسل‌های جدید، در مقابل سنت‌هایی که از گذشتگان به ارث برده‌اند، پی‌در پی شورش نمی‌کردند و سر به عصیان برنمی‌داشتند، ما امروز هنوز در غارها زندگی می‌کردیم و اما هوشیار باشیم که اگر روزی شورش و عصیان علیه سنت موروثی، بدون انتقاد انقلابی چنان عام و همگانی شود، جای ما دوباره در غارها خواهد بود. جنبش طبقاتی بواسطه‌ی سنن پیشین، هم ایجادکننده‌ی ذهنیت تثبیت‌شونده است و هم به‌واسطه‌ی انگیزه‌های خودانگیختگی، پدیدآورنده‌ی روحی عصیان‌گر علیه تثبیت‌گری است. این دوگانه‌ی واحد تنها در تضادمندی و نه در ترکیب و آمیزش قادر به همزیستی با یکدیگر هستند تا منفیت دیالکتیک مطلق انقلاب آن‌را به فراسوی‌شان برکشد.

رفقای کارگر، سرمایه‌داری ما را درون درام بزرگ هستی خودبیگانه‌سازی گرفتار کرده که هم بازی‌گر و هم تماشاگر آن هستیم، هرگز به آزادی دست نخواهیم یافت، تا آن‌گاه که به بازشناسی خود درون مناسبات بردگی حاکم پی‌نبرده باشیم.

هر گاه ما به‌طور اجتماعاً طبقاتی، به چنان آگاهی از مبارزه‌ی به‌جای هر کس برای خود، به مبارزه‌ی هر کس برای طبقه برسیم، آن‌گاه ماهیت مبارزه‌ی طبقاتی نیز از مبارزه‌ی درخود، به مبارزه برای خود دگرگون خواهد شد .

فرمول واکسن کرونا را به همه جهان بدهید!

پاینده باد اول ماه مه روز جهانی طبقه‌ی کارگر

کارگران جهان متحد و متشکل شویم

گسترده‌تر باد مبارزات انترناسیونالیسم پرولتاریایی برای خودرهایی

دمکراتیزم شورایی نامی برای دولت آن هم از نوع نمایندگی نیست!

برقرار باد سوسیالیسم!

کمیته‌ی فعالین کارگری سوسیالیستی

(اول ماه مه ۲۰۲۱ - ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۴۰۰)

<https://t.me/kkfsf> www.kkfsf.wordpress.com

این کهنه دستگاہ ستم و استثمار با صلابت گام های پولادین طبقه کارگر دیری نخواهد پائید! جمعی از کمونیست ها و رادیکال های شهر یوتبوری - سوئد

رفقای کمونیست، کارگران مبارز و انسانهای آزاده شهر یوتبوری!
اول ماه مه، روز نمایش قدرت و همبستگی جهانی طبقه کارگر در تقابل سیستم سرمایه داری در حالی فرا میرسد که شیوع ویروس کرونا برای دومین سال پیایی برگزاری گرامیداشت این روز را که هر ساله غرش شعارهای کارگران، فارغ از رنگ و پوست، نژاد و ملیت، افق و چشم



اندازهای روشن فردای بشریت را نوید میداد، با محدودیت های فراوانی روبرو کرده است .
با توجه به اینکه شیوع کووید ۱۹، امکان برگزاری مراسم های اول ماه مه را به اشکال قبلی با محدودیت زیادی مواجه کرده است، باید به برگزاری مراسم این روز بزرگ در اشکال دیگر همت گماشت .
از اینرو پیرو اطلاعیه قبلی ما تنی چند از کمونیست ها و رادیکال های شهر یوتبوری بر آن شدیم که تسلیم شرایط و محدودیت های اعمال شده نشویم و با ابتکار عمل وبا رعایت کردن تمامی پروتکل های بهداشتی، اول ماه مه امسال را در حمایت از جنبش کارگری و تمامی جنبش های اجتماعی جاری ایران و جهان در شرایط متفاوتی برگزار کنیم .

در این راستا در جلسه ای که بعد از اطلاعیه اول برگزار شد از طرف رفقای شرکت کننده برای برگزاری این روز بزرگ جهانی طرحی بتصویب جمع رسید.

تا با توجه به تحلیل مشخص از شرایط مشخص و مشکل شیوع ویروس کرونا و رعایت تندرستی شرکت کنندگان در این جشن بزرگ طبقه کارگر ،

افراد با ماشین شخصی شان، هر ماشین با چهار سرنشین بهمراه پرچم سرخ و سرودها و آهنگ های انقلابی بویژه سرود انترناسیونال در روز اول ماه مه در شهر یوتبوری سوئد گرد هم آئیم!

بدین جهت از همه فعالین جنبش انقلابی کارگری دعوت بعمل می آوریم برای تنظیم اطلاعیه و بیانیه پایانی، شعارها و تراکتها و محل شروع و پایان گردهمایی در دومین نشست

روز: یکشنبه ۱۸ آپریل
ساعت: سه بعدازظهر (پانزده)

با تفاهم و مشورت و خرد جمعی حضور بهم رسانیم!
شماره های تماس جهت کسب اطلاع بیشتر، محل و چگونگی شرکت در جلسه

مسعود: ۰۷۳۵۸۵۲۶۷۰ — حیب: ۰۷۰۷۶۵۹۴۷۸ — کریستوفر: ۰۷۳۵۰۱۲۱۳۷
جمعی از کمونیست ها و رادیکال های شهر یوتبوری - سوئد

=====

گرامی باد اول ماه مه

شورای دفاع از جنبش کارگری در ایران - گوتنبرگ، سوئد
روز جهانی کارگر را به تمامی کارگران جهان تبریک می گوئیم.
روز جهانی کارگر نماد همبستگی و همزمی کارگران جهان می باشد و به احترام همه کارگرانی که در راه طبقه کارگر جانفشانی کرده اند می ایستیم و ادای احترام بجا می آوریم. در این صد و پنجاه سال که از عمر روز جهانی کارگر می گذرد میلیون ها مبارز کارگری و سوسیالیستی به خاک و خون افتاده



اند. ما همواره با افتخار از این رفقای کارگر و سوسیالیست یاد خواهیم کرد. یادشان گرامی! سالی که گذشت بیماری کووید ۱۹ مهر خود را بر پیکر جوامع زد. گویا ویروس کرونا یک ویژگی فراطبقاتی انسانی باید می داشت. به این معنی که تمام نسل انسانی در معرض این ویروس قرار می گیرند و به اشکال مختلف دچار بیماری می شوند.

اما جامعه سرمایه داری در مقیاس جهانی و همچنین در مقیاس ملی نشان داد که هیچ پدیده ای در سیستم سرمایه داری فراطبقاتی نیست. بدین معنی که سرمایه داران و کارگزاران سرمایه داری از دست آوردهای علمی و پزشکی نهایت استفاده را به نفع خود دارند. کشورهای صنعتی و «پیشرفته» واکسن را تولید و برای استفاده انحصاری خود در درجه اول به کار گرفتند و می گیرند. اقشار ضعیف و زحمت کش را در اولویت های بعدی قرار می دهند و در ضمن از قبل فروش واکسن سود هنگفتی را به جیب می زنند. کشورهای فقیر همچنان از دسترسی به واکسن عاجزند گرچه ثروتمندان و حاکمان این کشورهای فقیر نیز امتیاز به کارگیری واکسن را در حداکثر اولویت دارا می باشند .

در ایران نیز حاکمان ایدئولوژیک اسلامی و سرمایه داری نهایت استفاده از واکسن های گوناگون را دارند چون اسلامی هستند خود را برتر از دیگران قلمداد می کنند. چون سرمایه دار هستند در اولویت قرار دارند. به عنوان مثال واکسن های که برای پاکبانان در نظر گرفته شده بود در مناطق مختلف به افراد خودی یعنی کارگزاران رژیم تزریق شد. این در صورتی است که ورود واکسن های اروپایی و امریکایی به کشور ممنوع شده است و ناگفته پیداست که کارگران و زحمت کشان ماه ها و سال ها باید در انتظار واکسن بمانند. بیماری کرونا فراطبقاتی نیست زیرا کارگران و زحمت کشان اولین کسانی هستند که در معرض بیکاری و لطمات اقتصادی ناشی از شیوع این بیماری قرار می گیرند و از هیچ ضمانت اقتصادی و امنیت شغلی برخوردار نیستند. به این وضعیت موجود بیکاری مزمن و تورم مستمر را باید اضافه کنیم که درد همیشگی طبقات زحمت کش و کارگری است. طبقه کارگر و زحمت کش به حاشیه نشینی سوق داده می شود. سفره اش فقیرانه تر و خانواده اش در معرض ناعدالتی های اجتماعی بسیار گسترده ای قرار می گیرد .

جنبش کارگری اما از پای ننشسته است. نماد ایستادگی و صلابت کارگری را کارگران هفت تپه به نمایش گذاشته اند کارگران هفت تپه خواست های کارگری خودشان را هرچه روشن تر بیان می کنند. کار عملی کارگران هفت تپه نشان داد که جنبش کارگری از چه فراز و نشیب های برخوردار است و همچنین در معرض چه سیاست های فریب کارانه رژیم و عناصر رژیم قرار دارند. رژیم سرمایه داری از هیچ ابزار سرکوب و رعب و وحشت برای به شکست کشاندن این جنبش فروگذار نکرده است. اما کارگران هفت تپه همچنان ایستاده اند.

در کنار کارگران هفت تپه کارگران هپکو اراک، فولاد اهواز، معلمین، بازنشستگان، کشاورزان، مال باختگان و ده ها گروه و قشر اجتماعی هفته ها و ماه ها در خیابان ها هستند. این حاکی از بحران عمیق سرمایه داری جمهوری اسلامی است و همچنین نشانگر بی توجهی این رژیم سرمایه داری و اسلامی به وضعیت معیشتی کارگران و زحمت کشان است. پایدار باد مبارزه کارگران در ایران!

جنبش چپ و کارگری در سال گذشته به شدت از طرف طیف راست و سازمان های سیاسی رژیم سابق مورد انتقاد قرار گرفته که گویی این جنبش چپ و کارگری بود که این رژیم نکبت را سرکار آورد. در تعویض قدرت از رژیم شاهنشاهی به ملایان اسلامی طیف ها و احزاب راست و ملی گرا چه نقشی داشتند را با کمال وقاحت به فراموشی سپرده می شود. و فقط چپ و جنبش کارگری آماج حمله قرار می گیرد. ناگفته نماند احزابی مثل حزب توده و سازمان اکثریت از نوع فرمیستی ملی گرا می باشند تا چپ سوسیالیست. از این رو حزب توده در کنار جبهه ملی و نیروها ملی گرا و مذهبی قرار گرفتند و در تثبیت رژیم اسلامی نهایت تلاش را کردند. اما این به حساب چپ رادیکال و جنبش کارگری گذاشته نمی شود. روشن است که نکبت سرمایه داری اسلامی این سوال را در مخیله ها پیش می آورد که آیا رژیم سابق باید سرنگون می شد یا نه؟ ما هم مانند بسیاری از نیروهای چپ و اجتماعی معتقد هستیم رژیم جمهوری اسلامی یک عقب گرد در آزادی های مدنی، حقوق زنان و کارگران بوده است. اما اگر ما دوباره در سالهای پنجاه باشیم باز هم به پای انقلاب خواهیم رفت و همچنان به انقلاب معتقدیم .

سوال اساسی این است که افق دید کارگری چیست و سرانجام مبارزات کارگری به کجا ختم می شود؟ در افق دید کارگری سوسیالیسم و در نهایت رهایی بشر قرار دارد به کلامی دیگر جنبش کارگری و مبارزات کارگری از حرکت باز نمی ایستد حتی اگر رفرم های اقتصادی و اجتماعی به مانند کشورهای به اصطلاح دموکراتیک هم وجود داشته باشد. سوسیالیسم در کشورهای متروپل هم موضعیت دارد. ما برای جامعه بی طبقه مبارزه می کنیم. ما برای رهایی تولید از تولید کالای، رهایی کار از مناسبات سرمایه داری و شکوفایی انسان و آزادی از قید و بند اقتصادی طبقاتی مبارزه می کنیم. و به همین علت مبارزه کارگری و جنبش سوسیالیستی با تمام افت و خیزهایش همچنان ادامه دارد .

زنده باد اول ماه می!

زنده باد سوسیالیسم!

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران!

پیش به سوی تشکل مستقل و سراسری کارگران در ایران!

شورای دفاع از جنبش کارگری در ایران - گوتنبرگ، سوئد اردیبهشت ۱۴۰۰

اطلاعیه به مناسبت اول ماه مه

کارزار پشتیبانی از کارگران ایران

چاره کارگران وحدت و تشکیلات است



در حالی که روز جهانی کارگر در سال ۱۴۰۰ نزدیک می شویم که شرایط زندگی و معیشت میلیارد ها انسان در پی همه گیری کرونا نه تنها بهبود نیافته است، بلکه علاوه بر مرگ و میر ناشی از بیماری، میلیونها نفر در سراسر جهان با عواقب وخیم اقتصادی سیاسی و اجتماعی این بحران دست به گریبان هستند.

بر بستر این شرایط در عین حال رقابت های اقتصادی و سیاسی بلوک های سرمایه داری در جهان، یافتن راه حلی برای پیشگیری و واکسیناسیون در کشورهای درگیر با همه گیری کرونا را بسیار پیچیده کرده است. با گسترش ویروس و کشتار کرونا در کشورهای اصلی سرمایه داری، این نظام و حاکمیت های برآمده از آن نشان دادند که تا چه حد در مدیریت بحران های زیستی داخلی و جهانی ناتوانند و نسبت به مرگ و میر در جوامع خود بی مسئولیت. شیوع کرونا بار دیگر به روشنی نشان داد که عمیق ترین بحران غیر طبیعی در تاریخ انسانی، سلطه سرمایه داری بر زندگی بشر است. سلطه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که تنها به قیمت نابودی میلیونها انسان و تخریب گسترده محیط زیست انسانی و طبیعی میسر است. نابودگری که در تاریخ بشر نمونه ای برای آن نمیتوان یافت.

در ایران نیز مانند همه جوامع سرمایه داری، به دلیل سرکوب مستمر طبقه کارگر و فقدان تشکل های اجتماعی و سیاسی رادیکال و کارگری، و مضافاً به دلیل سرکوبگری سازمان یافته حکومت ایران بر علیه فعالین کارگری و سایر مزد بگیران، ما هر روز شاهد ردیالانه ترین یورش های سرمایه داران به معیشت، دستمزد و زندگی میلیونها نفر هستیم.

دستگیری و حبس های درازمدت برای فعالین کارگران و معلمان، ایجاد رعب و وحشت برای فعالین رادیکال اجتماعی همراه با صدور احکام اعدام برای معترضین ۹۸ بخشی از سرکوب های هدفمند حاکمیت اسلامی سرمایه در ایران است.

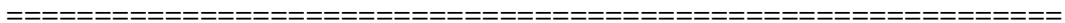
بی ثباتی شغلی و دستمزدهای زیر خط فقر و انواع و اقسام فشارهای اقتصادی و بی حقوقی های اجتماعی بر طبقه کارگر، نه تنها به دلیل بحران اقتصادی و یا تحریم های ناشی از رقابت های منطقه ای حاکمیت سرمایه داران، بل ابزارهای مختلف سرمایه داران و حاکمیت شان برای هرچه تنگتر کردن حلقه های سرکوب اجتماعی و بهره کشی مطلوب از بردگان مزدی است.

طی ماههای گذشته، علیرغم همه اقدامات سرکوبگرانه نیروهای امنیتی و قضائی بر علیه فعالین کارگری و معلمان و علیرغم یورش به فعالین رادیکال اجتماعی توسط نهادهای چندگانه امنیتی حکومت اسلامی، اما اعتراضات و اعتصابات کارگری و اعتراضات و تجمعات مستمر بازنشستگان و سایر مزد بگیران در مقیاس های متفاوتی نشان داد که علیرغم همه فشارها و فضای رعب و وحشتی که حاکمیت سرمایه داران تدارک دیده است، اعتراض به شرایط معیشتی و فشارهای اقتصادی و شغلی از روندهای دایمی و تعطیل ناپذیر در جامعه ایران است. از مهمترین عرصه های اعتراضی در سال پیش رو نیز مسلماً سازماندهی اعتراضات به دستمزدهای زیر خط فقر و تحمیل مطالباتی از قبیل حق ایجاد و دخالتگری آزادانه تشکل های مستقل کارگری در مسائل و مشکلات اجتماعی و شغلی کارگران، بر حکومت اسلامی است.

اول ماه مه بار دیگر به ما یادآوری میکند که طبقه کارگر به عنوان رهبر و سخنگوی همه زحمتکشان، تنها با متشکل شدن در تشکلهای توده ای و سیاسی خود میتواند تبدیل به نیروئی شود که قادر به تحمیل مطالبات اجتماعی مزد بگیران و گروه های اجتماعی مختلف بر سرمایه داران و حاکمیت های رنگارنگشان باشد و در نهایت به کابوس جامعه طبقاتی پایان دهد.

«کارزار پشتیبانی از کارگران ایران»

اردیبهشت ۱۴۰۰



روز جهانی کارگر را گرامی بداریم!



کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

در آستانه روز جهانی کارگر خواستار آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی و تمام زندانیان سیاسی باشیم!

در حالی که استقبال روز جهانی کارگر میرویم که جامعه پس از بیش از یکسال بدنبال فریبکاری، دروغگوئی و شانه بالا انداختن رژیم اسلامی، با فاجعه عظیم و هولناکی روبروست. ویروس کرونا جامعه ایران را مانند کشورهای زیادی از دنیا به تعطیلی کشانده است. اما در ایران تفاوت با سراسر دنیا بر سر فریب و عدم مسئولیت در قبال جان میلیونها انسان و نان سفره بخش وسیعی از مردم است. قشری که نود و نه درصد جامعه را تشکیل میدهد.

سالهاست فقر و فلاکت هدیه حکومت بغایت غیر انسانی برای مردم است. هر صدای حق طلبی را با دستگیری، شکنجه و زندان پاسخ دادند. کارگر را بدلیل مطالبات به حق خود، بدلیل برگزاری روز جهانی کارگر، دستگیر و به زندان میاندازد. شلاقش میزند. با احکام و وثیقه های سنگین روبرویش میکند. شکنجه و اودار به اعترافات اجباریاش میکند و امروز با پرونده سازیهای پوشالی روبرویش میکند.

اینها جواب کارگران و نود و نه درصد آن جامعه در قبال مطالبات به حق و عدالتخواهی اوست.

اما جامعه جواب تمام این سیاستهای رنگ باخته حکومت را با حمایت و احترام به رهبران کارگری خود در زندان و یا خارج از زندان داده است. در این راستا شاهد امضای بیش از ده میلیون امضا در حمایت و برای آزادی اسماعیل عبدی هستیم. شاهد شور، شغف و احترام جامعه پس از آزادی جعفر عظیم زاده به او هستیم. شاهد به خیابان آمدن باشکوه بازنشستگان در شکل سراسری هستیم. شاهد صدور بیانیه های پر شور اتحادیه های کارگری و تشکلات متعدد در دفاع از حق تشکل، آزادی بیان، تجمع و اعتراض و مطالبه حداقل دستمزد مطابق با مبلغ تعیین شده از طرف تشکلات کارگری و در آخر تشکیل کمیته ها و شوراهای عنوان راه حل خلاصی از این شرایط فلاکت بار هستیم.

اینها خواسته های همین امروز کارگران در خیابانهاست.

از طرف دیگر در شرایطی که کرونا جان تمام شهروندان را در خطر جدی قرار داده است، دستگاه قضائی و حکومت اسلامی هیچ اقدامی جهت حفظ جان زندانیان بعمل نیاورده است. اگر کمبود و نبود امکانات بهداشتی و پزشکی در جامعه را ضربدر تراکم جمعیت، کیفیت بد غذا و آب آشامیدنی، نبود امکانات بهداشتی و حتی شوینده، کمبود و نبود امکان دارو و درمان در زندانها بکنیم با فاجعه ای در فاجعه ای دیگر روبرو خواهیم شد. دهها زندانی به این بیماری مبتلا و یا کشته شده اند.

آزادی کارگر زندانی، زندانی سیاسی و تمام زندانیان خواستی است که امروز روی میز مطالبات جامعه قرار دارد.

ما از تمام شما مردم شریف، آزادیخواه و انساندوست میخواهیم در آستانه اول ماه مه، روز جهانی کارگر به هر شکل و طریق ممکن میتوانید به فشارها و سرکوب فعالین کارگری در ایران اعتراض کنیم و خواستار آزادی بدون قید و شرط و فوری کارگران، معلمان و تمام زندانیان سیاسی شویم.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

۴ اردیبهشت ۱۳۹۹

۲۴ آپریل ۲۰۲۱

روز جهانی کارگران و زحمتکشان یدی و فکری را گرامی می داریم

کارگران، پرستاران، معلمان و بازنشستگان کشور امسال نیز همچون سالهای قبل در شرایط اضطراری حاکم بر کشور - که پایانی بر آن متصور نیست - به استقبال جشن اول ماه مه می روند. شرایط زحمتکشان و رنجبران کشور نسبت به سالهای قبل نه تنها بهتر نشده، بلکه با شروع بیماری همه گیر کرونا - که بیشترین قربانیان آن تهرستان و قشرهای دست به دهان جامعه است - بدتر نیز شده است. رژیم مافیائی جمهوری اسلامی که بخش مهمی از درآمدهای کشور را در راه ماجراجوئی های منطقه ای، اختلاسها و دزدی های میلیاردی حلقه ی چند صد خانواری حاکم تلف کرده است، به بهانه ی تحریمها نه تنها حاضر به تامین هزینه ی واکسیناسیون برای همه ی مردم کشور نیست، بلکه با خصوصی سازی سیستم تامین واکسن عملا افشار ضعیف جامعه و خانواده هایشان را به کام مرگ می فرستد. روزی نیست که هر کدام از ماها خبر مرگ یکی از عزیزانمان را دریافت نکنیم. بسته شدن کارخانه ها، بنگاههای صنعتی و خدماتی به بیکاری انبوه رنجبران جامعه منجر شده است. با کم شدن درآمدهای دولت از طریق فروش نفت، تامین اجتماعی که قبلا نیز بخش مهمی از افشار تهیدست جامعه را تحت پوشش مناسبی قرار نمی داد، در حال از هم پاشیدن کامل است.

در چنین شرایط فاجعه باری اعتراضات کارگری و بازنشستگان سراسر کشور که به صورت متوالی تمامی شهرهای کشور را در هم می نوردد، کم کم شکل رادیکالی به خود می گیرد. همین چند روز قبل بود که در اعتراض انبوه بازنشستگان تبریز شعار «دشمن ما همینجاست، دروغ میگویند آمریکاست» سر داده شد. در بخشی از گزارش سه ماهی جمعیت حقوق بشر آذربایجان - ارک آمده است:

«در شهرهای تبریز، اورمیه، اردبیل، همدان، قزوین، کرج، اراک در طول ۹۰ روز دستکم ۴۰ تجمع اعتراضی بازنشستگان برگزار شد. بازنشستگان خواهان افزایش حقوق خود مطابق با قوانین کار و تورم و گرانی هستند. آنها همچنین خواهان دریافت خدمات درمانی پزشکی و بهداشتی به صورت کاملاً رایگان می باشند. در این تجمعات، سفره‌های خالی کارگران در شعارهایشان منعکس می شد. نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران در اغلب شهرهای آذربایجان با توسل به خشونت و با تهدید کارگران بازنشسته، تجمعات مسالمت آمیز آنان را متفرق کرده اند.»

همین جمعیت در گزارش سه ماهی خود در باره ی وضعیت کارگران، کارکنان و اصناف آذربایجان می نویسد:

«در سه ماه اول سال ۲۰۲۱ طبق اطلاعات منتشرشده ۹۱ حادثه ی کارگری که در سایه فقدان ایمنی محیط و شرایط کار در شهرهای آذربایجان رخ داده و منجر به کشته و یا مصدوم شدن کارگران شده اند.» در ادامه ی گزارش جمعیت مزبور آمده است که:

«بر اساس آمارهای رسمی، بالغ بر هفت میلیون کارگر رسمی در ایران شناسایی شده اند که هیچ نوع بیمه ای ندارند.»

همچنین به تجمعات متعدد اعتراضی و اعتصابات کارگری در شهرهای تبریز، بناب، ارومیه و زنجان اشاره شده است.

بعد از چهل و سه سال حاکمیت مافیای حاکم کارگران و معلمان و بیکاران کشور عملاً امید به آینده را از دست داده اند. فشارهای اقتصادی، ترس از دست دادن کار، آینده ی ناروشن کشور و شرمندگی در مقابل خانواده و فرزندان، کارگران و مزد بگیران را از نظر روانی و روحی در مقایسه با اقشار دیگر جامعه آسیب پذیرتر کرده است.

معضل بیکاری و گرانی، کارگران و مزد بگیران را بیشتر از اقشار دیگر جامعه زیر فشار و تنگنا گذاشته است. با ادامه ی سیاست های کشور بر باد ده مافیای حاکم و تحریمهای آمریکا، هر روز بر انبوه لشکر بیکاران افزوده شده و کار چانه زنی برای دستمزدهای بهتر را برای کارگران شاغل مشکل تر می کند .

کارگران! ... معلمان! ... پرستاران! ... بیکاران! ... بازنشستگان کشور! ...!

رژیم فساد و سرکوب اسلامیان حاکم - صرف نظر از وابستگی شان به هر جناحی - کشور را به سوی فلاکت و ویرانی پیشتر می برد .

رژیم مافیائی حاکم برای ادامه ی عمر ننگین خود، کشور را برای دور تازه ای از بحرانها آماده می کند. "اقتصاد مقاومتی" ادعائی اصولگرایان و اصلاح طلبهای حاکم، به معنای گرسنگی بیشتر برای رنجبران و خانواده های آنهاست .

هنگامی که اکثریت اصولگرایان و اصلاح طلبها - با پولهای غارتی از جیب زحمتکشان و خانواده هایشان - فرزندان خود را به آمریکا، انگلستان، کانادا، استرالیا، تایلند فرستاده و خود تعطیلاتشان را در ویلاهای خریداری شده در کشورهای غربی می گذرانند، کارگران باید بار تحریمهای را که نتیجه ی سیاستهای ماجراجویانه، توسعه طلبانه و پان شیعی رژیم است، بر دوشهای نحیف خود بکشند.

امسال به مناسبت جشن اول ماه مه پانزده تشکل شامل سندیکاها و دیگر تشکل های مستقل کارگری، کانون های صنفی معلمان، تشکل های مستقل بازنشستگان و تشکل های مدافع حقوق زنان، با انتشار بیانیه ی مشترکی زحمتکشان کشور را به ایجاد تشکلهای صنفی خود و مبارزه ی مشترک فراخوانده اند.

جنبش فدرال - دموکرات آذربایجان با حمایت از خواسته های این تشکلهای، کارگران و زحمتکشان آذربایجان و ترک کشور را برای مبارزه در جامعه ی عمل پوشاندن به این خواسته ها فرا می خواند.

جنبش فدرال دموکرات آذربایجان همراه با کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و بیکاران کشور طلب می کند:

- واکسیناسیون مجانی برای تمامی زحمتکشسان و خانواده های آنها بدون اتلاف وقت.
- تعیین حداقل دستمزد متناسب با تورم موجود در کشور زیر نظر سندیکاهای و انجمن های صنفی کارگران و کارمندان.

- مزد برابر با مردان در مقابل کار مشابه برای زنان.

- حق تشکیل سندیکاهای و انجمن های صنفی مستقل برای کارگران و کارمندان. سازمانهای صنفی دولت ساخته همچون خانه ی کارگر نماینده ی کارگران نیستند.

- آزادی کارگران و کارمندان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی بخصوص فعالین ملی زندانی آذربایجانی.
- اعلام روز اول ماه مه به عنوان تعطیل رسمی.

- ازدیاد حقوق بازنشستگی مناسب با تورم موجود. حق نظارت نمایندگان بازنشستگان بر صندوقهای بازنشستگی. دست دولت از صندوقهای بازنشستگی کوتاه...!

- برقراری بیمه ی بیکاری برای بیکاران.

جنبش فدرال دموکرات آذربایجان

تاریخ ۲۸ آوریل ۲۰۲۱ / ۸ اوردیبهشت ۱۴۰۰

احزاب و سازمان های اپوزیسیون در خارج از کشور

اعلامیه هیئت اجرائی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)، به مناسبت روز جهانی کارگر سال ۱۴۰۰

گرامی باد اول ماه مه ، روز همبستگی بین المللی کارگران

اول ماه مه نماد مبارزه و مقاومت کارگران علیه بهره کشی نظام سرمایه داری در سراسر جهان است. بزرگداشت این روز در احترام به خون های بر زمین ریخته شده ی کارگران آمریکایی در شیکاگو در سال ۱۸۸۶، که تنها خواهان ۸ ساعت کار روزانه بودند، در واقع بزرگداشت همه مبارزان ضد سرمایه داری در سراسر جهان است. خاک سرزمین ما نیز بارها به خون کارگران مبارز حق طلب رنگین شده است. تاریخ مبارزه کارگری در ایران یاد کارگران اعتصابی جهان چیت کرج که به فرمان محمد رضاشاه پهلوی به خون غلطیدند و یاد کارگران معترض معدن خاتون آباد را که آماج رگبارهای سربازان حلقه به گوش ولایت فقیه قرار گرفتند، هرگز فراموش نخواهد کرد.

در شرایطی در آستانه ماه مه سال ۱۴۰۰ قرار داریم که جامعه ایران دستخوش بحران های مرکب و همه جانبه ناشی از چهار دهه حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی است. اکثریت مردم ایران امروز بیش از هر زمان دیگر شاهد تلاقی بحران فروپاشی اقتصادی و گسترش فلاکت عمومی ناشی از آن، کشتار غیرقابل مهار پاندمی کرونا، بحران زیست محیطی و بویژه بحران کمبود آب و همراه با آن فساد نهادینه شده ای است که مانند موربانه تاروپود جامعه را می خورد و بار سنگین و غیرقابل تحمل آن به اکثریت مزد و حقوق بگیران و به حاشیه رانده شدگان کشور منتقل می شود .

بر بستر چنین شرایط حساس و سرنوشت سازی است که جنبش کارگری در سال ۹۹ توانست افت نسبی سال ۹۸ را که ناشی از عواقب پاندمی کرونا بود پشت سر نهاده و اعتراضات را به شکل کمی و کیفی در سراسر کشور گسترش دهد.

در طی سال گذشته مبارزه درخشان کارگران هفت تپه علیه خصوصی سازی ها، تجمع ها و اعتصاب های سراسری معلمان و پرستاران و کادر درمانی، اعتراضات بازنشستگان که به گردهم آئی های هفتگی برای دست یابی به مطالبات شان دست زده اند، اعتصاب همزمان وسراسری کارگران حمل و نقل ریلی، اعتصابات کارگران پیمانی و استخدای بخش نفت، گاز، پالایشگاه ها و پتروشیمی ها جنوب کشور، اعتصابات کارگران بخش برق و معادن و فولاد، کولبران و سوخت بران فرازهای برجسته پیکارهای کارگری یک سال گذشته را نشان می دهد.

علاوه بر افزایش کمی اعتراضات کارگری به میانگین حداقل پنج اعتراض در روز که شکل عمده آن تجمع و اعتصاب بوده، ارتقاء سطح و کیفیت اعتراضات نیز از ویژگی های برجسته اعتراضات کارگری در سال گذشته بوده است. این کیفیت جدید، افزایش اعتراضات هماهنگ و سراسری بخش های گوناگون طبقه کارگر در یکسال گذشته است که نمونه های آن را می توان در حرکات سراسری هماهنگ و همزمان توسط بازنشستگان، معلمان، پرستاران و کادر درمانی، کارگران راه آهن و حمل و نقل ریلی، کارگران صنعت نفت در جنوب کشور در بخش نفت، گاز، پالایشگاه ها و پتروشیمی باز شناخت.

علاوه بر این حرکات سراسری شیوه جدیدی از اعتراضات کارگری به صورت تجمع شهرهای مراکز استان ها، یا حضور گسترده از شهرهای گوناگون در تهران در برابر مجلس و سایر مراجع حکومتی برای اعتراض مشترک صورت گرفته است که نشان دهنده یکی از ابتکارات جدید در حرکات سراسری و سرعت یافتن کشیده شدن اعتراضات کارگری از محل کار به مراکز اصلی دولتی در سطح استانی و کشوری است.

علاوه بر بخش آموزش، بهداشت و درمان و بازنشستگان که چند صد حرکت اعتراضی را ثبت کردند بیشترین حرکات کارگری در بخش صنعت، خدمات و معدن به وقوع پیوسته که شمار ثبت شده آن بالغ بر ۱۵۰۰ حرکت اعتراضی بوده است. اگر چه خواست پرداخت حقوق های معوقه و پس از آن افزایش حقوق و دستمزد متناسب با نرخ تورم و خط فقر دو مطالبه اساسی مبارزات کارگری بوده است اما مبارزه علیه احجافات شرکت های پیمانکاری، مبارزه علیه خصوصی سازی ها و نیز تدابیر لازم برای مقابله با خطر گسترش پاندمی کرونا در محل کار نیز سایر مطالبات مهم مبارزات کارگری در سال گذشته را تشکیل داده است.

اعتراضات کولبران کردستان و سوخت بران بلوچستان نیز در شمار اعتراضات محروم ترین بخش های طبقه کارگر بوده است که با سرکوب خشن نیروهای امنیتی و انتظامی مواجه شده و انعکاس وسیعی در سطح جامعه و شبکه های اجتماعی داشته است.

در یک سال گذشته حضور زنان در بخش های گوناگون جنبش کارگری نقش بسیار چشم گیری داشت. نقش فعالان زنان در اعتراضات پرستاران و کادر درمان، معلمان، بازنشستگان و در اعتراضات هفت تپه و معدنچیان بازتاب گسترش حضور موثر زنان در جنبش کارگری می باشد.

جمهوری اسلامی در طول سال گذشته مانند سال قبل تلاش کرد با افزایش فشارهای امنیتی بر فعالان کارگری، صدها مورد احضار و اخراج و یا بازداشت و محاکمه و به زندان افکندن فعالان کارگری گسترش حرکات کارگری را مهار کند. اما علیرغم اقدامات خشن و سرکوبگرانه رژیم، فشارهای ناشی از فروپاشی اقتصادی، جهش نرخ تورم و سقوط آزاد قدرت خرید و همراه با آن گسترش فقر و فلاکت و آسیب های عمیق و مرگ آور همه گیری کرونا، جوشش مداوم حرکات کارگری ضرب آهنگ خودگستری حرکات کارگری را در سیاه ترین شرایط اقتصادی، اجتماعی و پتک مداوم سرکوب حفظ کرده است. با این وصف در عرصه مقابله با سرکوب فعالان کارگری نیز شاهد افزایش موارد موفق اقدامات حمایتی و اعتصابات کارگران برای آزادی فعالان کارگری دستگیر شده هستیم.

تشکل های کارگری در سال گذشته علیرغم فشارهای ناشی از سرکوب، تلاش های رژیم برای تضعیف تشکل های موجود از طریق ایجاد شکاف در آن ها، استقلال و اتکاء به خود را حفظ کردند و تشکل های

نظیر شورا‌های اسلامی کار که ستون پنجم امنیتی رژیم در میان کارگران هستند هر چه بیشتر منزوی شدند.

مطالباتی که در اعتراضات بخش های گوناگون جنبش کارگری مطرح شده است هر یک حلقه ای هستند که زنجیر کارپایه مشترک اعتراضات کارگری را تشکیل داده و مطالبات کانونی جنبش در شرایط حاضر را تشکیل می دهند که مهم ترین آنها که از درون جنبش های جاری کارگری مطرح شده است عبارتند از:

*- پرداخت فوری همه حقوق های معوقه در همه بخش های اقتصادی

*- متناسب کردن حقوق و دستمزدها با نرخ تورم و خط فقر

*- الغاء همه شرکت های پیمان کاری، پایان دادن به پدیده قراردادهای پیمانی، سفید امضاء و تبدیل استخدام های موقت، غیررسمی و سیاه به قراردادهای دائم با مزایای کامل همراه با بیمه های اجتماعی

*- الغاء خصوصی سازی ها و واگذاری اداره کارخانه ها به کارگران برای اداره بنگاه ها از طریق تعاونی های تولید با کمک دولت

*- آزادی تشکل های کارگری و حق اعتصاب، آزادی های بی قیدوشرط سیاسی

*- آزادی کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی، الغاء مجازات اعدام

*- تضمین پوشش بیمه سلامت و درمان همگانی، با کیفیت و برابر که تامین و تزریق واکسن کرونا یکی از الزامات اساسی آن می باشد. همراه با پوشش جامع تامین اجتماعی شامل بیمه بیکاری، تامین حداقل معیشت، آموزش در همه سطوح، تامین مسکن اجتماعی و حمل و نقل عمومی

*- رفع همه تبعیض های جنسیتی، ملی، مذهبی و فرهنگی !

پیکارهای کارگری مسلماً هنگامی می توانند موثرتر راه را برای موفقیت های بیشتر اعتراضات جاری بگشایند که اتحاد از پائین میان تشکل های مستقل کارگری زمینه را برای اقدامات هماهنگ و سراسری همه بخش های طبقه کارگر از طریق تاکتیک جبهه واحد کارگری را فراهم سازد. این امر مسلماً مستلزم گسترش هرچه بیشتر همکاری تشکل های کارگری در میان هر بخش از جنبش کارگری و اقدامات سراسری و هماهنگ میان بخش های گوناگون آن خواهد بود.

مقابله با گسترش پاندمی کرونا که خطر مرگبار آن بویژه بر مزد و حقوق بگیران و به حاشیه رانده شدگان سایه انداخته، اهمیت حیاتی نظام تامین اجتماعی جامع و همگانی را اکنون به مسئله مرگ و زندگی مبدل ساخته و امروز دیگر نقش بیمه همگانی و با کیفیت سلامت و درمان برای مقابله با پاندمی کرونا و نیز بیمه بیکاری و تامین معیشت برای اجرای موثر قرنطینه بر کسی پوشیده نیست. جنبش کارگری می تواند با طرح مطالبه تامین اجتماعی جامع و همگانی به پیشتاز یکی از حیاتی ترین درخواست های اکثریت عظیم کشور و از جمله توده های به حاشیه رانده شده طبقه و بویژه جوانان این اقشار مبدل شود.

سازماندهی توده ای طبقه کارگر بدون رفع تبعیض های جنسیتی، ملی، مذهبی و فرهنگی ممکن نیست زیرا طبقه کارگر از طریق برابری همه اجزاء تشکیل دهنده خود می تواند به کنشگر دگرگونی های اجتماعی و سیاسی مبدل شود. در همین عرصه است که مقابله فعال، شفاف و قاطع با همه تبعیض های جنسیتی علیه زنان ایران، تبعیض های ملی، مذهبی و فرهنگی توده عظیم زحمتکشانی که طبقه کارگر متنوع و رنگارنگ ایران را تشکیل می دهند، می تواند ضامن اتحاد طبقاتی صفوف طبقه کارگر ایران باشد. بنابراین جنبش کارگری باید نقش پیشگامی خود را در مقابله با این تبعیض ها برای هموار کردن وحدت صفوف خود ایفاء کند.

بحران زیست محیطی که خود را بویژه در بحران کمبود آب نشان می‌دهد جنبش دهقانی در کشور را به شکل فعال وارد صحنه مبارزه با سیاست‌های ویرانگر جمهوری اسلامی ساخته است که حاصل نه فقط ویرانی اقتصاد کشاورزی بلکه امواج بزرگ مهاجرت‌ها و گسترش انفجاری حاشیه نشینی می‌باشد. مقابله با این بحران بدون مقابله با استفاده غیر مسؤولانه و تبه‌کارانه از آب در کشور و بدون تجدید ساماندهی سراسری کشاورزی، راه به جایی نخواهد برد. در این میان زندگی و سرنوشت توده‌های وسیع کشاورزان و زحمتکشان روستاهای ما در میان است، همچنین سرنوشت کشاورزی با سرنوشت کالاهای دستمزدی، که در سطح زندگی طبقه کارگر نقش حیاتی دارد، و بنابراین از اهمیت طبقاتی ویژه‌ای برخوردار است. همه این ملاحظات ایجاب می‌کنند که جنبش کارگری با پی‌گیری هر چه بیشتری در مبارزات زیست محیطی مردم ایران نقش کلیدی و پیشگام ایفاء کنند.

جنبش کارگری ایران در یکی از سیاه‌ترین سالیان حاکمیت جمهوری اسلامی ترازنامه غرورانگیزی از پیکار و تجربه اشکال جدید از مبارزه را به ثبت رسانده است و به فعال‌ترین جنبش در صحنه و به جنبش امید برای رهایی مردم ایران مبدل شده است.

با چرخش قرن هجری و ورود به قرن جدید، جنبش کارگری ایران نیز یکصد سال مبارزه را همراه با فراز و فرودهای بیشمار پشت سر نهاده است. در اولین ماه مه قرن جدید، یاد همه فعالان کارگری یکصد سال گذشته، که برای جنبش کارگری ایران از زندگی و جان خود مایه گذاشته‌اند، را گرامی می‌داریم. تلاش‌های این آسمان پرستاره و میراث رزمنده آنها اکنون در شکوفه‌های موج‌نوین جنبش کارگری ایران به بارنشسته و نوید تغییر برای دنیای جدید را می‌دهد. نام و خاطره آنها جاوید!

گرامی باد روز جهانی کارگر

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، دمکراسی و سوسیالیسم

هیئت اجرائی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

دوشنبه ۶ اردیبهشت ۱۴۰۰ برابر با ۲۶ آوریل ۲۰۲۱

=====

سازمان راه کارگر: اول ماه مه نماد مبارزه کارگران، روز همبستگی جهانی طبقه کارگر علیه استثمار، ستم و سلطه را گرامی می‌داریم!

اول ماه مه فرصتی است که اعتراض روزمره کارگران در خیابانها و محل‌های کاری فریاد میشود. اول ماه مه مناسبی است که کارگران و تمامی زحمتکشان خیابانها و میدانها را در اختیار گیرند و خواست و مطالبات خود را فریاد زنند، روز اعلام کیفرخواست طبقه کارگر علیه نظام سرمایه داری، روز اعلام اتحاد و همبستگی پیرامون راه حل کارگری و سوسیالیستی برای نجات بشریت از رنج و درد و بیماری و مصائب نظام سرمایه داری است، روزی است که کارگران با یادآوری مبارزات هم طبقه‌ای هایشان در سراسر جهان پیرامون مبارزات خویش، دستاوردها، نقاط ضعف و قوت آن به ارزیابی بنشینند.

امسال نیز، بزرگداشت اول ماه مه در شرایطی صورت می‌گیرد که بحران همه‌گیری جهانی کرونا، همچنان ادامه دارد، طبق آمار رسمی تا کنون حدود سه میلیون نفر در اثر این بیماری جان خود را از دست داده‌اند. همه‌گیری بیماری کووید ۱۹، سود پرستی سرمایه داری، ناتوانی اقتصاد بازار و همه‌دولتهای سرمایه داری کارگزار آن در مقابله با این بیماری را نشان داد. بی‌توجهی سنگدلانه به وضعیت کارگران، سود جوئی شرکت‌ها و کمپانی‌های بزرگ دارو سازی در رقابت با یکدیگر، مانع تراشی برای دسترسی

همگان به واكسن، خريد ميليونها "دوز" واكسن كرنا توسط كشورهاي ثروتمند سرمايه داري و رها كردن بقيه مردم به حال خود " به قولی " آپارتايد واكسنی " و ... بار ديگر آشكار كرد كه نظام سرمايه داري مولد فقر و فلاكت، بيكاري، بيماری و مانع اصلي مقابله با همه گيري بيماری است.

در دو دهه آغازين قرن بيست و يكم شاهد رشد، تغيير در تركيب طبقاتی و گسترش مبارزات كارگران در سراسر جهان بوده ایم. داده ها در رابطه با رشد توليد جهانی، رشد و گسترش طبقه كارگر را نشان ميدهد. با توجه به داده های موجود، نيروی كار جهانی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹ بيست و پنج در صد رشد داشته است. در دو دهه اول قرن بيست و يكم شاغلين از ۲.۶ بيليون به ۳.۳ بيليون نفر رسيد. افزايش شمار زنان كارگر از ۴۰ درصد از نيروی كار شاغل در سال ۲۰۰۰ به تقريبا نیمی (۴۹ در صد) در سال ۲۰۱۹ بوده است. برخلاف ايده " جهان پسا صنعتی"، نيروی كار توليدی از ۳۹۳ ميليون در سال ۲۰۰۰ به ۴۶۰ ميليون نفر در سال ۲۰۱۹ رسیده، در حالیکه نيروی كار صنعتی (توليد، ساخت و ساز و معدن) از ۵۳۶ ميليون به ۷۵۵ ميليون در اين مدت رشد داشته است. اين رقم حتی كارگران حمل و نقل، ارتباطات و خدمات رفاهی، كه برای توليد کالا ضروری هستند را شامل نمی شود .

همچنين به علت مهاجرت نيروی كار و خلع يد اقتصادی، بحران سياسی، جنگ و تخريب محيط زيست توسط شرکتهای چند ملیتی، جمعيت مهاجر بين المللی رو به رشدی بوجود آمده است. تعداد کسانی كه در خارج از كشور خود زندگی ميكنند در سال ۲۰۱۹ افزايشی ۵۷ درصدی نسبت به سال ۲۰۰۰ داشته است. بيشتر اين مهاجران در سنين كاری هستند و تقريبا نیمی از آنان را زنان تشكيل ميدهند. حدود ۱۱۱ ميليون نفر در سال ۲۰۱۷ توسط سازمان بين المللی مهاجرت به عنوان كارگران مهاجر طبقه بندی شدند. بعنوان مثال در ايالات متحده امريكا امروزه ميليونها كارگر كه بسياری از آنها مهاجر و رنگين پوستند، در شهرهای بزرگ و كوچك كار می كنند. آنها تكيه گاه اصلي اقتصادند و در خدمات، توليد و كشاورزی اغلب در پائين ترين رده های كار، بدون داشتن چشم اندازی برای بهبود كيفيت و وضعيت موجود شان بار اصلي اقتصاد را بدوش ميکشند.

در خصوص تركيب مجدد طبقه كارگر در كشورهاي صنعتی، معمولا به افزايش خدمات و توليد كالاها اشاره ميشود، با اين فرض كه اين به معنای کاهش طبقه كارگر است، در حالیکه توليد خدمات همچنان تحت سلطه ی شرکت های غول پيكر است و زنجيره ارزش جهانی را شامل می شود.

نيروی محرکه اين تغييرات را بطور كلي جهانی سازی نابرابر سرمايه داری، رشد همزمان شرکتهای چند ملیتی پس از جنگ جهانی دوم، کاهش نرخ سود كه در اواخر سالهای ۱۹۶۰ شروع و سرمايه را به فرا رفتن از مرزهای قديمی سوق داد و باز شدن بازار كشورهاي موسوم به "بلوك سوسياليستی!" به روی سرمايه داری و اخيرا گسترش زنجيره ی ارزش جهانی (گلوبال وليو چينز) ارزيبایي ميكنند. كارگرانی كه تحت عنوان خود اشتغالی يا كمك به خانواده طبقه بندی شده اند، بويژه در آسیای جنوبي، آفريقا و در سراسر جهان در حال توسعه، در اين زنجيره ادغام شده و مشاركت عظيمی دارند.

اين زنجيره های عرضه تحت سلطه شرکت های بزرگ چند ملیتی، نه تنها اقتصاد در حال توسعه را به شرکت های چند ملیتی مربوط ميکنند، بلکه عرصه اقتصاد محلی و نيروی كار را با نياز های شرکتهای پيكربندی ميکنند. حتی اگر اكثريت كارگران در يك كشور مستقيما به يك زنجيره از عرضه ارزش شرکتي مرتبط نباشند، اما دستمزدها، سرعت كار، تعادل جنسیتی و رشد كار غير رسمي، متاثر از جهانی شدن و سرعت رشد شرکت های چند ملیتی است. بنا به يك ارزيبایي رشد توليد سرمايه داری در هند بخش كار غير رسمي را افزايش داده است، در حالیکه معامله با كارگران خانگی، بويژه جائيكه زنان، با دستمزد ناچيز كار ميکنند و همچنين نيروی كار پرداخت نشده توليد مثل را تا مين ميکنند، هزينه هر كارگر کاهش می يابد. چنين اشتغال غير رسمي ربطی به "پيش سرمايه داری" ندارد بلکه محصول جهانی سازی سرمايه داری است. بر اساس ارزيبایي های سازمان جهانی كار دو بيليون كارگر در بخش غير رسمي كار ميکنند.

از سوی دیگر، سهم درآمد نیروی کار از تولید ناخالص داخلی از اواسط دهه ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۹ کاهش یافته و سهم سرمایه افزایش یافته است که از نشانه های آن، در همه اقتصاد های بزرگ، افزایش سهم درآمد در درصد بالائی ها و کاهش درآمد ۵۰ در صد پائینی ها بوده است. فقر سیمای اصلی نیروی کار بویژه در کشورهای توسعه نیافته است .

برای صدها میلیون کارگر در سراسر جهان ظاهراً سیستم دیجیتالیزه کردن، اتوماسیون و مدیریت دیجیتال تأثیری در بهبود شرایط کاری آنها نداشته است. فارغ از اینکه کارگر کجا و چگونه شاغل است، در دو دهه اخیر با نفوذ و فن آوری دیجیتال که کار فرد یا گروه ها را نظارت، کنترل، کمی سازی، استاندارد سازی، رد یابی و هدایت میکند، تغییراتی در سرشت کار بوجود آورده است که چیزی جز تشدید استثمار، فقر، ناپایداری کار، درد و رنج، بحران، بیماری و مرگ برای کارگران همراه نداشته است .

در سراسر دو دهه قرن بیست و یکم تظاهرات گسترده، اعتصابات ناشی از خرابی وضعیت اقتصادی با افزایش چشمگیری روبرو بوده است. طبق یک ارزیابی فقط در سال ۲۰۱۹ در ۴۶ کشور یا تقریباً یک چهارم کره زمین، اعتراضات مدنی صورت گرفته است. در سالهای ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹ فقط ۴۴ هزار توقف کاری در ۵۶ کشور رخ داده است. فقط در چین بین سالهای ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۹، با وجود ممنوعیت اعتصاب، ناپایدار بودن کارها، مهاجرت گسترده داخلی به شهرها حدود ۳۲۰۰ اعتصاب بوسیله کارگران تولیدی رخ داده است .

هر چند به دلیل ناپایدار بودن مشاغل، اشتغال غیر رسمی به معنای کمتر شدن قدرت کارگری است با این حال در بسیاری از کشورها چنین کارگرانی همانند نسل های پیشین، خود را در محلات، از طریق اتحادیه های مستقل، انجمن های غیر رسمی، سازمانهای کارگری مهاجر، تعاونی ها و یا محل های کاری سازماندهی کرده اند. در شرایطی که سیستم سرمایه داری با پیچیده ترین بحرانهای خود دست به گریبان است، در هیچ جای این کره خاکی، مکانی نیست که در آن از تشدید مبارزه طبقاتی به دور باشد. با وجود همه گیری بیماری کووید ۱۹، همچنان شاهد اعتصابات، اعتراضات بسیاری بودیم. تنها در چند ماه گذشته شاهد اعتصاب ۲۵۰ میلیون کارگر در هندوستان و بدنبال آن اعتراضات میلیونی کشاورزان علیه فرم های تحمیلی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، اعتصاب عمومی کارگران آمازون در سراسر شهرهای ایتالیا و برخی شهرهای امریکا، اعتصابات کارگران در آفریقای جنوبی و ... بودیم. اعتراضات مشابه همچنان ادامه دارند.

پایگاه توده ای بیشتر خیزشهای دهه گذشته، طبقه کارگر و زحمتکش بوده است، اعم از اینکه عضو اتحادیه بودند یا نه، شغل دائمی داشتند یا کار ناپایدار، تا حد زیاد و قابل توجهی سلاح "اعتصاب عمومی" را بکار برده اند. اعتصابات بزرگ و متعدد در سراسر جهان صورت گرفته است، بطوریکه برخی از تحلیل گران مارکسیست از بازگشت "اعتصابات عمومی" صحبت میکنند. همانگونه که رزا لوکزامبورگ در رابطه با اعتصابات توده ای در انقلاب ۱۹۰۵ تحلیل کرد، در این دوره نیز طبقه کارگر تنوعی از اشکال گوناگون اعتصابات را به نمایش گذاشت. تمام این دوره نمونه ای از خود فعالیتی طبقه کارگر با خواسته های اقتصادی و سیاسی بوده است. به نظر می رسد که جنبشهای اعتصابی جدید، پیام آور دوره ای از شکل گیری مجدد فرهنگ مبارزه جویی و مقاومت طبقه کارگر است، زمین واقعی و راستینی که سیاست سوسیالیستی میتواند در آن نشو و نما یابد .

در ایران نیز با وجود ممنوع بودن اعتصاب و علیرغم هزینه های هنگفت زندان، محرومیت، شکنجه، شلاق و ... در سالی که گذشت جنبش سراسری مطالباتی کارگران همچنان ادامه داشت و علاوه بر خواسته های کار، نان، مسکن و آزادی، درمان و واکسن مجانی نیز بر آن افزوده شد. با وجود کرونا و عدم دسترسی کارگران به هیچگونه امکاناتی برای حفظ جان خود و با وجود شرایطی که کارگران و زحمتکشان بر سر دو راهی مرگ در اثر گرسنگی و یا کرونا قرار گرفتند و همچنان قرار دارند و با وجود ابتلاء هزاران نفر از آنها، اعتراض، اعتصاب، تجمع و تحصن علیه خصوصی سازی ها و واگذاری به شرکتهای خصوصی و پیمان

کاری، علیه اخراج ها و بیکارسازی ها، برای دستمزدهای پرداخت نشده و برای افزایش دستمزد ها، در دفاع از فعالین و رهبران تشکلهای کارگران و معلمان زندانی، علیه قوانین نوشته و نانوشته ضد کارگری و در صدر همه اینها، اعتصاب طولانی و متحد کارگران هفت تپه ادامه داشته است. کارگران هفت تپه با طرح مطالبات خود از جمله لغو خصوصی سازی، بازگشت به کار همکاران اخراجی، آزادی کارگران زندانی، و لغو خصوصی سازی با اراده جمعی و مشورت و شرکت زنان و خانواده های کارگری در آن، خلع ید کارفرمایان شرکت را به رژیم تحمیل کردند.

بخش های دیگری از کارگران نفت و گاز و پتروشیمی، با اعتصاب و دست کشیدن از کار، خواهان افزایش دستمزد و کوتاه شدن دست پیمان کاران، رژیم را به عقب نشینی و افزایش دستمزد وا داشتند. به جز اعتصابات هفت تپه و نفت و گاز و پتروشیمی، اعتراض و تجمع کارگران در دیگر بخش ها منجمله کارگران شهرداری ها و کارکنان بخش های خدمات درمانی و مترو و حمل و نقل گسترش یافت .

همگرایی و همبستگی میان بخشهای مختلف کارگران و حقوق بگیران، معلمان، پرستاران، بازنشسته گان ... رشد قابل توجهی داشته است. کارگران و حقوق بگیران دیگر در سراسر کشور بمثابة یک نیروی بزرگ و غیرقابل چشم پوشی به میدان آمده اند و این حضور تداومی بی نظیر داشته است. وجود همگرایی گسترده بخشهای مختلف کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و حمایت متقابل آنها که بویژه از طریق اعلامیه و بیانیه های مشترک خود را نشان میدهد، بیانگر وجود ظرفیت عظیم وحدت طبقاتی در میان بخشهای متنوع کارگران و زحمتکشان است. بعلاوه در سال گذشته بازنشستگان بمثابة یک نیروی بزرگ و غیرقابل چشم پوشی به میدان آمده اند و این حضور تداومی بی نظیر داشته است.

سازمان راه کارگر، فرارسیدن اول ماه مه - یازده اردیبهشت - روز همبستگی بین المللی کارگران همه کشورها را به کارگران و مزد بگیران، به همه آنان که برای آزادی و برابری و سوسیالیسم پیکار میکنند تبریک میگوید. ما با همه توان برای همبستگی جهانی طبقه کارگر، برای متحد کردن صفوف نیروی کار و زحمت، در دفاع از مطالبات برحق کارگران، برای آزادی بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی خصوصا فعالان و پیشروان کارگری و معلمان کوشش می کنیم. اول ماه مه امسال را روز همدلی و همکاری و اتحاد همه تشکل های مستقل کارگران و معلمان و پرستاران و بازنشستگان ... ، روز دفاع از خواست نان ، کار، آزادی، روز دفاع از درمان و آموزش رایگان، دفاع از یک زندگی انسانی، دفاع از حق تشکل مستقل کارگران و همه مزد بگیران، آزادی بی قید و شرط همه فعالان و رهبران تشکل های کارگران و معلمان و همه زندانیان سیاسی میدانیم .

زنده باد اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی طبقه کارگر

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

کمیته مرکزی سازمان راه کارگر

مه ۲۰۲۱ - اردیبهشت ۱۴۰۰

علیه سرمایه داری، زنده باد انقلاب کارگری!

اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست به مناسبت اول مه

در آستانه اول مه، روز همبستگی بین المللی طبقه کارگر، رنج و



مصائب نظم کاپیتالیستی بیش از هر زمانی طبقه کارگر را در جهان و در ایران تحت فشار قرار داده است. شکاف فقر و ثروت به عریانترین شکل سیمای دنیای معاصر را ترسیم میکند. سرمایه داری از یک طرف با تحمیل فقر گسترده و در بسیاری کشورها فقر مطلق زندگی اکثریت عظیم صدها میلیونی انسان کارکن و کارگران را در آستانه تباهی قرار داده و از طرف دیگر با تامین شرایط کسب سود نجومی اقلیت سرمایه داران صاحب موسسات کاپیتالیستی تداوم استثمار خشن این نظم وارونه و ضد انسانی را تضمین میکند. دولتهای سرمایه داری حاکم در سراسر دنیا، نهاد کارگزار و حافظ منافع همین سرمایه داران و مستقیماً ضد کارگر و ضد منافع اردوی بیشمار کار هستند. کشمکش روزمره و دایمی کارگران و اردوی کارپاسخی به مصائب گسترده و ناهنجاریهای عمیق ناشی از شکاف پایه ای فقر و ثروت تحمیل شده بر طبقه کارگر و بشریت است.

در سال گذشته و جاری اپیدمی کرونا ابعاد فجایع جاری را به سطح غیر قابل تحمل در سراسر جهان رسانده است. میلیونها انسان را به کام مرگ کشاند و در ابعاد دهها میلیونی به آن مبتلا شده اند. اثرات فاجعه کرونا بر نان و جان و معیشت و سلامت انسان بی سابقه و تکان دهنده است. کرونا بیش از هر واقعه ای بدون نقاب ارجحیت سودپرستی سرمایه داری را بر حیات انسان برملا کرد. ناآمادگی و ناتوانی دولتهای بزرگ و کوچک سرمایه داری، برای مقابله با ویروس کووید-۱۹ نه از سر بی امکاناتی و نداشتن دانش علمی و پزشکی، یا بی اطلاعی از راههای موثر مقابله با یک فاجعه طبیعی و پزشکی، بلکه از سرگردش سرمایه در حوزه های سودورزی نجومی به نفع انباشت سرمایه غیر از عرصه های پزشکی و تامین سلامت و معیشت و رفاه شایسته برای انسان است. هم اکنون تولید و توزیع واکسنهای کرونا به بیزنسهای بزرگ سودورزی در میان قدرتهای بزرگ و شرکتهای دولتهای سرمایه تبدیل شده و به جای تعاون و همکاری در جهت سرعت عمل سریعتر و با کیفیت تر برای مقابله با ویروس کرونا، رقابت و مانع تراشی در مقابل واکسیناسیون سریع و همگانی به قیمت ادامه مرگ و میرانبوه انسانها، جاری است. این حقیقت تلخ نظم وارونه کنونی و اوج ضدیت کارکرد دولتهای سرمایه با حیات انسان است. کارگران و مردم در جهان یکبار دیگر این واقعیت تلخ را تجربه کردند، که این نظام ضد انسانی منشاء فقر و فلاکت و گرسنگی و بیکاری و بیماری و عدم تامین معیشت و عدم تامین درمان و امکانات پزشکی برای شهروندان و مانع مقابله موثر با ویروس کرونا است. سرمایه داری نظم استثمارگر و اسارتبار انسانها است که در روز جهانی کارگر بر واژگونی آن پای میفشاریم.

در ایران فقر و گرسنگی، بیکاری و بیماری، عدم تامین معیشت و سلامت بیداد میکند. شرایط زندگی برای اکثریت جامعه یعنی مردم محروم و کارگر و زحمتکش، هر روز و هر ساعت غیر قابل تحملتر میشود. کرونا نیز به گرانی و گرسنگی و سیل و زلزله و کلیه فروشی و سرکوب روزانه اضافه شد. زندگی زیر خط فقر، ابتلای میلیونی به کرونا و مرگ و میر روزمره و نبودن امکانات پزشکی و درمانی و عدم دسترسی به واکسن، مساله عدم تامین معیشت و درمان و واکسن را اکنون به معضل اکثریت عظیم چند ده میلیونی کارگران و مردم ایران تبدیل کرده است. این در شرایطی است که حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی و دولت پاسخگوی کمترین نیازهای معیشتی و سلامتی کارگران و مردم نیست. با این شرایط دشوار کارگران به اشکال مختلف برای تحقق مطالبات خود مبارزه کرده و می کنند.

در اول مه امسال رسالت جنبش ما، جنبش طبقه کارگر جهانی و جنبش کارگری ایران به عنوان بخشی از اردوی بین المللی کارگران، برافراشتن رساتر ادعایمانه و نقد و اعتراض عمیق علیه عملکرد ضد کارگری و ضد انسانی کاپیتالیسم و حکومتهای سرمایه داری است. با صدای رساتر از همیشه میگوئیم این نظام صلاحیت اداره جامعه را ندارد و باید برود. کارگران که هر روز چرخهای تولید در جهان را حرکت در میاورند، هر دقیقه نیازهای میلیاردها بشر را تولید میکنند، خود نیز میتوانند، سرنوشت خود را به دست بگیرند، جامعه را اداره و مدیریت کنند. این نظام شایسته بشر امروز نیست. باید سرنگون شود و به جایش آلترناتیو کارگری و سوسیالیستی متکی به اداره شورایی جامعه جانشین شود.

اول مه روز اعلام کیفرخواست طبقه کارگر علیه نظم وارونه کاپیتالیستی، روز اعلام اتحاد و همبستگی حول راه حل کارگری و سوسیالیستی نجات بشریت از رنج و درد و مصائب غیر قابل تحمل نظام سرمایه داری است. طبقه کارگر در هر کشور لازمست به ابزارهای موثر نبرد با دولتهای سرمایه داری حاکم مجهز شود.

حزب کمونیستی و طبقاتی خود را بعنوان ابزار سازماندهی انقلاب کارگری بسازد. به سازمانهای توده ای پیشبرد مبارزات آنی و آتی و اقتصادی و سیاسی خود متکی شود. شوراها و دیگر ارگانهای عمل مستقیم کارگری و توده ای را سازمان داده و برای بزیر کشیدن نظام سرمایه داری و برقراری دولت کارگری شورایی متحد شود.

ما احزاب و جریانات کمونیست و چپ همراه با طبقه کارگر ایران در اول مه امسال، ضمن اعلام همبستگی با دیگر بخشهای طبقه کارگر در جهان، اعلام میکنیم، فقر و گرسنگی و بیکاری و بیماری و تداوم اختناق و سرکوب در جامعه را تحمل نمیکنیم. اعتصابات و اعتراضات کارگران، معلمان، بازنشستگان و دیگر بخشهای حق طلب جامعه، علیرغم محدودیتهای کرونائی و سرکوب و زندان و بازداشتهای فعالین کارگری و اجتماعی، تنها گوشه هایی از اعتراضات تلنبار شده در حال فوران علیه وضع موجود و جمهوری اسلامی است. در اعتراضات و مبارزات جاری کارگران بر تامین فوری هزینه لوازم زندگی و معیشت مکفی، درمان، سلامت و واکسیناسیون همه ساکنین کشور تاکید میکنند. کارگران در مقابل دستمزدهای چند بار زیرخط فقر دولتی، به روشنی اعلام کرده اند، حداقل دستمزد نباید کمتر از دوازده و نیم میلیون تومان باشد. به علاوه بر تامین بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد آماده بکار، آزادی فوری کارگران زندانی و کلیه زندانیان سیاسی، بر آزادیهای سیاسی و حق اعتصاب و تشکل و دیگر خواستههای عاجل اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر پافشاری میکند .

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست اول مه را به طبقه کارگر و همه انسانهای کارکن و معترض به نظم کاپیتالیستی در جهان و ایران تبریک میگوید. به سازماندهندگان اعتصابات و اعتراضات کارگری در سال سختی که گذشت درود میفرستد. با خانواده های کارگری و محرومان و کسانی که قربانی بیماری کرونا شدند، اعلام همدردی میکند. ما از کارگران و رهبران و فعالین پیشرو مبارزات کارگری میخواهیم، با رعایت استانداردهای پزشکی و بهداشتی، با اجتماعات ممکن و ابتکارات متنوع، روز اول مه را گرمی بدارند. در اول مه اعلام کنیم، سرمایه داری مسبب و بانی کلیه مشقات انسانها در کره خاکی است، انقلاب کارگری و سوسیالیسم تنها راه نجات بشریت است !
زنده باد اول مه

زنده باد اتحاد بین المللی کارگران

سرنگون باد نظام استثمارگر سرمایه داری

زنده باد آزادی ، زنده باد سوسیالیسم

اردیبهشت ۱۴۰۰ - مه ۲۰۲۱

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

تجمع اول مه روز جهانی کارگر در هامبورگ آلمان

یا سوسیالیسم یا بربریت

زنده باد اول ماه مه ، روز نبرد و اتحاد طبقاتی در سراسر جهان
علیه نظام سرمایه داری، استثمار، بردگی، جنگ...

شنبه اول ماه مه
ساعت 14

ایستگاه Dammtor

حزب کمونیست ایران - حوزه هامبورگ
فعالین سازمان فدائیان اقلیت _ هامبورگ
شورای فعالین سوسیالیست و آزادیخواه هامبورگ

برگزاری سمیناری از طرف شورای استکھلم و با شرکت نیروهای چپ



گرامی باد اول ماه مه روز جهانی کارگر

برگزاری سمیناری از طرف شورای استکھلم و با شرکت نیروهای چپ

- ★ با سخن و پیام های امزاب و سازمانهای چپ و سوسیالیست غیر پارلمانی سوئدی و ایرانی
- ★ سخنی پیرامون سازمانیابی شورایی در مسیر آلترناتیو کارگری با فعال کارگری: بهروز خباز
- ★ پیام مزب کمونیست ایران - استکھلم از جانب شورش مو لای
- ★ ترانه و سرود: آرون از فعالین سوسیالیست تشکل قدرت کارگری
- ★ همراه با پخش کلیپ و اخبار روز و در خاتمه فرصت پرسش و پاسخ برای شرکت کنندگان

زمان: شنبه اول ماه مه ساعت 17:00 به وقت اروپای مرکزی و ساعت 19:30 به وقت ایران

مکان: شبکه زوم ZOOM

<https://us02zoom.us/join?jv=69694190577&w=1160TRGMKVAMU7oa4YuDaZuK0I&mt=159>

Meeting ID (آدرسی اتاق) : 897 6453 8970

Passcode (کد ورودی) : 962773

این سمینار همزمان از شبکه میدیایی Peshrawcpiran پخش میشود.

یوتوب <https://www.youtube.com/channel/UC1T-3kcs7BvA6N0Q-2E1pg>

فیس بوک <https://www.facebook.com/peshrawcpiran>

تینستاگرام <https://www.instagram.com/peshrawcpiran>

تویتر <https://twitter.com/peshrawcpiran>

تشکیلات خارج کشور مزب کمونیست ایران - استکھلم

گرامی باد اول ماه مه روز جهانی کارگر

برگزاری سمیناری از طرف شورای استکھلم و با شرکت نیروهای چپ

با سخن و پیام های احزاب و سازمانهای چپ و سوسیالیست غیر پارلمانی سوئدی و ایرانی

سخنی پیرامون سازمانیابی شورایی در مسیر آلترناتیو کارگری با فعال کارگری: بهروز خباز

پیام حزب کمونیست ایران - استکھلم از جانب شورش مولا یی

ترانه و سرود: آرون از فعالین سوسیالیست تشکل قدرت کارگری

همراه با پخش کلیپ و اخبار روز و در خاتمه فرصت پرسش و پاسخ برای شرکت کنندگان

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست ایران - استکھلم

روند سوسیالیستی کومه‌له : اول ماه مه روز جهانی طبقه کارگر، برای کارگران، زحمتکشان و همه انسانهای عدالتخواه و آزادیخواه روز تقدیر از همه انسانهای است که با نیروی کار و خلاقیتشان امکانات زندگی و بهتر زیستن بشر را فراهم می‌آورند. روز بنمایش گذاشتن قدرت و صلابت نیروی است که با کارش جامعه بشری را به بالاترین سطح رفاه و آسایش ارتقا داده، اما خود کمترین بهره را از آن می‌برد . کارگران، مزدبگیران، عدالتخواهان، فعالین چپ و آزادیخواه در سرتاسر جهان با برپا کردن تظاهرات، مراسم‌ها و گردهمائی این روز را گرامی می‌دارند. اول ماه مه که سمبل مبارزه برای میلیونها انسان استثمار شده در نظام سرمایه‌داری است، امسال برای بار دوم در سایه شوم همه‌گیری کرونا در سرتاسر جهان گرامی داشته می‌شود.

مظاف بر مشکلات پایه‌ای کارگران و مزدبگیران که روزانه با آن درگیر هستند، دو سال است که به دلیل همه‌گیری ویروس کرونا شرایط زندگی کارگران و اقشار کم‌درآمد جامعه بمراتب سخت‌تر گشته و خانواده‌های کارگری آسیب‌های جدی دیده‌اند .

اول ماه مه در کنار به نمایش گذاشتن قدرت همبستگی و اتحادکارگری در اقصا نقاط جهان، فرصتی است که کارگران یادی از نسلهای پیشین که در راه عدالت و برابری مبارزه کرده و بسیاری از آنان در این راه آزار و اذیت شده و بعضا جانباخته‌اند. گرامی‌داشت از نسلهای پیشین در این روز برای بسیاری از فعالین کارگری مخصوصا کارگرانی که در کشورهای عقب افتاده با حکومت‌های غیر دمکراتیک مانند ایران زندگی می‌کنند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چراکه کارگران و فعالین آنها در این ممالک بطور مظاعف در معرض خطر دستگیر شدن و عواقب بعداز آن هستند.

با وجود سرکوب و بگیر و ببند نظام اسلامی در ایران، شاهد اعتراضات روزافزون در همه عرصه‌های اجتماعی هستیم. بعداز گذشت ۴۲ سال از عمر ننگین حکومت مذهبی- فاشیستی اسلامی بعنوان یکی از هارترین حکومت‌های ضدکارگر در خاورمیانه، روزانه شاهد اعتراضات کارگری در ابعاد و سطوح مختلف هستیم. به جرأت می‌توان گفت کارگران، مزدبگیران و زحمتکشان در سراسر ایران در بدترین شرایط زندگی خود در ۴۲ سال حکومت اسلامی قرار دارند،

کرونا، گرانی، بیکاری، عدم حمایت دولتی، مخارج سرسام‌آور پزشکی، هزینه بالای مسکن، و ده‌ها مشکل دیگر که گریبان قشر کم‌درآمد و کارگر جامعه را گرفته، شرایط زندگی را برای بیش از ۶۰ درصد شهروندان بمراتب سخت‌تر و غیر قابل تحمل کرده است.

به اعتراف دولت، ۶۰ درصد مردم زیر خط فقر زندگی می‌کنند. این در شرایطی است که ایران یکی از ثروتمندترین کشورهای خاورمیانه و جهان محسوب می‌شود .

سران رژیم از ریز و درشت آخوند غیر آخوند با دزدی و غارت ثروت ایران، جامعه را به قهقرا کشانده و مردم را در سختترین شرایط زندگی بحال خود رها ساخته‌اند. با فرار دادن فرزندان، خویشاوندان و حتی تهیه اقامت و پاسپورت برای خودشان، تلاش دارند تا جائیکه ممکن است ثروت اندوخته تا در موقع لازم پا به فرار بگذارند.

همزمان با غارت ثروت و سامان مملکت، برای حفظ نظام حاضرند دست به هر کاری بزنند. از فریب انتخاباتی گرفته تا بستن قراردادهای مذبوهانه با دولت‌های همچون چین و روسیه. از سرکوب و کشتار جمعی معترضان، صرف هزینه‌های میلیاردی برای تشکیل و فعال نگه‌داشتن نیروهای تروریستی در منطقه، تا صلح «امام حسن» گونه.

با روشدن دست حکومت در همه عرصه‌ها، از جمله نظامی بودن فعالیت هسته‌ای، تن دادن به هر ذلت و خواری در مقابل دول خارجی برای نجات نظام، تصمیم به کشتار مردم بی‌دفاع ایران در اشکال مختلف، از شلیک مستقیم به سر معترضین تا شلیک موشک به هواپیمای مسافربری، از وارد نکردن عمدی واکسن کرونا و مدیریت نکردن و آزاد گذاشتن مراسم‌های مذهبی، همه نشان از بی ارزش بودن جان شهروندان برای این نظام دارد .

یقیناً مردم به حکومتی که توانای حفاظت نیروهای امنیتی و امکان هسته‌ایش را ندارد، اما در مقابل مردم گرسنه و بخت‌برگشته با تمام قضاوت ممکن عمل کرده و از هیچ جنایتی روی‌گردان نیست، دیگر اعتمادی ندارند .

با توجه به آگاهی عمومی مردم از نکات مطرح شده، و افزایش روزافزون اعتراضات و راهپیمائی‌های همگانی و مصمم بودن مردم برای احقاق حقوق غصب شده‌اشان از طرف این رژیم، انتخابات نمایشی امسال را به نه گفتن به نظام فاشیست اسلامی تبدیل خواهند کرد.

مدتهاست که ناقوس مرگ حکومت اسلامی ایران به صدا درآمده است. بانگ ناقوس مرگ نظام بلندتر و بلندتر بگوش می‌رسد، تا جائیکه کم نیستند از سران همین حکومت به آن اذعان می‌کنند.

باشد که اول ماه مه روز همبستگی و اتحاد طبقه کارگر و زحمتکشان به نمادی برای آزادی ایرانی و سرنگونی نظام سرمایه‌داری حامی جهل و خرافه باشد .

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگری

زنده باد عدالت و برابری

مرگ بر نظام فاشیستی اسلامی ایران

روند سوسیالیستی کومه‌له

۱۶.۰۴.۲۰۲۱

=====

چریک های فدائی خلق ایران: گرامی باد روز جهانی کارگر!

امسال کارگران در شرایطی به پیشواز روز جهانی خود (اول ماه مه) می‌روند که بحران سر تا پای نظام استثمارگرانه سرمایه‌داری را فرا گرفته است. این یک بحران ساختاریست که به دلیل اپیدمی کرونا ابعاد وسیع‌تر و شدیدتری به خود گرفته است. اپیدمی کرونا در همه جهان، سودپرستی سرمایه‌داران و بی‌لیاقتی‌شان در کنترل این بیماری را آشکار ساخته است. بر اثر این اپیدمی، برخی از بزرگ‌ترین رشته‌های فعالیت اقتصادی هم‌چون هتل‌داری و توریسم و هم‌چنین شرکت‌های هواپیمایی و رستوران‌دارها کلاً محدود و یا متوقف شدند. روشن است که در همه جا دولت‌ها به کمک صاحبان این رشته‌ها و سرمایه‌داران متضرر شده شتافتند اما از کمک واقعی و یا اساساً هر گونه کمکی به کارگران و کسانی که شغل خود را از دست داده بودند سر باز زدند. این سیاست دولت‌های مدافع سرمایه‌داری در سراسر دنیا باعث شد که صدمات مادی و معنوی و جانی شیوع کرونا هم‌چون هیولایی بر جان کارگران و زحمت‌کشان دنیا بیفتد و معاش و حیات صدها هزار تن از آنان را در آتش خود بسوزاند. در چارچوب همین شرایط بحرانی در عوض بخشی از سرمایه‌داران نظیر صاحبان شبکه‌های مجازی، تجارت الکترونیک (E-Commerce) به برکت نابودی حیات توده‌های ستم‌دیده، ثروت‌های هر چه بیشتری انباشتند و با بهره‌برداری از شرایط جهنمی به وجود آمده بر ابعاد ثروت‌های خود افزودند.

در ایران و زیر سلطه جمهوری اسلامی طبقه کارگر در اوضاع و احوالی به پیشواز روز جهانی کارگر می‌رود که بحران اقتصادی که سر تا پای نظام اقتصادی حاکم را فرا گرفته به دلیل تحریم‌ها و اپیدمی کرونا شرایط فاجعه‌باری پیدا نموده و با شدت و حدت هر چه بیشتر زندگی و معیشت کارگران را تحت فشار گذاشته است. روزی نیست که خبر از تعطیلی واحد تولیدی‌ای منتشر نشود و روزی نیست که کارفرمایان دسته دسته کارگران را بدون پرداخت مزد و مزایا و حتی معوقات قبلی، آن‌ها از کار اخراج نکنند. آن‌هم در شرایطی که کارگران از داشتن بیمه بیکاری لازم در رنج‌اند و سرمایه‌داران زالوصفت و حکومت مدافع آنان یعنی جمهوری اسلامی هیچ مسئولیتی در قبال کارگران بیکار بر عهده نمی‌گیرند و در واقع شمار بزرگی از کارگران و زحمت‌کشان و خانواده‌های‌شان را محکوم به سقوط به دامن فقر شدیدتر، بی‌سرپناهی، بیکاری، دزدی، فحشا، گدایی و در یک کلام له شدن در چرخه مناسبات ضد خلقی نظام سرمایه‌داری حاکم بر کشورمان می‌کنند.

در چنین شرایطی شاهدیم که خواست دریافت حقوق پرداخت نشده که در سال‌های اخیر در راس مطالبات کارگران قرار گرفته، در شرایط همه‌گیری و تشدید بحران به معضل بزرگی برای کارگران گرسنه و خانواده‌هایشان بدل گشته و در حال حاضر یکی از رایج‌ترین اعتراضات کارگری مبارزه برای رسیدن به این مطالبه می‌باشد. چرا که بورژوازی دندان‌گرد حاکم که تا مغز استخوان به امپریالیست‌ها وابسته است در بیشتر واحدهای تولیدی حتی از پرداخت دست‌مزدهای حداقلی کارگران نیز خودداری کرده و به جای پرداخت تمام حقوق کارگران، صرفاً گوشه کوچکی از دست‌مزد آنان را آن‌هم در فواصل طولانی به صورت "مساعده" در اختیار کارگران قرار می‌دهد. به همین دلیل هم هست که ما امروز با کارگرانی مواجه می‌شویم که ماه‌ها حقوق عقب افتاده از کارفرما طلب‌کارند. با توسل به چنان اعمال غارت‌گرانه و ظالمانه است که امروز سرمایه‌داران زالوصفت در شرایط بیکاری گسترده و فشرده‌گی ارتش ذخیره کار و اخراج‌های دائمی فرصت یافته‌اند شیوه پرداخت دست‌مزد کارگران به صورت "مساعده" را به عامل فشاری مضاعف بر دوش کارگران بدل کرده و زنجیرهای اسارت آن‌ها را محکم‌تر نمایند.

در مقابل، روزی نیست که کارگران و زحمت‌کشان ستم‌دیده و آگاه در اثر فشار طاقت‌فرسایی که بر آن‌ها تحمیل می‌شود در گوشه‌ای از کشور با وجود اپیدمی کرونا و سایر شرایط محدود کننده، صدای اعتراض و حق‌طلبی خود را علیه کارفرمایان و سردمداران جمهوری اسلامی بلند نکنند و سرمایه‌داران و رژیم حاکم را در حد توان خویش به مصاف فرا نخوانند.

واقعیت این است که مبارزات حق‌طلبانه کارگران همواره از طرف نیروهای سرکوب‌گر جمهوری اسلامی به مثابه سگ نگهبان بورژوازی وابسته حاکم با بی‌رحمی تمام با ضرب و شتم کارگران و پرتاب گاز اشک‌آور به سوی آنان سرکوب می‌شود. علاوه بر این کارگران مبارز دایما با دستگیری و زندان و شکنجه حاکمان مواجه هستند. از طرف دیگر در شرایطی که چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است دیکتاتوری حاکم حتی امکان ایجاد تشکل‌های صنفی را هم از کارگران ما سلب نموده و با اعمال قهر ضد انقلابی از هر گونه پیشروی مبارزات کارگران جلوگیری می‌نماید.

کارگران مبارز!

در آستانه روز جهانی کارگر و در اوضاع و احوالی که جمهوری اسلامی از وحشت نتایج ناشی از تجمع و اتحاد شما اجازه برگزاری آزادانه این جشن کارگری را به شما نمی‌دهد باید بدانید که زندگی بدون فقر و فلاکت، تنها با نابودی جمهوری اسلامی و نظام سرمایه‌داری حاکم که این رژیم با دار و شکنجه به حفاظت از آن برخاسته امکان‌پذیر می‌باشد. برای دستیابی به یک زندگی سعادت‌مندانه راهی جز جنگیدن وجود ندارد. تنها در بستر این جنگ است که امکان سازمان‌یابی کارگران و شکل‌گیری عالی‌ترین اشکال سازمان‌یابی آن‌ها امکان‌پذیر می‌گردد.

تجربه نشان داده که رهایی قطعی کارگران به انقلاب علیه نظم موجود وابسته است و این انقلاب هم بدون رهبری کارگران به سرانجام نخواهد رسید.

زنده باد اول ماه روز جهانی کارگر! پیروز باد مبارزات کارگران برای رسیدن به رهایی!

نابود باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی! پیروز باد انقلاب! زنده باد کمونیسم!

چریک‌های فدایی خلق ایران

چهارم اردیبهشت ۱۴۰۰ - ۲۴ آپریل ۲۰۲۱

=====

اکسیون اعتراضی فعالان چریک‌های فدایی خلق ایران در دفاع از خواست‌های کارگران - هلند

حزب آرا: در راه رهایی ایران، کارگران و زحمتکشان ایران متحد میشوند!

در نخستین روز ماه مه ۲۰۲۱، با به خیابان آمدن تمامی اقشار زحمتکش جامعه (کارگران، آموزگاران، پرستاران، بازنشستگان، مالباختگان، زنان، جوانان و...) برای گرامی داشت روز کارگر، این روز تاریخی را به روز اعتراضات گسترده تبدیل کنیم.

در این روز، کارگران به همراه دیگر اقشار زحمتکش از درون اسارت گاه بزرگ نظام فاشیستی مذهبی،

اعتراض به استثمار و استبداد را فریاد خواهند زد. این اعتراض به گرسنگی و دستمزدهای زیر خط فقر است، به زجرکش کردن زندانیان سیاسی اعم از کارگران، زنان و جوانان، و نیز به اعدام در زندان هایی است که آمار دقیقی از شمار آنها در دست نیست. این اعتراض به رژیمی است که کمترین تزریق واکسن کووید-۱۹ را در جهان انجام داده است و بیشترین مبتلایان بستری در بیمارستانها را دارد که بسیاری از آنها جان خود را از دست داده اند.

در طول این ۴۲ سال، رژیم اسلامی ایران، برای تحکیم مواضع قدرتش همیشه، دست به سرکوب و پایمال کردن حقوق همه اقشار و اقوام گوناگون زده و زیر پا نهادن حقوق زنان با حیات ننگین اش عجین شده است.

رژیم با ایجاد شوراهای قلبی اسلامی در کارخانه ها، ادارات، مدارس و دانشگاه ها، شوراها و نهادهای واقعی مردمی را با دستگیری فعالین از محتوای واقعی تهی ساخته و هرگونه اعتراض در کوچکترین شکل را سرکوب می کند.

حال بعد از ۴۲ سال بخوبی روشن شده است که منظور از حفظ نظام و اعمال قدرت سیاسی فقط و فقط برای ثروت اندوزی شبکه هزار فامیل حاکم در این کشور بوده است. گردآوری این ثروت با تحمیل گرسنگی، فقر، بیکاری و سقوط موقعیت اقتصادی-اجتماعی اکثریت مزد بگیران که محروم از تامین اجتماعی برای داشتن حداقل شرایط بقا هستند، میسر شده است.

کارگران، کشاورزان، بیکاران، بازنشستگان، کادرهای درمانی، آموزگاران، دانشجویان، دانش آموزان، سربازان، زنان، اقلیتهای جنسی یا مذهبی، حامیان محیط زیست، اقوام تحت ستم و مهاجرین همگی به مبارزه صنفی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روی آورده اند. این مبارزه ادامه خواهد داشت و به فروپاشی رژیم و سرنگونی آن ختم خواهد شد.

بی برنامهگی برای کنترل ویروس کرونا و وجود آلاینده های مازوت و موشک و ارتعاشات و پارازیت ها از یک طرف و بی آبی و بی گازی و بی برقی و صدها مشکل دیگر نه فقط بخاطر تصدی مدیران بی کفایت، که بدلیل وجود رژیمی است که عقل را نکوهش و علم را نفی میکند. بخطر انداختن جان هزاران نفر با ممنوع کردن استفاده از واکسن کرونا، عمق فاجعه اعمال شده از طرف حاکمیتی است که جان انسانها را بی ارزش می شمارد.

بدون شک رژیم سرکوبگر با اقتصاد بیمار و فاسد و با وضعیتی که برای کارگران بوجود آورده است در ضعیف ترین موقعیت از نظر تولید در کارخانجات قرار دارد. طبق خبرهای موثق بیشتر کارخانه ها در حال ورشکستگی و صاحبان آنها در حال خارج کردن سرمایه ها از کشورند و رژیم در حال فروپاشی است. درچنین شرایطی حزب آزادی و رفاه ایرانیان (آرا) تشکل و سازماندهی کارگران در کارخانه ها و اعتصابات گسترده را بسیار مهم میدانند و در این راه همراه و پشتیبان مبارزات آنها است. کارگران میتوانند با برقراری تشکل های شورایی و ایجاد ارتباط با شوراهای تمامی کارخانه هایی که هنوز فعالند در راستای گسترش اعتصابات عمل کنند. همزمان و همراه با کارگران، مردم میتوانند با تشکیل نهادها و شوراهای مردمی در محله ها و ادارات، سرنوشت خود را به دست گرفته و با برقراری حکومتی مردم سالار و سکولار قدم در راه ایجاد جامعه ای دموکراتیک بردارند.

پیرو باد مبارزات کارگران و تمامی مردمان ایران

حزب آزادی و رفاه ایرانیان (آرا)

۴ اردیبهشت ۱۴۰۰ خورشیدی

۲۴ آپریل ۲۰۲۱ میلادی

hezbara@gmail.com

یک اول مه سراسری و پر جنب و جوش در ایران

حزب کمونیست کارگری ایران

زنده باد روز جهانی کارگر

اول ماه مه امسال سراسری و با شکوه برگزار شد. به مناسبت گرامیداشت این روز در شهرها و مناطق متعددی کارگران تجمع کردند و در شهرهایی چون اهواز و شوش با راهپیمایی کارگران شعارهای اعتراضی آنان در سطح شهر طنین انداز شد. تجمعات و مراسم اول مه امسال توسط بازنشستگان و بخشهای مختلف کارگران و معلمان برگزار شد و برگ دیگری از ابراز وجود طبقه کارگر را ثبت نمود. فراخوان اولیه آن در روزهای قبل از سوی بازنشستگان داده شده بود و با استقبال وسیع بخش های مختلف کارگری روبرو گردید. در تهران تجمع مقابل وزارت کار صورت گرفت و در شهرستانها مقابل ادارات تامین اجتماعی کارگران و بازنشستگان و بخشهای دیگری از مردم تجمع کردند. تاکنون گزارشاتی از تجمعات اول مه تهران، کرج، قزوین، ساری، اهواز، مشهد، شوش، رشت، کرمانشاه، تبریز، سنندج، خرم آباد، میوان، سنندج، شوش، اراک، منتشر شده و بدستمان رسیده است.

— در تهران اول مه به صحنه کشاکش کارگران با نیروهای حکومت تبدیل شد. قبل از شروع تجمع محدوده خیابان آزادی مقابل وزارت کار بطور کامل با هجوم نیروهای امنیتی قرق شده بود. حضور جمعیت بزرگی از کارگران، بازنشستگان، معلمان و دیگر فعالین در حول و حوش وزارت کار، و نزدیک شدن آنها به محل اعلام شده، موجب ترس و وحشت و دستپاچگی نیروهای امنیتی شده بود. نیروی انتظامی تلاش کردند که تجمع کنندگان را متفرق کنند و حتی اجازه جمع شدن چند نفر در محل را نمیدادند. لباس شخصی‌ها برای جلوگیری از تجمع هر کسی را که به او مشکوک میشدند سریعاً دستگیر کرده و سوار بر ماشین‌های پلیس می‌کردند. بنا بر برخی گزارشات در این روز نزدیک به ۳۰ نفر در محدوده وزارت کار دستگیر شده‌اند. اما جمعیت با عزم برپایی تجمع در روی پل عابر پیاده و اطراف آن باقی مانده و با شعار دادن اول مه را گرامی داشتند.

همزمان با تجمع کارگران مقابل وزارت کار، خانه کارگری های حکومت در محل درب پستی وزارت کار در خیابان بهبودی تحت محافظت نیروهای امنیتی حکومت مراسم اسلامی خود را داشتند و نگرانی شان از رفتن تجمع کنندگان مقابل وزارت کار به آنجا و بر هم زدن بساط شان بود. در گردهمایی آنها جمعیتی محدود حدود ۵۰ نفر از خودیهایشان حضور داشتند و با نوحه خوانی و تلاوت قرآن و سرود جمهوری اسلامی از طریق بلندگوهای بزرگشان تلاش کردند فضای اول مه را مخدوش کنند. حسن صادقی از مزدوران شناخته شده خانه کارگری از سخنرانان این برنامه دولتی بود و او محور سخنانش در تعریف و تمجید از مسئولین حکومتی بخصوص سالاری رئیس سازمان تامین اجتماعی بود که مورد نفرت همه بازنشستگان و کارگران است.

— در شوش کارگران با راهپیمایی و شعار مرگ بر ستمگر، درود بر کارگر این روز را گرامی داشتند و در اهواز کارگران با شعار خیلی دروغ شنیدیم، اما حقوق ندیدیم صدای اعتراض خود را بلند کردند.

— در کرج گردهمایی اول مه مقابل تامین اجتماعی برپا شد و تجمع کنندگان با شعار «دولت غارتگران، دشمن کارگران» صدای اعتراض خود را به بساط چپاول و دزدی حاکم بلند کردند.

— در کرمانشاه جمعیتی از کارگران مقابل تامین اجتماعی تجمع داشتند و یکی از سخنران با اعلام اینکه تجمع حق قانونی ماست، همچنان که ما نان میخوریم « و تجمع کنندگان با فریاد شعارهای اعتراضی خود این روز را گرامی داشتند.

— در تبریز تجمع کنندگان با شعار دادن و کف زدن صحنه باشکوهی را آفریدند و اول مه را برگزار کردند.

— در کرمانشاه نیز مقابل تامین اجتماعی تجمع بود و سخنرانان ها اساسا در اعتراض به فقر و فلاکت حاکم بر جامعه و تبعیض ها و نابرابری ها بود.

— در مشهد شعار «کارگر اتحاد، اتحاد» بر فضای خیابان مقابل تامین اجتماعی طنین انداخته بود.

— در سنندج تعداد زیادی از کارگران و مردم در ساعت ۱۱ این روز در چهارراه عباس آباد این شهر تجمع کردند. لباس شخصی ها در محل بسیار بودند. در این روز همچنین جمعی از کارگران شهرک صنعتی شماره

۲ سنندج طی مراسمی روز جهانی کارگر را گرامی داشتند. در روز قبل از روز جهانی کارگر مراسم دیگری در این شهر و شهرهای دیگری چون سقز، کامیاران، بانه و مریوان مراسم برپا شد و کارگران به استقبال روز جهانی کارگر رفتند و سخنرانی کردند و قطعنامه خود را قرائت کردند. در بانه برگزار کنندگان مراسم جمعی از زنان بودند. در مریوان مراسم روز کارگر توسط کارگران و سندیکای کارگران فصلی و ساختمانی شهرستان مریوان و سروآباد برگزار شد. بنا بر گزارشها در مراسم سنندج شیث امانی از فعالین اتحادیه آزاد کارگران ایران و هوشنگ کریمی یکی دیگر از فعالین کارگری بازداشت شدند.

علاوه بر اجتماعات در کف خیابان در اول مه امسال ما شاهد گرامیداشت این روز در مراکز کارگری و بطور مشخص در نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز بودیم. کارگران این مراکز علاوه بر انتشار بیانیه هایی به مناسبت روز جهانی کارگر در درون کارخانه نیز اول مه را گرامی داشتند. در نیشکر هفت تپه این سنگر مهم جنبش کارگری در این روز بنر بزرگ گرامیداشت اول مه در محل مشهور سنگر برافراشته شد و ابراهیم عباسی از سخنرانان این مراسم بود. ابراهیم عباسی در سخنانش به تاریخ پیدایش اول ماه مه در سال ۱۸۸۶ میلادی اشاره کرد و گفت نتیجه مبارزات آنهاست که امروز ما نتیجه اش را میبینیم و شاید یک قرن دیگر به پاس مبارزه متحد هفت تپه روزی به نام نیشکر هفت تپه ثبت شود. او همچنین به بردوام بودن مطالبات کارگران نیشکر هفت تپه از جمله کوتاه شدن دست چپاولگران از این شرکت، بازگرداندن کارگران اخراجی به کار، پایان دادن به امنیتی کردن و دیگر خواستههای کارگران تاکید کرد. در آخر او گفت: «آقای رئیسی میگوید که چتر عدالت را روی سر تمام ایرانیان میگسترانم، اما متأسفانه چتر فساد گسترانده شده. هیچ برخورد قاطعی با مقسدين هفت تپه تا کنون از طرف قوه قضاییه نشده و فقط مامشات و مسامحه از آقای رئیسی دیده ایم و دلیلش اینست که آقایان ریشه دوانده اند در تمام قوا و در تمام نظام جمهوری اسلامی ریشه دوانده اند و هر جا که می بینید نفر دارند». این چنین است که در این روز نیز نیشکر هفت تپه صدای اعتراض کل جامعه علیه دزدی ها و چپاول ها بود و باز هم درخشید.

در فولاد اهواز کارگران از همان آغاز صبح با پخش شیرینی در بخش های مختلف شرکت روز جهانی کارگر را گرامیداشتند و از قبل نیز با بیانیه ای کوبنده این روز همبستگی جهانی کارگران را گرامیداشتند.

اول ماه مه امسال ویژه بود و رنگ و روی اوضاع پر تلاطم جامعه و جنبش کارگری را داشت. ابعادی توده ای و اجتماعی داشت. از خانواده های جانبختگان و دادخواه تا کارگر و معلم و بازنشسته و دانشجو این روز را گرامیداشتند و به مناسبت آن پیام دادند. از روزهای قبل به این مناسبت چندتن از مادران دادخواه به این مناسبت پیام جمعی دادند. از درون زندان سجاد شکری پیام داد و روز جهانی کارگر را شادباش گفت. دختر شاپور احسانی راد فعال کارگری زندانی به مناسبت این روز پیام داد و روز جهانی کارگر را به پدرش شادباش گفت و فعالین کارگری واجتماعی همچون پروین محمدی نایب رئیس هیات مدیره اتحادیه آزاد، محبوبه فرحزادی معلم بازنشسته، پروین نخستین فعال دفاع از حق هویت و فعال دفاع از حقوق زن، علی نجاتی از فعالین شناخته شده کارگری، احمد امینی نماینده سابق کارگران فولاد زاگرس قروه و محمود صالحی از چهره های شناخته شده کارگری از جمله پیام دهندگان این روز بودند.

در اول ماه مه امسال نیز کارگران با قطعنامه هایشان به استقبال این روز رفتند و قطعنامه ای با امضای ۱۵ تشکل و قطعنامه دیگری با امضای ۱۳ تشکل کارگران و معلمان و بازنشستگان را منتشر نمودند و کیفرخواست خود را علیه کل بساط سرمایه داری حاکم و دزدان حکومتی اعلام کردند. امضا کنندگان این قطعنامه ها تشکلهای کارگری، بازنشستگان، معلمان، دانشجویان، مدافعین حقوق زن، حقوق کارگر، کارگران غیر رسمی نفت و فولاد اهواز بودند. قطعنامه هایی که یک محور مهم آنها اعتراض به زندگی زیر خط فقر و تاکید بر افزایش حقوقها به بالای دوازده میلیون و برچیده شدن حقوقهای نجومی بود. همینطور بر آزادی تمامی زندانیان سیاسی و آزادی های سیاسی و پایه ای چون حق تشکل، حق تجمع و حق تحزب، برابری زن و مرد و لغو قوانین ضد زن، حقوق کودک و ممنوعیت کار کودکان، بیمه های پایه ای اجتماعی چون درمان رایگان و تحصیل رایگان و واکسیناسیون رایگان و همگانی و جمع شدن بساط پیمانکاران و لغو قوانین ویژه اقتصادی تاکید داشت. علاوه تشکلهای گروههای مبارزاتی مختلف بر اساس مطالباتی از همین دست قطعنامه ها و بیانیه های خود را داشتند. نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز، و کارگران غیر رسمی نفت نیز از قبل بیانیه های خود را منتشر کرده بودند.

اول مه امسال در چند دهه گذشته از نظر گستردگی و شرکت بخشهای مختلف کارگران و بازنشستگان و معلمان و زنان و دانشجویان بی سابقه بود و صفحه درخشانی از اتحاد و عزم طبقاتی کارگران را به نمایش گذاشت.

زنده باد اول مه روز جهانی کارگر
پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۹، مه ۲۰۲۰

به بشوایز اول ماه مه برویم

به پیشوایز اول ماه مه برویم!

بنر گرامیداشت **اول ماه مه**، باید زینت بخش سر در همه کارخانجات و مراکز کاری باشد. گفتمان اول مه را در کارخانجات، بیمارستانها، و دانشگاهها باید به راه انداخت.

مراکز نفتی، کانونهای اعتراضی ای چون نیشکر هفت تپه، فولاد اهواز، و... مراکزی هستند که **کانونهای داغ** برگزاری اول ماه مه هستند.

گرامیداشت اول مه را به گفتمان طیف های مختلفی از **مردم** از جمله دانشجویان، مادران دادخواه، زندانیان سیاسی، فعالین حقوق زن، محیط زیست و حقوق کودک تبدیل کنیم. دانشگاه یک سنگر مهم گرامیداشت روز جهانی کارگر است.

نصب بنر اول مه بر روی همه اتوبوسها، خودرو و کامیونهای باربری و...

با توجه به ادامه پاندمی کرونا برگزاری مراسم های **آن لاین** به مناسبت روز جهانی کارگر و فراخوان به همه مردم به شرکت در آنها،

پیام های صوتی-تصویری کوتاه در گرامیداشت روز جهانی کارگر

انتشار **بیانیه و قطعنامه** های مشترک از سوی کارگران و همه بخش های طبقه کارگر و تاکید بر دو محور افزایش حقوقها به بالای ۱۲ میلیون و آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی

اول ماه مه روز مهمی برای بازنشستگان تامین اجتماعی برای بیان **خواستها** و پیگیری مطالباتشان است.

ایجاد گفتمان وسیع روز جهانی کارگر در گروههای مختلف **مبارزاتی** معلمان، بازنشستگان، تشکلهای کارگری، دانشجویی، فعالین رهایی زن و گرامیداشت این روز

تهیه پوسترهای ویژه اول ماه مه، نوشتن خواستها بر روی آنها با **هشتگ** زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر،

نمایشگاهی **تصویری** از لحظات درخشان مبارزاتی هفت تپه، فولاد، نفت، بازنشستگان، معلمان و... بصورت آنلاینی

شعار نویسی در محلات و شهرها و پخش شیرینی و شکلات و جشن در محلات، در مترو و در پارک ها و برافراشتن بنر گرامیداشت اول مه و گذاشتن برنامه های موزیک و تئاتر در کنار خیابان

طوفانهای تویتری و پمپاژ شعارهای اعتراضی و خواستها به مناسبت این روز. تدارک هشتک های **ویژه اول مه** و تهیه پست های مناسب برای این هشتک ها، هشتگ #اول_ماه_مه_گرامی #زنده_باد_اول_مه



از همه فعالیت ها فیلم و عکس تهیه کنید و برای ما بفرستید

کمیته ساز مانده حزب کمونیست کارگری



به پیشواز اول ماه مه برویم

کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

اول مه، ۱۱ اردیبهشت، روز جهانی کارگر نزدیک است.



اول مه روز کیفرخواست علیه سرمایه داری و تمام مصائب آنست.

در ایران اول مه، روز کیفرخواست علیه بساط توحش و بردگی سرمایه داری حاکم و سرکوبگری های آنست.

در شرایط پرتلاطم جنبش کارگری و فضای پر التهاب جامعه، روز جهانی کارگر فرصتی برای بر پا کردن یک روز اعتراض بزرگ و سراسری است.

اول ماه مه،

روز همه مردم است.

باید اجتماعی و وسیع به

استقبال روز جهانی کارگر رفت.

اعلامیه حزب حکمتیست بمناسبت اول مه

کارگران باید ابتکار عمل سیاسی را بدست گیرند!

به حکم وضعیت برده واری که به ما طبقه کارگر در سطح جهان تحمیل شده است، سرمایه داری جوابگوی نیازهای بشر امروز نیست. لذا امروز انقلابات کارگری علیه حکومتها و نظم سرمایه داری از هر زمان ضروری تر است و لازم است که رهبران طبقه کارگر در هر کشور ابتکار عمل سیاسی را در مقیاس جامعه برای تغییر رادیکال به نفع خود در دست بگیرند. دولتهای سرمایه داری با اعمال زور و با پشتوانه پارلمانها و رسانه ها و دستگاه مذهب، هر روز به گوشه ای از دستاوردها و زندگی طبقه کارگر حمله می کنند. تنها در پاندمی کرونا باندازه یک جنگ جهانی مهیب کشته دادیم، تا اوائل آوریل قریب سه میلیون نفر! وجود جوامع فقزرده و بیکاری انبوه در دهه سوم قرن بیست و یکم، آنهاهم در عصر انقلابات انفورماتیک و تکنولوژیک و در اوج توانائی انسان کارکن برای تولید نیازهای بشر، محصول منفعت زمینی نظم وارونه سرمایه در همین عصر مدرن است. همه دولتهای حاکم در جهان حافظ و مجری این مناسبات وارونه و استثمارگر سرمایه داری هستند .

در بحران اقتصادی جهانی دولتهای سرمایه داری با سیاست حمایت مالی از سرمایه داران و اعمال ریاضت اقتصادی علیه کارگران جلو رفتند و در پاندمی کرونا این سیاست را با بیکارسازی و استثمار شدیدتر به اوج رساندند. تنها در یکسال، علیرغم ورشکستگی بخشی از سرمایه ها و بیکاری وسیع در مشاغل کوچک و خدماتی، شاخه های قدرتمندتر سرمایه سوپرسودهای نجومی انباشت کرده اند. میلیاردهای جهان طی یکسال پاندمی کرونا بعضا چند برابر و دو برابر بر ثروت شان افزوده اند و به همین تناسب سطح زندگی میلیاردها کارگر سقوط کرده است. بجای آنکه تحولات عظیم در رشد بارآوری کار به آزادی و برابری و رفاه ساکنین کره خاکی ترجمه شود، به اسارت و نابرابری بیشتر و فلاکت اقتصادی، به گینگ اکونومی، به

بیکاری و ناامنی همیشگی شغلی و پرت شدن به ورطه گرسنگی معنی شده است. پاندمی کرونا تأثیرات ماندگار بر شرایط کار و زندگی کارگران خواهد داشت. از حالا معلوم است که سودآوری نجومی سرمایه داری بعد از کرونا را باید ما کارگران تامین کنیم .

اما این تنها راه و تنها مسیر ممکن نیست، پرولتاریا میتواند سد محکمی در مقابل تعرض سرمایه ببندد. این نظام وibal گردن بشریت کارگر شده و جوابگو نیست. این نظام امکانات و ثروت و دانش و تکنولوژی و نیروی خلاقه در اختیار دارد، اما همه دستاوردهای بشر را به کالا و تجارت و وسیله کسب سود بدل کرده است. بدون تردید و با رفع بیشتر محدودیت ها، کارگران در هر گوشه جهان علیه این اوضاع بپامیخیزند. طبقه کارگر برای پایان دادن به فقر و بیکاری و تبعیض، تنها باید بعنوان رهبر آزادی جامعه به میدان بیاید. تمام آنچه که بورژوازی ادعا میکند که نمیتواند بدهد و یا نميخواهد بدهد، دولت انقلابی کارگری میتواند تامین و تضمین کند. کارگران بعنوان یک طبقه و یک جنبش عظیم با پرچم سوسیالیستی، میتوانند راه حل این اوضاع باشند، حاکمیت بورژوازی را ساقط کنند و قدرت را بدست گیرند .

اگر بدست ما کارگران باشد با امکانات و ثروت عظیمی که خود خالق آنیم، رفاه و آزادی و سعادت همگانی را تامین و تضمین میکنیم. اگر بدست ما کارگران باشد، با هزینه ای که صرف دستگاه عریض و طویل دولتها، پارلمانها، ارتشها و نیروهای سرکوبگر نظامی، نهادهای مذهبی و بورکراسی میشود، فقر و گرسنگی و بیکاری موجود را بسرعت پایان میدهیم. اگر بدست ما کارگران باشد، بنیاد تبعیض و نابرابری، نفس مالکیت خصوصی بر ابزار کار و تولید اجتماعی، نفس مناسبات مزدبده و مزدبگیر، اصل تولید با هدف کسب سود و انباشت سرمایه را بطرق انقلابی تغییر میدهیم. اگر بدست ما باشد، این دنیای وارونه را که برسر ایستاده است، روی پاهایش میگذاریم، در رفع تناقض انسان با طبیعت حرکت خواهیم کرد و جامعه و اجتماعی براساس هماهنگی انسان آزاد و نیروی خلاق با همنوع و کار و طبیعت برپا خواهیم کرد. برای اینکه بدست ما کارگران باشد، انقلاب ضروری است؛ انقلابی زیر و رو کننده با هدف سرنگونی سرمایه داری و اوضاع موجود هرآنطور که هست. در شرایط پاندمی کرونا، در هر گوشه جهان، دولت موظف به تامین لوازم زندگی مناسب و حقوق و دستمزد جوابگوی این نیازها، تامین رایگان درمان و بهداشت و واکسیناسیون است. اینها از خواستههای محوری اول مه در ایران و هر گوشه جهان است .

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست اول مه روز جهانی کارگر را به طبقه کارگر جهانی، طبقه کارگر ایران و کمونیست ها و آزادیخواهان تبریک میگوید. اول مه روز اتحاد طبقاتی و جشن کارگران، روز اعلام عزم طبقه کارگر برای تغییر ریشه ای این نظام است. فراخوان ما اینست، هر جا که مقدور است و با رعایت پروتکل های بهداشتی، اول مه را با برگزاری اجتماعات گرمی بداریم. در سخنرانی ها و قطعنامه ها و مانیفست های اول مه، ادعای کارگری علیه کاپیتالیسم و مصائب آن را اعلام و برای بیشترین اتحاد و همسرنوشتی طبقاتی بکوشیم .

ما می گوئیم ایجاد جامعه ای به دور از کار مزدی و استثمار فرد از فرد، به دور از مالکیت خصوصی بر ابزار کار و تولید، به دور از فقر و بیکاری و زشتی های امروز جامعه سرمایه داری، ممکن است. سرمایه داری جوابگو نیست، دنیای دیگری ممکن است؛ حکومت کارگری، یک نظام شورائی سوسیالیستی! در روز اول مه بر اتحاد طبقاتی، بر ضرورت، مطلوبیت و مبرمیتِ اَلترناتیو کارگری پای میفشاریم. کارگران تنها یک راه مطلوب پیش رو دارند؛ انقلاب کارگری !
مرگ بر جمهوری اسلامی !

آزادی، برابری، حکومت کارگری!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!
حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۷ فروردین ۱۴۰۰ - ۶ آوریل ۲۰۲۱

اول ماه مه در ایران و مانیفست سازماندهی طبقاتی کارگران کانون کارگران سوسیالیست

روز کارگر تجلی مبارزه طبقه کارگر علیه نظام استثمار و ستم سرمایه داری است. بیانیه مشترک روز کارگر پانزده تشکل کارگران، معلمان، بازنشستگان و زنان در ایران در تاریخ ۶ اردیبهشت ۱۴۰۰ به وضوح این را منعکس کرده است. بیانیه نیز بر این تکیه دارد که طبقه کارگر به نیروی خود آزاد می شود و برای امرآزاد شدن می بایست خود را متشکل و سازماندهی کند.

با وجود گسترش اعتراضات کارگری که در تاریخ جنبش کارگری ایران بی سابقه بوده است، چرا مبارزات عظیم کارگران به همان نسبت از تشکل و سازماندهی برخوردار نیست. بیانیه بدرست با اشاره به مشکل پراکنده گی راه حلش را در ایجاد تشکیلات درون واحدهای کار، همکاری جدی و سازمانیافته و سراسری می داند که بدون اینها نتیجه کار شکننده خواهد بود. هم مبارزات به هدر می رود و هم راه سرکوب هموار می شود.

بیانیه بدرست حلقه اصلی کار سازماندهی مستقل طبقه کارگر را در ایجاد یک شورای همکاری میان بخش های مختلف کارگران و مزدگیران و زنان و بازنشستگان و بیکاران و دانشجویان و معلمان و کارمندان می داند و آن را برای هماهنگی میان مبارزات پراکنده و گسترش همبستگی ضروری و حیاتی می داند. اول ماه مه تاریخا بر اتحاد و همبستگی جهانی کارگران و سازماندهی مبارزه مستقل طبقه کارگر اتکا دارد و بیانیه حاضر با توجه به شرایط عینی در ایران چنین رویکردی را منعکس کرده است که خود گامی جدی برای گسترش مبارزه جاری طبقاتی خواهد بود.

kkargaransocialist@gmail.com

۲۹ آوریل ۲۰۲۱

اول ماه مه ۲۰۲۱ (۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۰) روز تجلی همبستگی کارگران سراسر جهان و یکصدمین سالگرد برگزاری مراسم اول ماه مه در ایران را به شما شادباش میگوئیم!

کارگران مبارز
روزتاریخی اول ماه مه فرا میرسد. برغم اوضاع فاجعه بار ناشی از تعرض سرمایه داران و صاحبان قدرت و ثروت بر نیروی کار و زحمت و شیوع گسترده پاندمی کرونا که تاکنون میلیونها نفر از مردم جهان - عمدتا از طبقات محروم و زحمتکش - را در کام مرگ و بیماری فرو برده است، این روز فرخنده و نیز یکصدمین سالروز برگزاری اول ماه مه در ایران را به شما کارگران ایران و سراسر جهان شادباش میگوئیم.



اول ماه مه همبستگی جهانی طبقه کارگر را بنمایش میگذارد و شعله امید به نابودی نظام منحن سرمایه داری و دگرگونیهای بنیادی در وضعیت فلاکتبار کنونی را برمی افروزد. سال گذشته از یک طرف تشدید فشارهای اقتصادی برگرد کارگران و زحمتکشان و از طرف دیگر شیوع ویروس کرونا سالی دشوار و پررنج و عذاب برای توده های مردم را رقم زد، درحالیکه صاحبان سرمایه و انحصارات عظیم سرمایه داری میلیاردها دلار به ثروت های باد آورده شان افزودند. اکنون و درآستانه اول ماه مه شاهد شکاف عظیم بین فقر و ثروت هستیم. فقر و نداری، عدم دسترسی میلیونها انسان به کار-مسکن-آزادی، بهداشت، آموزش و تأمینات اجتماعی، تأمین شغلی و فاجعه محیط زیست... نتیجه نظامی است که طبقه کارگر و زحمتکشان جهان در پی دگرگونی آن و سازماندهی جامعه ای عاری از ستم و استثمار، زور و سرکوب و جنگ و نابودی هستند و اول ماه مه تجلی اتحاد و همبستگی کارگران جهان در مبارزه علیه سرمایه داری و فجایع آن است.

سال گذشته شیوع ویروس کرونا در ایران نیز فاجعه بار بود. در نتیجه سیاستهای انسان ستیز رژیم جمهوری اسلامی تاکنون نزدیک به سه میلیون نفر به بیماری کرونا مبتلا شده و ده ها هزار نفر جانباخته اند. تورم افسارگسیخته به همراه رکود اقتصادی، تعطیلی صد ها واحد اقتصادی و بیکاری میلیونی کارگران و زحمتکشان بدون داشتن حقوق بیکاری و تأمینات اجتماعی لازم، فساد دستگاه های حاکمیتی، سلطه مافیای قدرت و ثروت بر شریانهای اقتصادی کشور، تشدید استثمار و ستم و سرکوب در کنار تحریمهای امپریالیسم آمریکا شرایط سخت و طاقت فرسائی را بر اکثریت توده های کار و زحمت تحمیل نموده و جامعه را با فجایع عظیمی روبرو کرده است.

اما برغم همه اینها سال گذشته نیز همچون سالهای قبل شاهد گسترش مبارزات کارگران، هفتپه، هپکو، و آذراب، مبارزه کارگران پیمانی صنعت نفت، کارگران راه آهن و برق، کارگران معادن، کارخانه های تولیدی و شهرداری ها، مبارزه معلمان و پرستاران و بازنشستگان بودیم.

تشدید تضاد آشتی ناپذیر کارگران و زحمتکشان بامافیای قدرت و ثروت حاکم بر کشور از یکسو و منطق مبارزات جاری اقتصادی و سیاسی در شرایط مشخص کنونی که مبارزات کارگران و زحمتکشان در پراکندگی بسر میرود از سوی دیگر، تشکل و اتحاد کارگران و زحمتکشان هم سرنوشت درجه ای انقلابی در مبارزه علیه نظام استثمارگر و ستم گر حاکم را بیش از پیش ضروری ساخته است. فراخوان اخیر تعدادی از تشکلهای مستقل کارگران، معلمان و بازنشستگان برای ایجاد کمیته ای برای هماهنگی مبارزات مشترک نشاندهنده درک ضرورت رزم مشترک کارگران و زحمتکشان جامعه برای رسیدن به خواسته های اقتصادی و سیاسی شان است.

طبقه کارگر آگاه و سوسیالیست قادر است سائرتوده های تحت ستم و استثمار را حول خواست های انقلابی، آزادیخواهانه و سوسیالیستی خود گرد آورده و رهبری کند. رفقای کارگر

در سال ۱۸۸۶ در اعلامیه فراخوان کارگران آمریکا برای شرکت در تظاهرات اول ماه مه چنین آمده است. « یک روز شورش - نه آرامش! روزی که حرف، حرف سخنگویان لاف زن نهاد های اسیر کننده طبقه کارگر جهانی نباشد. روزی که طبقه کارگر قوانین خویش را برپا دارد و قدرت اش را دارد که این قوانین را به اجرا دریاورد. قوانینی که تماما خلاف موافقت استثمارگران و حکمرانان بر سرنوشت طبقه کارگر است. روزی که نیروی عظیم کارگران متحد در برابر قدرتی که امروز بر سرنوشت همه انسانها حکم میراند، صف آرائی میکند .. در آن زمان حق با رفقای ما بود و آنها بدرستی دریافته بودند که در مصاف کار و سرمایه نیروی کار تنها به قدرت متحد و انقلابی خود متکی است. شعار اول ماه مه امسال ما اتحاد رمز پیروزی است.

رفقا!

اتحاد رمز پیروزی است و پراکندگی و تفرق جز شکست نتیجه ای در بر نخواهد داشت. سازمان اتحاد فدائیان کمونیست ضمن حفظ استقلال طبقاتی خود همواره برای متحد کردن مبارزات کارگران و زحمتکشان و سازمانهای انقلابی و نیز برپشتیبانی از هر جنبش انقلابی علیه وضع اجتماعی و سیاسی موجود تاکید کرده است و بسهم خود تلاش میکند طبقه کارگر را برای احراز رهبری جنبش انقلابی علیه نظام استثمارگر و ستمگر حاکم برای رسیدن به آزادی و سوسیالیسم یاری رساند.

زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر!

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران سراسر جهان!

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران

برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی ایران

زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

نهم اردیبهشت ماه ۱۴۰۰

تراکت شماره (۱) بمناسبت اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۰)

تراکت شماره (۱) بمناسبت اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۰)

کارگران مبارز!

مبارزات اقتصادی طبقه کارگرتنها در ارتباطی صحیح و تلفیق اصولی با مبارزه سیاسی علیه طبقه حاکم است که هم به بهبود وضعیت توده های کارگرکمک میکند هم به ارتقاء سطح آگاهی طبقاتی و تشکیلی آنها منجر میگردد.

در شرایط کنونی اتحاد کارگران و زحمتکشان تحت ستم و استثمار در یک جبهه انقلابی و واحد گامی مهم در مبارزه برای رسیدن به خواستها و مطالبات سیاسی و اقتصادی و نیز تجمیع نیرو گرد جنبش کارگری در نبرد علیه طبقه حاکم و قدرت سیاسی سرکوبگران است.

با شعار کار- مسکن- آزادی و اتحاد- مبارزه - پیروزی به استقبال اول ماه مه برویم ونست ازکار بکشیم ودرهر موقعیت ومکانی هستیم وبه هرنحو که میتوانیم در اول ماه می اتحاد وهمبستگی خودعلیه سرمایه داری را بنمایش بگذاریم

سرنگون باد نظام سرمایه داری حاکم - زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
۲۷ فروردین ۱۴۰۰



با اتحاد و همبستگی به استقبال اول ماه مه . روز جهانی کارگر برویم!

کمیته تبلیغات و انتشارات فدائیان کمونیست
<https://fedayi.org/>
فروردین ۱۴۰۰

کارگران مبارز!

مبارزات اقتصادی طبقه کارگرتنها در ارتباطی صحیح و تلفیق اصولی با مبارزه سیاسی علیه طبقه حاکم است که هم به بهبود وضعیت توده های کارگرکمک میکند هم به ارتقاء سطح آگاهی طبقاتی و تشکیلی آنها منجر میگردد.

در شرایط کنونی اتحاد کارگران و زحمتکشان تحت ستم و استثمار در یک جبهه انقلابی و واحد گامی مهم در مبارزه برای رسیدن به خواستها و مطالبات سیاسی و اقتصادی و نیز تجمیع نیرو گرد جنبش کارگری در نبرد علیه طبقه حاکم و قدرت سیاسی سرکوبگران است.

با شعار کار- مسکن- آزادی و اتحاد- مبارزه - پیروزی به استقبال اول ماه مه برویم ودست ازکار بکشیم ودرهر موقعیت ومکانی هستیم وبه هرنحو که میتوانیم در اول ماه می اتحاد وهمبستگی خودعلیه سرمایه داری را بنمایش بگذاریم

سرنگون باد نظام سرمایه داری حاکم - زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

۲۷ فروردین ۱۴۰۰



زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر تراکت شماره ۲ : بمناسبت اول ماه مه (۱۱- اردیبهشت ۴۰۰)

اول ماه مه نمایش اتحاد جهانی کارگران در مقابل سرمایه داران و قدرت سیاسی آنان است . در این روز فرخنده طبقه کارگر با پیش کشیدن شعارها و مطالبات و خواستههای اقتصادی و سیاسی از طرف خود، توده های مردم را به مبارزه با نظام سرمایه داری دعوت میکند.

در اول ماه مه امسال خواستار :

واکسیناسیون فوری و رایگان تمام اهالی کشور

افزایش دستمزدها با توافق نمایندگان واقعی کارگران !

تامین اجتماعی همه شمول و بیمه بیکاری همه کارگران شاغل و بیکار در شهر و روستاها !

لغو فوری قانون قراردادهای موقت و استخدام رسمی کارگران قراردادی !

توقف اخراجها و بازگشت همه اخراج شده گان به سرکارهای شان !

برابری حقوق زن و مرد و رفع ستم جنسی و جنسیتی در تمامی عرصه های کار و زندگی

پرداخت کمک مسکن استاندارد و متناسب با درآمد خانوار و سطح اجاره بها !

کمک اولاد در حد تامین مخارج آنها

لغو کار کودکان و ایجاد امکانات تحصیلی و تفریحی برای آنها !

آزادی زندانیان سیاسی، آزادی مطبوعات و تشکلات صنفی و سیاسی!

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران سراسر جهان

زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست ۷ اردیبهشت ۱۴۰۰



<https://fedayi.org>

کمیته تبلیغات و انتشارات فدائیان کمونیست

اول ماه مه نمایش اتحاد جهانی کارگران در مقابل سرمایه داران و قدرت سیاسی آنان است . در این روز فرخنده طبقه کارگر با پیش کشیدن شعارها و مطالبات و خواستههای اقتصادی و سیاسی از طرف خود، توده های مردم را به مبارزه با نظام سرمایه داری دعوت میکند.

در اول ماه مه امسال خواستار

واکسیناسیون فوری و رایگان تمام اهالی کشور

افزایش دستمزدها با توافق نمایندگان واقعی کارگران !

تامین اجتماعی همه شمول و بیمه بیکاری همه کارگران شاغل و بیکار در شهر و روستاها !

لغو فوری قانون قراردادهای موقت و استخدام رسمی کارگران قراردادی !

توقف اخراجها و بازگشت همه اخراج شده گان به سرکارهای شان !

برابری حقوق زن و مرد و رفع ستم جنسی و جنسیتی در تمامی عرصه های کار و زندگی

پرداخت کمک مسکن استاندارد و متناسب با درآمد خانوار و سطح اجاره بها !

کمک اولاد در حد تامین مخارج آنها

لغو کار کودکان و ایجاد امکانات تحصیلی و تفریحی برای آنها !

آزادی زندانیان سیاسی آزادی مطبوعات و تشکلات صنفی و سیاسی!



بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر

روز اعلام کیفرخواست طبقه کارگر علیه تمام نظم سرمایه‌داری
رفقای کارگر!

اول ماه مه روز اتحاد و همبستگی بین‌المللی کارگران فرارسیده است. در اول ماه مه، پرچم‌های سرخ کارگری در اقصا نقاط جهان به اهتزاز درمی‌آیند و ضرورت به گور سپردن نظم پوسیده سرمایه‌داری را که مدت‌هاست دوران آن به سر آمده، یادآوری می‌کنند. گرچه پاندمی مرگ‌بار کرونا برای دومین سال پیاپی موانعی جدی بر سر راه حضور گسترده کارگران در خیابان و تظاهرات و راه‌پیمایی به وجود آورده است، اما میلیون‌ها کارگر در سراسر جهان چرخ‌های تولید را متوقف می‌سازند، با شور و حرارت به استقبال اول ماه مه می‌روند و در اشکال و شیوه‌های گوناگون، اراده واحد خود برای براندازی نظم سرمایه‌داری و استقرار سوسیالیسم را به نمایش می‌گذارند.

اول ماه مه در شرایطی فرامی‌رسد که جهان سرمایه‌داری با بحران‌های عمیق اقتصادی-سیاسی و اجتماعی روبروست. سرمایه‌داری جهانی نه فقط هنوز نتوانسته به شرایط پیش از بحران عمیقی که سال ۲۰۰۷ آغاز شد بازگردد، بلکه ادامه و تشدید بحران بیش‌ازپیش ناتوانی و ورشکستگی این نظام را به نمایش گذاشت تا آنجا که حتی در مقابل یک ویروس و بیماری ناشی از آن نیز به‌زانو درآمد. میلیون‌ها انسان بی‌دفاع را، سرمایه‌داری به کام مرگ فرستاد. ده‌ها میلیون تن، کار خود را از دست دادند. طبقه سرمایه‌دار حتی در بحبوحه انباشت کشته‌ها در شهرها و بیمارستان‌ها، از انباشت سرمایه غافل نبود و بر سود خود افزود. بهداشت و درمان و دارو و واکسن و جان انسان، یکسره ابزار سود ورزی و انباشت سرمایه شد. اولویت سود و سرمایه بر سلامت و بهداشت انسان‌ها، بار دیگر ماهیت ضد انسانی نظام سرمایه‌داری را در برابر چشم جهانیان قرارداد. بحران کرونا، ورشکستگی و پوسیدگی نظام کثیف بهره‌کشی و ضرورت براندازی آن و استقرار نظمی نوین و سوسیالیستی را عیان‌تر ساخت.

رفقا و هم‌زمان!

در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی اوضاع به‌مراتب وخیم‌تر است. طبقه کارگر ایران در شرایطی به استقبال اول ماه مه می‌رود که زیر شدیدترین فشارها و تنگناهای اقتصادی و معیشتی قرار دارد. بحران اقتصادی پیوسته عمیق‌تر شده و تمام بار آن بردوش کارگران قرار گرفته است. دستمزدهای بسیار اندک و ناچیز، گرانی سرسام‌آور کالاهای حیاتی موردنیاز مردم، فقر شدید و فزاینده، بیکاری و بیماری، کارگران و عموم توده‌های زحمتکش را به ستوه آورده است. درحالی که کارگران به‌شدت و بی‌رحمانه استثمار می‌شوند اما اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها زیرخط فقر زندگی می‌کنند. چند میلیون نفر تنها به خاطر کرونا کار خود را از دست داده‌اند که از هرگونه حمایت دولتی محروم‌اند. افزون بر تمام فشارهای اقتصادی، همه‌گیری بیماری کرونا روزگار مردم را سیاه کرده است. سیاست‌های ارتجاعی و ضد مردمی دولت حاکم در قبال کرونا، دروغ‌پردازی‌ها، کتمان واقعیت، سهل‌انگاری‌ها، رهاسازی عامدانه توده مردم به حال خود، بی‌توجهی مطلق به جان و سلامت مردم، فاجعه بسیار بزرگی را برای کارگران و دیگر اقشار مردم زحمتکش در سراسر کشور رقم زده است. جمهوری نکبت‌بار اسلامی که حتی پیش از کرونا در میان کارگران و توده‌های مردم زحمتکش ایران، یک رژیم سرتاپا فاسد، رسوا، مفتضح و جنایت‌کار و مورد نفرت و انزجار آن‌ها بود، با کرونا و عملکرد مجرمانه و جنایت‌کارانه‌اش در قبال آن، مفتضح‌تر و رسواتر شد. رژیم‌می که تاکنون ده‌ها هزار تن را به کام مرگ فرستاده، صدها هزار تن دیگر را به بیماری کرونا دچار ساخته، روزانه بیش از ۳۰۰ نفر را به قربانگاه کرونا می‌فرستد و میلیون‌ها تن دیگر را نیز بی‌هیچ‌گونه اقدام پیشگیرانه‌ای در یک‌قدمی خطر مرگ وانهاده است.

رفقا و هم‌زمان!

کارگران ایران تنها با خطر مرگ ناشی از بیماری کرونا و تنها با فقر، گرسنگی، بیکاری و استثمار بی‌رحمانه روبرو نیست. دیکتاتوری عربیان و استبداد سیاسی طبقه سرمایه‌دار حاکم، کارگران را از ابتدائی‌ترین حقوق انسانی و آزادی‌های سیاسی از جمله حق ایجاد تشکلهای صنفی و سیاسی خود محروم ساخته است. اعتصابات، تجمعات و اعتراضات کارگری ولو به خاطر خواست‌های صنفی و اقتصادی، با سرکوب، بازداشت، زندان، اخراج و حتی شلاق پاسخ می‌گیرند. همه‌جا کارگران پیشرو و فعالان کارگری و سندیکایی در معرض ارعاب و پیگرد دستگاه پلیسی قرار دارند. پرونده‌سازی‌های امنیتی و قضایی علیه کارگران آگاه، به امر عادی و روزمره تمام سرمایه‌داران و دولت آن‌ها تبدیل شده است. علی‌رغم تمام این اقدامات سرکوبگرانه و محدودیت‌های کرونائی، مبارزات کارگری در اشکال متنوع و گوناگون فزونی گرفته‌اند. صدها اعتصاب و تجمع و راه‌پیمایی در صنایع و رشته‌های گوناگون از جمله در راه آهن، برق، مخابرات، حمل‌ونقل جاده‌ای و شهری، شهرداری‌ها، پتروشیمی‌ها، کشت و صنعت‌ها، معادن، فولاد، ذوب‌آهن، نفت و گاز و حفاری گویای همین واقعیت است. اعتراضات و اعتصابات هماهنگ فرا واحدی و فرامحلی در حال افزایش است. اعتصاب فراگیر کارگران صنعت نفت و گاز و پتروشیمی در مرداد سال ۹۹ که در آن کارگران ده‌ها پالایشگاه و پتروشیمی و شرکت‌های نفت و گاز و حفاری به‌طور هم‌زمان دست از کار کشیدند، از برجسته‌ترین اعتصابات فرا واحدی و فرامحلی و رشته‌ای است که جهت‌گیری و سیر تکاملی جنبش طبقه کارگر از اعتصابات تک‌واحدی و پراکنده به سمت اعتصابات هماهنگ رشته‌ای را ترسیم نمود. در برق نیز اعتراضات سراسری در حال بازتولید است. بازنشستگان تأمین اجتماعی و معلمان نیز بارها در شکل سرتاسری دست به اعتراض زده‌اند.

تجربه جنبش طبقه کارگر در دو سال اخیر این واقعیت را اثبات می‌کند که افزون بر خواست‌های متعدد اقتصادی و صنفی، خواست‌های سیاسی طبقه کارگر نیز در این مبارزات پررنگ بوده‌اند. آزادی تشکل مستقل و تجمع، پایان دادن به فضای امنیتی در محیط‌های کار، لغو احکام قضایی و پایان دادن به پرونده‌سازی‌های امنیتی علیه کارگران، بازگشت به کار کارگران اخراجی و لغو خصوصی‌سازی از جمله خواست‌هایی هستند که تقریباً در هر اعتصاب و اعتراض کارگری بر زبان کارگران جاری شده‌اند و بدین خصلت سیاسی و ضد دولتی مبارزات کارگری تقویت شده است.

اعتبار بنابراین سرکوب و تهدید و اخراج و زندان، نه توانسته است کارگران و اعتصابات و مبارزات کارگری را از صحنه خارج سازد و نه حتی توانسته است کم و کیف این مبارزات و مطالبات کارگران را تنزل دهد.

رفقای کارگر!

این واقعیت امروز بر همگان آشکار شده که خیزش بزرگ دی‌ماه ۹۶ بر یک دوران رکود سیاسی نقطه پایان گذاشت و آغازگر یک دوران پرتلاطم سیاسی، یک دوران انقلابی شد. در تمام این دوران، مبارزات توده‌ای و اعتصابات کارگری علی‌رغم افت‌وخیزها و موانع بزرگی که کرونا ایجاد کرد، بی‌وقفه ادامه داشته و با رشد اشکال فراگیر و سراسری توأم بوده است. مبارزات مستقیم و علنی و حتی تعرضی در حال افزایش بوده است. قیام سراسری آبان ۹۸ به روشنی نشان داد که در تحت شرایطی که تضاد میان بالائی‌ها و پایینی‌ها حاد شده و به نقطه ستیز رسیده است هر رویداد بزرگ یا کوچکی می‌تواند به انفجاری بزرگ فراروید و اعتراضات گسترده توده‌ای را شعله‌ور سازد. «بیکار کف خیابان، چه دی باشه چه آبان» فقط یک شعار نبوده است. امروز علاوه بر کارگران، معلمان، بازنشستگان، پرستاران، کشاورزان نیز وارد خیابان شده‌اند. شعار «نان، کار، آزادی - اداره شورایی» که پرچم آن را بخش پیشرو طبقه کارگر برافراشت، در تمام طول این سال‌ها نه فقط در رأس مطالبات طبقه کارگر بوده بلکه به شعار و خواست عموم زحمتکشان نیز تبدیل شده است. توده‌های زحمتکش و تهیدست جامعه که آبان ۹۸ با جسارت و قهرمانی و از خودگذشتگی وارد عرصه نبرد رویاروی با رژیم حاکم شدند، به مراکز ستم و سرکوب و نهادهای مذهبی و مؤسسات مالی طبقه سرمایه‌دار حاکم یورش بردند و آن را به آتش کشیدند، به آشکارترین شکلی نه فقط نفرت و انزجار عمیق خود از حکومت مذهبی و رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، بلکه نفرت از تمام نظم سرمایه‌داری حاکم را به نمایش گذاشتند.

توده‌های مردم در قیام سراسری بار دیگر نشان دادند که دیگر نمی‌خواهند و نمی‌توانند وضع موجود را تحمل کنند و برای تغییر و دگرگونی بنیادی آن، به اقدام عملی و مبارزه تا پای جان روی آورده‌اند. به‌رغم گذشت یک سال و نیم از قیام آبان اما تمام شواهد و مختصات دوران پرتلاطم سیاسی کنون حاکی از آن است که جامعه کماکان آستان حوادث و تکان‌های شدید اجتماعی است. تا آنجا که حتی عناصری از درون طبقه حاکم پیوسته از خطرات بروز تکان‌های اجتماعی سخن می‌گویند و به‌صراحت خطر انقلاب را هشدار می‌دهند. تمام راه‌های طبقه حاکم برای حل بحران‌های موجود باشکست روبرو شده‌اند. هیچ اراده‌ای در هیچ سطحی برای پاسخگویی به خواست‌ها و نیازهای طبقه کارگر و سایر زحمتکشان وجود ندارد. یگانه پاسخ ارتجاع حاکم سرکوب و وحشی‌گری بیشتر بوده است. اما سرکوب و وحشی‌گری، نظم موجود را نجات نخواهد داد و تغییری در اجتناب‌ناپذیری انقلاب ایجاد نخواهد کرد.

رفقای کارگر!

انقلاب اجتناب‌ناپذیر است و وظیفه پرولتاریا در انقلاب بسیار مهم و دشوار. چراکه تنها طبقه کارگر است که می‌تواند و باید جنبش‌های اعتراضی توده‌ای جدا از هم را در یک جنبش واحد سراسری به هم پیوند دهد. تنها طبقه کارگر است که به‌عنوان یک نیروی سراسری از اقتدار و توانایی شکل دادن به یک جنبش سراسری برخوردار است. تنها طبقه کارگر است که با متشکل شدن و استفاده از اشکال عمده مبارزه خود از نمونه مبارزات اقتصادی و سیاسی عمومی و سراسری می‌تواند یک جنبش متحد سراسری برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را شکل دهد و انقلاب را به پیروزی برساند. از درون اشکال عالی مبارزه طبقه کارگر است که شوراها به‌عنوان ارگان‌های سیاسی اعمال حاکمیت طبقه کارگر پدیدار می‌شوند، دولت شورایی در برابر عموم توده‌های مردم قرار می‌گیرد و با استقرار حکومت شورایی است که کارگران و زحمتکشان می‌توانند سرنوشت خود را در دست‌گیرند. خوشبختانه شوراها و آلترناتیو شورایی و کارگری طی دو سال گذشته با سرعت شگفت‌انگیزی جای خود را در میان کارگران و زحمتکشان باز و حتی تثبیت کرده است. این موضوع اما از اهمیت اشکال مبارزه کارگری و شکل‌گیری شوراها در جریان این مبارزات نمی‌کاهد.

بنابراین طبقه کارگر برای سازمان‌دهی اعتصابات سراسری از هم‌اکنون باید خود را آماده و تجهیز کند. کمیته‌های مخفی کارخانه و کمیته‌های اعتصاب را باید در تمام کارخانه‌ها و صنایع و مؤسسات تولیدی و خدماتی ایجاد کرد و از پیوند کمیته‌های اعتصاب در واحدهای مختلف، کمیته هماهنگی اعتصاب در یک‌رشته معین را که از نیازهای مبرم مرحله کنونی جنبش است سازمان داد. بدیهی است که در مراحل پیشرفته‌تر، با پیوند کمیته‌های هماهنگی رشته‌های مختلف، می‌توان تشکیلات هماهنگی و کمیته اعتصاب سراسری فرا رشته‌ای را سازمان داد. این وظیفه بسیار مهم و سنگین بردوش پیشروترین و آگاه‌ترین کارگران قرار گرفته است. نفت نخستین گام مؤثر را در این زمینه برداشت که اعتصاب فراگیر مرداد ۹۹ محصول آن بود. اپراتورهای برق فشارقوی، کارگران توزیع برق، کارگران راه‌آهن، مخابرات، پتروشیمی و کارگران فکری در بخش خصوصی آموزش و پرورش و برخی کارگران دیگر گام‌های اولیه اما مهمی در این زمینه برداشته‌اند که باید با گام‌های بعدی تکمیل شود. معادن، خودروسازی‌ها، فولاد و سایر بخش‌ها نیز باید در همین مسیر گام نهند.

رفقای کارگر!

با متشکل شدن طبقه کارگر و کاربست اشکال سازمان‌یابی و شیوه‌ها و اشکال مبارزاتی مختص این طبقه و ورود تأثیرگذار آن به صحنه است که می‌توان و باید سایر اقشار زحمتکش را حول پرچم طبقه کارگر بسیج کرد و پدیدارشدن قیام و انقلاب از درون تلاطم‌های سیاسی را به پیروزی رساند. جز این باشد، تلاطم سیاسی جامعه ولو به قیام و انقلاب منجر شود، قرین پیروزی نخواهد شد. سلاح مبارزاتی بسیار مهم و برنده طبقه کارگر اعتصاب است. طبقه کارگر با اعتصاب‌های اقتصادی و سیاسی سرتاسری است که می‌تواند رژیم را به‌طور جدی فلج کند، رهبری تمام جنبش را به دست‌گیرد، اعتصاب عمومی سیاسی را سازمان دهد و بستر قیام مسلحانه پیروزمند توده‌ای و سرنگونی نظم حاکم را فراهم سازد.

رفقای کارگر!

اول ماه مه را در همبستگی با کارگران سراسر جهان تعطیل کنیم، دست از کار بکشیم و به هر شکل ممکن و ابتکاری این روز را گرامی بداریم. از یاد نبریم که اول ماه مه روز اتحاد بین‌المللی کارگران علیه نظم سرمایه‌داری و اعلام این واقعیت است که برای نجات طبقه کارگر و کل بشریت از شر مصائبی که سرمایه‌داری به بار آورده است، راهی جز سوسیالیسم وجود ندارد.

خجسته باد اول ماه مه روز همبستگی بین‌المللی کارگران
نابود باد نظام سرمایه‌داری - زنده‌باد آزادی زنده‌باد سوسیالیسم
سرنگون باد رژیم جمهوری سلامی - برقرار باد حکومت شورایی

۲۹ فروردین ۱۴۰۰

اول ماه مه روز جهانی همبستگی کارگران خجسته و پیروز باد! / سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

در آستانه اول ماه مه (یازده اردیبهشت)، روز جهانی همبستگی کارگران قرار داریم. در این روز کارگران در سرتاسر جهان مستقل از مرزهای ملی و جغرافیایی، همبستگی طبقاتی و بین‌المللی خود را به نمایش می‌گذارند.

امسال نیز همچون سال گذشته، کارگران در شرایطی به استقبال اول ماه مه می‌روند که شیوع پاندمی کووید-۱۹ و پیامدهای آن، آسیب‌های بسیاری بر زندگی، سلامت، وضعیت اقتصادی، شغلی و کاری میلیون‌ها انسان در سراسر جهان، بخصوص کارگران و زحمتکشان وارد آورده است. در این میان، ایران از جمله کشورهایی می‌باشد که در آن نه تنها مبتلایان و تعداد مرگ و میر در اثر این بیماری بیداد می‌کند بلکه بدنبال تعطیلی تعداد قابل توجهی از شرکت‌ها و مراکز تولیدی و بر بستر بحران عمیق و ریشه‌ای اقتصادی و اجتماعی از قبل موجود، صدها هزار کارگر و مزد بگیر به خیل عظیم بیکران پیوسته‌اند. در مواجهه با این بحران، سران رژیم سرمایه‌داری و اسلامی حاکم بر ایران دگرباره نشان دادند که جان انسانها برای آنان هیچگونه ارزشی ندارد و در چنین شرایط اسفباری نیز برای بقای حاکمیت ضد بشری خود از هیچ جنایتی فروگذار نیستند. حکومت اسلامی وحشت زده از خیزش آبان ۹۸ به عبث می‌پنداشت که شیوع بیماری کووید، همچون جنگ ۸ ساله نعمت دیگریست که بر مبارزات حق طلبانه مردم سایه افکنده و مانع از ادامه روند مبارزات و تجمعات اعتراضی طبقات و اقشار مختلف جامعه خواهد شد. هرچند در ماههای آغازین شیوع ویروس، شاهد افت نسبی تجمعات و گردهمایی‌های اعتراضی بودیم اما اخبار و گزارشات گوناگون نشان می‌دهند که بین ماه مه سال گذشته و امسال و علی‌رغم تداوم سرکوب و بازداشت فعالین جنبش کارگری و محکومیت آنان به زندان و شلاق، حرکات اعتراضی کارگران در اشکال گوناگون، نه تنها استمرار، بلکه از رشد کمی و کیفی نیز برخوردار بوده‌اند. از جمله حرکات بزرگ و مهم کارگری می‌توان به اعتصابات در پتروشیمی، صنعت نفت، هپکو، هفت تپه و... اشاره کرد. با وجود آنکه کارگران ایران هنوز از حق برخورداری از تشکلهای سراسری مستقل محروم هستند اما اعتصاب سراسری و هماهنگ در پتروشیمی و صنعت نفت نشانگر رشد و ارتقاء سطح مبارزات کارگران می‌باشد. گسترش تجمعات و اعتراضات هماهنگ بازنشستگان و مستمری بگیران در مقابل مجلس شورای اسلامی، اداره کار و سازمانهای تامین اجتماعی در تهران و بسیاری از شهرهای دیگر در ماههای اسفند و فروردین نیز نمونه دیگری از تداوم و وسیع تر شدن مبارزات حق طلبانه و عدالت جویانه کارگران و مزدبگیران سابق و بازنشستگان کنونی، می‌باشد.

در سال گذشته سرمایه داران و دولت حامی آنان علاوه بر ادامه تعرض به ابتدایی ترین حقوق انسانی کارگران، با تصویب "حداقل دستمزدی" که کمتر از یک چهارم هزینه واقعی سبب معیشتی می‌باشد، گرسنگی، فقر و محرومیت شدیدتری را بر کارگران، مزد بگیران و خانواده های آنان تحمیل کردند. بی دلیل نیست که در بسیاری از تجمعات، کارگران و زحمتکشان فریاد زدند که خطر ابتلا به بیماری کووید احتمال

مرگ بر اثر آن، مانع از تجمعات و بیان خشم و اعتراضشان به وضعیت کنونی و ستم هایی که بر آنان می رود، نخواهد شد چرا که شرایط زندگی و معیشتی که خود و خانواده هایشان در آن بسر می برند نوعی مرگ تدریجی می باشد!

طی این اعتراضات، کارگران و زحمتکشان خواسته هایی همچون حق ایجاد تشکل های مستقل و سراسری، افزایش دستمزد ها و مستمری بازنشستگی، طرح یکسان سازی مشاغل، پایان دادن به قراردادهای موقت و... برخورداری از پوشش بیمه و امکانات درمانی مناسب، بخصوص در شرایط شیوع افسار گریخته کرونا، را مطرح کرده و می کنند. در شرایطی که روزانه هزاران انسان به بیماری کووید ۱۹ مبتلا شده و صدها نفر جان خود را از دست می دهند دسترسی به واکسن از جمله خواسته های امروزی کارگران و زحمتکشان، معلمان، بازنشستگان و... می باشد. هم از اینرو در آستانه اول ماه مه، تشکل های مستقل، واکسیناسیون رایگان را در راس اولویت های عاجل خود قرار داده اند. در همین راستا ۹ تشکل کارگری، معلمان و بازنشستگان، بیانیه ای با عنوان "تداوم «مرگ با ویروس کرونا» در ایران و ضرورت اعتراض به بی توجهی حاکمیت در اجرای مسئولیت های خود!" صادر کرده اند. این تشکل ها ضمن ضرورت اعتراض عمومی به سیاستها و شیوه های نادرست و بی کفایتی و بی توجهی مسئولین حکومت درمقابل با بیماری کووید ۱۹- از آغاز تا به امروز، بردخالتگری مردم برای مطالبه واکسیناسیون فوری، عمومی و رایگان و استناد دارد، تاکید کرده اند.

ما ضمن اعتقاد به تبدیل واکسن از یک کالای "تجاری و سودجویانه" به کالای "مشترک و عمومی"، عمیقاً بر این باوریم که اعتراض مشترک و همگانی طبقات و اقشار مختلف مردم برای وادار کردن حکومت به انجام حداقل وظایف خود در مقابل با بحران شیوع کرونا از جمله واکسیناسیون عمومی و رایگان، تنها راه برای جلوگیری از گسترش روز افزون بیماری و مرگ و میرها می باشد.

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران اول ماه مه روز جهانی همبستگی کارگران را به تمامی کارگران و زحمتکشان در سرتاسر جهان و بخصوص کارگران و زحمتکشان در ایران خجسته باد می گوید. ما بعنوان سازمانی چپ و سوسیالیست، خود را همراه ثابت قدم و در کنار کارگران و زحمتکشان می دانیم و قاطعانه و پیگیرانه از خواسته های برحق آنان پشتیبانی می کنیم.

زنده باد اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران

سرنگون باد حکومت «جمهوری اسلامی»

زنده باد تشکلات مستقل، رزمنده و سراسری طبقه کارگرایران

زنده باد آزادی و دموکراسی

زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

دوشنبه ۶ اردیبهشت ۱۴۰۰ / ۲۶ آوریل ۲۰۲۱

=====

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت اول ماه روز جهانی کارگر! کارگران، زحمتکشان، بازنشستگان، دانشجویان، جوانان، دست در دست هم برای رهایی میهن از ستم و بی‌عدالتی رژیم استبدادی و ضد‌مردمی حاکم بکشیم! خجسته باد صدمین سالگرد برگزاری جشن اول ماه مه در ایران!

کارگران و زحمتکشان ایران!

کمیته مرکزی حزب توده ایران فرارسیدن ۱۱ اردیبهشت، اول ماه مه، روز جهانی کارگر را به شما صمیمانه شادباش می‌گوید. سالی که گذشت سال دشوار شیوع همگانی ویروس کرونا، نابودی بیش از سه میلیون انسان در جهان که اکثریت آنها از طبقات زحمتکش و محروم بودند، و تشدید فشارهای کم‌رشد اقتصادی بر گرده کارگران و زحمتکشان در سراسر جهان بود. در سالی که گذشت، در حالی که شرکت‌های غول‌پیکر سرمایه‌داری جهان میلیاردها دلار به ثروت خود افزودند، دره عظیم میان فقر و ثروت هر روز ابعاد گسترده‌تری یافت. فقر مطلق و عدم دسترسی صدها میلیون انسان به کار، مسکن، بهداشت و آموزش، در کنار نابودی فاجعه‌آمیز محیط‌زیست، حاصل حاکمیت سرمایه‌داری انحصاری جهانی است. با وجود این، نظریه‌پردازان و مدافعان سرمایه‌داری تلاش دارند این نظام واپس‌گرا و ضدانسانی را یگانه راه واقع‌گرایانه تحول جامعه بشری نشان بدهند. بر اساس تازه‌ترین آمار سازمان ملل متحد، امروزه بیش از ۷۰۰ میلیون نفر در جهان، یعنی ده درصد جمعیت جهان، در فقر مطلق به سر می‌برند، و بیش از ۱٫۸ میلیارد نفر از جمعیت جهان کمتر از ۱٫۹ دلار در روز مزد می‌گیرند.

بزرگداشت اول ماه مه در چنین شرایطی، تأکید بر ضرورت ادامه مبارزه کارگران و زحمتکشان جهان بر ضد نظام سرمایه‌داری جهانی، و به‌ویژه سرمایه‌داری انحصاری است که با وجود همه فراز و نشیب‌ها، بیش از یک سده است بر جهان حاکم است. امسال، ۱۳۲ سال است که مراسم اول ماه مه در جهان برگزار می‌شود. این سنت بزرگ و پراهمیت انقلابی در ژوئیه ۱۸۸۹، در جریان برگزاری نخستین کنگره انترناسیونال دوم، پایه‌گذاری شد. در خلال این کنگره، خاطره پیکار خونین کارگران نساجی شیکاگو در سه سال پیش از آن - یعنی در روز اول ماه مه ۱۸۸۶ - گرامی و بزرگ داشته شد. از ژوئیه ۱۸۸۹ تا کنون، با وجود مخالفت‌ها و ممانعت‌های سرمایه‌داری، همه‌ساله سالروز این حرکت کارگری به خون کشیده شده، با مضمون اعلام همبستگی جهانی زحمتکشان همه کشورها، در سراسر جهان بزرگ داشته شده است و همچنان گرامی داشته می‌شود.

کارگران و زحمتکشان ایران!

سال ۱۴۰۰ مصادف با صدمین سالگرد برگزاری روز جهانی کارگر در کشور ما است. نخستین گردهمایی روز جهانی کارگر در ایران، به‌ابتکار کمونیست‌ها و فراخوان "شورای مرکزی فدراسیون سندیکای کارگری"، در سال ۱۳۰۰ خورشیدی برگزار شد. با وجود رشد محدود طبقه کارگر ایران در آن سال، ۸ هزار کارگر و نیز کارکنان اداری که در ۱۶ سندیکا گرد آمده بودند، نخستین مراسم اول ماه مه در ایران را تدارک دیدند و سازمان‌دهی کردند. برگزاری مراسم اول ماه مه در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۰ کم‌وبیش ادامه داشت. در سال ۱۳۰۸، شهرهای متعدد ایران صحنه برگزاری گسترده و بی‌سابقه این مراسم بودند. اعتصاب کارگران صنعت نفت نیز به این روز بعد تازه‌ای بخشید. کارگران اعتصابی در آبادان، به‌رسمیت شناخته شدن تشکل‌هایشان، تعیین حداقل مزد، و به‌رسمیت شناخته شدن اول ماه مه به‌منزله روز کارگر را خواستار شدند.

در پی تأسیس حزب توده ایران، مبارزه طبقه کارگر کیفیت نوینی پیدا کرد. در روند تشکیل "شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگران ایران" در اسفند ۱۳۲۰، و بنیادگذاری نخستین اتحادیه‌های دهقانی در اطراف تهران و برخی استان‌های کشور در خرداد ۱۳۲۲، حزب توده ایران به نیروی رهبری‌کننده بی‌بدیلی در مبارزات کارگری-دهقانی کشور تبدیل شد. برگزاری روز جهانی کارگر در ایران در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۲۵، با شرکت ۷۰۰ هزار کارگر در سراسر ایران، نقطه عطفی در شرکت سازمان‌یافته کارگران و زحمتکشان در مبارزه برای حقوقشان بود که فضای سیاسی کشور ما را نه‌تنها در آن دوران، بلکه برای دهه‌های بعد به کلی دگرگون کرد. نقش مبارزه کارگران و زحمتکشان در مهم‌ترین تحول‌های دوران‌ساز تاریخ معاصر میهن ما، از جنبش مردمی ملی شدن صنعت نفت، تا حضور در سنگرهای نبرد انقلاب شکوهمند بهمن ۵۷ و مبارزه با رژیم کارگرسنیز ولایت‌فقیه در نزدیک به چهار دهه اخیر، نشانگر اهمیت حیاتی مبارزه طبقه کارگر ایران و

زحمتکشان در راه بهبود وضعیت سیاسی-اجتماعی کشورمان است. حزب توده ایران همواره تأکید کرده است که اکنون نیز بدون حضور نیرومند و سازمان‌یافته طبقه کارگر در عرصه مبارزه عمومی بر ضد حکومت استبدادی و ضد مردمی حاکم، نمی‌توان به تحقق خواست‌های جنبش مردمی در راستای حاکم شدن مردم بر سر نوشت خود خوش بین بود.

کارگران و زحمتکشان!

سالی که گذشت سال پُردرد و فاجعه‌بار همه‌گیری ویروس کرونا در میهن ما بود. به دلیل سیاست‌های فاجعه‌بار و نابخردانه رژیم ولایت‌فقیه، این همه‌گیری تا کنون به قیمت جان ده‌ها هزار تن و ابتلای بیش از دو و نیم میلیون تن از هم‌میهنان ما به بیماری کووید-۱۹ تمام شده است. رکود چشمگیر اقتصادی کشور، بسته شدن صدها واحد تولیدی، بیکاری میلیونی-به‌ویژه در میان نسل جوان کشور- تحریم‌های ضد انسانی امپریالیسم آمریکا، فساد فراگیر در سراسر نهادهای حکومتی و سلطه مافیایی سپاه پاسداران و سران رژیم بر اقتصاد کشور، در کنار تعدی و ظلم گسترده و فزاینده حکومت بر ضد شهروندان، در مجموع شرایط بسیار طاقت‌فرسایی را برای اکثریت قاطع مردم میهن ما به وجود آورده است که جامعه را هر روز و بیش‌ازپیش به انفجارهای بزرگ نزدیک‌تر می‌کند.

برای نمونه، در شرایطی که خط فقر بر اساس تعریف نهادهای جمهوری اسلامی معادل ۱۱ میلیون تومان در ماه است، بر اساس گزارش ایلنا، روز ۴ اسفند ۱۳۹۹، نمایندگان دولت و کارفرمایان و به‌اصطلاح نمایندگان کارگری، سبد معاش خانوار متوسط را ۶ میلیون و ۸۹۵ هزار تومان نرخ‌گذاری کردند. روز ۲۳ اسفند، حداقل مزد کارگران برای سال ۱۴۰۰، با ۳۹ درصد افزایش، ۴ میلیون و ۱۹۰ هزار تومان تعیین شد، یعنی رقمی کمتر از سبد معاش یک خانوار متوسط و نزدیک به چهل درصد زیر خط فقر تعریف شده از سوی نهادهای جمهوری اسلامی.

واقعیت این است که هشت سال پس از روی کار آمدن دولت حسن روحانی، و در آستانه برگزاری نمایش سیزدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران، دولت “تدبیر و امید” روحانی برخلاف همه وعده‌هایی که می‌داد، همان‌طور که حزب ما پیش‌بینی کرده بود نه تنها هیچ گام اساسی و مثبتی در راه تحقق حقوق کارگران و زحمتکشان برنداشته است، بلکه امروزه وضعیت زحمتکشان میهن ما در عرصه‌های گوناگون وخیم‌تر شده و کار و زندگی آنها با دشواری‌هایی تازه روبرو شده است.

کارگران و زحمتکشان مبارز و رنج‌دیده میهن!

سالی که گذشت نیز همچون سال‌های اخیر، شاهد گویایی از مبارزه آگاهانه، پیگیر، و فزاینده شما بر ضد رژیم کارگرس‌تیز ولایت‌فقیه بود. مبارزه مداوم کارگران هفت‌تپه، هپکو، و آذراب علیه خصوصی‌سازی، مبارزه کارگران موقتی صنعت نفت، کارگران برق و راه‌آهن کشور، کارگران معادن، کارخانه‌های تولیدی و شهرداری‌ها، مبارزه معلمان و پرستاران علیه به‌کارگیری دل‌الان نیروی کار و برای دریافت مزد انسانی و امنیت شغلی، و به‌خصوص مبارزه پیگیر بازنشستگان کشور، به چالشی جدی برای رژیم ولایت‌فقیه تبدیل شده است.

سیاست‌های کارگرس‌تیز و سرکوبگرانه اعمال شده در سال‌های اخیر نشانگر ماهیت دولت و حاکمیتی است که نماینده کلان‌سرمایه‌داری تجاری و سرمایه‌داری دیوان‌سالار و رانتی کشور است و منافع طبقاتی‌اش در تضاد آشفتنی‌ناپذیر با منافع کارگران و زحمتکشان کشور است. در حال حاضر ده‌ها فعال و رهبر تشکل‌های کارگری قانونی در کشور، بر اساس حکم‌های طولانی‌مدت قضایی در زندان‌های رژیم به‌سر می‌برند. کارگران و فعالان حقوق سندیکایی در کشور، در سال‌های اخیر، ضمن دست زدن به اعتراض‌های گسترده بر ضد سیاست‌های ضد کارگری رژیم، مخالفت خودشان را با تلاش‌های حساب‌شده رژیم برای تغییر دادن قانون کار نیز اعلام کرده‌اند، و رعایت حقوق سندیکایی بر مبنای مقاله‌نامه‌های بنیادین سازمان بین‌المللی کار- به‌ویژه مقاله‌نامه‌های ۸۷ و ۹۸ را که ناظر بر حقوق و آزادی‌های سندیکایی و حق اعتصاب و اجتماع است، خواستار شده‌اند.

کارگران، زحمتکشان، بازنشستگان، دانشجویان، جوانان!

نه تنها برای اکثریت قاطع شما، بلکه برای بخش بزرگی از نیروهای حاکمیت نیز این واقعیت بیش‌ازپیش روشن شده است که رژیم ولایت‌فقیه افزون بر بحران فلج‌کننده اقتصادی در کشور، در بحران گسترده و

عمیق ورشکستگی نظری-سیاسی نیز دست‌وپا می‌زند. حاکمیت اسلامی ایران از طریق بازگشایی راه مذاکره با آمریکا و همچنین کشاندن مردم به پای صندوق‌های رأی نمایش انتخابات ریاست‌جمهوری خرداد ۱۴۰۰، برای تثبیت پایه‌های سست‌شده‌اش و دست‌وپا کردن ذره‌ای مشروعیت و مقبولیت مردمی تلاش می‌کند. شماری از سران رژیم این واقعیت را انکار نمی‌کنند که اگر وضعیت فوق‌العاده در کشور به‌خاطر وجود همه‌گیری ویروس کرونا نبود، این امکان نیرومند وجود داشت که همچون رویدادهای دی‌ماه ۹۶ و آبان‌ماه ۹۸ در صدها شهر کشور، این روزها نیز مردم به‌طور گسترده علیه ظلم و استبداد رژیم تاریک‌اندیش و ضد‌مردمی ولایی به‌پا می‌خواستند.

آغاز سال ۱۴۰۰ خورشیدی با مانورهای حساب‌شده علی‌خامنه‌ای و دیگر سران حکومت، و همچنین شماری از مدافعان شرمگین حکومت استبدادی حاکم آغاز شد. اینان در پشت نقاب "اصلاح‌طلب واقع‌بین" و "چپ‌نگران آینده‌کشور" خواهان "شرکت همه" حتی "مخالفتان نظام" در انتخابات ریاست‌جمهوری شدند. این روند، بخشی از تلاش‌های سازمان‌یافته برای سرگرم کردن جامعه بحران‌زده ما و دلخوش کردن جامعه به تحول‌های بی‌ثمری است که در انتها هدفش تحکیم پایه‌های استبداد دینی در میهن ماست.

همان‌طور که در فراخوان اخیر کمیته مرکزی حزب ما به همه نیروهای ملی و آزادی‌خواه میهن بیان شده است: "ما در روند مبارزه و تجربه‌های پُرفراز و نشیب دهه‌های اخیر به این درک مشترک رسیده‌ایم که رژیم ولایت‌فقیه اصلاح‌ناپذیر است و چشم امید داشتن به انتخابات مهندسی شده‌ای که کارگردان اصلی آن خامنه‌ای و رهبری سپاه است، نه تنها نمی‌تواند گرهی از وضعیت بحرانی موجود باز کند، بلکه در واقعیت امر، یاری رساندن به تلاش مذبحخانه سران حکومت به‌منظور فرونشاندن آتش خشم توده‌ها علیه وضعیت فاجعه‌بار کنونی است. انتظار برگزاری انتخابات آزاد در رژیم انحصارطلب و استبدادی کنونی، همان‌طور که تجربه سال‌های اخیر نشان داده است، همخوان با ماهیت و عملکرد رژیم استبدادی حاکم نیست."

کارگران و زحمتکشان مبارز ایران!

سه‌م تعیین‌کننده طبقه کارگر در به‌پیروزی رساندن انقلاب بهمن ۵۷ نشان داد که جنبش رشدیابنده عمومی مردم بر ضد رژیم ولایت‌فقیه، در کنار شما توان آن را پیدا خواهد کرد تا با مبارزه مشترک، منسجم، و سازمان‌یافته بتواند هر سدی را از پیش پا بردارد. اعتصاب سراسری کارگران و کارمندان، و به‌خصوص کارگران صنعت نفت در سال ۵۷، سرانجام رژیم شاهنشاهی را در هم شکست. در مسیر حرکت و عمل جنبش مردمی کنونی، با همیاری و اتحاد عمل برنامه‌ریزی‌شده کارگران و زحمتکشان میهن ما، بی‌تردید فروپاشی رژیم مستبد ولایت‌فقیه نیز عملی خواهد شد. باید برای این مبارزه آمادگی داشت. حزب توده ایران، حزب مدافع منافع طبقه کارگر و زحمتکشان ایران، بنا به ماهیت اجتماعی-سیاسی‌اش، در طول نزدیک به هشتاد سال تاریخ مبارزاتی‌اش، همواره در کنار شما کارگران و زحمتکشان بوده و پیکار کرده است و همچنان خواهد کرد. توده‌ای‌ها همواره برای تحقق حقوق راستین و پایمال‌شده طبقه کارگر ایران و دیگر زحمتکشان میهن همدوش آنها رزمیده‌اند و به این رزم افتخار کرده‌اند و می‌کنند. حزب ما افتخار می‌کند که در صفوف آن، سندیکالیست‌ها و کارگران رزمنده و انقلابی و آگاهی‌همچون وارطان سالاخانیان، علی‌امید، محمد جانجانیان، علی شناسایی، و حسین پور تبریزی، حسن جلالی و بسیاری دیگر از این چهره‌های ماندگار مبارزه کرده‌اند و نمونه‌هایی درخشان از رزمندگی، شهامت، اخلاق انقلابی، و از خودگذشتگی را در تاریخ جنبش انقلابی و کارگری میهن ما، برای مبارزان آینده آفریده‌اند.

در آستانه بزرگداشت روز جهانی کارگر، روز همبستگی همه کارگران جهان، بیایید هم‌صدا با جنبش سندیکایی جهانی، خواهان امنیت شغلی و مزد و مزایای شایسته برای همه زحمتکشان یدی و فکری، رفع تبعیض نسبت به کارگران زن، که از ستمی دوگانه رنج می‌برند، آزادی فعالیت سندیکایی و حق تشکّل در سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری مستقل، پایان دادن بی‌درنگ به پیگرد و حبس، و سرکوب فعالان سندیکایی، آزادی فوری و بی‌قیدوشرط همه زندانیان سیاسی، کوشش در راه صلح و پیشرفت و همبستگی بین‌المللی، و جهانی فارغ از استثمار بشویم.

بیایید دست در دست یکدیگر، جبهه وسیع ضددیکتاتوری را در مقابل صف واحد ارتجاع، استبداد، و واپس‌گرایی بر پا کنیم و با طرد رژیم ولایی، راه را برای دست‌یافتن به دموکراسی، آزادی‌های دموکراتیک،

و عدالت اجتماعی بگشاییم. تاریخ نزدیک به یک قرن مبارزه قهرمانانه طبقه کارگر ایران، نویدبخش پیروزی نهایی و بی‌تردید خلق بر ضد ارتجاع و استبداد است.

فرخنده باد اول ماه مه، روز جهانی کارگر، روز همبستگی رزمجویانه کارگران و زحمتکشان سراسر جهان! درود به کارگران و زحمتکشان رزمنده ایران! ماندگاریاد خاطره تابناک جانباختگان جنبش کارگری و همه جانباختگان راه آزادی میهن! پیروز باد مبارزه کارگران و زحمتکشان ایران برای تأمین منافع صنفی و سیاسی علیه استبداد مذهبی حاکم! پیروز باد مبارزه خلق در راه طرد رژیم ولایت فقیه و برای آزادی، صلح، استقلال و عدالت اجتماعی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۷ اردیبهشت ۱۴۰۰

خجسته باد اول ماه می روز جهانی کارگر

با تبریک یازدهم اردیبهشت روز جهانی کارگر به تمامی کارگران و زحمتکشان میهنمان و دفاع از خواست های برحق آنان، حمایت و پشتیبانی خود را از مبارزات پیگیر آنان برای رسیدن به عدالت اجتماعی، رفع ستم و شکاف طبقاتی و آزادی اعلام می کنیم.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - هواداران داخل کشور، گروه خرداد



اول ماه مه (برابریازدهم اردیبهشت)، هر سال، روزنمایش اتحاد و همبستگی کارگران و تمام زحمتکشان جهان علیه ظلم و ستم

سرمایه داری است. در این روز کارگران و حقوق بگیران به همراه سایر زحمتکشان در همه کشورهای جهان به اشکال مختلف و از طریق برگزاری راهپیمایی های سراسری، تشکیل میتینگ، جلسات سخنرانی و بحث و گفتگو، عزم و قدرتمندی خود را برای حفظ دستاوردهای حاصل از مبارزات طولانی و متحد طبقه کارگر و تعمیق مبارزه با زیاده خواهی های نظام سرمایه داری، لزوم بازننگری در نظام حقوقی مالکیت برعوامل و مناسبات تولید و ایفای نقش جدی و موثر در ساختار مدیریت و روند تولید و توزیع ثروت اجتماعی به نمایش می گزارند. سال گذشته وبه ویژه امسال اما پاندمی بیماری کوید ۱۹ و ضرورت مقابله با پیامدهای ناگوار آن برای بشریت و به ویژه طبقه کارگر موجب شده است تا کارگران و زحمتکشان نتوانند همچون سال های گذشته مراسم بزرگداشت این روز را، آنگونه که شایسته آن است، برگزار کنند. با این حال اول ماه می امسال نیز کارگران سراسرجهان همراه با سایر زحمتکشان متناسب با شرایط و محدودیت های موجود، این روز بزرگ را جشن گرفته و بار دیگر خواست ها و مطالبات خود را برای برقراری عدالت، آزادی و کاهش شکاف طبقاتی اعلام خواهند کرد.

در ایران نیز کارگران و زحمتکشان میهنمان وهمچنین بخش وسیعی از افسار میانی جامعه که تحت تاثیر سیاست های نابخردانه و ناکارآمدی تصمیم گیران و مدیران اجرایی و سپردن منابع کشور به مشتی چپاول گروباندهای مافیایی و همچنین پیامدهای ویرانگر ناشی از تحریم های ظالمانه غرب و در راس آن ها آمریکا، زیر شدیدترین فشارهای معیشتی قراردارند، مراسم بزرگداشت اول ماه می را، علیرغم مخالفت و ممانعت مقامات جمهوری اسلامی، باشکوه تر از سال های قبل و با استفاده از شیوه های مقتضی و موثر، متناسب با شرایط حاد پاندمی بیماری کوید ۱۹ برگزار خواهند کرد.

با در نظر گرفتن ضرورت رعایت موازین بهداشتی و آگاهی از برخورد بی رحمانه نیروهای امنیتی رژیم با تجمعات کارگری، لازم است به مناسبت پاسداشت روز جهانی کارگر، کارگران و زحمتکشان میهنمان خواست ها و مطالبات عاجل خود را با صدور بیانیه، اطلاعیه و تحلیل شرایط دشوار معیشتیان و علل و عوامل پیدایش و تشدید آن، از طریق شبکه های اجتماعی مجازی، درج در مطبوعات رسمی و قانونی، نشر برگه و جزوه در محیط های کار و برگزاری جلسات سخنرانی و مناظره در هر مکان و زمانی که امکان آن فراهم باشد، به گوش یکدیگر و مسئولین کشور برسانند.

اصلی ترین خواسته ها و مطالبات طبقه کارگرو سایر مزدو حقوق بگیران ایران در شرایط کنونی عبارتند از:

- در اولویت قرار گرفتن واکسیناسیون سراسری کارگران علیه بیماری کووید ۱۹ با استفاده از واکسن های معتبر و به صورت رایگان،

- برقراری حقوق و مزایای کاری متناسب با نرخ تورم و تامین یک زندگی شایسته کرامت انسانی،

- گسترش پوشش خدمات بیمه ای، بهداشتی و درمانی و بازنشستگی برای تمام کارگران و کارکنان کلیه واحدهای تولیدی و خدماتی،

- کمک به تامین مسکن مناسب،

- رفع تبعیض نسبت به کارگران زن و منع کار کودکان،

- آزادی برخورداری از تشکل سدیکیایی و اتحادیه های مستقل کارگری،

- برخورداری از حق اعتصاب و برگزاری تجمعات،

- آزادی فوری و بدون قید و شرط فعالین کارگری در بند، زندانیان سیاسی - عقیدتی و فعالان مدنی.

با تبریک یازدهم اردیبهشت روز جهانی کارگر به تمامی کارگران و زحمتکشان میهنمان و دفاع از خواست های بر حق آنان، حمایت و پشتیبانی خود را از مبارزات پیگیر آنان برای رسیدن به عدالت اجتماعی، رفع ستم و شکاف طبقاتی و آزادی اعلام می کنیم.

مستحکم باد پیوند و همبستگی کارگران و زحمتکشان

پیش به سوی ایجاد اتحادیه های مستقل کارگری سراسری

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - هواداران داخل کشور

گروه خرداد ۱۴۰۰.۰۲.۱۰

خجسته باد اول ماه مه روز نمایش اتحاد کارگران سراسر جهان



PLI (Toufan)

حزب کارایران(توفان)

گرتودوروزی ندهی تن به کار یکسره نابود شود روزگار

طبقه کارگر بیش از صدوسی سال است که در سراسر جهان، اول ماه مه این روزتاریخی را، گرمی می‌دارد. تظاهرات کارگران شیکاگو در اول ماه مه سال ۱۸۸۶ توسط پلیس سرمایه به خاک و خون کشیده شده ولی خاطره نبرد این کارگران محونگشته و اول ماه مه به جلوه ای از همبستگی بین المللی پرولتاریا در سراسر جهان بدل گردید. در این مدت سرمایه داری جهانی کوشش بسیار کرد تا این روز را از میان بردارد، زیرا هراس سرمایه داری از اتحاد و همبستگی و شکل پرولتاریاست. آنجا که این دسیسه با مقاومت کارگران روبرو شد، بر این روز، روز کار نام نهاد و با این عمل وحشت خود را از نام کارگر عیان ساخت.

در اول ماه مه کارگران همه کشورها سوای رنگ، ملیت و مذهب برای رسیدن به زندگی آگاهانه خویش در پیکار علیه بیکاری، گرسنگی، استثمار و بینوائی این روز را گرمی می‌دارند و در این روز جهانی دواوردی متضاد در مقابل هم صف آرای می‌کنند. اردوی سرمایه و اردوی کار، اردوی استثمار و بردگی، اردوی برابری و برادری. خواست همه کارگران جهان محو و نابودی نظم استثماری و بنا نهادن نظمی فارغ از جنگ و فاشیسم و نژاد پرستی، نظمی بری از فقر و بیکاری و فحشا و دزدی و غارت و دروغ‌گویی و ریاکاری و همه آن مظاهر نظام گنبدیده سرمایه داری است.

اکنون در شرایطی به استقبال روز جهانی کارگر می‌رویم که کارگران پس از گذشت چهل و دو سال از انقلاب مردمی بهمن همچنان از هرگونه فعالیت صنفی کارگری ممنوع هستند. رژیم مکارو ضد کارگری سرمایه داری با ممنوعیت اتحادیه‌های مستقل کارگری راه را برای اجرای سیاست‌های ارتجاعی نئولیبرالی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول هموار کرده تا دکتترین شوک درمانی «تعدیل اقتصادی» بدون مواجهه با هیچ مقاومتی متحقق گردد. اما کارگران ایران تسلیم این فضای رعب و سرکوب و شلاق و اختناق نشده و با اعتراض و اعتصاب در مقابل رژیم صف آرای کرده‌اند. اعتصابات کارگری در صدها کارخانه و کارگاه کوچک و بزرگ و همینطور اعتصاب و اعتراض کارمندان، معلمان، پرستاران، و بازنشستگان ... بشدت افزایش یافته و خاموش نشده‌اند.

امروز در شرایطی به استقبال اول ماه مه می‌رویم که شورای اسلامی عالی کار، حداقل دستمزد ماهانه کارگران را برای سال ۱۴۰۰ با افزایش ۳۹ درصدی ۲ میلیون و ۶۵۵ هزار تومان تعیین کرد. مبلغ تعیین شده به اضافه دیگر بخش‌های دستمزد شامل حق مسکن و حق اولاد و حق بن که مجزا پرداخت می‌شود (تا کارفرمایان بتوانند از پرداخت بخشهایی از آن به کارگران مجرد و همچنین کارگران کارگاههای کوچک و کارگران موقت و قراردادی طفره روند) به آنها پرداخت می‌شود، باز هم تا یک چهارم خط فقر است. این حداقل دستمزد طبق افزایش نرخ ارزاق و تورم معادل ۱۰۰ دلار تعیین شده که در مجموع دوازده ماه سال حدود یک هزار و دویست دلار است، یعنی ۴۲۰ دلار کمتر از سال ۹۹ است. این سند گرسنگی و بردگی کارگران است، سیاستی ارتجاعی و ضد کارگری و نئولیبرالی که معیشت و سلامت و موجودیت کارگران فرودستان را تهدید می‌کند و باید متحدا در مقابل آن ایستاد.

اما آنچه امسال باید با توجه به شرایط شیوع ویروس کرونا و متناسب با وضعیت کنونی ایران در روز اول ماه مه مطرح گردد مربوط است به مبارزه:

* برای به رسمیت شناختن اول ماه مه، یازده اردیبهشت، و قبولاندن این روز بعنوان روز تعطیل عمومی

* برای تشکیل اتحادیه های مستقل کارگری
* برای دریافت حقوق معوقه
* برای اضافه دستمزد و طرح متحد حداقل دستمزد مطابق با نرخ تورم
* برای تضمین امنیت شغلی که عامل تضمین امنیت وحدت و تشکیلات خود کارگران است.
* برای بازگشت کارگران اخراجی برسر کار خود
* علیه سیاست اخراج سازی کارگران
* علیه خصوصی سازی صنایع و واحد های تولیدی

* برای آزادی بی قید و شرط همه فعالین کارگری و سایر زندانیان سیاسی
* برای توقف فوری پولی سازی واکسن کرونا و تسریع واکسیناسیون رایگان برای همگان.
* علیه تحریمهای غیرقانونی و ضد بشری اقتصادی و هرگونه مداخله خارجی.

حزب کار ایران (توفان) اول ماه مه، روز کارگر را به همه کارگران ایران که در شرایط اسفناکی بسر می‌برند شاد باش می‌گوید و برایشان در پیکار متحدانه بر علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، بر علیه توطئه های امپریالیستی، برای نان، کار، مسکن و آزادی و کسب حقوق دمکراتیک پیروزی آرزو می‌کند. راه پیروزی کارگران برای احقاق حقوق صنفی و دمکراتیک وحدت و تشکیلات است. پرولتاریای آگاه برای لغو برانداختن استثمار تنها از طریق راهی که لنینیسم نشان می‌دهد قادر است تحت رهبری حزب طبقاتی اش قدرت سیاسی را به کف گرفته، با استقرار سوسیالیسم آینده تابناک بشری را رقم زند. این راه رهائی بشریت و راه تحقق حقوق بشر برای همه کارگران ایران و سراسر جهان است.
زنده باد اول ماه مه روز اتحاد و همبستگی کارگران علیه سرمایه داران!
سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی بدست کارگران و زحمتکشانشان ایران!
زنده باد سوسیالیسم این پرچم نجات بشریت!
دست امپریالیسم آمریکا از ایران و منطقه کوتاه باد!

حزب کار ایران (توفان)
اردیبهشت ماه ۱۴۰۰
www.toufan.org

به پیش برای برگزاری هر چه با شکوهرتر همبستگی کارگران سراسر ایران

امسال مصادف با صدمین سالگرد برگزاری اولین ماه می در سال ۱۳۰۰ در ایران است. در آن روز کارگران ایران توانستند با در صفی هشت هزار نفری متحد، پرچم سرخ را برافرازند، خود را بعنوان نیرویی اجتماعی و سیاسی پرچمدار رهایی مردم ایران، ستمدیگان و استثمار شونده‌گان، توده های شهر و روستا، زنان به حاکمان مرتجع و استعمارگران در کف خیابان ها معرفی کنند. صد سال مبارزه تاریخی این طبقه همچنان ادامه یافته و مرتجعان و سرمایه داران همچنان بر اریکه قدرت سوارند و در این صد سال آنها در اشکال مختلف چه سلطنتی و چه اسلامی با کمک و حتی گاهی در مخالفت با قدرت های امپریالیستی تلاش کردند به گفته خودشان ایران را به مرز تمدن بزرگ رسانند و یا نان و آب و برق مجانی به مردم عرضه دارند. نتیجه این حاکمیت ها و دست در دست بیگانگان دادن چه بیار آورده است؟ پادشاهانش که به سر کورش قسم خوردند، به امر اربان بیگانه آوردند و بردند، نخست وزیرش را که قهرمان ملی کردن صنعت نفت بود، با کودتا برانداختند، جنبش عظیم توده های میلیونی را که علیه امپریالیسم و نظام سرکوبگر سلطنتی، برخاسته بودند با دخالت مستقیم ماموران سی ای ای به نظامی بسا چپاولگرتر، فاسد تر و سرکوبگر تر سپردند. خیانت امپریالیسم آمریکا به مردم ایران تنها محدود به براندازی حکومت دکتر محمد مصدق، سرکوب چپ و کمونیستها نمی شود، پشتیبانی از خمینی در برابر حکومت شاپور بختیار که همچون دکتر مصدق دل به کمک آمریکا بسته بود، و سرکوب کلیه نیروهای چپ و دموکرات در این چهار دهه بزرگترین جنایت

کارترودیدگر شرکت کنندگان نشست جهان سرمایه در گوادولوب است که در حق مردم ایران مرتکب شدند و هیچگاه فراموش نخواهد شد.

امروز سرمایه داری آش شله قلمکاری برای ایران بار گذاشته اند و دعوا بازم بر سر لحاف ملاست. هدف همان هدف صد ساله است: سرکوب جنبش کارگری و انقلابی مستقل ایران. بازیگران نمایندگان همان طبقات ارتجاعی و سرمایه داربا پشتیبانان امپریالیستی اند، هیگرانه تر، به روز شده، در دوران تحولات بزرگ سایبریک، جنگهای نیابتی، دستگاه های بس عریض و طویل امنیتی و جاسوسی و تروریستی مجهز.

در وین تنها مذاکره در باره چگونگی بازگشت به برجام نیست بلکه مذاکره در باره آینده حاکمیت ایران و جلوگیری از کسب قدرت سیاسی از سوی اکثریت مردم است. در پشت میز مذاکره همه هستند، با آمریکا و پشت سر نمایندگان اسرائیل نشسته و کل گرایش راست پرو سرمایه داری حضور دارند. تنها نیرویی که آنجا نیست کارگران و زحمتکشان اند و این خود نشانی است از مرزبندی انقلاب و ضد انقلاب. نشان اینست که مرزبندی طبقاتی تا حد سیاسی کشیده شده است. دیگر نه شعار همه باهم کاربری دارد، نه فریاد طرفداری از مستضعفان می تواند جنبش را به کج راه کشاند. نجات ایران تنها بدست اکثریت عظیم توده های کارگران و زحمتکشان و از طریق شوراهای کارگری در کارخانه ها، محلات و موسسات امکان پذیر است.

دنیای امروز، دنیای نئولیبرالیسم و گلوبال سرمایه داری دنیای نکبت، فقر، بیکاری، عدم امنیت شغلی، رشد و گسترش لشکر بیکاران و آواره گان جهان، دنیای ویرانی محیط زیست، رشد افسار گسیخته ملیتاریسم و ستم و استثمار بر اکثریت بشریت رنجبر و زحمتکش جهان و در برابر دنیای کوچک شدن مشتی از جنایتکاران در هیئتی کوچکتر و متمرکز تر در حاکمیت دولتی و شرکت های سرمایه داری است. طبقه کارگر جهانی و بشریت مترقی این دنیا را نمی خواهند و برای جایگزین کردن آن با جهان نوین سوسیالیستی مبارزه کرده و خواهند کرد. جهانی که بر پرچم آن نوشته شده است "از هر کس به اندازه توانش و به هر کس به اندازه کارش"

حزب رنجبران یازده اردیبهشت روز همبستگی بین المللی کارگر را به طبقه کارگر و همه انسان های عدالت طلب و آزادیخواه ایران و جهان تبریک می گوید

یازده اردیبهشت / اول ماه می، روز همبستگی کارگران را به روز بسیج و سازماندهی وسیع ترین نیروهای آستمارشدگان تبدیل کنیم

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی - مرگ بر امپریالیسم

زنده باد سوسیالیسم

حزب رنجبران ایران

روز جهانی کارگر را گرامی می داریم

سازمانهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور

در آستانه «اول ماه مه»، روز جهانی کارگر، با ورشکستگی اقتصادی و بحران کرونا روبرو هستیم. سیاست های جمهوری اسلامی اقتصاد کشور را ورشکسته نموده، فقر و بیکاری و گرانی را حاکم ساخته و در بیش از یکسال گذشته با ندانم کاری در مقابله با پاندمی کرونا و تعلل در تهیه واکسن آن نابسامانی های موجود را تشدید کرده و سلامت میلیونها تن از ایرانیان را به خطر انداخته است.

امروز ۷۵ تا ۸۰ درصد مردم کشور ثروتمند ایران زیر خط فقر زندگی میکنند. بخش های وسیعی حتی از اقشار متوسط حاشیه نشین شده اند. تورم ۵۰ درصدی و پائین ماندن درآمدها، زندگی را بر مستمری بگیران و بازنشستگان تباه کرده است. اوج و شدت بیکاری باعث شده که بیکاران برای تهیه لقمه نانی، به بدترین

شرایط غیر انسانی تن دهند. میلیونها کودک کار، به علت فقر، به جای نشستن در کلاس درس، ناگزیر به خیابانها روی آورده، زباله گردی میکنند و یا برای ادامه زندگی به هر کاری تن میدهند. در این میان کرونا نیز مزید بر علت شده، به اخراج میلیونها کارگر، از بین رفتن میلیونها امکان اشتغال و فقر بیشتر انجامیده است.

بی‌ثباتی و روند فقیرسازی سیستماتیک مزدبگیران، با تبعیض حداکثری، بیش از همه، خود را در وضعیت معیشتی زنان کارگر نمایان کرده است. در پی افزایش بیکاری و اخراج‌ها، ۷۰ درصد زنان کارگر به بهانه پاندمی کرونا، اخراج و بیکار شده‌اند. حق اشتغال پایین، قرار گرفتن در صف نخست اخراج و بیکارسازی، زندگی زنان کارگر را به شدت بیشتری از مردان تحت الشعاع قرار داده است.

حاکمیت جمهوری اسلامی با بی‌تفاوتی به این شرایط برخورد کرده، کشور را به بن بست کشانده و کوچکترین امیدی نیز برای بهبود وضعیت باقی نگذاشته است. این حاکمیت در تمام طول عمر خویش به جای حل مشکلات مردم و کشور به دنبال صدور انقلاب و شیعیگری به نام مردم ایران بوده و همچنان به دشمن تراشی، گروگانگیری، تروریسم، مداخله سیاسی و نظامی در کشورهای دیگر، غرب ستیزی مشغول بوده و گاه به اعلام درگیری با «جن و انس» پرداخته و مشکلات جامعه را فرعی دانسته است. مبالغ هنگفتی از بودجه کشور برای اهداف مذهبی و نظامی صرف میشود و امور فرهنگی، آموزشی، عمرانی و سازندگی به محاق رفته است.

در چنین شرایط و خیمی یک حاکمیت دلسوز به تقویت سازمان تامین اجتماعی میپرداخت اما دولت با برداشت مبالغ هنگفتی از صندوق این سازمان تحت عنوان وام آن را بیش از پیش تضعیف و با کسری بودجه روبرو کرده است. در گذشته نیز سعید مرتضوی که متهم به جنایت و فساد بود را به ریاست این سازمان گمارده بودند و او در دوران ریاستش شرکتهای تامین اجتماعی را به قیمت یک سوم ارزش واقعی به بابک زنجانی فروخت بدون آنکه به این دلیل مجازات شود.

جمهوری اسلامی هرگونه اعتراض و حق طلبی را به شدت سرکوب میکند. شمار بالایی از فعالان صنفی کارگری و معلمان در زندان بسر میبرند. پاسخ جمهوری اسلامی به اعتراضات گسترده مردم علیه گرانی بنزین در آبان ۹۸ گلوله بود. در اثر عقب گرد تاریخی امروز با مقوله ای شدیدتر از «استثمار انسان از انسان» روبرو هستیم. حاکمیت این نظام الویتش امنیت و بهبود زندگی مردم و کشور نیست بلکه تنها حفظ بقا و ایدئولوژی اش و ادامه چپاول ثروتهای ملی و فروش کشور به بیگانگان است.

روشن است که کارگران، معلمان، بازنشستگان و سایر گروههای اجتماعی در مقابل سیاستهای نظام ساکت نمیشینند. فریاد دادخواهی آنها در کنار همدیگر در اجتماعات اخیر بازنشستگان در سراسر کشور با حضور معلمان و کارگران و دیگر اقشار مزدبگیر بلند بود. اوج نارضایی ها، مصمم بودن معترضین، تعدد اعتراضات، فراگیرتر شدن آنها، اضافه شدن شهرهایی که تجمعات در آنها برگزار میشود و فراصنفی تر شدن شعارهای شرکت کنندگان از ویژگی های اعتراضات اخیر این گروهها بوده است.

به نظر ما راه خروج کشور از شرائط کنونی، جایگزین نمودن جمهوری اسلامی با حکومتی مبتنی بر آزادی، دموکراسی، حفظ تمامیت ارضی و جدایی دین از حکومت است. حکومتی ملی و متکی به آراء مردم که مدافع حقوق همه شهروندان و از جمله کارگران، معلمان و مزدبگیران باشد.

سازمانهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور خواهان اتحاد هرچه بیشتر کارگران، معلمان، بازنشستگان، زنان، دانشجویان و سایر گروههای مدنی جامعه برای اعاده حقوق خویش است. ما تشکیل سندیکا و فعالیت آزاد سندیکائی را حق مسلم کارگران و زحمتکشان ایران میدانیم و از خواست ۱۵ تشکل صنفی سندیکایی برای «ایجاد یک شورای همکاری میان بخش‌های مختلف کارگران، کارمندان و مزدبگیران، معلمان، بازنشستگان، زنان، دانشجویان و بیکاران» پشتیبانی میکنیم.

سازمان ما خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه فعالان کارگری، معلمان زندانی و سایر فعالان صنفی و سندیکائی است. ما همچنان بر لزوم دموکراسی و رعایت و تضمین حقوق و آزادی های شهروندان پافشاری میکنیم و یقین داریم که دیگر برای همه آگاهان روشن است که در فقدان دموکراسی و آزادی دستیابی به عدالت اجتماعی میسر نمیشد.

گرامی باد روز جهانی کارگر

۹ اردیبهشت ۱۴۰۰ برابر ۲۹ آوریل ۲۰۲۱
info@iranazad.info
<http://www.iranazad.info>

بزرگداشت روز جهانی کارگر

کارگران جهان متحد شوید



اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر گرامی باد!

بدین مناسبت، کمیته پادمان کشتار زندانیان سیاسی دهه ۴۰ در ایران، مونترال - کانادا مراسمی ویژه برگزار میکند.

- پیام کمیته پادمان، سخنرانی بمناسبت اول ماه مه

سخنرانان: بهروز خیاب (نگاهی بر اولویتهای جنبش کارگری و ضرورت سازمان پلی شورایی)

غلامرضا غلامحسینی (تشکیل پایی کارگران ایران و ضرورت ایجاد آن)

فیلم مستند: ترانه سرود، پرسش، پاسخ، بحث و تبادل نظر.

تاریخ: یکشنبه ۲ مه، ۲۰۲۱ میلادی برابر با ۱۲ اردیبهشت، ۱۴۰۰ خورشیدی

زمان: 2:00 بعد از ظهر به وقت شرق آمریکا

11:00 صبح به وقت غرب آمریکا

8:00 شب بوقت اروپای مرکزی

10:30 بعد از ظهر به وقت ایران

مکان: این برنامه از طریق شبکه های اجتماعی زوم و فیسبوک برگزار خواهد شد.

Facebook: Komiteyadman,montrealcanada

Zoom:

<https://us02web.zoom.us/j/89797015252?pwd=eFpaWG9nSlhDS1N7dDdwT0M3Z0ZvZz09>

Meeting ID: 897 9701 5252

Pass code: 616894

کمیته پادمان کشتار زندانیان سیاسی دهه ۴۰ در ایران - مونترال ، کانادا

خجسته باد اول ماه می

اول ماه می، روز همبستگی مردمانیست که موتور محرک ادامه حیات و پیشرفت جامعه بشری اند
کمیته همبستگی برای حقوق بشر ایران-نروژ به مناسبت گرامی داشت روز جهانی کارگر برگزار میکند

وبینار مبارزه طبقاتی و جنبش ضد استبدادی در ایران

زمان : پنجشنبه بیست و نهم آپریل برابر با نهم اردیبهشت، از ساعت ۱۹ به وقت اروپای مرکزی، ۲۱:۳۰ به وقت ایران مکان: تالار مجازی زوم

سخن رانی	سخن ران اول جناب آقای
بخش موسیقی	علی فکری
سخن ران دوم جناب آقای	
صادق کارگر	



وقتی که از دموکراسی و رابطه طبقات و افشار
مختلف با آن صحبت می شود، می بینیم که
نصورت همه گروهها و طبقات اجتماعی عینا
یکی نیست



مبارزه طبقاتی در ایران عمری
به درازای تاریخ دارد



کمیته همبستگی برای حقوق بشر ایران - نروژ در بزرگداشت روز جهانی کارگر برگزار می کند. پنجشنبه ۲۹ آپریل برابر با ۹ اردیبهشت از ساعت ۱۹ به وقت اروپای مرکزی (۲۱:۳۰ به وقت ایران) علاقمندان به شرکت در این مراسم کافی است بر روی لینک درج شده کلیک نمایند.

<https://us02web.zoom.us/j/89161219438?pwd=MjRZRjVsaUh4WmQ4cUZhZHhp05GZz09>

به پیشواز اول ماه می

روز جهانی کارگر می رویم!

روز جهانی کارگر در شرایطی فرا می رسد که جهان برای اولین بار در دوران معاصر با یک خطر به ظاهر طبیعی اما بسیار کشنده و واگیردار مواجه شده است. متعاقب آن، قرنطینه جهانی به عنوان مهمترین راه حل از سوی کشورها و دولت ها به عمل آمده است. این وضعیت مقدمه ای برای تعطیل عمومی و توقف کامل بسیاری از روند های تولیدی، خدماتی، حمل و نقل، داد و ستد و جابجایی های معمول در سطح محله ها، شهرها و کشورها گردیده است.

بحران اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در پیش رو، تا همینجا در انتظار بسیاری از کشورهای جهان است. سلامت روانی و بنیان های کارکردی جهان نیز دستخوش تکانش های بزرگی در حال و آینده خواهد بود.

علیرغم این وضعیت فوق العاده و کم سابقه، اما مبارزه طبقاتی همچنان ادامه دارد و چه بسا در هفته ها و ماه های آینده این مبارزه به طرز بی سابقه تر و شکل های تازه تر و مطالبات متناسب با این اوضاع در عرصه های مختلف به میان آورده شود.

توده کار و زحمت در مقیاس جهانی وظایف و تکالیف سنگینی را بر دوش می کشد:

از یک سو سنگینی چند سده بردگی کارمزدی و استثمار بیرحمانه در همه جای گیتی و زنجیرهای به خون آلوده از ستم و بربریت سرمایه داری از پیشرفته ترین ها تا عقب مانده ترها و دوران های مبارزات و انقلابات سهمگین برای سرنگونی سرمایه و بردگی مزدی و... تاکنون نه چندان خوش فرجام و از سوی دیگر ادامه مبارزه و مقاومت در همه عرصه ها علیه شیوه تولید سرمایه داری پیشرفته ترین کشورها و مبارزه علیه این استثمار به علاوه ده ها ستم و نابرابری و بی حقوقی دیگر در کنار دیگر طبقات محروم و فرودست جامعه از جمله زنان، کودکان، سالخوردگان، بیکاران اقلیتهای قومی و ملی و مسلکی و مذهبی در کشورهای اقماری و توسعه نیافته.

طبقه کارگر ایران هم چون برادران و خواهران خود در سراسر گیتی، برای دهه های طولانی از حاکمیت شاه و شیخ زخم این رنج ها را با گوشت و پوست خود تجربه کرده است. در ایران رژیم جمهوری اسلامی همچنان بر طبل ستمگری، بی کفایتی، اختلاس و دزدی، بی تفاوتی نسبت به رنج مردم، صرفاً به تبلیغات یاوه و دروغ بافی ها و رجزخوانی های مخصوص به خود ادامه می دهد. میلیون ها خانواده کارگری و از کار بیکار شده و مشاغل آزاد که با تعطیلی بازار به خیل گسترده بیکاران پیوسته اند چشم بر آینده نامعلوم خود دوخته اند. هزاران مبتلای بیماری کرونا در بیمارستان ها و کادرهای درمانی که در شرایط فقدان تجهیزات و داروهای لازم علیرغم جانفشانی ها نسبت به این بحران انسانی بارها هشدار داده اند، بخشی دیگر از دوزخی است که رژیم ملایان و نوکیسه گان امنیتی و آدمکش و بوروکرات های شکم سیر و گنده دماغ، برای مردم فراهم کرده اند.

این وضعیت ناگوار و خودویژه بایستی با درک و پیش بردن وظایف و تکالیف و مبارزات و تشکل های ویژه و تاکتیک های روز مقابله شود. «گرایش کمونیسم شورایی» با این آگاهی پایه ای که مداخله گری دموکراتیک و رادیکال و شورایی و مقابله با اشکال بوروکراتیک و سترون نظم کهنه بایستی در هر گام به پیش کشیده شود، بر مهم ترین این رویکردها در زیر اشاره می کند:

- مجهز ساختن بیمارستان ها و درمانگاه ها و سایر مراکز اضطراری مطابق با استانداردهای سازمان جهانی بهداشت و طرز عمل کشورهای پیشرو در مقابله با کرونا و تجهیز کادرهای درمانی و حفظ جان و سلامت آنان و متوقف کردن برنامه‌های من درآوردی و بدون پشتوانه علمی و توهم پراکنی و دروغ‌گویی. بساط رمالی و عربده جویی های مشتکی لات و اوباش که با راه انداختن بساط های سینه زنی عامدانه سعی در گمراه کردن مردم دارند بایستی جمع گردد. آن ها مزدوران دستگاه های امنیتی و بیت رهبری هستند و دستگاه اجرایی و قضایی هم عامدانه بر این وضعیت چشم می پوشانند.

- اعلام آمارهای واقعی از شمار مبتلایان و جان باختگان و پاسخگویی به پرسش‌های رسانه‌های آزاد در خصوص عملکرد واقعی دولت در این باره. پزشکان و مسئولان هر بخش بایستی در اعلام حقایق و آمارها در رسانه ها آزاد باشند. آنان باید از هرگونه پیگرد و اعمال فشار از سوی ارگان های امنیتی و دستگاه‌های انتظامی و بوروکراتیک در امان باشند.
- تمام توان مالی و بودجه بندی حکومت و ذخایر تحت عنوان «صندوق تعاون ملی» متناسب با شرایط ویژه کنونی اختصاص یابد. متوقف ساختن ردیف‌های بودجه ای نامربوط و بی تناسب با توان اقتصادی کشور بایستی در دستور کار قرار گیرد. بودجه دست ساز ولی فقیه باید مجدداً به مجلس برگردانده شود. «حکم حکومتی» بایستی از درجه اعتبار قانونی ساقط گردد.
- بایستی به شدت با اختلاس های عوامل رژیم در همین فاصله و در بهره برداری از شرایط اضطراری مردم مبارزه کرد. کارکنان بخش های مختلف اداری بایستی آزاد باشند که با اطلاع رسانی از هر گونه فساد در این باره با رسانه ها و فعالین اجتماعی همکاری کنند. مبارزه با فساد اقتصادی سیاسی فقط و فقط با جریان آزاد اطلاعات امکان پذیر است
- برقراری قرنطینه سراسری لغو محدودیت های ناقص و کج دار و مریز و طرح‌های من درآوردی از سوی دستگاه اجرایی
- پوشش بیمه ای رایگان برای همه مبتلایان و خودداری از حساب سازی های بیمارستانی و اخذ هزینه از بیماران
- گسترش پوشش های پیشگیرانه شامل توزیع ماسک مواد ضد عفونی کننده و داروهای مرتبط کنترل شورا های مردمی در هر یک از این موارد و در مراکز گوناگون صنعتی خدماتی

مطالبات ویژه کارگران و کارکنان مزدی متناسب با این دوران:

- تعمیق و گسترش بیمه بیکاری،
- جلوگیری از اخراج کارکنان کارخانه ها موسسات و مراکز صنعتی و خدماتی و کشاورزی به بهانه توقف تولید و کار،
- آزادی فعالین کارگری و زندانیان سیاسی از سیاهچال های رژیم.
- برای تحقق این مطالبات بایستی شوراها و کمیته‌های ویژه همین دوران توسط کارگران، فرهنگیان، کادرهای درمانی، فعالین بازار و فروشندگان ایجاد گردد حضور و فعالیت این تشکل ها مهمترین عامل بازدارنده از فسادهای گسترده و تشدید شونده عوامل رژیم در این شرایط بحرانی است

زنده باد اول ماه می جشن بزرگ کارگران جهان!
 سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!
 زنده باد حاکمیت شوراهای کارگران و زحمتکشان ایران!
 زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!
 «گرایش کمونیسم شورایی»
 اول ماه می ۲۰۲۰ برابر ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۹ خورشیدی

به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر، روز میثاق، همبستگی و مبارزه کارگران و ستمکشان علیه ستم واستثمار طبقاتی و هر گونه تبعیض

امسال در شرایطی به استقبال روز کارگر می رویم که نظام سرمایه داری امپریالیستی با گستاخی تمام به بهره کشی انسان از انسان، آنهم به شکل وحشیانه در کارخانجات نساجی در داکا، در زیرزمینهای دهلی نو و در باغات انگور و... در اسپانیا، فرانسه و... ادامه می دهد و طبقه کارگر قربانی اول ایدئولوژی سرمایه میباشد. طبقه کارگری که زنان و مردان آن در کشورهایی چون ایران و ترکیه، علاوه بر ستم طبقاتی و ستم جنسیتی بخاطر حاکمیت سرمایه و نظام مردسالار/ دین سالار، ستم ملی را نیز با یکدست شدن جامعه به یک دولت/ یک ملت و انکار دیگر ملتها و تفاوتها روزانه تجربه می کنند. در نتیجه ی سیاستهای ضد کارگری سرمایه که بر محور سود بیشتر میچرخد، طبقه کارگر با معضلات و بحرانهای عدیده ای از جمله بیکاری، فقر، پاندمی کرونا، بحران محیط زیست، رشد فرقه های مذهبی فاشیستی، قدرت گرفتن احزاب اسلامی و ایجاد حاکمیتهای مستبد اسلامی در جهان که خشونت و زن ستیزی، کارگر ستیزی و خلق ستیزی و واشغالگری و استثمار همچون کوتوله های امپریالیستی علیه دیگر ملتها از فاکتورهای مشابه آنان است، روبرو میباشد.

اتخاذ سیاستهای نتولیبرالیستی در جهان، جهت برونرفت از بحرانهای اقتصادی از سوی نظام سرمایه، که خود نظام سرمایه پدید آورنده آن بوده و است، یورش مستقیم بر طبقه کارگر بود. این یورش از مزد کارگران گرفته تا تشکلات مستقل آنان، سن بازنشستگی، صندوق بیکاری کارگران و... را در بر گرفت. انتقال مراکز تولیدی به دنبال نیروی کار ارزان به کشورهای فقیر در آسیا و شبه قاره هند، استثمار بیرحمانه در آن کشورها، بیکاری کارگران در اروپا، امریکا و دیگر کشورها را به دنبال داشته است و چون همیشه بحران سرمایه، سنگینی و عوارضش را بر گرده کارگران تحمیل کرده و زندگی و معیشت آنان، فدای نجات و سودآوری بیشتر صاحبان سرمایه مالی صنعتی و قدرت گشته است. ریاضت اقتصادی یا همان کاهش خدمات عمومی و خصوصی سازیهها که با حمایت نهادهای امپریالیستی چون، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول صورت گرفته است به شدت دستاوردهای کارگران را در اغلب کشورها مورد حمله قرار داده و موجب تضعیف شدید اتحادیه های کارگری گشته است. اعتراضات کارگران به این شرایط با سرکوب توسط پلیس سرمایه روبرو گشته و ما نمونه آن را در سرکوب اعتراضات جلیقه زردها در فرانسه مشاهده کردیم.

در ۲ سال اخیر نیز ناکارآمدی دولتهای بزرگ و کوچک سرمایه در مهار کوید ۱۹، نه به دلیل عدم توانایی مالی دولتها و یا عدم امکانات، دانش و اطلاعات کافی پزشکی، بلکه به دلیل اختصاص بودجه به تقویت نظامیگری و ضد امنیتی، عدم توجه و اختصاص بودجه و سرمایه گذاری در بخش درمانی، تامین سلامت و رفاه در خور انسان، و نیز گردش سرمایه خصوصی در حوزه های سودآوری به نفع انباشت سرمایه و عدم سرمایه گذاری در عرصه های درمانی و، باعث شده است که بیماری کرونا تا به امروز میلیونها انسان را که اکثرا جایگاه طبقاتی آنها کارگری بوده است، به کام مرگ بکشاند. اپیدمی کرونا بیش از هر زمان و هر واقعه دیگر چهره ضد انسانی طبقه حاکم سودمحور و غارت کننده بودجه ی حاصل رنج کارگران در نظامیگری و... را بر حیات انسان برملا ساخت.

ناگفته نماند که سرمایه، تولید و توزیع واکسنهای کرونا را نیز به تجارت سودآوری تبدیل کرده است که دسترسی به واکسن، برای بسیاری از احاد جامعه انسانی در جهان بسیار مشکل و حتی غیر ممکن شده است.

از سوی دیگر، استفاده از ناسیونالیسم و مذهب، جهت تقویت فاشیسم و راسیسم در جهان از سوی دولتهای کارگزار سرمایه یکی دیگر از حمله ها به طبقه کارگر است که در سالهای اخیر بیش از پیش در دستور کارشان قرار گرفته و بخشی از طبقه کارگر را در مقابل بخش دیگر قرار داده است. این سیاست موجب

گشته است طبقه کارگر آواره که امروزه در کشورهای اروپایی به عنوان مهاجر و پناهنده به سر می‌برند) انسانهایی که از فقر، جنگهای امپریالیستی، اشغالگری و تجاوز دولتهای استعمارگر منطقه خاورمیانه و ...، عوارض بحرانهای ایجاد شده توسط سرمایه که پیشتر به آن اشاره شده است مجبور به ترک سرزمینشان شده‌اند) شرایطی بسیار سخت و اسفبار را تجربه کنند. بسیاری از این مهاجران که بخشی از طبقه کارگر جهانی هستند، از سوی سرمایه داران کشورهای میزبان به شدت مورد استثمار قرار گرفته و نیروی کارشان به ارزانترین قیمت مورد بهره‌کشی قرار میگیرد.

طبقه کارگر در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی که اعدام بیش از ۱۰۰ هزار زندانی سیاسی را در کارنامه‌ی سیاه خود دارد و پایه‌هایش بر خشونت و سرکوب علیه زنان، کارگران و خلقهای تحت ستم ریخته شده است، به مراتب سخت‌تر و شدیدتر تحت سرکوب و استثمار قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه رژیم جمهوری اسلامی ایران نیز حلقه‌ای سیاه از زنجیر سرمایه است، با ادغام سیاستهای ضد کارگری، ضد زن و ضد خلقی سرمایه با سیاستهای قرون وسطایی، به شیوه‌ای هارتر و عریانتر کارگران را مورد یورش قرار داده است.

فقر، بیکاری، سفره خالی، عدم امنیت شغلی، دستمزد ناچیز در برابر کار سخت، اخراج به بهانه تعدیل نیرو، مردانه کردن بازار کار و به حاشیه راندن زنان از این بازارمردانه و فعالیتهای اقتصادی، شش ماه حقوق به تعویق افتاده، میلیونها کودک کار، مجبور ساختن زنان و مردان کارگر به تن دادن به کارهای سخت با مزد اندک و غیر رسمی همانند کولبری و سوختبری و کشتار آنان، استثمار وحشیانه کارگران مهاجر از افغانستان و بکارگیری تبعیض دولتی علیه آنان..... واقعیت تلخی را برای طبقه کارگر آفریده است.

ابتلای میلیونی انسانها به کرونا در ایران و عدم دسترسی به درمان و واکسن نیز معضل اکثریت آحاد جامعه گشته است، کارگران و زحمتکشان، زنان و خلقهای تحت ستم بار سنگینتر این معضلات را متحمل میشوند. لازم به یاد آوری است که، رژیم ضد کارگر ج.ا، غیر از نهادهای سرسپرده خود نظیر شوراهای اسلامی کار و خانه ضد کارگر، هیچ نهاد دیگری را نه تنها به رسمیت نمی‌شناسد بلکه اجازه فعالیت را نیز به آنها نمی‌دهد و در عین حال هر ساله با وقاحت، بی‌شرمی و گستاخی تمام، نمایندگان خود را به آی آل او "سازمان بین‌المللی کار" میفرستد.

در چنین شرایطی باید از این نگاه انحرافی که ستم بر طبقه کارگر را فقط در کارخانه و مراکز تولید می‌بیند، عبور نماییم. باید به رسمیت شناخت که صحبت از امحاء، سرکوب و آسیمیلیسیون کارگران خلقهای تحت ستم ملی کورد، بلوچ، عرب و ترک، قتل عام کولبران کورد و سوختبران بلوچ، صحبت از تبعیض و استثمار وحشیانه کارگران مهاجر از افغانستان، صحبت از وجود ستم ملی و ستم طبقاتی است. بیکاری که بدنبال خود فقر و سیه‌روزی و پر شدن زندانها از همین کارگران بیکار را دارد و حتی در زندانها بعنوان ارزانترین نیروی کار مورد استثمار شدید قرار می‌گیرند، کشتار کارگران در محیطهای شغلی ناامن و جاده‌های ناامن، اعتیاد کارگران و جوانان آنها توسط عاملین رژیم به موادهای روان‌گردان و تهی کردن آنها از هر گونه اراده و جسارت انقلابی جوانی، مسائلی با جهت‌گیری سیاسی هستند که توسط طبقه سرمایه‌دار بر علیه طبقه کارگر اعمال میشوند. آسیمیله کردن کارگران در ایدئولوژی شیعی، سرمایه‌داری، فردگرایی، انواع خرافات، تبلیغ عظمت طلبی ایرانی، ناسیونالیستی و فاشیستی، مردسالاری، تبلیغ تشکل‌گریزی و سیاست‌گریزی، تفرقه و پراکندگی، اختلاف انداختن بین کارگران بومی و غیر بومی و... همگی سیاستهای رژیم علیه طبقه کارگر میباشند. تبلیغ اینکه هر کس باید خودش و فقط خودش برای بهبود زندگی خود تلاش کند و امیدی به همبستگی و مبارزه برای ایجاد جامعه دمکراتیک نداشته باشد، سرکوب زنان و به حاشیه راندن آنان در عرصه‌های گوناگون و گسترش فقر زنانه، اعمال خشونت سیستماتیک دولتی علیه آنان و تقویت ذهنیت و فرهنگ زن ستیز، مردسالار و ارتجاعی، نهادینه کردن افکار و مناسبات مردسالاری در جامعه علیه زنان که منجر به قتل، خودکشی، بیکاری، اعمال جنایت کودک همسری بر آنان، اسید پاشی و ... در جامعه ایران میشود، همه و همه مسائلی با جهت‌گیری سیاسی و طبقاتی هستند.

با توجه به وضعیت کارگران و زحمتکشان، زنان، خلقهای تحت ستم ملی و جوانان در ایران، بسیار روشن و عیان است که رژیم جمهوری اسلامی و در کل ساختار دولت/ملت ایرانی صلاحیت اداره جامعه چند ملیتی ایران را ندارد و باید روز اول ماه مه، روز جهانی کارگر هم زمان به روز همبستگی و اتحاد علیه حاکمیت سرمایه ی جهانی و همچنین حاکمیت ارتجاع/ سرمایه/مردسالار، در ایران باشد.

پلاتفرم دمکراتیک ایران ضمن گرامی داشت روز جهانی کارگر، جهت برون رفت انقلابی از رژیم جمهوری اسلامی و جهنم ایجاد شده توسط حاکمیت مطلقه فقیه برای کارگران و همه اقشار جامعه، اتحاد، همبستگی و مبارزه کارگران و زحمتکشان، زنان، جوانان، خلق های تحت ستم و اقلیتهای مذهبی تحت ستم و سرکوب را ضروری میداند و به این اتحاد فراخوان داده، مبارزه خود را در این جهت پیش میبرد.

زنده باد روز جهانی کارگر روز میثاق همبستگی و مبارزه کارگران و ستمکشان، علیه ستم، استثمار و هر گونه تبعیض.

پلاتفرم دمکراتیک ایران

اول ماه مه ۲۰۲۱

برابر با ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۰

اول ماه مه در ایران و مانیفست سازماندهی طبقاتی کارگران

روز کارگر تجلی مبارزه طبقه کارگر علیه نظام استثمار و ستم سرمایه داری است. بیانیه مشترک روز کارگر پانزده شکل کارگران، معلمان، بازنشستگان و زنان در ایران در تاریخ ۶ اردیبهشت ۱۴۰۰ به وضوح این را منعکس کرده است. بیانیه نیز بر این تکیه دارد که طبقه کارگر به نیروی خود آزاد می شود و برای امرآزاد شدن می بایست خود را متشکل و سازماندهی کند.

با وجود گسترش اعتراضات کارگری که در تاریخ جنبش کارگری ایران بی سابقه بوده است، چرا مبارزات عظیم کارگران به همان نسبت از تشکل و سازماندهی برخوردار نیست. بیانیه بدرست با اشاره به مشکل پراکنده گی راه حلش را در ایجاد تشکیلات درون واحدهای کار، همکاری جدی و سازمانیافته و سراسری می داند که بدون اینها نتیجه کار شکننده خواهد بود. هم مبارزات به هدر می رود و هم راه سرکوب هموار می شود.

بیانیه بدرست حلقه اصلی کار سازماندهی مستقل طبقه کارگر را در ایجاد یک شورای همکاری میان بخش های مختلف کارگران و مزدبگیران و زنان و بازنشستگان و بیکاران و دانشجویان و معلمان و کارمندان می داند و آن را برای هماهنگی میان مبارزات پراکنده و گسترش همبستگی ضروری و حیاتی می داند.

اول ماه مه تاریخا بر اتحاد و همبستگی جهانی کارگران و سازماندهی مبارزه مستقل طبقه کارگراتکا دارد و بیانیه حاضر با توجه به شرایط عینی در ایران چنین رویکردی را منعکس کرده است که خود گامی جدی برای گسترش مبارزه جاری طبقاتی خواهد بود.

کانون کارگران سوسیالیست

kkargaransocialist@gmail.com

۲۹ آپریل ۲۰۲۱

بیانیه حمایت کنفدراسیون سراسری ایتالیا از کارگران ایران به مناسبت روز جهانی کارگر

کنفدراسیون سراسری ایتالیا برای کار، قدیمی‌ترین و بزرگترین سندیکای کارگری ایتالیا می‌باشد که کارگران ایتالیا را نمایندگی می‌کند. این سندیکا با بیش از ۵ میلیون عضو از کارگران در سال ۱۹۰۶ تاسیس شده است. در حال حاضر سندیکای سی جی آی ال؛ ۱۲ صنف و قشر را در سطح سراسری در ایتالیا نمایندگی می‌کند و دارای ۱۱۵ شعبه در شهرهای مختلف ایتالیا می‌باشد. سندیکای سی جی آی ال، جزء کنفدراسیون اروپائی سندیکاها و کنفدراسیون بین‌المللی سندیکاها نیز می‌باشد

بیانیه حمایت از کارگران ایران – به مناسبت روز جهانی کارگر

تاریخ: ژوئن ۲۰۲۱

در شرایط کنونی که رژیم ایران پایه‌ای‌ترین حقوق شهروندان ایرانی را نقض می‌کند؛ نقض سیستماتیک حقوق کارگران در ایران، توسط رژیم حاکم بر این کشور طی سالهای گذشته مستمرا ادامه داشته است. شرایط معیشتی اقشار مختلف ایرانی بویژه کارگران، در حال حاضر بسیار سخت و میلیون‌ها نفر در زیر خط فقر بسر می‌برند.

مهمترین مؤسسات تولیدی و اقتصادی که کارگران در آن اشتغال دارند در دست سپاه پاسداران ایران و یا ارگانها و عوامل خصوصی وابسته به آن است که حداکثر فشار و سرکوب را بر کارگران اعمال می‌کنند. این در شرایطی است که بسیاری از کارگران ماه‌ها و یا سال‌ها حقوق خودشان را دریافت نکرده‌اند. وضعیت کارگران هر روز وخیمتر می‌شود و فقر و بیکاری و تورم، مرز بسیار شدید، پیدا می‌کند. طی یک سال گذشته، هزاران کارگر کارخانه‌های تولیدی و صنعتی در شهرهای مختلف ایران، در اعتراض به پرداخت نکردن دستمزدهای اولیه خود و نداشتن هیچگونه حق بیمه و یا مزایای دیگر اعتصاب کردند که تعدادی از آنها کماکان ادامه دارد.

رژیم ایران مطابق با کنوانسیونهای بین‌المللی کار، که ایران یکی از کشورهای عضو آن است، حقوق و آزادیهای اتحادیه‌های کارگری را به رسمیت نمی‌شناسد

در آستانه روز جهانی کارگر؛ در همبستگی با کارگران ایرانی، ما از اعتراضات و اعتصابات آنان در ایران برای رسیدن به حقوق اولیه خودشان، حمایت می‌کنیم.

ما به مناسبت روز جهانی کارگر؛ ضمن حمایت از کارگران ایرانی، از عموم مراجع و ارگان‌های مدافع حقوق کارگران می‌خواهیم؛ پایمال کردن حقوق اولیه کارگران ایرانی را محکوم کنند.

ما از عموم فدراسیون‌ها، اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری در کشورهای مختلف می‌خواهیم به این اعلام همبستگی کارگران پیوسته، از هر طریق ممکن که می‌توانند، به یاری آنها در ایران شتافته و از خواسته‌های به حق‌شان حمایت کنند.

ما از سازمان ملل و سازمان بین‌المللی کار می‌خواهیم از حقوق اولیه کارگران ایران و نقض سیستماتیک آن توسط رژیم ایران، محافظت کنند

امضا:

روبرتو روسینی دبیرکل سندیکای کارگران سی جی آی ال – استان پزارو – اوربینو، ایتالیا

پلاتفرم سندیکاهای کارگری سوئد در حمایت از فراخوان اول ماه مه

فراخوان جهانی، برای حمایت از جنبش کارگری

شرایط کار و معیشت کارگران ایران در سال ۱۳۹۹ شمسی نسبت به سالهای گذشته باز هم وخیم تر شد. دستمزدهای معوقه طولانی مدت یعنی بدهی کافرمان به کارگران اکنون به یک امر طبیعی نه فقط در بخش خصوصی بلکه در مراکز کار دولتی نیز تبدیل شده است. بنا به اظهار نظرهای رسمی و دولتی ۵۹ درصد کارگران ایران شامل قراردادهای موقت بوده و امنیت شغلی در ایران امروز معنایی ندارد. نتیجه خصوصی سازی های سالهای اخیر گسترش دستمزدهای معوقه، افزایش بیکاری و تعطیلی بیشتر مراکز تولیدی بوده است. ارزش ریال همچنان سقوط کرده و دستمزدهای واقعی کارگران چندین برابر کاهش پیدا کرده است. افزایش فزاینده ویروس کرونا و مرگ و میر بسیار بالای ناشی از آن و سیاست بسیار غیرمسئولانه و غیر انسانی مقامات جمهوری اسلامی در چگونگی استفاده از واکسن ضد کرونا شرایط زندگی کارگران و زحمتکشان در ایران را بسیار مخاطره آمیزتر کرده است. با این وجود اما کارگران ایران تسلیم این شرایط نشده و اعتراض، تجمع، راهپیمایی، تحصن و اعتصاب به امری روزمره در ایران تبدیل شده است. کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان، زنان، روزنامه نگاران، نویسندگان و اقشار مختلف مردم به اشکال گوناگون به این شرایط اعتراض کرده و خواهان تغییرات بنیادی در شرایط کار و زندگی می باشند. اما پاسخ جمهوری اسلامی به این اعتراضات برحق و انسانی اخراج، تهدید، ارباب، زندان و شکنجه بوده است. تعداد زیادی از فعالین عرصه های مختلف کارگری، اجتماعی و فرهنگی به اتهام "توطئه جهت برهم زدن امنیت ملی" متهم شده، در بازجویی ها مورد شکنجه قرار گرفته و به زندانهای طویل المدت محکوم میشوند. مجازات های قرون وسطایی مانند شلاق نیز اغلب بکاربرده میشود. با وجود آزادی تعدادی از فعالین کارگری در ماههای اخیر از جمله جعفر عظیم زاده، تعداد زیادی از این فعالین از جمله اسماعیل عبدی دبیر کانون صنفی معلمان، نسرين ستوده و کیل، حسن سعیدی از اعضای سندیکای اتوبوسرانی، صبا کردافشاری، گلرخ ایرانی، بتول امینی ده یادگاری فعال حقوق زنان، بکتاش آبتین، رضا خندان (مهلبادی) و کیوان باژن از اعضای کانون نویسندگان ایران و محمد رسول اف کارگردان سینما و تعداد بسیار بیشتری همچنان در زندان بسر میبرند. اول ماه مه روز اعتراض کارگران در سراسر جهان علیه شرایط نابرابر و برای بهبود شرایط کار و زندگی است. این شرایط در ایران بسیار اسفناک و بحرانی است. تعدادی از تشکل های کارگری و اتحادیه ای، معلمان و بازنشستگان در ایران ضمن اعتراض به این شرایط و طرح مطالبات گوناگون فراخوان مشترکی را برای روز اول ماه منتشر کرده اند. در این اطلاعیه خواستهای حق داشتن تشکیلات مستقل، تجمع، اعتراض، حق اعتصاب، آزادی تمامی کارگران، معلمان، دانشجویان و همه فعالان مدنی و سیاسی، برقراری حقوق برابر برای زنان و مردان، افزایش حداقل دستمزد متناسب با تورم واقعی، لغو خصوصی سازی ها، توقف فوری کار کودکان، تامین بیمه فراگیر، در اختیار گذاشتن تمامی امکانات ایمنی و بهداشتی به کادر درمانی برای مقابله با ویروس کرونا، تامین اجتماعی و بیمه بیکاری مکفی و حق برخورداری از آزادی بیان و آزادی شده اند. پلاتفرم سندیکاهای کارگری سوئد ضمن شادباش روز اول مه مه روز جشن و مبارزه جهانی کارگری حمایت خود از این فراخوان را اعلام داشته و از مقامات جمهوری اسلامی میخواهد که این خواستها که جزو حقوق بنیادین و برسمیت شناخته شده جهانی، از جمله مقوله نامه های شماره ۸۷ و ۹۸ سازمان جهانی کار و همچنین کنوانسیون شماره ۳۲ حقوق بشر سازمان ملل، است را تصویب و آنها را اجرا نماید. ما به سهم خویش برای جلب حمایت بین المللی از این خواستها با استفاده از روابط خود با سندیکاهای کارگری و نهاد های بین المللی به تلاش همیشگی خود ادامه خواهیم داد.

۲۰ آوریل ۲۰۲۱

پلاتفرم سندیکاهای کارگری سوئد/ایران

